



تاریخچه طب نظامی

تاریخچه طب نظامی از دوران ایران باستان تا پایان هشت سال دفاع مقدس

گردآوری و تدوین: سرتیپ ۲ دکتر خسرو نامجوی نیک

سرشناسه: نامجوی نیک، خسرو، ۱۳۱۶-

عنوان و نام پدیدآور: تاریخچه طب نظامی از دوران ایران باستان تا پایان هشت سال دفاع مقدس/

گردآوری و تدوین: خسرو نامجوی نیک.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۵۷ ص: مصور، نقشه، جدول.

شابک: ۵۰۰۰ ریال: ۸-۷۲-۷۶۰۷-۷۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: پزشکی نظامی -- ایران

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ ت۲ ۱۷/۱ / RC۹۷۱

رده‌بندی دیویی: ۶۱۶/۹۸۰۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۳۳۴۸۸

: سرטיפ ۲ دکتر خسرو نامجوی نیک

: اول/ ۱۳۸۹

: انتشارات ایران سبز تهران- صندوق پستی ۱۶۷۶۵-۳۶۹۷

: ۸-۷۲-۷۶۰۷-۷۶۴-۹۷۸

: ۲۰۰۰

: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰

: ۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است.

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان
انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت
و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام
نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند.

امام خمینی(ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ، یک گنج است.
آیا خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن
هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه بکند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

همکاران هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

برای کتاب «تاریخچه طب نظامی»

سرטיפ ستاد ناصر آراسته سرپرست هیأت و شورای سیاست‌گذاری، بررسی اولیه و نهایی کتاب

سرטיפ ستاد سیدحسام هاشمی جانشین، عضو شورای سیاست‌گذاری، بررسی اولیه و نهایی کتاب

سرטיפ ستاد اسدالله حیدری عضو شورای سیاست‌گذاری

سرטיפ ستاد رضا خرم‌طوسی عضو شورای سیاست‌گذاری

سرטיפ ستاد سید ناصر حسینی عضو شورای سیاست‌گذاری

سرטיפ ۲ ستاد نجات‌علی صادقی‌گویا امور فنی، آماده‌سازی و نظارت در تمام مراحل تکمیل، نشر

آقای غلامحسین قدسی حروف‌نگاری

آقای حامد خدمتی صفحه‌آرایی

سرטיפ ۲ دکتر خسرو نامجوی نیک نویسنده

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از بازیافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری «هیأت معارف جنگ» که از پاییز سال ۱۳۷۳، با بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش «پژوهشی - آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خدا دارد.

شیوه کار هیأت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشته‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار داده‌اند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت آموزش نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای هر سه دانشگاه افسری زمینی، هوایی و دریایی به اجرا در آمده و تا زمان چاپ این کتاب ادامه دارد و به یاری پروردگار ادامه خواهد داشت

هیأت معارف جنگ « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

فهرست مطالب

۱۳	معرفی نویسنده
۱۵	قدردانی
۱۷	پیشگفتار
۲۱	فصل یکم: نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان
۲۱	مقدمه
۲۱	سابقه طب و طبیبان نظامی
۲۱	پزشکی نظامی امروز
۲۲	تجربیات دفاع مقدس
۲۳	دوران قبل از اسلام
۲۶	طلوع اسلام
۳۴	پزشکی ایران بعد از صفویه
۳۶	پیشرفتهای پزشکی در غرب
۳۶	تشکیل سازمانهای امداد و نجات در جنگهای بزرگ
۳۸	چگونگی وضع پزشکی نظامی ایران تا قرن سیزدهم، ه. ق
۳۹	اعزام اولین محصلین ایرانی به خارج از کشور
۴۰	تأسیس دارالفنون و ورود اساتید خارجی از غرب
۴۳	تأسیس شورای بهداشتی تهران و بیمارستان آلمانیها
۴۵	دارالفنون به جای مدرسه نظامیه
۴۶	تأسیس مریضخانه دولتی (بیمارستان سینا)
۴۶	تأسیس دانشکده داروسازی
۴۷	مجلس حفظ الصحه
۴۹	آموزش پزشکی در مطب ها
۵۰	استقلال مدرسه طب
۵۱	تأسیس مدرسه دندانسازی (دندانپزشکی)
۵۱	تأسیس دانشگاه

۵۳	فصل دوم: تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان
۵۳	طب نظامی در جهان
۵۴	اهم مراحل تکامل سازمانی طب نظامی در آمریکا
۵۴	۱. جنگ استقلال
۵۴	۲. اقدامات پس از جنگ استقلال
۵۵	۳. کانونهای اولیه تحقیق
۵۵	۴. جنگ داخلی
۵۶	۵. جهشهای پس از جنگ
۵۷	۶. جنگ اسپانیا و آمریکا
۵۸	۷. قرن جدید و ایده های نوین
۶۰	۸. جنگ جهانی اول
۶۱	۹. مدت زمان بین دوجنگ جهانی
۶۳	۱۰. جنگ جهانی دوم
۶۴	۱۱. دوران پس از جنگ جهانی و کشورکره
۶۶	۱۲. جنگ ویتنام
۶۹	۱۳. بعد از جنگ ویتنام
۷۰	۱۴. زمان سختیها و کارهای مفید
۷۱	۱۵. آیین نوین، روح تحقیق
۷۲	۱۶. جنگهای جدید، بقای تهدیدات
۷۴	۱۷. مراقبت مدبرانه و تجدید سازماندهی ساختاری (AMEDD)
۷۶	طب نظامی در ایران از قاجاریه تا شهریور ۱۳۵۹
۷۸	تأسیس اولین بیمارستان نظامی
۸۱	تأسیس بیمارستان آمریکایی
۸۱	تشکیلات فرهنگی و بهداشتی خارجیان در ایران
۸۲	مراکز درمانی خارجیان در ایران
۸۵	سرگرد دکتر عبدالله خان احمدیه
۸۷	بیمارستان نظامی احمدیه
۸۷	دواخانه نظامی

۸۹	سازماندهی اداره صحیه نظام
۹۰	تصویب نظام نامه صحیه قشون
۹۰	صحیه قشون
۹۲	سازماندهی قشون و تشکیل مدرسه نظام کل قشون
۹۳	نمودار سازمان ارکان حرب کل قشون
۹۴	کارکنان اولین دایره صحیه کل قشون
۹۴	مریضخانه یوسف آباد
۹۵	تشکیلات اداره صحیه کل قشون
۹۶	تشکیل داروخانه سپه
۹۷	نمودار سازمان وزارت جنگ
۹۸	اسامی رؤسای اداره بهداری ارتش
۹۹	نمودار سازمان اداره بهداری نیروی زمینی (۱۳۵۹)
۱۰۰	اداره بهداری نیروی هوایی
۱۰۱	آموزشگاه پزشکی و معین پزشکی
۱۰۱	نظری به تاریخ دامپزشکی (بیطاری) ارتش
۱۰۲	مدرسه عالی بیطاری
۱۰۳	تشکیل دوره رسته بهداری دانشگاه نظامی
۱۰۳	بهداری ژاندارمری
۱۰۵	نمودار اداره بهداری ژاندارمری
۱۰۶	اسامی رؤسای بهداری ژاندارمری
۱۰۶	رؤسای بیمارستان ژاندارمری مرکز
۱۰۶	پزشکان نظامی مشهور این دوره
۱۱۵	فصل سوم: تاریخچه سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی موجود در آغاز دفاع مقدس
۱۱۵	مقدمه
۱۱۹	تجاوز و هجوم آغاز می شود
۱۱۹	الف: سازمانهای اداری، بیمارستانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی مستقر در تهران
۱۱۹	۱. اداره بهداری ارتش
۱۲۰	۲. اداره بهداری نیروی زمینی

- ۱۲۲ ۳. اداره بهداشتی نیروی هوایی
- ۱۲۴ ۴. اداره بهداشتی نیروی دریایی
- ۱۲۶ ۵. بیمارستانها و مراکز تخصصی تابع نیروی زمینی درتهران
- ۱۲۶ بیمارستان ۵۰۱ تخصصی تهران
- ۱۲۶ بیمارستان ۵۰۲ تخصصی تهران
- ۱۲۶ بیمارستان ۵۰۳ جراحی و زنان و زایمان
- ۱۲۶ بیمارستان ۵۰۴ چشم و گوش و حلق و بینی
- ۱۲۷ بیمارستان ۵۰۵ بیماریهای ریوی
- ۱۲۷ بیمارستان ۵۰۶ اعصاب و روان
- ۱۲۷ بیمارستان خانواده ارتش
- ۱۲۷ آماذگاه ۵۰۱ بهداشتی (داروخانه سپه سابق)
- ۱۲۹ مرکز تحقیقات علوم آزمایشگاهی پاتوبیولوژی و مرکز انتقال خون
- مرکز تخصصی علوم آزمایشگاهی
- ۱۲۹ مرکز تخصصی دندانپزشکی ۶۰۰ و مرکز رادیولوژی نیروی زمینی
- ۱۲۹ ۶. بیمارستان مرکزی نیروی هوایی (بیمارستان بعثت)
- ۱۲۹ ۷. بیمارستان مرکزی نیروی دریایی (بیمارستان گلستان)
- ۱۳۰ ب :سازمانها، مؤسسات بهداشتی درمانی و بیمارستانهای عمومی خارج ازتهران
- ۱۳۰ ۱. بیمارستانهای تابع نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران(نزاجا)
- ۱۳۰ پشتیبانی منطقه ۱ غرب
- ۱۳۰ پشتیبانی منطقه ۲ جنوب
- ۱۳۱ پشتیبانی منطقه ۳
- ۱۳۱ پشتیبانی منطقه ۴
- ۱۳۲ ۲. بیمارستانهای تابع نیروی هوایی (نهاجا)
- ۱۳۲ ۳. بیمارستانهای تابع نیروی دریایی (نداجا)
- ۱۳۲ پ : سازمانهای بهداشتی درمانی پشتیبانی مناطق:
- ۱۳۲ گردانهای خدمات بهداشتی
- ۱۳۳ بیمارستانهای صحرایی
- ۱۳۳ بیمارستانهای کانکسی سیّار

- ۱۳۳ بیمارستان چادری ۵۰ تختخوابی شهباز
- ۱۳۴ ت : سازمانهای بهداشتی و درمانی یگانهای رزمی
- ۱۳۵ فصل چهارم: اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس
- ۱۳۵ آغاز جنگ و اقدامات بهداشتی درمانی نیروی زمینی
- ۱۳۶ تحول و شتاب در اقدامات بهداری نیروی زمینی
- ۱۳۸ بیمارستانهای نیروی زمینی در خدمت رزمندگان دلیر نظام جمهوری اسلامی ایران
- ۱۳۸ بیمارستانهای ثابت منطقه ای
- ۱۳۸ بیمارستان منطقه ای ۵۷۸ اهواز
- ۱۳۹ بیمارستان منطقه ای دزفول
- ۱۳۹ بیمارستان منطقه ای ۱۰۰ تختخوابی ۵۲۰ کرمانشاه
- ۱۳۹ بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی منطقه ای ۵۲۴ سنندج
- ۱۳۹ بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی ۵۲۳ ارومیه
- ۱۴۰ بیمارستان ۵۰ تختخوابی منطقه ای ۵۲۶ پیرانشهر
- ۱۴۰ تأسیس بیمارستانهای صحرایی جنوب
- ۱۴۱ بیمارستان کانکسی سیار ۶۰ تختخوابی سپینا
- ۱۴۲ بیمارستان ۵۰ تختخوابی چادری شهباز
- ۱۴۲ بیمارستان صحرایی زیرزمینی چنانه (شهید مخبری)
- ۱۴۳ بیمارستان (زیر زمینی) صحرایی حمید (ایستگاه حمید)
- ۱۴۵ بیمارستان صحرایی (زیر زمینی) حسینیه
- ۱۴۶ تأسیس بیمارستانهای صحرایی غرب
- ۱۴۶ بیمارستان صحرایی (زیر زمینی) منطقه ای ۵۲۸ سومار (شهید سرگرد دکترهجرتی)
- ۱۴۷ بیمارستان صحرایی (زیر زمینی) نفت شهر
- ۱۴۷ بیمارستان صحرایی (زیرزمینی) پادگان ابوذر (سرپل ذهاب)
- ۱۴۸ تأسیس بیمارستانهای صحرایی شمال غرب
- ۱۴۸ بیمارستان صحرایی کولان
- ۱۴۹ بیمارستان صحرایی (زیرزمینی) کلاشین (شهدای بدر)
- ۱۵۰ تأسیس مراکز اورژانس در مناطق عملیاتی

۱۵۰	اورژانس مصدومین شیمیایی گیلان غرب
۱۵۰	اورژانس درمانی تیپ ۳ مریوان
۱۵۱	همکاری بهداریهای نذاجا با سازمانهای پزشکی نظامی دیگر
۱۵۱	بیمارستان صحرایی شهید رضائیان در شمال غرب متعلق به سپاه پاسداران
۱۵۱	بیمارستان شهید بقایی دزفول متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۱۵۱	اقدامات و فعالیت‌های اداره بهداشت و درمان نهاجا در طول هشت سال دفاع مقدس
۱۵۵	پیوست‌ها: اسناد
۱۵۸	مأموریت‌های سرهنگ دکتر خسرو نامجونیک
۱۶۰	گزارش مأموریت‌های تیم ارزشیابی پزشکی نذاجا
۱۶۳	بازدید از بیمارستان‌ها و یگان‌های بهداری
۱۶۵	گزارش پایان کار بازدید از یگان‌های مسیر اول
۱۶۸	گزارش پایان کار بازدید از یگان‌های مسیر دوم
۱۷۴	گزارش پایان کار بازدید از یگان‌های مسیر سوم
۱۷۹	گزارش پایان کار بازدید از یگان‌های مسیر چهارم
۱۸۱	مأموریت‌های پزشکان، تکنسین‌های پزشکی، پزشکیاران و افسران خدمات بهداری نذاجا
۱۸۹	مأموریت‌های پزشکان نهاجا در دفاع مقدس
۱۹۵	اسامی شهدای رسته بهداشت و درمان ارتش ج.ا.ا در دفاع مقدس
۱۹۹	اسامی آزادگان رسته بهداشت و درمان ارتش
۲۰۰	اسامی هیئت رئیسه اداره بهداشت و درمان نذاجا
۲۰۰	اسامی هیئت رئیسه اداره بهداشت و درمان نهاجا
۲۰۱	اسامی هیئت رئیسه اداره بهداشت و درمان نداجا
۲۰۱	اسامی مسئولان بیمارستان‌های تابعه نیروهای سه گانه ارتش در دوران دفاع مقدس
۲۰۹	تصویر مدارک، عکس‌ها
۲۴۷	منابع
۲۵۱	نمایه

معرفی نویسنده



سرتیپ دوم دکتر خسرو نامجوی نیک

متولد ۱۳۱۶ تهران

پس از تحصیلات ابتدائی، دوره‌های متوسطه را در دبیرستان‌های حکیم نظامی و دارالفنون گذراند.

سال ۱۳۳۵ در کنکور سراسری دانشکده دندان پزشکی تهران

پذیرفته شد.

سال ۱۳۳۶ وارد دانشکده افسری گردید و در ۱۳۳۸ از این دانشکده با درجه ستوان دومی

فارغ التحصیل شد.

سال ۱۳۴۱ موفق به اخذ دکترای دندان پزشکی از دانشگاه تهران گردید.

طی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ در یگان‌های مستقر در منجیل، کرمانشاه، خرم‌آباد لرستان

به عنوان افسر دندان پزشکی مشغول خدمت بود.

سال ۱۳۵۱ جهت طی دوره تخصصی اندودنتیکز در دانشکده دندان پزشکی تهران پذیرفته شد.

سال ۱۳۵۴ دوره‌های تخصصی را به پایان رساند و در مرکز تخصصی دندان پزشکی

نیروی زمینی تهران مشغول خدمت شد.

هنگام پیروزی انقلاب اسلامی همراه دیگر کارکنان معتقد به انقلاب اسلامی در حفظ

انسجام بهداری نیروی زمینی تلاش نمود.

اسفند ۱۳۵۹ به صورت داوطلب راهی بیمارستان اهواز شد.

تیرماه ۱۳۶۰ به سرپرستی بیمارستان اهواز در منطقه عملیات منصوب گردید.

آبانماه ۱۳۶۰ پس از انتصاب سرهنگ علی صیادشیرازی (شهید بزرگوار) به فرماندهی

نیروی زمینی به عنوان معاون اداری بهداری نیروی زمینی منصوب شد و تا پایان دفاع مقدس در

همین سمت مشغول خدمت به رزمندگان جان برکف ارتش جمهوری اسلامی بود.

دیماه ۱۳۶۷ به تقاضای شخصی با درجه سرتیپ دوم بازنشسته گردید.

از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ به‌عنوان مدرس در گروه اندونتیگز دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران مشغول خدمت بود.

از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۰ در محل معاونت اداری دانشکده دندانپزشکی شاهد قرار داشت. در ۱۳۷۷ در مورد تخصصی اندونتیگز شرکت نموده و موفق به اخذ مورد تخصصی گردید. در طی این سال‌ها عضو هیئت مؤسس و چند دوره به‌عنوان دبیر شورای مرکزی جامعه اسلامی دندان پزشکی ایران برگزیده شد.

عضو هیئت مؤسس و رئیس هیئت مدیره اولین دوره انجمن دندان پزشکی ایران. مدیر مسئول مجله دندان پزشکی از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۰ با ارائه کلیه سرمقاله‌های سیاسی اجتماعی و در حال حاضر مدیر مسئول فصلنامه «لبخند» در زمینه دندان پزشکی مستند. کارشناس تخصصی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران. از سال ۱۳۸۱ تا کنون افتخار همکاری در سمت مسئول تیم بهداری با هیئت معارف جنگ.

اثرات و تألیفات:

۱- سرمقاله‌های سیاسی اجتماعی مجله دندان پزشکی از ۱۳۶۴ تا ۱۳۸۰

۲- مقالات سیاسی اجتماعی در روزنامه کیهان به شرح زیر:

- کیهان چهارشنبه ۸۰/۷/۱۸ بوش جای پای هیتلر
- کیهان دوشنبه ۸۱/۹/۴ تعهدهای پاول و رابطه‌اش با منافع بعضی‌ها
- کیهان چهارشنبه ۸۰/۸/۲ سیمای راستین حزب‌الله
- کیهان یکشنبه ۸۰/۸/۶ حزب‌اللهی بودن
- کیهان چهارشنبه ۸۰/۸/۱۶ آنها می‌میرند تا اسلام زنده بماند
- کیهان چهارشنبه ۸۰/۸/۹ حزب‌الله روح خدا است

۳- کتاب ترجمه اصول پزشکی مستند ۱۳۸۲

قدردانی:

لازم است از مساعدتها و تلاش عزیزانی که در جمع اطلاعات و اسناد، حروفچینی و صفحه‌آرایی و تصحیح و هدایتهای ارزنده مطالب این مجموعه همکاری نموده‌اند نهایت سپاسگزاری گردد.

۱. سرتیپ ستاد ناصر آراسته؛ ریاست محترم هیأت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» در نظارت عالی و رهنمودهای ارزنده

۲. سرتیپ ۲ نجاتعلی صادقی گویا؛ در ارائه خط مشی تدوین کتاب

۳. سرتیپ ۲ محمود ریاحی؛ در بررسی دقیق متون، نقد و ارائه راه کار

۴. اعضای تیم بهداری هیئت معارف جنگ و مسئولین دفاتر تیم بهداری در نیروهای سه‌گانه بشرح زیر در جمع آوری اطلاعات و اسناد و بررسی متون.

- سرتیپ دکتر غلامرضا سیف اله؛ همکاری صمیمانه در گردآوری و بررسی مطالب فصل سوم و چهارم کتاب

- سرتیپ ۲ بهداری غلامحسین دربندی؛ عضو تیم بهداری

- ناخدا یکم دکتر سید محمود نوربخش صالح؛ عضو تیم و نماینده اداره بهداری نداجا

- سرهنگ دکتر فریور متقی؛ عضو تیم و نماینده اداره بهداری نزاجا

- سرهنگ بهداری داود مقیسه؛ عضو تیم و نماینده مرا بهداری نزاجا

- سرگرد دکتر رضا منتظر؛ عضو تیم و نماینده اداره بهداری نزاجا و دبیر جلسات

- کارمند علمی محمدزاده سلحشور؛ عضو تیم و نماینده اداره بهداری نهاجا

- کارمند غلامحسین قدسی؛ صبوری کامل در حروفچینی و تزیین صفحات

پیشگفتار

پس از حمد و ستایش خداوند یکتا، آنکه بی‌نیاز است و همه به او و لطف و عنایتش محتاج، و درود فراوان به رسول و پیامبرگرامیش حضرت محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و خاندان مطهرش که پیام آور سعادت دنیا و آخرت برای بشریت و هدایت کننده جهانیان به صراط مستقیم هستند. بایدگفت هرسخن یامتنی قبل از انجام آن اندیشه‌ای به‌عنوان پشتوانه و انگیزه ای به‌عنوان محرک دارد که قوام دهنده و تضمین کننده آن تا پایان راه می‌باشد.

برای نوشتن این مجموعه نیز انگیزه‌ای وجود دارد که شایسته است ذکر آن بنمایم:

درایام خدمت در بهداری نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی طی هشت سال دفاع مقدس یک رابطه عاطفی با شهید بزرگوار امیر سپهبد علی صیاد شیرازی که در آن زمان فرماندهی نیروی زمینی را برعهده داشت پیدا کرده بودم. پس از پایان جنگ نیز در نمازهای جمعه ایشان را دیدار می‌کردم و سیمای نورانی و بشاش ایشان که تلؤلؤ ایمان درونی شان بود قلبم را آرامش می‌داد. پس از شهادت ایشان در تاریخ ۷۸/۱/۲۱ گهگاه چشمم به دیدارشان در خواب روشن می‌شد و از دیدار و کلامشان بهره‌مند می‌شدم. از جمله صبح روز پنجشنبه ۱۳۸۰/۹/۸ که برابر سیزدهم ماه رمضان ۱۴۲۲ قمری بود، در خواب دیدم که عازم جبهه بودند و در نمایشگاهی مجموعه کتابهایی را که در مورد خودشان بود ملاحظه می‌کردند، نظرشان را راجع به کتابها پرسیدم، کمی تأمل نمودند و گفتند: خوب ننوشته‌اند از خواب بیدار شدم، به فکر فرو رفتم و با خود گفتم اگر بشود اقدامی برای انتشار آثار ایشان انجام دهیم.

فردای آن‌روز پس از نماز جمعه دوست صمیمی ایشان جناب آقای امیر نیکدل را دیدم، اشاره کوتاهی به خواب مزبور نمودم و پیشنهاد کردم چنانچه مقدور باشد یک مرکز فرهنگی به نام آن شهید بزرگوار دایر شود و اهداف ایشان پیگیری گردد. آقای نیکدل فرمودند اسناد و یادداشتهای بسیار ارزنده‌ای از ایشان باقی مانده که می‌تواند مورد استفاده همگان خصوصاً جوانان و رزمندگان واقع شود.

مدتی از این جریان گذشت و گهگاه برای تحقق این مهم اقداماتی می‌کردم ولی توفیقی حاصل نمی‌شد تا اینکه در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۳ امیرسرטיפ ۲ محمود ریاحی که از دوستان و هم‌زمان نزدیک آن شهید بزرگوار و در زمان جنگ معاونت پرسنلی نیروی زمینی را

به عهده داشتند دعوت‌م کردند که جهت کار فرهنگی در زمینه دفاع مقدس در جلسه‌ای ایشان را ملاقات نمایم. بلافاصله خاطره آن خواب برایم زنده شد و از دعوت شان استقبال نمودم و روز بعد در محل آرشو هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی در لویزان حضوریافته و قرار شد در تیم بهداری مشغول همکاری گردم.

طی چند جلسه بازدید آرشو هیأت معارف متوجه شدم که نقش بهداری و پزشکان و به طور کلی گروه پزشکی و بهداری در دفاع مقدس مظلوم واقع شده و هیچگونه اشاره‌ای به آن نگردیده و نامی از جانبازها و فداکاریهای این گروه از خدمتگزاران دین و مردم به میان نیامده است. لذا به اتفاق برادران عزیز دیگری که در تیم بهداری حضور داشتند قدم به میدانی گذاشتیم که نمی دانستیم باگذشت ۱۴ سال از پایان جنگ تا چه حد توفیق پیدا خواهیم کرد که سوابق و اسناد را به دست آورده، چهره های شایسته‌ای را که با روحیه ایثار و از جان گذشتگی به خدمت مشغول بوده و حتی اسم خود را هم مطرح نکرده‌اند شناسایی کنیم و خاطرات و تجربیات آنها در دوران دفاع مقدس را جمع‌آوری نموده و در نهایت نقش بهداری ارتش جمهوری اسلامی را در هشت سال دفاع مقدس ترسیم نماییم.

خوشبختانه با توفیق الهی و تلاش و همکاری اعضاء محترم و نمایندگان نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و فرماندهی بهداشت و درمان ارتش در تیم بهداری هیأت معارف جنگ و مساعدتهای مسئولین نیروها مجموعه‌ای از اسناد و مدارک و خاطرات کتبی و مصاحبه ها جمع‌آوری و پس از نمایه سازی و تجلید در آرشو اسناد هیأت معارف جنگ نگهداری گردید. در بررسی مدارک جمع‌آوری شده به این نتیجه رسیدیم که با توجه به اینکه کتاب جامعی درمورد طب نظامی در ایران نوشته نشده و این موضوع از اهمیت ویژه ای برخوردار است، ارجح است سعی در تهیه کتاب جامعی نموده و اسناد و مدارک و خاطرات بهداری و پزشکی در ایام دفاع مقدس نیز در بخش های عمده این کتاب آورده شود.

با این هدف مطالعه‌ای در سابقه طب نظامی ایران نموده و تاریخ طب نظامی ایران را از دوران ایران باستان تا پایان هشت سال دفاع مقدس به رشته تحریر در آوردیم. ضمناً با توجه به اینکه طبابت با نام اطباء و پزشکان توأم است در این کتاب نیز تا آنجا که امکان دارد نام پزشکان و دستیاران برگزیده آنان به میان آمده است.

امید است با توجه به سابقه کم رنگ طب نظامی در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و گستردگی آن در ایام دفاع مقدس خواننده محترم با مقایسه بین گذشته و حال به تحولات این رشته پی برده و خدمات ارزنده چهره های برجسته و شایسته طب نظامی در ایام دفاع مقدس برای همگان آشکار و در تاریخ برای استفاده آیندگان ثبت گردد.

بدیهی است این مجموعه خالی از نقص و اشکال نمی باشد.

انتظار می رود همکاران ارجمند و خوانندگان گرامی بادقت نظر خود چنانچه به نواقصی دست یافتند و یا پیشنهادی داشتند اینجانب را با رهنمودهای خود رهنمون فرمایند تا در چاپهای بعدی اصلاح گردد.

از کلیه سرورانی که به طرق مختلف در تهیه و جمع آوری مدارک و مصاحبه ها و تدوین و تصحیح و چاپ مطالب با تیم بهداری هیأت معارف جنگ همکاری نموده اند تشکر نموده و توفیق روز افزون ایشان را در خدمت به نظام جمهوری اسلامی آرزو می نمایم.

سرتیپ ۲ دکتر خسرو نامجوی نیک

فصل یکم

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان

مقدمه

سابقه طب و طبیبان نظامی

تاکنون کُتب بسیاری درمورد تاریخ پزشکی و پزشکان ایران نوشته و چاپ گردیده است ولی جای کتابی که سابقه طب نظامی و رزمی و به همراه آن سرگذشت پزشکان، پزشکیاران و همکاران آنان را که در مواقع بحرانی بیشترین فداکاریها را برای حفظ و تأمین سلامت جسم و روان رزمندگان انجام می‌دهند خالی است و کمتر به این موضوع پرداخته شده است. شاید به این علت که تا قرن بیستم میلادی طب نظامی در جهان دارای جایگاه ویژه تخصصی نبوده و از پزشکان به طور عام در زمان صلح و جنگ درسازمانها و مکانهای نظامی استفاده می شده و بدیهی است که در کشور ما نیز تا نیم قرن گذشته به همین منوال بوده است.

البته بهداری نظامی به شکل ساده و ابتدایی آن تاریخچه‌ای بسیار قدیمی دارد، که در سوابق جنگهای روم و ایران باستان و جنگهای صدرا سلام به صورت مختلف به آن اشاره شده است. به مرور با اختراع اسلحه گرم و پیشرفت جنگ افزارها و وسعت یافتن میدانهای نبرد و متحرک شدن جنگها و افزایش قدرت آتش سلاحها و مخرب شدن اثر آنها میزان صدمه‌پذیری نیروهای نظامی و غیرنظامی افزایش یافت. درحقیقت از قرن پانزدهم میلادی به بهداری رزمی درجنگها توجه خاصی صورت گرفت و متعاقب آن تغییرات عمده و تشکیل سازمانهای کنونی به نام مدیریت بهداری نظامی و رزمی از زمان جنگهای اول و دوم بین‌المللی به بعد شکل گرفت.

پزشکی نظامی امروز

امروزه پزشکی نظامی و رزمی یک رشته دانشگاهی و معتبر علمی است که کاربرد وسیعی در میان متخصصین این رشته درمراکز نظامی داشته و برای تأمین و حفظ سلامتی و کارآیی فردی و اجتماعی رزمندگان ضروری است.

طب نظامی علاوه برآنچه در پزشکی عمومی و تخصصی در دانشگاههای غیرنظامی آموزش داده می‌شود حاوی مطالب علمی در زمینه ارزیابی حوادث، پیشگیری از بیماریهای خاص، مقررات

خاص، تشخیص و درمان بیماریها و صدمات ناشی از تماسهای شغلی نظامی و بالاخره تخلیه مجروحین می‌باشد.

مشکلات شنوایی ناشی از ترکش سلاحها، مسایل طب هوایی و فضایی، عوارض ناشی از تماس با گازهای سمی چون منوکسیدکربن، آمونیم، دی اکسید گوگرد، اکسید نیتروژن و غیره، سلاحهای میکربی و شیمیایی و هسته‌ای (ش، م، ه) و همچنین بیماریهای عفونی چون مالاریا، هپاتیت، سل، ایدز و بیماریهای گرمسیری در محیطهای نظامی و مناطق عملیاتی اهمیت ویژه‌ای دارد.

بعلاوه شرایط محیطی بالای جو و یا زیر دریا و سطح دریا، محیطهای خیلی گرم و یا خیلی سرد و بیماریهای اقلیمی نیز در طب نظامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طب پیشگیری، مدیریت بیماران ترومایی، علوم رفتاری، و طب بیماریهای بومی از ابعاد دیگری است که پزشک نظامی باید به آن تسلط داشته باشد.

به علاوه محیطهای نظامی در زمان صلح و در زمان جنگ و درگیری شرایط ویژه‌ای دارد که هریک از افراد نظامی با هر درجه و تخصص و شغلی که باشند تحت تأثیر آن شرایط ممکن است دچار مشکلات رفتاری شوند که پزشک نظامی باید از آنها مطلع بوده و بپیشگیری و درمان و رعایت اصول تخلیه مجروحین و بیماران اقدام لازم را در سالم سازی و بازگرداندن نیروهای مفید در حداقل زمان ممکن به محیط نظامی و رزمی انجام دهد.

تنها باتسلط به موارد فوق و تعهد در انجام به موقع اقدامات مربوطه نیروهای رزمنده در زمان صلح بیشترین آمادگی را داشته و در زمان جنگ بالاترین بازدهی را در دفاع و رزم خواهند داشت و در عین حال شاهد کمترین تعداد مجروح و جانباز و شهید در عملیاتها خواهیم بود.

تجربیات دفاع مقدس

بدیهی است تجربیات هشت سال دفاع مقدس و خاطرات و نحوه عملکرد یک یک شاغلین حرفه پزشکی این انسانهای والا که برای حفظ کیان اسلام و شرافت ملی دوش به دوش دیگر رزمندگان والامقام از هرگونه فداکاری دریغ نکرده‌اند خود می‌تواند گنجینه ارزشمندی محسوب گردیده و برای نسلهای آینده باقی بماند.

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/۲۳

در فصل بندی این کتاب، فصل اول به تاریخچه اجمالی طب در جهان اختصاص داده شده و سابقه پزشکی ایران باستان و کشورهای اسلامی ارائه گردیده است و سرانجام چگونگی تحول در علم پزشکی در نیمه قرن شانزدهم میلادی در اروپا بیان شده است. در همین فصل اعزام اولین دانشجویان ایرانی برای فراگیری طب جدید به اروپا در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی مطرح شده و وضعیت پزشکی ایران در دوران قاجاریه توصیف گردیده است. فصل دوم به تاریخچه طب نظامی در ایران از دوران باستان تا پایان دوران پادشاهان قاجار اختصاص داده شده است.

دوران قبل از اسلام

بحث در اینکه چه کسی طب را در بین قدماء ایجاد کرده است کار بسیار مشکلی است. عده‌ای طب را قدیم تلقی می‌کردند همان‌طور که خلقت انسان را قدیم می‌دانستند. گروهی دیگر طب را جدید و تازه می‌دانند. از این گروه بعضی مثل بقراط و جالینوس معتقدند طب را خداوند به انسان الهام نموده است و بعضی دیگر می‌گویند که طب را مردم بر حسب اتفاق و یا با تعمق و تجربه به دست آورده اند.

از این گروه پاره‌ای عنوان می‌کنند که طب را برای اولین بار کلدانیان کشف کرده‌اند و برخی معتقدند که ساحران بابل و یا فارس آن را به دست آورده اند. بعضی دیگر ادعا کرده‌اند که هرمس در یونان و اسقلیپوس یونانی و خانواده او بنیانگذار طب و طبابت بوده‌اند. در حقیقت از بدو حضور انسان در روی کره زمین بیماری با انسان وجود داشته است و کشف فسیل ده هزار ساله که استخوان سر او را سوراخ کرده بودند نشان دهنده تلاش انسان برای نجات از بیماری می‌باشد.^۱ احتمالاً از همان دورانها نیز از گیاهان مختلف برای تسکین دردهای انسان استفاده می‌شده است.

حدود سه هزار سال قبل از میلاد، مصریان ضمن به وجود آوردن اولین سیستم خط و نوشتن، در زمینه پزشکی نیز به پیشرفتهایی دست یافتند. شاید اولین پزشکی که نامش در

^۱ - William Nault, Wh. World Book, U.S.A, Chicago: ۱۹۷۸, P. ۳۰۶ B

تاریخ ذکر شده (ایمهوتپ) مصری است که دوهزار و هفتصد سال قبل از میلاد زندگی می کرده است. بعضی معتقدند ایمهوتپ همان حضرت یوسف (ع) بوده است.^۱

عبریان قدیم (هیبروس) در بین سالهای ۱۲۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد توجه به اهمیت پیشگیری داشته و جداسازی بیماران مبتلا به جذام را عملی ساخته بودند.

چینی‌های قدیم اصول پزشکی بخصوصی را ارائه نمودند که هنوز هم تقریباً بدون تغییر مورد استفاده قرار می دهند. آنها معتقدند که دنیروی حیاتی در بدن انسان وجود دارد (ین ویانگ)، بیماری وقتی ظاهر می شود که تعادل بین این دو به هم بخورد. و برای برگرداندن تعادل از طب سوزنی (آکوپانکچر) استفاده می کنند. و معتقدند که با وارد نمودن سوزنهایی در نقاط مختلف بدن جریان این نیروها را در بدن کنترل می کنند.

در هندوستان در سال ۸۰۰ ق.م پزشکان هندی به خاطر عملیات جراحی از جمله قطع اعضاء و جراحی پلاستیک مشهور شدند.

در یونان قدیم امید بیماران پناه بردن به خدای سلامتی یعنی (اسکلیپوس) در ۴۰۰ ق.م بود. بعدها بقراط اولین پزشک یونانی بود که پزشکی را بعنوان یک علم و هنر تلقی کرد و موضوع آنرا از مسایل مذهبی آن زمان مجزا دانست.

در ۳۰۰ ق.م شهر رُم مرکز تمدن شد و روم بسیاری از پیشرفتهای علوم پزشکی را از مصر و یونان به ارث برد. ولی بیشترین موردی که روم در آن پیش قدم بود اقدامات پیشگیری و بهداشتی بود، به طوری که برای انتقال آب مجاری درست کرده بودند که روزانه ۳۰۰ میلیون گالن آب تازه وارد شهر رم می نمود. در زمان عظمت روم در سالهای ۱۰۰ میلادی پزشک مشهور یونانی (گالن) برای اولین بار تجربیات پزشکی خود را روی حیوانات آغاز کرد و به عنوان بنیانگذار پزشکی تجربی شناخته شد. او از گیاهان و جوشانده گیاهی برای درمان بیماریها استفاده می کرد.

در ایران باستان طب و طبابت و اطباء و بیمارستان و تاریخ آنها از موضوعاتی است که اغلب مورخین به آن اشاره کرده اند. این علم مانند بسیاری از علوم دیگر در کشور ما در دوران هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان مقامی ارجمند داشته است. بزرگترین منابع طب دوران هخامنشی و قبل از آن، اوستا کتاب مقدس مذهبی زرتشتیان و دیگر کتب مذهبی آنان است.

^۱ - قدرت، دکترسید محمدحسین، باستان شناسی قرآن کریم، تهران: انتشارات بیان جوان، ۱۳۸۳، ص ۶۶

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/ ۲۵

در ایران باستان و دوران زرتشت، پیامبر ایران باستان، در میان قوم آریایی افسانه و حکایات فراوانی در باره طب و اطباء وجود داشت. در این دوره بر حسب عقیده زرتشتیان اولین طبیب به نام ثرتیا همانند ایمهوتپ در مصر و اسقلیبوس دریونان بوده است.

اسقلیبوس نخستین فردی است که در یونان به عنوان طبیب معرفی شده و از راه تجربه بر صنعت طب آگاه شده است. او شروع به تعلیم آن به فرزندان و نزدیکان خود نمود و از آنها تعهد گرفت که این صنعت را جز به اولاد و کسانی از نسل او به دیگران تعلیم ندهند. از زمان اسقلیبوس تا ابقرات پزشک مشهور یونانی که پدرطب لقب گرفته است (۴۶۰ - ۳۷۷ ق.م) بیش از پانزده قرن فاصله بود. ابقرات برای آن که طب تعطیل نشود آموزش آن را برای عموم افراد حائز شرایط مجاز دانست. و سوگند نامه‌ای هم به نام خود دارد که هنوز هم در کلیه دانشگاهها در هنگام فارغ التحصیلی دانشجویان پزشکی اجرا می‌گردد.

ابقرات در زمان اردشیر از پادشاهان پارس (۴۶۵ - ۴۲۵ ق.م) و پسرش بهمن می‌زیست.^۱ ابقرات تنها طبیب زمان خود بود که مردی کامل و فاضل و وجودش ضرب المثل طبیبان فیلسوف بود. چنان کار او بالا گرفت که برخی او را پرستیدند. او صنعت قیاس و تجربه را به‌طور توأم تقویت کرد و همه را هدایت کرد که از آن پیروی کنند. به بیگانگان نیز طب را تعلیم داد و آنها را مثل فرزندان خود دانست.

در مکتب مزدیسنا که با اندیشه زرتشت ایجاد شد طریقه درمان و بهبود از طریق مذهب و روحانیت به مردم آموخته می‌شد. در اوستا کتاب مقدس زرتشتیان سه نوع طبیب تشخیص داده شده است: آنکه با کار بهبود می‌بخشد (جراح) دیگر آن که با گیاهان شفا بخش مداوا می‌کند (طبیب) و سوم آن که با کلام الهی شفا می‌بخشد (کاهن). کوروش و داریوش حاذق‌ترین پزشکان مصری و یونانی را به عنوان مشاور برگزیدند و دموکدس یونانی پای داریوش را که پیچ خورده بود درمان کرد.^۲

از دیگر مکاتب ایران باستان مکتب اکباتان است که حدود صد سال پس از زرتشت توسط یکی از شاگردان او به نام سنناپور اهوم ستوت تأسیس شد. او به همراه یکصد تن از شاگردانش

۱. ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء ترجمه سیدجعفر غضبان، جلد اول : تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، صص ۳۲، ۵۴، ۶۲

۲. روستایی، محسن، تاریخ طب و طبابت در ایران، جلد اول، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲، صص شانزده.

به درمان بیماران می پرداخت. نقطه اوج شکوفایی پزشکی در ایران باستان تأسیس دانشگاه جندی شاپور (گندی شاپور) توسط شاپوراول فرزند اردشیر (۲۴۱ - ۲۷۱ میلادی) پادشاه ساسانی است.

او این دانشگاه را پس از پیروزی بروالین امپراطور روم تأسیس نمود. بعدها در قرن ششم میلادی خسرو انوشیروان پادشاه ساسانی به پیشرفت آن کمک بسیار کرد.

برزویه طبیب در زمان انوشیروان برای دریافت داروهای حیات بخش راهی هندوستان شد و در همین سفر بود که کتاب کلیله و دمنه را به ارمغان آورد.^۱

در سال ۴۸۹ میلادی دانشکده مشهور ادس Edess شهری در نزدیکی مرز سوریه بعثت شکنجه و آزار پیروان مذهب ارتودکس بسته شد و به دنبال آن مسیحیان به ویژه دانشمندان نسطوری به دربار شاه ساسانی پناه آوردند.

در سال ۵۲۹ میلادی دانشگاه آتن نیز تعطیل شد و فیلسوفان نو افلاطونی آتن و اسکندریه نیز به ایران پناهنده شدند و در دانشگاه جندی شاپور که به این طریق به اوج عظمت خود رسیده بود، به تعلیم و تدریس مشغول شدند. خسرو انوشیروان از کلیه دانشمندان مشهور جهان که در دانشگاه جندی شاپور مشغول به کار بودند مجمعی تشکیل داد که می توان آن را نخستین آکادمی علوم پزشکی جهان دانست. دروس دانشگاه جندی شاپور به زبانهای پهلوی و آرامی داده می شد. این دانشگاه در قرون هفتم و هشتم میلادی در پیشرفت پزشکی اروپای غربی به ویژه با ترجمه آثار دوخاندان پزشکی ایرانی به نامهای بختیشوع (شامل شش نسل پزشک که مدت ۲۵۰ سال دوام داشت) و ماسویه (پدر و پسر) که مسیحی نسطوری بودند کمک فراوانی نمود.

طلوع اسلام

در قرون بعد و با آغاز نبوت پیامبر اکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) باب جدیدی در پزشکی ایران و جهان گشوده شد.

دستورات مؤکد کلام الله مجید و توصیه های فراوان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در خصوص رعایت بهداشت و نظافت که آن را جزئی از ایمان دانسته است، مضاف بر احکام کثیری

^۱. همان، ص هفده

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/ ۲۷

که برای پاکی مؤمن، طهارت، دوری از پلیدی و نجاست صادر گردیده است و به طور کلی دستورالعملهای دینی برای مواجهه انسان با طبیعت، جامعه و خویشتن، افقی را فراروی انسان هر عصر می‌گشاید که توجه او را به سلامت جسم و جان خویش معطوف می‌دارد.

امتزاج طب یونانی با طب ایرانی توسط خاندان نوبختی و دیگران و نهضت ترجمه کتب طبی یونانی به زبان سریانی و عربی در این دوره سبب تقویت و پیشرفت علم پزشکی گردید. پیشوای این مترجمین (حسین بن اسحاق العبادی) است که مهمترین طبیب و مترجم دوره اسلامی به شمار می‌رود.

بعدها به تدریج کسانی با استفاده از کتب ترجمه عربی توانستند خود به تألیف آثار طبی مستقل بپردازند، بزرگانی که در این دوره آثار طبی برجسته‌ای به وجود آوردند عبارتند از:

علی بن ربن طبری (صاحب فردوس الحکمه)، محمد زکریای رازی (صاحب الحاوی و طب منصوری)، علی بن علی اهوازی ارجانی (صاحب الملکی)، شیخ رئیس ابوعلی سینا (صاحب قانون و آثار طبی دیگر) و شرف‌الدین ابوالبراهیم اسماعیل گرگانی یا جرجانی (صاحب ذخیره خوارزمشاهی). علاوه بر این زمینه‌های علمی که از پیشینیان به طب اسلامی ایرانی وارد شده بود دستورات قرآنی و سنت‌های رسول اکرم (صلی‌الله علیه وآله) و علم لدنی ائمه اطهار علیهم‌السلام در مجموعه‌هایی بعدها جمع آوری شد و به صورت کتاب در اختیار همگان قرار گرفت.

در بین مجموعه‌های مطالب پزشکی که از این دستورات جمع‌آوری شده است (طب النبی)، (طب الصادق)، (طب الرضا) مشهورتر است. گرچه که تفکیک و تمایز مقام اولیاء دین از پزشکان در بسیاری از روایات مورد تأکید قرار گرفته و خود آن بزرگواران برای تعلیم عملی پیروان خویش در هنگام بیماری به پزشکان مراجعه می‌کردند. از جمله حارث بن کلدیه پزشک معاصر رسول اکرم (صلی‌الله علیه وآله) مورد توجه فراوان ایشان بود و از جانب آن حضرت و یاران گرامی ایشان بارها به مردمی که برای شفای بیماری خود ملتمس دعا می‌گردیدند توصیه می‌شد که علاوه بر دعا، حتماً به پزشک مراجعه نمایند.

تأکید مکرر قرآن مجید و اولیاء دین به تعقل و تفکر و تدبیر و آموختن علم از گهواره تا گور در هر کجا ولو در چین باشد، موجب رغبت تمام مسلمانان به علوم معنوی و مادی از جمله پزشکی گردید و نهضت عظیم تألیف و ترجمه کتب دینی و علمی را پدید آورد. به طوری که فقط در زمینه ترجمه کتب علمی از زبانهای سانسکریت، پهلوی، یونانی، سریانی و عبری

کوشش همگانی وسیعی در مدت دویست و پنجاه سال (۱۲۵-۳۷۵ ق) بی‌سابقه‌ترین حرکت فرهنگی در تاریخ بشر را رقم زد و طی آن جمیع میراث مکتوب فرهنگ‌ها و تمدن‌های پیشین را به عالم اسلام منتقل نمود.

وجود دو حوزه بزرگ و معتبر پزشکی آن روزگار در جندی شاپور و اسکندریه که در مرکز میهن اسلامی (دارالاسلام) قرار داشت، وصول به نتیجه مطلوب را بسیار آسان ساخت و لذا فراغت از ترجمه کتب پزشکی و تألیف مستقل آثار تخصصی در این زمینه توسط مسلمانان بسیار زودتر از سایر علوم صورت گرفت. بسیاری از پزشکان و مترجمان قرون اول و دوم هجری مسیحی بودند و لی رفته رفته جای خویش را به مسلمانان داده و در پهنه امت نخواستند اسلام مستحیل گردیدند.

اولین ترجمه شناخته شده (تفسیر کتاب اهرن بن اعین القس) است که در عهد امویان توسط یکی از اهالی بصره به نام ماسرجویه از سریانی به عربی برگردانیده شد و مورد توجه فراوان قرار گرفت.

در اوان دولت عباسی ابن مقفع ایرانی به ترجمه کتب طبی از پهلوی به عربی پرداخت و برمکیان نیز باتشویق مترجمان به ترجمه آثار علمی از زبانهای خارجی به خصوص از متون سانسکریت اهتمام ورزیدند. اما مشهورترین مترجم این دوران حنین بن اسحاق است که با مساعدت پسرش اسحاق بن حنین ترجمه متون معتبر یونانی و سریانی را عهده دار شد. او علاوه بر ترجمه به کار طبابت نیز اشتغال داشت یکی از پزشکان بزرگ عصر خود بود.

در بحبوحه ترجمه کتب طبی بیگانه به زبان عربی، نهال پزشکی اسلامی جوانه زد و نخستین اثر طبی اسلامی به نام (فردوس الحکمه) توسط علی ابن ربن طبری در سال ۲۳۵ ق تألیف گردید.

شهرت طبری نه تنها بابت تألیف این اثر عظیم بلکه به سبب پروردن شاگرد نابغه‌ای است که بعدها شهرت جهانی یافت. شاگرد طبری به نام محمد بن زکریای رازی که او را به غلط جالینوس العرب لقب داده‌اند، بزرگترین پزشک بالینی و تجربی عالم اسلامی و ایران است و آثار او و ابن سینا بیشترین تأثیر را در تاریخ پزشکی شرق و غرب جهان داشته‌است. علم پزشکی در میان مسلمین تا آنجا که می‌دانیم وقتی به قرن سوم و چهارم و به محمد بن زکریای رازی می‌رسد، در اوج شکوفایی خویش است.

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/ ۲۹

از پزشکان مشهور این دوره ابوالفرج علی بن الحسین بن هندو، پزشک و فیلسوف و شاعر و نویسنده وادیب و طنز- گوی معروف نیمه دوم قرن چهارم هجری است، برخی او را اهل قم و برخی اهل ری می‌دانند بعضی اهل طبرستان و برخی بغداد ولی بیشتر بنظر می‌رسد اهل هندوچان قم باشد. وی پزشکی را نزد ابوالخیر خمار آموخت و در زمان ابوغالب بن خلف وزیر فخرالملک به بغداد رفته، سپس در سال ۴۰۰ ق به گرگان عزیمت و کتاب (مفتاح الطب) را تألیف نمود.^۱

آن‌طور که ابوریحان بیرونی ذکر نموده تعداد تألیفات رازی بیش از پنجاه و شش کتاب کوچک و بزرگ است و مهمترین آنها (الحاوی) است که دایره المعارف مفصلی در پزشکی محسوب می‌شود.

کُتب دیگر او «المنصوری» و «الشکوک»، که دستورات پزشکی ساده و آسان برای عموم مردم است و کتب دیگر که هریک در جای خود دارای اهمیت است.

پس از رازی یکی از پزشکان برجسته قرن چهارم ابوالحسن احمد بن محمد الطبری پزشک رکن الدوله دیلمی است که کتاب مشهور «المعالجات البقراطیه» از تألیفات اوست. پزشک دیگر قرن چهارم، ابومنصور حسن بن نوح القمری است که از وی کتاب «الغنی و المنی» دردست است دوران پیری او مصادف با جوانی ابن سینا بود. از جمله بزرگان پزشکی پس از رازی، علی بن عباس مجوسی اهوازی پزشک عضدالدوله است و کتاب مشهور او «کامل الصناعه فی الطب» است. همچنین باید از بوسهل عیسی بن یحیی المسیحی الجرجانی پزشک معاصر ابن سینا که به قولی یکی از استادان او در پزشکی بود نام برد و کتاب «المائنه فی الصناعه الطبیه» اثر برجسته اوست.

ابوعلی سینا پزشک بزرگ پایان قرن چهارم و آغاز قرن پنجم و کسی است که پزشکی ایران اسلامی را کمال بخشید و به آن نظم منطقی و علمی داد، رساله‌ها و جزوات و کتابهای متعدد در پزشکی دارد که از آن میان فقط «رساله نبض»، «تشریح الاعضاء» و «رساله جودیّه» به فارسی است و بقیه به عربی می‌باشد. کتاب «قانون» او اعتبار عظیمی به پزشکی ایران بخشید.

^۱ . محقق، دکتر مهدی، تاریخ اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴ ص ۲۶

در همین زمان یعنی در سال ۹۰۰ م بود که اولین مدرسه پزشکی غربی در (سالرنو ایتالیا) شروع به کارکرد و از این زمان تا ۶۰۰ سال کتاب قانون ابن سینا در مدارس و دانشگاههای پزشکی غرب از جمله دانشگاه (بولوگنا) در ایتالیا و دانشگاه (پاریس) در فرانسه تدریس می گردید.^۱ و اما در علم قرا با دین و دارو شناسی تا قرن پنجم پیشرفتهای بسیاری حاصل شده بود، از جمله آثار موجود در این بخش، کتاب (قرا با دین) اثر شاپوربن سهل گندیشاپوری در قرن سوم است که به زبان عربی تألیف شده است. این کتاب در اواخر قرن سوم و تمام قرن چهارم و پنجم و قسمتی از قرن ششم در دکانهای داروفروشان و بیمارستانهای بغداد مورد استفاده بود تا اینکه قرا با دین ابن التلمیذ در قرن ششم جای آن را گرفت.

کتاب قابل توجه دیگر در دارو شناسی در قرن چهارم و پنجم کتاب «الابنیه عن حقائق الادویه» از ابو منصور موفق بن علی هروی است که به فارسی تألیف شده است. از اواسط قرن پنجم تا ابتدای قرن هفتم گر چه چند اثر برجسته نوشته شده است که مهمترین آنها به زبان فارسی است ولی پزشکان این عهد از آنچه در دوره ابن سینا انجام شد پیش تر نرفته اند، لیکن اهمیت آنان و علی الخصوص سید اسماعیل جرجانی در آن است که با تألیفات مهم خود از راه ضبط بسیاری از اصطلاح های طبی فارسی متداول در آن زمان، زبان فارسی را رونق بخشیده اند.

از پزشکان این دوره شرف الزمان محمد ایلاقی فیلسوف و پزشک نام آور آغاز قرن ششم و شاگرد بهمنیاربن مرزبان شاگرد ابن سیناست. کتاب مهم او «الفصول الایلاقیه» است. این کتاب از روی کتاب اول «قانون» تلخیص و تنظیم شده و به عربی است.

پزشک دیگر این دوره ابن ابی الصادق ابوالقاسم عبدالرحمن بن علی بن ابی الصادق النیشابوری ملقب به بقراط ثانی است. وی استاد سید اسماعیل جرجانی بود و کتاب «شرح فصول» بقراط که از جمله بهترین شروح این کتاب شناخته شده از اوست.

سید اسماعیل جرجانی بزرگترین پزشک قرن ششم، کسی است که به قول بیهقی علم طب و سایر علوم را با تصانیف خود احیاء کرد. کتاب «ذخیره خوارزمشاهی» او که به فارسی است از زمان تألیف به بعد همواره جزء مهمترین کتب پزشکی بشمار می رفته است. وی کتب دیگری مثل «یادگار» را به فارسی نگاشته است. وی در کتاب ذخیره خوارزمشاهی نتیجه

^۱ . P. ۳۰۶ C, ۱۹۷۸ Wiliam Nault, Wh. World Book, VOL. U.S.A, Chicago:

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/۳۱

گیری های ابوعلی سینا را درخصوص حصول سریع بهبودی پس از برآورده شدن آرزوهای بیمار عرضه نموده است.

در قرون هفتم و هشتم نیز با اینکه بیشتر کتب پزشکی ایرانی به زبان عربی است، اما تمایل به تألیف کتب فارسی نیز دیده می شود. علاوه بر آن نوشتن شروح بر کتابهای معتبر پزشکی در این دوره بیشتر است به طوری که چند کتاب معتبر در شرح قانون ابن سینا نگاشته شده است. یکی از مهمترین آنها اثر ابن نفیس قرشی پزشک معروف قرن هفتم است. او بزرگترین پزشک مصر بود. کتاب او به نام «شرح قانون قرشی» معروف است. وی مؤلف کتاب «الشامل» در هشتاد جلد است که از مهمترین کتب پزشکی است. او کتاب قانون را خلاصه کرد و «موجز القانون» نامید که چند پزشک دیگر قرن هشتم و نهم بر آن شرح نگاشتند.

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (۶۴۵-۷۱۸ هـ - ق) از طبیبان دوره ایلخانان است که در دوره آباقاخان در دربار خان مغول به طبابت اشتغال داشت. وی محله بزرگ (ربع رشیدی) را در کوی سرخاب تبریز بنا کرد که در آن مدارس دینی، بیمارستان، کتابخانه، خانه استادان و فقیهان قرار داشت.

حدود ۵۰ پزشک در بیمارستان و مدرسه طب خدمت می کردند و هریک از آنان مسئول حداقل دو دانشجوی طب بود. دوران تحصیل طب پنج سال و در پایان امتحانی انجام می شد و گواهینامه صادر می گردید.

از دیگر پزشکان سرشناس قرن هفتم نجیب الدین سمرقندی است که تألیف مهم و ارزشمند «الاسباب والعلامات» در باره بیماریهای جزئی و علت و درمان آنها از آثار اوست. وی کتب دیگری درباره داروها و داروشناسی دارد. کتاب فارسی داروشناسی «اختیارات بدیعی» درباره ادویه مفرده و مرکبه اثر علی بن حسین انصاری معروف به حاجی زین العطار نیز در اواخر قرن هشتم عرضه گردید.

تألیفات علمای قرن نهم بیشتر به فارسی و اغلب شرح کتب قدیم و یا جمع آوری مجموعه اطلاعات آثار پیشینیان است.

از مؤلفین پزشک قرن نهم محمد بن علاء الدین بن هبه الله سبزواری معروف به غیاث متطبیب است که کتابی به فارسی به نام «قوانین العلاج» یا «شفاء الامراض» و یارساله در معالجات امراض بدن دارد که آن را در سال ۸۷۱ ق به پایان رسانیده است.

از کتب پزشکی که به فارسی نوشته شده، «تشریح الابدان» از منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن الیاس شیرازی است. او کتاب معتبردیگری به فارسی به نام «کفایه مجاهدیه» دارد که آن را «کفایه منصوریه» نیز می‌نامند. قسمت نخست آن پزشکی نظری و قسمت دوم آن پزشکی عملی است.

متأسفانه در آغاز قرن دهم علم پزشکی رونق خود را از دست داد و از آثار پزشکی این دوره باید از «دستورالعلاج» سلطانعلی گنابادی نام برد که آن را به فارسی در سال ۹۳۳ ق تألیف کرده است.

از پزشکان معروف این قرن یوسف بن محمد بن یوسف طبیب هروی مشهور به یوسفی است. اهمیت او در آن است که برای آسان کردن علم پزشکی، چند منظومه فارسی در این موضوع سروده، از جمله «علاج الامراض» که منظومه‌ای است شامل ۲۸۹ رباعی که او شرح این منظومه را «جامع الفوائد» نامیده است. قصیده‌ای در «حفظ الصحه» نیز دارد که در سال ۹۶۴ ق سروده است. کتابهای دیگری نیز دارد از جمله کتاب «جواهراللغه» که درباره واژه‌ها و اصطلاح‌های پزشکی است.

از پزشکان این قرن حکیم علاءالدین تبریزی است که «کامل علائی» را تألیف نمود. او در این کتاب واژه‌ها و اصطلاح‌های پزشکی را به ترتیب الفبائی جمع کرده است. غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی حکیم و متکلم معروف این عهد نیز دو کتاب «معالم الشفاء» و «الشافیه» را نوشت. مظفر بن محمد حسینی شفایی کاشانی معروف به حکیم شفایی از پزشکان قرن دهم چند کتاب در پزشکی و داروشناسی دارد که یکی از آنها «طب شفایی» یا «قرا با دین شفایی» است.

عمادالدین محمود بن محمود طبیب شیرازی مشهور به عماد طبیب در پایان قرن دهم شهرت بسیار داشت و کتابی در قرا با دین و دارو شناسی به عربی نوشت به نام «المركبات الشافیه»، از آثار دیگر او به فارسی «مفرح یاقوتی»، «افیونیه» و «ینبوع» است.

مقارن با این زمان در اوایل قرن شانزدهم میلادی هنرمند و نقاش ایتالیایی (لئونارد دو وینچی) تابلوهای متعددی از تشریح بدن انسان تهیه کرد و در پی او (وسالیوس) پزشک و پروفیسور دانشگاه (پادوا) در ایتالیا کتابی در تشریح بدن انسان ارائه نمود که بعدها جایگزین کتابهای (گالن) و ابن سینا شد.

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/۳۳

پزشکی در ارتش فرانسه به نام (آمبرواز پاره) در همین قرن روشهای جراحی را چنان متحول ساخت که به نام پدر جراحی جدید نام گرفت.

در عصر صفوی باتوجه به نقش مهمی که حکیم باشیان این عصر در تصمیم گیریهای سیاسی اجتماعی داشته اند می توان تصور کرد که علم پزشکی در این دوران جایگاهی خاص داشته است، ولی باید اذعان داشت که کشفیات چندانی در این عصر در امور پزشکی ایران به چشم نمی خورد و روند سنتی ادوار پیشین به آهستگی به مسیر خویش ادامه داده است.

کتابهای مرسوم پزشکی همان اثر مشهور «قانون فی الطب» ابن سینا و «ذخیره خوارزمشاهی» جرجانی کماکان مورد استفاده اطباء و دانشجویان قرار می گرفت. اولین کتابی که در عصر صفوی نوشته شده «دستورالعلاج» تألیف سلطان علی جنیدی خراسانی هروی است.

در این دوره پزشکان دیگری هم به علت موقعیت اجتماعی خود به شهرت رسیدند مانند عمادالدوله محمود بن مسعود کاشی که در بیمارستانی در مجاورت مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس به همراه پزشکان دیگری چون سید معزالدین اصفهانی و میرزا ابوطالب اصفهانی به درمان زوآر و مستمندان می پرداخت.

در این زمان در تبریز سه بیمارستان، در اردبیل یک بیمارستان، در قزوین یک بیمارستان، در یزد یک بیمارستان و در شیراز نیز یک بیمارستان گزارش شده است و کتب متعدد پزشکی نیز تألیف گردیده است از جمله کتاب «زاد المسافرین» اثر محمد مهدی بن علی نقی که درباره حفظ سلامتی مسافرین در طول سفرهاست. در کتاب عالم آرای عباسی از پزشکان اروپایی نام برده شده که نه تنها در صحنه پزشکی، بلکه در امور سیاسی نیز دخالت می کرده اند مانند رافائل دومان، انگلبرت کمپفر و کروسینسکی.

از پزشکان معروف قرن یازدهم تا نیمه قرن دوازدهم کمال الدین گیلانی است که معاصر شاه عباس اول بوده و از وی کتابی در داروشناسی به نام «جامع الجوامع» باقی مانده است. محمد مؤمن حسینی تنکابنی دیلمی معروف به حکیم مؤمن نیز از پزشکان و داروشناسان معروف شاه سلیمان صفوی است.

کتاب معروف او «تحفه المؤمنین» در شناخت داروهای مفرده و مرکبه است. محمد مسیح طبیب نیز از شاگردان حکیم مؤمن بوده که او هم در داروشناسی مهارت داشت. از او کتابی به نام «دستور مسیحی» در دست است.^۱

یکی دیگر از پزشکان، معاصر شاه سلیمان، محمدهاشم بن محمد طاهر تهرانی است که در سال ۱۱۰۳ ق کتاب «مصباح الخزائن و مفتاح الدفائن» را به فارسی تألیف کرد. او کتاب دیگری به فارسی در شناخت سودمندی های چوب چینی به نام «عین الحیوه» دارد و کتاب فارسی دیگر او که به سال ۱۰۷۹ ق تألیف کرد «تحفه سلیمانی» است.

در قرن یازدهم نظام الدین احمد گیلانی در هند در خدمت قطب شاهیان به سر می برد و کتاب فارسی او «اسرار الاطباء» در شناخت داروهاست.

از اطباء معروف در این دوره، میر محمد ارزانی بن میر حاجی مقیم معروف به شاه ارزانی یا میر محمد اکبر است. «طب الاکبر» او ترجمه ای است از «شرح اسباب و علامات» نفیس بن عوض کرمانی با اضافاتی از کتب دیگر که در سال ۱۱۱۲ ق ترجمه و تألیف نمود. بعلاوه «میزان الطب» را در پزشکی و «مجربات اکبری» را در داروهای مرکب در سال ۱۱۲۶ عرضه کرد. در زمینه دامپزشکی و بیماریهای حیوانات هم کتب متعددی نوشته شده از جمله میر نظام الدین احمد در سال ۱۰۷۱ ق به فرمان شاه عباس دوم کتابی بفارسی به نام «مضمار دانش» درباره اسبان نوشت.

پزشکی ایران بعد از صفویه

در حقیقت می توان گفت که بعد از صفویه تا آخر سلطنت فتحعلیشاه قاجار طب ایران دوره فطرت را سپری نمود. در دوران صفویه نیز از نظر علمی رشد وافى نداشت ولی بعضی تحولاتی به وجود آمد، از جمله طبقه خاصی از اطباء به کشور هند رهسپار شدند. در اوایل قرن دهم هجری ورود هیأت های تجاری شرکت هند شرقی و همچنین آمدن هیأت های مذهبی مسیحی به ایران باعث شد که پای طب و طبیبان غربی به ایران باز شود.

در دوره افشاریه و زندیه هم پیشرفت شایان توجهی حاصل نشد. طبیبان خارجی توسط هیأت های سابق الذکر کم بیش در ایران تردد داشته اند. از جمله نادرشاه به درمان آنان اعتقاد فراوان داشته است.

^۱. میر احمد، دکتر کریم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۲۲۷

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/ ۳۵

در این دوران پزشکان انگشت شماری درخشیدن گرفتند نظیر میرزا محمد خان علوی، میرزا محمد نصیرالدین اصفهانی و میرحسین عقیلی شیرازی. کتاب «مخزن الادویه یا مجمع الجوامع عقیلی» از آثار این دوره است که در علم داروسازی و با تکیه بر آثار متقدمین تألیف شده است.

در دوران قاجاریه ورود و اشتغال پزشکان خارجی به ایران افزونی یافت. اولین پزشکی که با هیأت‌های اروپایی به ایران عهد قاجار سفر کرده است نایب جراح بریگز (Briggs) است که در سال ۱۲۱۶ ق (۱۸۰۰ م) همراه با کاپیتان ملکم خان نماینده هند شرقی در قالب یک هیأت کوچک وارد ایران شد و به دنبال آن در سال ۱۲۲۳ ق (۱۸۰۷ م) پزشکی فرانسوی همراه ژنرال گاردن فرانسوی به ایران آمد.

هارفورد جونز سفیر انگلیس که در سال ۱۲۲۳ ق به ایران آمد، جراحی انگلیسی به نام (کمپل) را با خود به همراه آورده بود که پس از مدتی خدمت در بوشهر به تبریز رفت و پزشک مخصوص نایب السلطنه عباس میرزا شد. این به خوبی گویای نقش پزشکان خارجی در مسائل سیاسی آن زمان می باشد.

در سفر سوم ژنرال ملکم خان در ۱۲۲۳ ق نیز دکتر (چارلز کورمیک) به تهران آمد و پس از فوت دکتر کمپل به تبریز رفت. پس از فوت (کمپل) پزشک انگلیسی، پزشک جوان انگلیسی دیگری به نام (دکتر جان مک نیل) به ایران آمد، زبان فارسی را آموخت و در دربار نفوذ کرد و پزشک مخصوص فتحعلی شاه شد. و پس از شانزده سال به معاونت کمپانی هند شرقی در ایران برگزیده شد.

دکتر (لایا) فرانسوی از سال ۱۲۵۸ ق به مدت دو سال پزشک محمد شاه بود. ناصرالدین شاه از نظر پزشکی در حقیقت زیر نظر پزشکان مخصوص و مشاورین خارجی قرارداد داشت، کما اینکه دکتر (کلوکه) طبیب فرانسوی، پزشک مخصوص محمد شاه و بعد ناصرالدین شاه بود.

در سال ۱۲۲۴ ق در زمانی که (هارفورد جونز) سفیر انگلیس در ایران بود (سرجان ملکم) دوباره به همراه هیأتی متخصص در امور نظامی برای سازماندهی قشون وارد ایران شد و در همین زمان بود که عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلی شاه و وزیر او میرزا بزرگ قائم مقام به فکر

افتادند که برای تربیت کارشناسان و متخصصین عده ای از دانش آموزان را به خارج از کشور اعزام نمایند.

پیشرفت‌های پزشکی در غرب

در نیمه قرن هفدهم میلادی یک آماتور آلمانی بنام (آنتون وان لیونهوگ) از میکروسکپ برای مشاهده موجودات بسیار ریزی که قابل رؤیت با چشم غیر مسلح نمی باشد استفاده نمود. در قرن هجدهم ادوارد جنر انگلیسی از روش ایمنی جهت مقابله با بیماری کشنده آبله در انگلستان استفاده کرد.

در اوایل قرن نوزدهم (ردلف ویرشو) پزشک آلمانی اصول پاتولوژی را بنیان نهاد. و (لوئی پاستور) شیمیست فرانسوی و (رابرت کخ) پزشک آلمانی موفق به مشاهده موجودات بسیار ریز بنام میکربها که عامل ایجاد بیماریها بودند بوسیله میکروسکپ گردیدند.

تشکیل سازمانهای امداد و نجات در جنگهای بزرگ

تا قرن نوزدهم آنچه به فریاد و امداد مجروحین و بیماران در زمان جنگهای گسترده بین المللی می رسید فعالیت‌های داوطلبانه گروههای مذهبی بود که به علت عدم وجود سازماندهی و مدیریت صحیح و همچنین ضعف آموزش و محدودیت امکانات در عمل علمی و کارساز نبوده و نمی توانست نقش عمده‌ای در تأمین و حفظ سلامتی جسمی و روحی رزمندگان به عهده داشته باشد.

در جنگهای کریمه که در سال ۱۸۶۰م پایان یافت (فلورانس نا یتینگل) فرانسوی یک تنه به دل مشکلات رفت و تحولی در رسیدگی به مجروحین جنگی به وجود آورد و برنامه مدونی برای رسیدگی به امور سربازان و مجروحین از نظر تغییر سیستمهای بهداشتی و مراقبت و تخلیه مجروحین ایجاد نمود. بدین ترتیب میزان مرگ و میر از ۴۰٪ به ۲۰٪ کاهش یافت و در پی این توفیق بود که پس از پایان جنگ بیمارستانها، آموزشگاهها و دانشکده های متعدد در زمینه امداد رسانی و پرستاری در جنگ و بحرانها در انگلستان و سپس فرانسه و آمریکا به وجود آمد.^۱

در ۱۸۶۵ میلادی (ژوزف لیستر) پزشک انگلیسی علت مرگ بیماران جراحی شده را آلودگی میکربی اعلام کرد و برای جلوگیری از این قبیل مرگ و میرها از (اسید کاربولیک)

^۱ . چاوشی، معصومه، تاریخچه تشکیل سازمانهای امداد و نجات در جنگهای جهانی، روزنامه اعتماد، شماره ۹۷۸ تهران:

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/۳۷

که ضد عفونی کننده خیلی قوی می باشد برای رفع آلودگی زخمهای جراحی استفاده نمود. و چندی نگذشت که این روش تبدیل به (جراحی درمحیط استریل) گردید. کشف داروی بیهوشی اتر و کلروفرم متعاقب تحمل دردها و آلام سربازان حاصل شد و به سرعت دراعمال جراحی رایج گردید.

جنگهای داخلی آمریکا درسال ۱۸۶۱ م به ظهور چهره فداکار دیگری انجامید به نام (کلارا بارتون) که یک تنه مجروحین یک تیپ را با مقداری باند دریک ایستگاه راه آهن به مدت یک هفته پانسمان کرد و همین خدمات بعد ها زمینه ساز تشکیل و تأسیس صلیب سرخ آمریکا شد.

در سال ۱۹۰۳م پیشنهاد ایجاد یک دفتر بین المللی بهداشت عمومی مطرح و چهارسال بعد در رم به تصویب رسید و چندی بعد در پاریس مقر رسمی پیدا کرد. وظیفه این دفتر جمع آوری، انتشار و اعلام اطلاعات مهم و قابل توجه بهداشتی و موضوعات وابسته بخصوص بیماریهای واگیر به دولتها بود که از طریق انتشار ماهانه بولتن به زبان فرانسه انجام می گرفت. ولی با آغاز جنگ جهانی اول فعالیت آن متوقف گردید.

درفاصله بین جنگهای اول و دوم جهانی با توجه به ضایعاتی که از نظر نیروی انسانی بوجود آمده بود جامعه ملل برای پیشگیری از بیماریها تشکیلاتی تحت عنوان سازمان بهداشت جامعه ملل را به وجود آورد.

بعدها با توجه به ضرورتها زمینه آغاز فعالیت سازمان بهداشت جهانی درسال ۱۹۴۵م فراهم گردید.

علاوه براین سازمان، سالها قبل از آن یعنی پس از جنگ گسترده بین فرانسه و اطریش که بیش از ۴۰هزارنفر کشته و زخمی به جا گذاشت، کتابی از خاطرات جوان نیکوکاری به نام (سولفرینو) چاپ و در سراسر اروپا پخش شد که تلخیها و مصائب جنگ در آن به تصویر کشیده شده بود و فکر ضرورت رسیدگی به مجروحین با ایجاد یک سازمان بین المللی و مقدس را بوجود آورد. سازمانی که تمام جوامع به طور داوطلبانه بدون توجه به ملیت، به سربازان زخمی و آسیب دیده جنگ خدمات مورد نیاز را ارائه دهد.

این تفکر سبب پدید آمدن سازمان صلیب سرخ و هلال احمر شد که درآن اصول اساسی مدونی ترسیم شده و هرکشوری موظف است اصول آن را رعایت کند.

پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۹م قرار دادهای چهارگانه‌یی در ژنو به تصویب چندکشور از جمله ایران رسید که اهم آنها در برگیرنده کمک های بلاعوض و بدون تبعیض به قربانیان جنگ بود. از طرفی پیشرفتهای پزشکی در قرن بیستم در اروپا و آمریکا سرعت یافت به طوریکه به عنوان انقلاب پزشکی، لقب گرفت. و به طور روز افزون تحقیق و تفحص و کنترل اقدامات انجام شده در مراکز پزشکی توسعه پیدا کرد.

در گزارشی که بنیاد (کارنگی) در ۱۹۱۰م از چگونگی وضع آموزش در ۱۵۵ دانشکده پزشکی در آمریکا و کانادا تهیه نمود اعلام کرد که فقط دانشکده (جان هاپکینز) که در سال ۱۸۹۳م تأسیس شده بود دارای شرایط قابل قبول می باشد و بقیه باید مطابق آن اصلاح و تکمیل گردد.

کشف اشعه (ایکس) توسط فیزیکدان آلمانی (ویلهم رنتگن) و کشف رادیوم به وسیله فیزیکدانهای فرانسوی (پیرو ماری کوری) در ۱۸۹۸م، موفقیت با کتریولوژیست انگلیسی (الکساندر فلمینگ) در کشف (پنیسیلین) در ۱۹۲۸م و نقش آن در مبارزه بابیماریهای عفونی و کشفیات روز افزون پزشکان و محققان مختلف اروپایی و آمریکایی در قرن بیستم اساس طب جدیدی را بنیاد نهاد که فاصله شگرفی را بین وضعیت پزشکی ایران و کشورهای مشرق زمین از یک سو و کشورهای اروپایی و آمریکا از سوی دیگر به وجود آورد.

چگونگی وضع پزشکی نظامی ایران تا قرن سیزدهم هـ. ق

بررسی موارد فوق نشان می‌دهد که در تمامی این ادوار تاریخی در ایران هیچ‌گونه سازماندهی و دستورالعملی جهت امور چهارگانه بهداشت و پیشگیری، درمان، آموزش و سیستم تخلیه مجروحین نظامی وجود نداشته است و در زمان جنگ اعم از جنگهای کوچک یا بزرگ و وسیع اطلاعات شخصی و ابتکارات هر فرد به فریاد مجروحین و آسیب دیدگان جنگ می‌رسیده است. و به‌طور عملی نیز پزشکان خارجی که در خدمت پادشاهان و فرماندهان طراز اول بوده اند مشاور و ناظر امور پزشکی نظامی در زمان جنگ بوده اند.

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/ ۳۹

اعزام اولین محصلین ایرانی به خارج از کشور

سرانجام هنگامی که (سرهارد فورد جونز) وزیر مختار انگلیس در سال ۱۲۲۶ ق برابر ۱۸۷۱ م به انگلستان بر می‌گشت با عباس میرزا ملاقات کرد و با پیشنهاد عباس میرزا دونفر از جوانان ایرانی را که مورد توجه دربار بودند جهت تحصیل با خود به لندن برد.^۱

یکی از آنها محمدکاظم پسر نقاشباشی عباس میرزا بود که استعداد نقاشی داشته و برای تحصیل در رشته نقاشی به خارج می‌رفت و دیگری میرزا حاجی بابا افشار فرزند یکی از خانواده های سرشناس آذربایجان بود و برای تحصیل علم طب و شیمی اعزام می‌گردید.

ولی متأسفانه با وجود هزینه گزافی که داشتند محمدکاظم در سال ۱۲۲۸ ق بر اثر بیماری سل در لندن درگذشت و حاجی بابا علیرغم توصیه ای که به وی شده بود پس از چندی اقامت در لندن لباس اروپایی را برگزید و سرتا پا انگلیسی شد.

در سال ۱۲۳۰ ق دسته دوم محصلین ایران به لندن رسیدند و حاجی بابا افشار با آنها آشنایی پیدا کرد و ضمن ادامه تحصیل پزشکی در مطب یک پزشک انگلیسی نیز به عنوان کارآموز کار می‌کرد.

او در سال ۱۲۳۴ ق همراه دسته دوم محصلین ایرانی به ایران برگشت. و به این ترتیب حاجی بابا به همراه دیگر فارغ التحصیلان در ماه صفر سال ۱۲۳۵ ق وارد تبریز شدند و هر کدام از طرف دستگاه عباس میرزا ولیعهد به شغلی منصوب شدند. حاجی بابا در دستگاه عباس میرزا سمت حکیم باشی یافت و تا عباس میرزا زنده بود در همین سمت باقی ماند.

بعد از مرگ عباس میرزا، حاجی بابا، با همان سمت حکیم باشی در دستگاه محمد میرزا ولیعهد ثانی باقی ماند ولی در زمان پادشاهی محمد شاه به علت مخالفت های حاج میرزا آغاسی از دربار دور شد و امور درمان پادشاه به یک پزشک نمای یهودی واگذار شد. سرانجام حاجی بابا در سال ۱۲۵۸ ق فوت کرد. وی دارای تألیفات مشهوری نبود. وی اولین عضو گروه فراماسونی بوده که در دربار عباس میرزا و محمد شاه قاجار به کار مشغول شده بود. و انگلیسی ها او را جزء مأمورین خود به حساب می آوردند.

^۱. رایت، سردنیل، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انگلیسیان در ایران، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۳، ص ص ۱۶۳-۱۶۶
پراکنده

وی درعین حال یکی از اولین کسانی است که علم پزشکی به شیوه اروپایی را درمکتب پزشکی ایران وارد کرد. قبل از وی مکتب پزشکی ایران بصورت ارثی و تجربی متداول بود. در چهارمین دفعه از اعزام محصل به خارج که در زمان سلطنت محمد شاه قاجار انجام گرفت میرزا یحیی طبیب همراه چهارنفر محصل دیگرعازم پاریس شدند ولی وقوع انقلاب فرانسه در سال ۱۸۴۸م برابر ۱۲۶۴ق و به هم ریختن اوضاع فرانسه و همچنین مرگ محمد شاه سبب عدم مؤفقیت ایشان شد و فقط حسینقلی خان توانست در سال ۱۲۶۰ در رشته توپخانه از مدرسه (سن سیر) پاریس فارغ التحصیل شود. از بین پزشکان مشهوری که در این زمان به همین طریق تحصیلاتی نموده و اثراتی نیز داشته اند باید اشاره ای به پزشکان زیر بنمائیم:

- میرزا محمدبن عبدالصبورخویی معروف به حکیم قبلی که نزد دکتر کورمیک انگلیسی طبیب مخصوص عباس میرزا نایب السلطنه و حاجی میرزا بابا افشار پزشکی آموخت و چند کتاب تألیف نمود از جمله کتاب «مجمع الحکمتین و جامع الطبین» در سال ۱۲۵۰ق که به نام محمد شاه قاجار نوشت.

- میرزا ابراهیم شیرازی که در سال ۱۲۴۱ق به انگلستان رفت و ۱۲ سال در لندن مشغول تحصیل بود و گویا در نشستهای فراماسونها درلندن شرکت داشته و در سالهای پایانی سلطنت محمد شاه به ایران برگشته است و بعدها به عنوان معلم ناصرالدین میرزای ولیعهد (ناصرالدین شاه) منصوب شد.

در دوران قاجاریه رویارویی طبابت قدیم باپزشکی جدید قابل توجه است. در این دوره نیز تا قبل از تأسیس دارالفنون تغییر عمده ای در تألیفات پزشکی دیده نمی شود.

تأسیس دارالفنون و ورود اساتید خارجی ازغرب

پس از تأسیس دارالفنون، استادانی درپزشکی از کشورهای مختلف به ایران می آمدند و در زمینه داروشناسی، داروسازی، تشریح و آسیب شناسی به تألیف و ترجمه کتب جدید اهتمام ورزیدند.

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/۴۱

مشهورترین این پزشکان عبارتند از:

دکتر پولاک اطریشی نویسنده کتب «علاج الاسقام»، «زبدہ الحکمہ» و «تشریح بدن انسان».

دکتر شلیمر هلندی صاحب کتب «شفائیه»، «سرالحکمہ» و «زینہ الابدان».

دکتر آلبوی آلمانی و دکتر تولوزان فرانسوی صاحب «بدایع الحکمہ».

در همین دوره بود که برخی از پزشکان ایرانی پس از پایان تحصیلات در غرب به ایران بازگشتند و دست به تألیف و ترجمه کتب متعدد زدند. ابوالحسن خان کتاب «درمان شناسی» را نوشت و برخی از پزشکان کتب استادان خارجی خود در دارالفنون را ترجمه کردند. بعضی از پزشکان هم با شیوه پزشکی غرب به مخالفت برخاستند از جمله میرزا بابا شیرازی ملک الاطباء که کتاب خود به نام «رساله جوهریه» را در همین زمینه نگاشته است.

مشهورترین پزشکان این دوره پزشکان درباری بودند مانند میرزا حکیم باشی پزشک نامدار ناصرالدین شاه که کتاب «انوارنصری» را در علم تشریح نوشت.

در زمان قاجاریه تازمان سلطنت ناصرالدین شاه و صدارت امیرکبیر بیمارستانی ساخته نشده بود و بیماران بطور سرپایی و یا در منزل درمان می شدند. در روستاها و میان ایلات و عشایر طب سنتی رواج داشت و گاهی برخی جراحیها توسط دلاکان انجام می گرفت.

به همین علت همانطورکه مبلغان مسیحی نظیر هیأت مرسلین مسیحی لندن تحت نام تبلیغات مسیحیت باکمال احتیاط هدفهای سیاسی خود را پیگیری می کردند از خدمات پزشکی و بهداشتی نیز برای نفوذ در مردم و عملی ساختن اهداف استعماری خود بهره گیری می کردند.

کما اینکه در ۱۸۶۹م هیأت مرسلین مسیحی لندن که مهمترین وسیله تبلیغات مسیحی انگلیسی ها در ایران شد یکی از مبلغان خود را به نام (رابرت بروس) به اصفهان فرستاد و اقامت او در اصفهان مصادف با شیوع وبا و قحطی در این شهر بود و فرصت خوبی برای او و همسرش جهت کمک به مردم خصوصاً ارامنه بود.

بعدها در ۱۸۸۰ م نخستین دستیار بروس که پزشکی فارغ التحصیل از ادینبورک به نام (هورنل) بود به اصفهان وارد شد و بدین ترتیب باگشایش داروخانه و بیمارستان و کتابخانه و مدرسه سعی در نفوذ در جامعه نمودند. البته آنان سعی نکردند که در تهران یا هیچ یک

از شهرهای شمالی ایران که بنابر قراردادی با کلیسای (پرسبیتترین آمریکا) در ۱۸۹۵م به صورت حوزه آمریکائیان در نظر گرفته شده بود مستقر شوند.

به گفته یکی از اعضای هیأت مرسلین، خدمات پزشکی کلیدی طلایی بود که دل‌های مرتجع‌ترین! مسلمانان را می‌گشود.^۱

این پزشکان به غیر از آنهایی بودند که همراه هیأت‌ها و نمایندگان سیاسی وارد کشور می‌شدند و به فعالیت همه‌جانبه می‌پرداختند. مانند پزشکانی که از تشکیلات کمپانی هند شرقی در بمبئی برای همراهی هر سه هیأت (مالکوم) و هم‌چنین هیأت (سرهارد فورد جونز) به ایران آمدند. دوتن از آنان به نامهای (جیمز کمبل و چارلز کارمیک) در تهران و تبریز باقی ماندند و پزشک دیگر به نام (اندرو جوکس) به عنوان جراح، دستیار و مترجم نماینده سیاسی انگلیس منصوب شد.

جیمز کمبل با معالجه بیماری عروقی نایب السلطنه اعتماد کامل او را جلب کرد و این مؤفقیت بزرگی بود که درهای دربار قاجاریه را به روی پزشکان بعدی کمپانی هند شرقی یعنی (چارلز کارمیک، جان مک نیل و جیمز ریچ) گشود.

کارمیک خیلی به نایب‌السلطنه نزدیک و همه جا ملازم او بود. مک نیل بیش از همه پزشکان انگلیسی در ایران نفوذ و اعتبار یافت، وی اول‌بار در ۱۸۲۱م به عنوان جراح سفارتخانه به تهران آمد، توانست با درمان نایب‌السلطنه به او نزدیک شود و سرانجام در ۱۸۲۶ با معالجه همسر سوگلی فتحعلی شاه اعتماد کامل شاه و دربار را به خود جلب نماید. درحقیقت هیچکس بهتراز مک نیل فایده پزشکی را که به گفته خودش بتواند به عنوان واسطه روابط محرمانه سفارت و شاه عمل کند تشخیص نداده بود.

پس از قطع روابط سیاسی ایران و انگلیس در ۱۸۳۸م پزشکان انگلیسی تا چند سالی مقام خود را به عنوان مشاوران پزشکی خانواده سلطنتی از دست دادند و یک عده پزشک فرانسوی جای آنها را گرفتند ولی بعضی از پزشکان انگلیسی درمحل‌های دیگر به کار خود ادامه دادند.

۱. گاردان، کنت آلفرد، خاطرات مأموریت در ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران، ۱۳۶۲.

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/۴۳

ولی پس ازچندی (جوزف دیکسون) که فارغ التحصیل ادینبورک بود در۱۸۴۸م به جای دوبرادر (ادینگتون) به عنوان پزشک سفارت منصوب شد و قریب چهل سال بر سر این کار بود و بارها او را برای معالجه ناصرالدین شاه دعوت کردند و به درخواست شاه او را در سفر اولش به اروپا در۱۸۷۳م همراهی کرد و درانگلستان، دیکسون و پزشک فرانسوی شاه از طرف ملکه انگلیس لقب (سر) گرفتند.

در ۱۸۹۰م پزشک انگلیسی دیگری به نام (هیوا دکک) پزشک مخصوص مظفرالدین میرزا ولیعهد در تبریز شد و وقتی او در سال ۱۸۹۶م شاه شد، ادکک با او به تهران آمد و در ده سال بعدی مشاور پزشکی شاه بود. او هم مانند دیکسون و پزشکان دیگر واسطه محرمانه برای ارتباط میان سفارت وشاه بود. و در سفرشاه به انگلستان در ۱۹۰۲م او را همراهی کرد.

سرانجام آخرین پزشک انگلیسی که با دربار قاجار ارتباط مستقیم داشت، دکتر (لنوکس لیندلی) بود که ابتدا در ۱۹۰۰م دستیار پزشک مخصوص دربارشد و بعدها ازدکک پیشی گرفت، او پزشک دربار سه شاه شد که از آن جمله احمد شاه قاجار بود.

غیر از پزشکانی که به شاه نزدیک بودند، پزشک انگلیسی دیگری درایران نقش عمده سیاسی ایفاکرد و او دکتر (یونگ) بود. او در ۱۹۰۷م به عنوان پزشک شرکت نفت به ایران آمد و تا زمان جنگ اول جهانی درآن جا ماند. وی نقش عمده ای در مسایل بختیاری ها بعهده داشت.

تأسیس شورای بهداشتی تهران و بیمارستان آلمانیها

در سال ۱۸۶۸م یک شورای بهداشتی درتهران تأسیس شد. و در آن پزشکان انگلیس، فرانسه و روسیه فعالیت داشتند و سال بعد دولت ایران با کمک دولت آلمان نخستین بیمارستان خود را در تهران تأسیس کرد که تا جنگ جهانی اول دولت آلمان این بیمارستان را اداره می کرد، و در پایان جنگ و شکست آلمان دولت انگلیس اداره آن را تحت مدیریت یک پزشک ایرانی بر عهده گرفت.

دکتر (نلیگان) و دکتر (اسکات) پزشکان سفارت و تلگرافخانه هند در تهران مشغول به کارشدند و یک ناظمه و پرستار نیز از انگلستان به آنها پیوست تا اداره این بیمارستان هشتاد تختهخوابی را به عهده بگیرد.

این بیمارستان بنام مریضخانه انگلیس شهرت یافت و از این طریق با اقشار مردم درتماس بود و امید به این داشت که نظر مردم را جلب کند ولی به علل مختلف این منظور حاصل نشد

بلکه نارسائی‌هایی که داشت سبب شد تبلیغ معکوس نماید لذا در سال ۱۹۲۳م بیمارستان را واگذار کردند. ولی برعکس، بیمارستانی که در بوشهر در ۱۹۱۶م با کمک تجار بوشهر دایر کرده بودند موفقیت خوبی به دست آورد و توانست توجه مردم را بخود جلب نماید و حتی پزشکان و دستیارانی از سازمان خدمات پزشکی هند در بندرگاه‌های عمده جاسک، بندرعباس، بندرلنگه، بوشهر و محمره زیر نظر پزشک نمایندگی سیاسی انگلیس مستقر و مشغول کار شدند و در امور مختلف دخالت می‌کردند و در نهایت این وضعیت نارضایتی‌هایی ایجاد کرد. و سرانجام در بوشهر مردم بر علیه انگلیسی‌ها تظاهرات و اقداماتی نمودند.

اهمیت این مراکز بهداشتی درمانی از نظر سیاسی و نظامی به اندازه‌ای بود که در سال ۱۲۶۲ ق هنگامی که حاجی میرزا آقاسی صدراعظم ایران بود، دولت تزاری روس به منظور مقاصد سیاسی، به دولت ایران فشار می‌آورد که برای معالجه کارگران کشتی‌ها و ملوانان و اتباع روس از طرف دولت ایران، در ساحل استرآباد زمینی برای ساختمان بیمارستان به آن دولت واگذار گردد. و پس از مذاکرات اولیه سرانجام این مجوز صادر شد ولی با تعویض او و فوت محمد شاه و به تخت نشستن ناصرالدین شاه امیرکبیر به صدارت رسید. یکی از اولین موضوعاتی که وزیر مختار روس با امیر درمیان گذاشت همین تأسیس بیمارخانه بود. و امیر ابتدا با توجه به توافقی که قبلاً شده بود با آن موافقت کرد ولی چون پس از مدتی متوجه شد که این اقدام موجب بسط نفوذ روسها در شمال ایران می‌گردد تغییر رأی داد و لذا نامه ای در تاریخ ۲۶ رمضان ۱۲۷۵ق به پرنس دالگورکی وزیر مختار روسیه نوشت و با عنوان اینکه تأسیس این بیمارخانه سبب نگرانی و آشوب خلایق عامه و سرحد نشینان می‌شود دولت روسیه را از ساختن این بیمارخانه منصرف نمود. مع هذا دولت روسیه با مکاتبات متعدد موضوع را پیگیری می‌کرد.

امیرکبیر که آکادمی و مدرسه های مختلف روسیه را دیده بود و در ضمن از مدرسه (طبییه) و (عسکریه) عثمانی نیز آگاه بود کتابی تحت نظر خودش بنام «جهان نمای جدید» ترجمه و تدوین کرد که شرح دارالعلم کشورهای دیگر بود و ذهن او در درجه اول به دانش و فن جدید و بعد به علوم نظامی معطوف گشت لذا سنگ بنای دارالفنون در اوایل سال ۱۲۶۶ ق در شمال شرقی ارک سلطنتی که پیش از آن سربازخانه بود نهاده شد. ولی برای آنکه از مداخله سیاسی معلمان در امور مملکت جلوگیری نماید از استخدام معلم روسی و انگلیسی و فرانسوی خودداری کرد.

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/۴۵

و با تدابیر خاص هفت معلم از کشور اتریش استخدام نمود. وی درنامه ۲۴ رمضان سال ۱۲۶۷ ق خود به (جان داود خان) مترجم اول دولت ایران و فرستاده رسمی دولت ایران به دربار اتریش نوشت: بنای (مدرسه نظامیه) تمام شد لازم است بدون هیچ معطلی معلمین را برداشته و بیاورید و زیادترو طول ندهید.

در این گروه دکتر (پولاک) معلم طب و جراحی و (فکتی) معلم علوم طبیعی و دواسازی بود.

دارالفنون به جای مدرسه نظامیه

گرچه امیرکبیر تا هنگام افتتاح مدرسه در صدارت خود باقی نماند و نام مدرسه هم به دارالفنون تغییر یافت ولی اگر او در موقعیت خود باقی می ماند، شاید همان (مدرسه نظامیه) را برای نام مدرسه اعلام می کرد، زیرا شواهد امر نشان می داد که این مدرسه برای رفع نواقص امور نظامی تأسیس شده بوده و حتی شاخه طب و جراحی آن هم به منظور استفاده در حیطه نظامی و طب نظامی بوده است.

مدرسه روز یکشنبه پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ ق یعنی سیزده روز قبل از قتل میرزاتقی خان امیرکبیر گشایش یافت.

تحصیل در رشته طب برحسب استعداد محصل از پنج تا هفت سال طول می کشید و قسمت های عملی را در مطب پزشکان معروف می گذراندند و حتی با آنان به عیادت بیماران می رفتند. در زمان ناصرالدین شاه اولین هیأت ایرانی که به اروپا اعزام شد به همراه فرخ خان امین الدوله غفاری بود، یازده محصل همراه وی به فرانسه عزیمت کردند. نامبرده در سال ۱۸۵۸ م/ ۱۲۷۴ ق قراردادی با دولت فرانسه به امضاء رساند که طب آن ۱۴ نظامی متخصص به سرپرستی (ویکتوریا بروینارد) راهی ایران شدند. علاوه بر آن طبق همان قرارداد یک پزشک فرانسوی نظامی بنام دکتر (طولوزان) که پیش از آمدن به ایران با درجه سرگردی به عنوان پزشک در ارتش فرانسه مشغول خدمت بود به عنوان پزشک مخصوص ناصرالدین شاه آورده شد و تا آخر عمرش در ایران بود. وی نزدیک ۳۸ سال در ایران طبابت کرد و به لقب حکیم باشی ملقب گردید، وی علاوه بر امور پزشکی دربسیاری از مسایل سیاسی و اجرائی و عقد قراردادهای با توجه به منافع خودش دخالت می کرد و سرپرستی رشته طب و تدریس در مدرسه دارالفنون را هم به عهده داشت، کما اینکه اعتمادالسلطنه در کتاب خود دکتر طولوزان را دوست منافع انگلیس معرفی کرده است.

امتیاز بانک و امتیاز تنباکو بواسطه او به خارجیان داده شد. وی در سه سفر ناصرالدین شاه در سالهای ۱۲۹۰ ق/ ۱۲۹۵ ق/ و ۱۳۰۶ ق به اروپا همراه شاه بود. و در آخرین سفر قصد داشت که به کشورش برگردد و دکتر (فوریه) را به عنوان جانشین خود به شاه معرفی کرد ولی مجدداً تصمیم او عوض شد و به ایران بازگشت.

وی تألیفات متعددی نیز دارد از جمله کتابی بنام «قانون نظم قشون» یا «آئین نامه بهداری ارتش» به کتابت محمد علی جراح نظام و به خط نستعلیق در سال ۱۲۷۷ ق.

دکتر (ژان باتیس فوریه) فرزند یک دامپزشک نظامی بود. و دوره پزشکی را در مدرسه پزشکی نظامی استراسبورک گذراند و در ۱۸۶۵ م فارغ التحصیل شد و طبق قراردادی به عنوان نایب دکتر طولوزان در سال ۱۳۰۶ ق وارد خدمت دربار ناصرالدین شاه گردید. ولی پس از سه سال به فرانسه بازگشت و کتابی به نام «سه سال در دربار ایران» نوشت.

تأسیس مریضخانه دولتی (بیمارستان سینا)

در سال ۱۲۹۰ ق که ناصرالدین شاه از سفر فرنگ مراجعت کرد دستور داد یک مریضخانه دولتی توسط ناظم الاطباء (علی اکبرخان) برای کارآموزی محصلین طب تأسیس گردد که همان (بیمارستان سینا) می باشد. نامبرده ریاست بیمارستان را تا سال ۱۲۹۸ ق به عهده داشت.

از پزشکانی که به فرانسه اعزام و در سال ۱۲۷۷ ق به ایران مراجعت کردند میرزا علینقی حکیم الملک بود که قبلاً لقب پیشخدمت باشی را داشت و بعد جزء پزشکان دربار شد. دکتر میرزا رضاخان (علی آبادی) پزشک ظل السلطان گردید. و سر انجام دومین گروه محصلین اعزامی که ۴۲ نفر بودند در سال ۱۲۷۵ ق به فرانسه اعزام شدند.

از پزشکان دوره اول دارالفنون نیز (دکتر میرزا حسین فرزند میرزا) آقا بزرگ است که حکیم باشی فرهاد میرزا معتمدالدوله گردید و مدتی نیز درسفرهای نظامی، طبیب قشون بوده است.

دیگری (میرزا سید علی) است که طب ایرانی را می دانست و طب فرنگی را هم فرا گرفت و معلّم دارالفنون شد. به فارس اعزام گردید و نشان سرتیپی به وی داده شد.

تأسیس دانشکده داروسازی

در بین پزشکان خارجی اولین فردی که در رشته داروسازی در دارالفنون به تدریس پرداخت (دکتر فوکتی) داروساز بود که در سال ۱۲۳۰ ش با دکتر پولاک همکاری نزدیک داشت و برای تهیه و

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/۴۷

خرید لوازم لابراتوار (آزمایشگاه) مدرسه دارالفنون به فرانسه رفت و پس از مراجعت اولین لابراتوار شیمی بر مبنای علوم جدید را در ایران تأسیس کرد و یکی از شاگردان سابق او در دارالفنون بنام (میرزا کاظم محلاتی) مشهور به شیمی که دوره تکمیلی را در خارج گذرانده بود پس از مراجعت او به ایتالیا به جای وی تدریس داروسازی را به عهده گرفت.

در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه (دکتر کزلانی) طبیب نظام بود و با دکتر مک نیل انگلیسی و میرزا بابا افشار که پزشک عباس میرزا بودند همکاری داشت. و دکتر کلوکه طبیب ناصرالدین شاه بود و با آنکه رسماً مدرس دارالفنون نبوده، اولین طبیبی بوده که تدریس علم طب و جراحی اروپایی را در ایران معمول داشته است، پس از مرگ دکتر ارنست کلوکه در اپیدمی وبای سال ۱۲۷۲ ق، دکتر پولاک که همراه هیأت هفت نفره وارد ایران شده بود و بیشتر به جراحی تسلط داشت جانشین او شد. و پس از بازگشت دکتر پولاک به اروپا دکتر ژوزف دزیره طولوزان به عنوان طبیب مخصوص شاه و دکتر (شلیمر فلمنگی) هلندی برای معلمی دارالفنون برگزیده شدند.

بدین ترتیب تا سال ۱۲۹۸ ق طب اروپایی در مدرسه دارالفنون دارای یک معلّم بود ولی از آن به بعد به تدریج تعدادی از فارغ التحصیلان به این امر پرداختند از جمله دکتر (ابوالحسن خان بهرامی) و بعد از چند سال (میرزا علی خان قاجار آصف الدوله) و از ۱۲۹۹ ق دکتر (محمد کرمانشاهی) رئیس بیمارستان دولتی با حفظ سمت عهده دار تدریس طب اروپایی گردیدند.

با گذشت زمان و افزایش فارغ التحصیلان و همچنین بازگشت دانشجویان اعزامی و استخدام بعضی پزشکان خارجی جدید مثل دکتر (آلبو) آلمانی و دکتر (بازیل) که از ارامنه تحصیل کرده ا نگلستان بود امور تدریس طب جدید تا زمان جنگ بین المللی اول اداره گردید.

مجلس حفظ الصحه

باتوجه به افزایش پزشکان دارای مدرک پزشکی و همچنین وجود طبیبان قدیمی خصوصاً در شهرستانها و ولایات و گزارشاتی که از وضع بیماریه‌های مردم می‌رسید سر انجام مقرر شد هفته‌ای یک بار یک شورای طبی در دارالفنون بنام مجلس حفظ‌الصحه تشکیل گردد و اولین جلسه آن در تاریخ یکشنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۹۸ ق با حضور وزیر علوم و معارف و دکتر طولوزان حکیم باشی دربار و دکتر دیکسون پزشک سفارت انگلیس و بعضی پزشکان دیگر تشکیل گردید.

این مجلس مقدمه‌ای بود برای تشکیل (شورای صحیه) که در سال ۱۳۱۰ ق از پزشکان فرانسوی مقیم تهران تشکیل شد و پس از چند جلسه (شورای صحیه ایران) را تشکیل داد. هدف این شورا تعیین خط مشی بهداشتی برای سراسر کشور بود. اعضاء این شورا، دکتر (شنیدر) به عنوان دبیرکل و دکتر طولوزان، دکتر آدکوک انگلیسی، دکتر مولر آلمانی و چند پزشک ایرانی به عنوان عضو بودند. بعدها به علت اختلاف نظرهایی که پیش آمد اعضاء آن تغییراتی نمود.

در سال ۱۳۲۴ ق بیماری طاعون به شکل ذات الریه به شدت شایع شد که از لباسهای آلوده وارداتی نظامیان بومی هندی سرچشمه گرفته بود و می‌رفت که تمام ایران و شاید هم قسمتهایی از روسیه و ترکیه عثمانی را فراگیرد. که با تصمیمات سخت و ضروری که شورا اتخاذ کرد توانست از شیوع بیماری جلوگیری نماید.

این شورا تا جنگ بین المللی اول جلسات منظمی داشت و آخرین رییس آن دکتر (گوشه) بود. ناصرالدین شاه برای آنکه تحولی در وضعیت طبابت و تحصیل طب ایجاد شود به دکتر (کلوکه) حکیم‌باشی مخصوص خود دستور داد که عده‌ای را نزد خود پذیرفته و به آنان طب جدید را تعلیم دهد. بعلاوه امتحان اطبا و دادن جواز در ولایات به مرحله اجرا درآید.

ولی پیروان طب قدیم که در میان آنان پزشکان دانشمند و فاضل بسیاری هم بودند اصولاً به طب جدید اعتقاد و ایمان نداشته و حتی آن را مضر می دانستند، از جمله حاجی میرزا بابا شیرازی ملک‌الاطبا که معاصر فتح‌علی‌شاه محمد شاه و ناصرالدین شاه بوده است و صاحب کتاب (رساله جوهریه) می‌باشد.

دکتر پولاک اطریشی در سفر نامه خود راجع به وضعیت طبابت در ایران می‌نویسد که بسیاری از اطبا یا یهودیند و یا از اخلاف یهودیان هستند و در کردستان و ترکمنستان کار طبابت فقط در دست یهودیان است.

بدین ترتیب امتحان اطبا برقرار شد و ریاست مجلس امتحان اطبا برعهده پزشکان اروپایی قرار گرفت و ابتدا دکتر کازولانی (حکیم باشی نظام) و پس از مرگ وی دکتر پولاک رییس آن مجمع گردید.

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/۴۹

آموزش پزشکی در مطب ها

بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه در روز جمعه ۱۷ ذی قعدة ۱۳۱۳ ق و جانشینی مظفرالدین شاه اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طوری بهم ریخت که مدرسه دارالفنون از اهمیت افتاد و به جای آن مطب چهارنفر از اطبای مشهور آن زمان در حکم مکتبی برای آموزش طبابت عمل می کرد. این مکاتب عبارت بودند از:

مطب میرزا زین العابدین خان مؤتمن الاطباء، میرزا ابوالحسن خان بهرامی، میرزا علی اکبرخان ناظم الاطباء و میرزا سید حسین خان نظام الحکما (هنجن).

مدارکی که از طرف این اشخاص صادر می شد مورد قبول وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه هم بود.

دانشجویانی که بعد از ناصرالدین شاه تا استقرار انقلاب مشروطه به فرانسه اعزام شدند، در آموزشکده نظام شهر لیون به تحصیل در رشته پزشکی پرداختند و بعضی از آنها پس از فراغت از تحصیل به ایران بازگشتند و مشغول خدمت شدند. بعلاوه علاء الملک وزیر علوم در سال ۱۳۲۲ ق عده ای معلم اروپایی برای دارالفنون آورد که از آنها دکتر (ژرژ) و دکتر (گاله) معلم مدرسه نظامی لیون بوده اند.

ولی معلمین فرانسوی پس از پایان قراردادشان به فرانسه بازگشتند و به جای آنان در سال ۱۹۱۲ م و ۱۹۱۳ م چهارمعلم دیگر وارد شدند که آنها هم با شروع جنگ بین المللی اول در ۱۳۳۲ ق ایران را ترک کردند و برای خدمت در جبهه به کشور خود برگشتند. و پزشکان ایرانی نیز به تدریج به ایران وارد شدند. با تغییرات مداومی که پیش می آمد داوطلبان پزشکی دارالفنون کاهش می یافت.

پس از امضاء فرمان مشروطیت طبق آئین نامه جدید دارالفنون داوطلبان با امتحان ورودی وارد دارالفنون می شدند و پس از سه سال به مدرسه عالی چهارساله طب وارد می گردیدند.

متعاقب این برنامه از پاییز سال ۱۳۲۷ ق دوازده نفر که دوره مقدماتی را تمام کرده بودند وارد مدرسه طب شدند از جمله: سرتیپ دکتر سیدولی الله خان نصر، سرتیپ دکتر ذوالفقاری، سرهنگ دکتر تقی خان صاحب و سرتیپ دکتر حسین مقدم.

این گروه پس از چهار سال در سال ۱۳۳۱ ق فارغ التحصیل شدند و فقط دکتر معتمد و دکتر عبدالله احمدیه (بن دار) در سال بعد یعنی ۱۳۳۲ ق در شروع جنگ بین المللی اول فارغ التحصیل شدند.

بدین ترتیب هر سال از داوطلبان رشته پزشکی کاسته می‌شد. و به گفته دکتر حکیم اعظم، نیمکتهای چند اطاق طب دارالفنون از شاگردان خالی مانده و درسهای استادانش خریداری نداشت. اقدام مهمی که در آن ایام انجام گرفت تصویب قانون اساسی معارف در سال ۱۳۲۹ ق و قانون طبابت در ماه جمادی الاخر همان سال بود که به موجب آن هرکس می خواست طبیب شود بایستی به مدرسه طب برود و به این ترتیب به تدریج استقبال از تحصیل در رشته پزشکی جدیدالتأسیس افزایش یافت.

استقلال مدرسه طب

در محرم سال ۱۳۳۷ ق (آبان ۱۲۹۷ ش) دکتر محمد حسین خان لقمان ادهم (لقمان الدوله) رئیس طبای دربار به پیشنهاد نصیرالدوله، از طرف احمد شاه به ریاست قسمت طب دارالفنون منصوب گردید و برای اولین بار کلاس طب بنام (مدرسه طب) نامیده شد و قسمت جداگانه ای در دارالفنون به آن اختصاص یافت.

در همین سال از طرف وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (نظامنامه دوافروشی) برای صاحبان دواخانه تدوین و ابلاغ شد که تا آن تاریخ به وسیله عطاران انجام می‌گرفت.

اولین داروخانه‌ای که داروهای فرنگی می‌فروخت (داروخانه شروین) بود که مدیر آن دکتر شروین معلم آلمانی دارالفنون بود و مشتریان آن فقط اروپائیان مقیم تهران و اعضاء سفارتخانه ها بودند. بعدها به تدریج مردم با این نوع داروها آشنا شدند و به آن اعتماد کردند.

در سال ۱۲۸۲ ش داروسازی فرانسوی بنام (سرگرد گوستاو لوکنت) که افسر ارتش فرانسه بود به عنوان رئیس آزمایشگاه و داروساز شاه به خدمت دولت ایران درآمد و در تکیه دولت هم آزمایشگاهی دایر کرد و مطالعاتی راجع به آبهای مختلف انجام داد و نتایج آن را در کتابی در سال ۱۹۰۶ م در پاریس به چاپ رساند.

مدرسه دواسازی در سال ۱۳۰۱ ش جزء تشکیلات مدرسه طب دایر شد.

با وجود فعالیت مدرسه طب در داخل کشور باز هم به موجب قانون مصوب خرداد ۱۳۰۷ ش به تدریج تعدادی محصل به خارج اعزام شدند از جمله از سال ۱۳۰۷ ش تا سال ۱۳۱۲ ش بالغ بر ۱۲۵ نفر دانشجوی پزشکی به خارج اعزام که قریب به اتفاق آنان به فرانسه فرستاده شدند و پس از مراجعت تعدادی از آنها در مدرسه طب به تدریس پرداختند.

نگاهی به تاریخچه طب و طبیبان در جهان/ ۵۱

ضمناً در ۲۰ تیرماه ۱۳۱۰ش قانونی به تصویب رسید که طبق آن کلیه دواسازان و دندانسازان مجازی که پنج سال متوالی به دواسازی یا دندانسازی اشتغال داشته باشند با ثبت نام تا تاریخ مهر ماه ۱۳۱۱ و گذراندن امتحانی در تهران اجازه ادامه کار دریافت می داشتند.

تأسیس مدرسه دندانسازی (دندانپزشکی)

وضع درمانهای دهان و دندان و دندانسازی نیز در ایران تا سال ۱۲۹۰ش فاقد هرگونه نظم و مقرراتی بود. دراین سال طبق قانون طبابت اشتغال به دندانسازی موقوف به تحصیل و دریافت اجازه نامه رسمی از وزارت معارف گردید.

در ۱۲دیماه ۱۳۰۸ش دکتر (فالح کوش ملچارسکی) تبعه دولت لهستان و دندانساز شاه برای مدیریت و معلّمی مدرسه دندانسازی استخدام گردید. در سال ۱۳۰۹ش مدرسه دندانسازی جزء مدرسه عالی طب شد و تا سال ۱۳۱۳ش ریاست آن با دکتر ملچارسکی بود. و در سال مذکور ریاست آن را دکتر (محسن سیاح) عهده دار شد.

تأسیس دانشگاه

با زمینه‌هایی که قبلاً در وزارت معارف بوجود آمده بود در سال ۱۳۱۰ش دکتر عیسی صدیق ازطرف دولت آمریکا برای مطالعه در امر آموزش و پرورش به آن کشور دعوت شد. وی در مراجعت طرحی تهیه و ارائه نمود که مورد تصویب شاه قرار گرفت و در جلسه هشتم خرداد ۱۳۱۳ش لایحه آن به تصویب مجلس رسید و بدین ترتیب ساختمان دانشگاه درزمینی واقع درجلالیه تهران آغاز شد و اولین قسمت آن که بنای تشریح یا ساختمان ابن‌سینا بود در تاریخ پانزدهم بهمن ماه ۱۳۱۳ش باحضور رضاشاه افتتاح گردید و لوح تاریخی دانشگاه نیز نصب شد.

مدرسه طب که تا سال ۱۳۰۳ش درمدرسه دارالفنون مستقر بود، در سالهای بعد به چند محل منتقل گردید و بالاخره در سال ۱۳۱۶ش بنای دانشکده طب دردانشگاه خاتمه یافت و کلیه قسمتهای آن که در عمارت بیمارستان دکتر معتمد واقع در خیابان شیخ هادی بود به عمارت جدید منتقل شد.

در سال ۱۳۱۸ش به دستور شاه پروفیسور (اوبرلین) از تاریخ دوم دیماه ۱۳۱۸ برای ریاست دانشکده پزشکی استخدام گردید.

در همین زمانها یعنی آغاز قرن بیستم میلادی پیشرفتهای چشمگیری در اروپا و آمریکا در شاخه های مختلف علم پزشکی حاصل شد که نتیجه تحقیقات و کوششهای پزشکان مختلف بود و تشکیل سازمانهای پزشکی نیز به این پیشرفتها کمک می کرد. کما این که در گزارش بنیاد (کارنگی) در ۱۹۱۰ میلادی در مورد چگونگی آموزش پزشکی در آمریکا و کانادا از بین ۱۵۵ مدرسه پزشکی این دو کشور تنها یک مدرسه بنام (جان - هاپکینز) که در سال ۱۸۹۳ در (بالتیمور) تأسیس شده بود حائز شرایط اعلام شد.

فصل دوم

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان

طب نظامی در جهان

گرچه تفکیک بارز طب نظامی اعم از رزمی و غیر رزمی از جنبه عمومی طبابت به عنوان یک رشته تخصصی دانشگاهی از ابتدای قرن بیستم در جهان مطرح گردیده است؛ معهذا می توان گفت که حتی در سوابق جنگهای ایران و روم و ایران باستان هم مسئله بهداری نظامی به شکل ساده و ابتدائی خود وجود داشته است.

باتوجه به اینکه در جنگهای قدیم بیشترین تلفات مربوط به اشاعه بیماریهای واگیر در بین نیروها و مردم شهرهای درگیر جنگ بوده و کثرت مجروحین و مصدومین و لزوم مبارزه با انواع بیماریها ضرورت وجود نوعی سازماندهی و آموزش و به کارگیری نیروی امدادی و پزشکی را طلب می کرده است لذا در عمل نوعی تفکیک بین طب نظامی و رزمی از پزشکی در معنای کلی آن از همان ایام اعمال گردیده است.

از سوی دیگر از همان زمان قدیم برای شکست دشمن از نوعی بیوتروریسم استفاده می شده؛ نظیر آلوده کردن چاههای آب توسط لاشه حیوانات در ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به منظور اشاعه بیماری و یا ساقط کردن حکومت تاتارها در ۱۳۴۴ میلادی در اثر پرتاب اجساد مبتلایان به طاعون به داخل قلعه آنها که منجر به اپیدمی طاعون در تمام اروپا و از بین رفتن یک چهارم جمعیت اروپا یعنی ۲۵ میلیون نفر گردید.

و اهداء پتو و البسه قربانیان سرخک و آبله به سرخ پوستان ساده دل توسط انگلیسیها در سال ۱۷۶۳ در شمال و جنوب آمریکا که سبب اپیدمی و مرگ و میر گسترده سرخپوستان شد.

بدین ترتیب فکر استفاده از افراد آموزش دیده جهت امداد مجروحین و مصدومین و بیماران جنبه عملی به خود گرفت و سازمانهای اولیه تیمهای امدادی در زمان جنگهای استقلال آمریکا آغاز و بتدریج مراحل تکمیلی خود را در آمریکا و جهان طی نمود.

به عنوان نمونه سیر تاریخی تغییرات و پیشرفتهای طب نظامی را در آمریکا که از آغاز فعالیت آن تاکنون تحولات بسیاری داشته و می تواند اطلاعات ارزشمندی را بما بدهد بطور خلاصه مورد بررسی قرار می دهیم.

اهم مراحل تکامل سازمانی طب نظامی در آمریکا به شرح زیر می باشد:^۱

۱. جنگ استقلال (The Revolutionary War)

در ۲۷ جولای ۱۷۷۵ م مجلس فدرال خدمات پزشکی را برای ۲۰۰۰ نظامی مرد تصویب نمود و دکتر (بنجامین چارچ) اهل بوستون را به عنوان مدیر و رئیس پزشکان بر آنها گمارد. سپس دکتر (جان جونز) از نیویورک اولین کتاب در جراحی را در مورد درمان جراحی جراحات و شکستگیها نوشت و به طور گسترده ای در جنگ مورد استفاده قرار گرفت.

دکتر (بنجامین راش) امضاءکننده اعلامیه استقلال یک بیمارستان فدرال را براه انداخت و اولین کتاب در پیشگیری را در پزشکی برای پزشکان نظامی ارائه نمود. این کتاب تا جنگهای داخلی مورد استفاده واقع شد.

در ۱۷۷۷ م (جرج واشنگتن) دستور تلقیح برای پیشگیری از آبله را برای تمامی سربازان ارتش فدرال صادر کرد. که تا قبل از آن هرگز تمامی ارتش تحت تلقیح ایمنی قرار نگرفته بودند.

در ۱۷۷۸ پزشکان نظامی اولین فارماکوپه آمریکا را که حاوی ۳۲ صفحه مشخصات داروهای مورد استفاده در محیطهای نظامی بود تهیه نمودند.

در ۱۷۷۹ م دکتر (جیمز تیلتون) یک بیمارستان نظامی بافضای کافی برای بیماران راهاندازی کرد که برای چند دهه به عنوان نمونه بیمارستان نظامی در نظر گرفته می شد.

۲. اقدامات پس از جنگ استقلال

پس از پایان جنگ و برقراری صلح در ۱۷۸۴ م ارتش فقط یک جراح و چهار کمک جراح داشت. ارتش جنگ ۱۸۱۲ را بدون وجود سازمان پزشکی مشخصی آغاز کرد ولی کنگره در سال ۱۸۱۳ م یک سازمان پزشکی تحت ریاست دکتر (جیمز تیلتون) بوجود آورد.

Ameddvegment. Amedd. Army. Mil. Highlights in Army Medical Department

History ۴/۶/۲۰۰۶

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/ ۵۵

بعد از جنگ این سازمان گرچه بیش از ۵ جراح و ۱۵ کمک جراح نداشت و لی تجربیات خوبی در زمان جنگ به دست آورده بود.

در ۱۸۱۸م کنگره یک سازمان پزشکی نظامی دائمی در تجدید سازمان ارتش به وجود آورد و دکتر Josef Lovel به عنوان اولین رئیس جراحان نظامی معرفی گردید. وی دستور داد که پزشکان نظامی وضعیت هوا را ثبت کرده و ارتباط بین بیماریها با وضع اقلیمی را مورد بررسی قرار دهند.

این اولین اقدام ملی در زمینه ثبت وضعیت هوای مناطق بوده و زمینه ایجاد اداره هواشناسی آمریکا را فراهم آورد.

۳. کانونهای اولیه تحقیق

در ۱۸۳۶ (لوول) مجموعه‌ای از کتابهای پزشکی و علمی را در واشنگتن گردآورد و بدین ترتیب کتابخانه پزشکی ارتش (AMEDD یا ARMY Medical Department) پایه گذاری شد که یکی از سه موسسه بزرگی بود که در سازمان پزشکی ارتش بوجود آورد.

در ۱۸۴۰م AMEDD اولین آمار سراسری بهداشت عمومی کشور را بر مبنای آمارهایی که بوسیله پزشکان نظامی از ۱۸۱۹ تهیه شده بود منتشر ساخت. در ۱۸۴۷م کنگره به مسئولین پزشکی اجازه داد که از درجات نظامی برای اولین بار استفاده کنند.

در ۱۸۴۶م دکتر William T. G. Morton پزشک غیرنظامی در بیمارستان عمومی ماساچوست از گاز Ether جهت بیهوشی بیماران استفاده کرد و یکسال بعد ارتش در جنگ مکزیک از آن جهت جراحی‌ها استفاده نمود.

اولین مدال افتخار Medal of Honor را یک پزشک نظامی جوان بنام Benard Irwin در آریزونا در ۱۸۶۱م دریافت کرد.

۴. جنگ داخلی The Civil War

در حقیقت باید گفت که پزشکی آمریکا برای جنگ داخلی آمادگی نداشت. بیماریهای مختلف به هر دوسوی جنگ آسیب می رساند. سلاحهای جدید آن روز شدت جراحات را بیشتر کرده بود و اعزام به بیمارستان اغلب منجر به مرگ می شد. تلاشهایی برای بهبود بیمارستانها صورت می گرفت ولی این تلاشها به علت عدم اطلاع از اصول بهداشت و پیشگیری از بیماریها خنثی می گردید.

علم باکتریولوژی بتازگی در اروپا شناخته شده بود. لوئی پاستور اولین مقاله خود را در ۱۸۶۱ م منتشر نمود یعنی همان سالی که جنگ داخلی در آمریکا آغاز شده بود.

George Stenberg کسی که آمریکا را وارد دنیای باکتریولوژی نمود و به عنوان سر جراح ارتش آمریکا مفتخرشد هنوز به عنوان یک پزشک جوان میدان نبرد کار می کرد و لی باوجود این بازهم بعضی پیشرفتهایی در زمینه تخلیه مجروحین در همین زمان حاصل شد.

دراوائل سال ۱۸۶۲م کنگره آمریکا سازمان Amedd را بازسازی و سازمان دهی نمود و به سرجراح ارتش درجه سرلشکری برای اولین بار اعطاء نمود. در همین سال سازمان مزبور تهیه آمارهای پزشکی را به عهده گرفت که بعدها منجر به تهیه تاریخ پزشکی جنگ Civil War درپنج جلد گردید. که اولین تاریخ مفصل فعالیتهای پزشکی در جنگ بود.

Jonathan Lettrman مدیر پزشکی ارتش سازماندهی مجدد تاریخی خود را انجام داد. او پشتیبانی پزشکی نظامی را تجدید سازمان کرد؛ سیستمی که منجر به استفاده از بیمارستانهای متحرک گردید و تیم آمبولانس بیمارستان صحرائی Field Hospital او جوهره فکری شد که امروزه نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

درماه مه ۱۸۶۲م سرجراح ارتش دکتر William Hammond موزه پزشکی ارتش را در واشنگتن تأسیس کرد که اولین موسسه بزرگ AMEDD بود و این موزه در طول تاریخ خود در شش محل مختلف قرارگرفت که یکی از این محلها سالن تئاتر فورد بود که لینکلن رئیس جمهوری آمریکا در آن ترور شد. در ۱۹۴۹ این موزه محل انستیتوی پاتولوژی نیروهای مسلح گردید. از ۱۸۶۴ تا ۱۸۶۷م افسران سازمان AMEDD که در این موزه کار می کردند طبق تحقیقات خود روشهایی را برای عکس برداری از باکتریها بوسیله میکروسکپ ابداع نمودند.

۵. جهش های پس از جنگ Civil War

سرهنگ دوم Lt. Col. John Shaw Billings یکی از چهره های شگفت انگیز تاریخ پزشکی آمریکاست. او مدیریت موزه پزشکی ارتش و کتابخانه پزشکی را همزمان بعهده داشت. وی اولین فهرست موضوعی مقالات پزشکی جهان را تهیه کرد. و پس ازچندی مدیریت کتابخانه عمومی نیویورک را به عهده گرفت. از اقدامات ارزنده او تهیه مقالاتی درمورد بهداشت بیمارستانها بود که منجر به ایجاد سازمان بهداشت عمومی آمریکا U.S.Public Health Service گردید. بعلاوه طراحی دوبیمارستان مشهور Peter Bent Brigham و John Hopkins

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/ ۵۷

را و انجام داد. از دیگر اقدامات او ابتکار استفاده از کارتهای سوراخدار Punched cards برای نگهداری اعداد و ارقام آماری بود که به عنوان مشاور اداره آمار این خدمت را انجام داد. و چندی بعد یعنی در سال ۱۸۸۹ به توصیه او Herman Hollerith موسسه I.B.M را بنیاد نهاد. وی بعد از مدتی استاد بهداشت در Aeriality Pensilvania گردید.

در ۱۸۸۷م کنگره آمریکا از پرسنل وظیفه سپاهیان بیمارستانی تشکیل داد که بدین ترتیب AMEDD یک حالت سازمانی وظیفه‌ای بخود گرفت، گرچه بعدها این سپاه منحل شد ولی فکراستفاده از پرسنل وظیفه حرفه‌ای پزشکی بعد ها مورد استفاده قرار گرفت.

سومین موسسه بزرگ که در پوشش AMEDD به وجود آمد؛ اولین مدرسه بهداشت عمومی و پزشکی پیشگیری بود. مدرسه پزشکی ارتش Army Medical School در دواطاق درموزه در ۱۸۹۳م گشایش یافت و دارای چهار استاد پاره وقت بود. این مدرسه بعدها تبدیل به موسسه تحقیقاتی Walter Reed Army Institute of Research گردید که شهرت جهانی دارد. و در عرض ده سال مشهورترین موسسه در مبارزه بر علیه بیماری تب زرد معرفی گردید.

در ۱۸۹۶م درست شش ماه پس از آنکه Roentgen وجود اشعه ایکس را اعلام کرد؛ موزه پزشکی ارتش از اشعه ایکس برای پیدا کردن گلوله ای در تن بیمار از آن استفاده کرد و در جنگ بعدی در ۱۸۹۸ م در جنگ و در بیمارستان از آن استفاده گردید.

۶. جنگ اسپانیا و آمریکا

در جنگ اسپانیا و آمریکا؛ نیروهای آمریکا از اقیانوس عبور نمودند تا در مناطقی بجنگند که در حقیقت کانون بیمار و بیماری بود. در نهایت تعداد مجروحین ۱۵۸۱ نفر؛ موارد تیفوئید ۱۳۷۷۰ و مبتلایان به مالاریا؛ تب زرد و دیسانتری به هزاران نفر می رسید. و بدین ترتیب حاصل جنگ این بود که آمریکا را باقی گذاشت با مسئولیت سرزمین جدید و مبارزه با بیماریهای آن.

ولی خوشبختانه در این زمان دیگر باکتریولوژی یک علم بود. George Sternberg دامپزشک جنگ داخلی و مولف اولین کتاب درسی باکتریولوژی آمریکا در سال ۱۸۹۲ م در سمت سر جراح ارتش بود و بدین ترتیب AMEDD مبارزات خود را بر علیه بیماریهای سرزمینی آغاز کرد.

ابتدا ستوان یکم Lt. Baily Ashford نشان داد که کم خونی پرتریکویی Puerto Rican Anemia بوسیله کرم قلاب دار Hook Worm ایجاد می‌گردد. از آنجائی که همین بیماری در جنوب آمریکا هم وجود داشت؛ روشهای درمان و کنترل آن درمورد کلیه آن نواحی نیز مورد استفاده واقع شد.

پزشکان نظامی نیز به هیئت های تحقیقاتی و نمایندگی مناطق مختلف روشهای درمان و کنترل بیماریهای وبا؛ طاعون؛ تب دانگ؛ مالاریا؛ بربری و دیسانتری آمیبی را آموزش می دادند. دراین میان سرگرد Major Walter Reed نمونه کوشش کامل دراین راه بود. او در این زمان ریاست یک هیئت مبارزه با تیفوئید را بعهدہ داشت و مقرراتی را برقرار کرد که فرماندهان خط دفاعی مسئول سلامتی واحدهای آن ناحیه بودند. ولی مسئولیت بزرگ او سرپرستی هیئت مبارزه با تب زرد در کوبا در سالهای ۱۹۰۰-۱۹۰۱ بود که فداکاریها و جانبازیهای قهرمانانه محققین نظر جهانیان را بخود جلب کرد.

دراین برنامه؛ افسران؛ پرستاران؛ سربازان داوطلب و مردم کوبا خود را داوطلبانه در معرض ابتلا قرار می دادند و بدین ترتیب دریک تحقیق انسانی بسیاری جان خود را از دست دادند ولی در عرض شش ماه این تیم ثابت کرد که بیماری توسط یک نوع پشه ایجاد می‌گردد. و متعاقب این پیروزی پزشکی وضع زندگی در منطقه گرمسیری تغییر یافت و درنتیجه ساختار اقتصادی وتجاری منطقه وجهان تحت تأثیرآن متحول شد.

سرهنگ Col. William Gorgas با استفاده از تحقیقات Reeds در مبارزه با مالاریا توانست شرایطی را بهوجود آورد که ساخت کانال پاناما را امکان پذیرسازد. او بعدها سرجراح ارتش شد و اولین مدال مشهور خدمت که تا آن موقع اعطاء شده بود را در سال ۱۹۱۸م دریافت نمود.

۷. قرن جدید وایده های نوین

با آغاز قرن بیستم؛ AMEDD مجدداً تجدید ساختارشده و شاخه های جدیدی به آن اضافه گردید ازجمله لشکر پرستاری The Nurse Corps.

درحقیقت زنان از مدتها قبل از این تاریخ در مراقبت از سربازان و رزمندگان بکار گرفته می شدند؛ قانونی که در ۱۷۷۵ سازمان پزشکی نظامی آمریکا AMEDD را ایجاد کرد اجازه استخدام پرستاران زن را نیز صادرکرد. بیشتر این اشخاص بستگان بدون آموزش خود سربازان بودند ولی آنها

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/۵۹

نقش مهمی را به عهده داشتند کما اینکه در زمان جنگ داخلی در بیمارستانهای نظامی هر دوطرف خدمت می کردند.

Dorothea DiX مشهور برای کار با بیماران روانی؛ سرپرستار برای پرستاران زن ارتش متحدہ Army Union بود؛ همچنین Clara Barton مؤسس صلیب سرخ آمریکا به طور داوطلب به استخدام در آمده بود. ولی کار زنان به طور قراردادی مدت مدیدی باقی ماند و بیشتر شامل تهیه رژیم غذایی؛ امورخانه - داری و توزیع امکانات بود.

درجنگ اسپانیا با آمریکا شرایط متفاوت بود. بیش از ۱۵۰۰ پرستار آموزش دیده با تجربه برای خدمت درجنگ قرارداد بستند. گرچه آنها سرباز نبوده و قراردادی بودند ولی به ماوراء بحار فرستاده شدند و چنانچه کشته می شدند می توانستند در قبرستان مخصوص کشته شدگان جنگ دفن گردند.

دراقدامات تجدید سازمان ۱۹۰۱؛ پرستاران زن می توانستند به ارتش بپیوندند و بدین ترتیب ۲۰۰ نفر به ارتش ملحق شدند ولی هنوزهیچیک درجه نظامی نداشتند تا آن که درجنگ جهانی اول بیش از ۲۰۰۰۰ زن توسط AMEDD به خدمت گرفته شدند و ۱۰۰۰۰ نفر از آنان درماوراء بحار خدمت می کردند.

در۱۹۲۲ کنگره درجات همردیف Relative Rank را برای آنها تصویب کرد. از این تاریخ پرستاران نشانهای ارتش را به کار می بردند ولی هنوز از نظر قانونی افسر شناخته نمی شدند. با همین قانون استخدام قراردادی جراحان دندانپزشک مجازگردید. در ۱۹۰۸ دندانپزشکان به خدمت ارتش پذیرفته شدند و در ۱۹۱۱ یک رسته دندانپزشکی Dental Corps به وجود آمد.

در۱۹۱۷ وضعیت شغلی؛ حقوق و مزایای آنان با پزشکان نظامی برابرشد و بعدها سازمانهای دیگری نیز به پزشکی ارتش اضافه گشت مثل: رسته اداری Administrative Corps؛ رسته سلامتی Sanitary Corps و رسته دامپزشکی Veterinary Corps.

دامپزشکان نظامی نیز تنها مسئول حیوانات ارتش نبودند بلکه مسئولیت گوارائی و سودمندبودن مواد غذائی ارتش را هم به عهده داشتند و این گامی در جهت پزشکی پیشگیری ارتش محسوب گردیده و تأکیدی بود بر حفظ سلامتی رزمندگان.

در ۱۹۱۰ سرگرد Maj. Camall روشی را برای کلرینه کردن آب آشامیدنی به دست آورد. سه سال بعد سرگرد Maj. William Lyster کیسه های لیستر را برای کلرینه کردن آب میدان رزم

اختراع نمود. از اوایل سال ۱۹۰۰ م هیئت های تحقیق در فیلیپین بیماریهای نظیر abies وبا؛ طاعون؛ مالاریا و دیستانتی آمیبی را آموزش می دادند. ستوان Lt. Charles Ctaig که در آن محل کار می کرد و سروان Capt. Percy Ashburn ثابت کردند که تب دانگ یا Break boon به وسیله ویروس ایجاد می گردد. سروان Capt. Edward Vedder نشان داد که خوردن برنج نیمه تصفیه شده می تواند از بیماری بری بری Beriberi جلوگیری کند.

در دانشکده پزشکی ارتش؛ سرگرد Maj. Ferderi Russell واکسیناسیون ضد تیفوئید را به وسیله تزریق میکرب کشته شده در سال ۱۹۰۹ م بنیاد نهاد. در ۱۹۱۱ م ایمنی سازی بر علیه تیفوئید برای ارتش اجباری شد. ولی باید بدانیم که فعالیتهای AMEDD به مسائل پزشکی محدود نگشت بلکه در سالهای دهه ۱۹۰۰ م جراحان ارتش نقش سازنده تری در دگرگونی عظیم ارتش بازی کردند.

سرلشکر Maj. Gen. Ferderick Ainsworth از رسته بهداری آجودان ژنرال فرمانده ارتش گردید و بر مبنای روشهایی که سوابق پزشکی را در سازمان بهداری ثبت کرده بود سیستم سوابق پرسنلی ارتش را دگرگون نمود که بعدها جوهره سیستم ثبت سوابق شد و امروز هم همین سیستم زنده و فعال است.

پزشک دیگری که تمامی ارتش را متحول نمود سرلشکر Maj. Gen. Leonard Wood مدال افتخار در جنگ های داخلی Indian Wars به دست آورد؛ او در جنگ اسپانیا و آمریکا فرماندهی سوار نظام را به عهده داشت و فرمانده نظامی در فیلیپین و کوبا بود. بعدها او رئیس ستاد ارتش شد و نیروهای احتیاط Officer Reserve Corps را بر مبنای اعتقاد به استفاده از نیروهای پزشکی ذخیره Medical Reserve Corps گسترش داد. سپس برای رئیس جمهور شدن تلاش کرد و در نهایت فرماندار کل فیلیپین گردید.

۸. جنگ جهانی اول World Warl

سپس جهان دچار مصیبت گردید. وقتی جنگ جهانی اول شروع شد AMEDD بیش از همیشه آماده بود و از همان ابتدا درگیر مسائل جنگ شد.

اولین افسر آمریکایی که کشته شد ستوان William Fitssimons بود که یک پزشک جوان در بیمارستان عمومی در فرانسه بود. در همین شب اولین فرد وظیفه آمریکایی بنام Oscarc Tugo عضو AMEDD کشته شد.

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/ ۶۱

در این جنگ پزشکی پیشگیری عامل مهمی در پیروزی بود این اولین جنگ بزرگی بود که مرگهای ناشی از بیماریهای واگیر کمتر از تعداد مجروحین جنگی بود. آمبولانسهای موتوری سطح تحرک بیشتری در روش تخلیه مجروحین Lettrman ایجاد کرده بودند. از طرفی بالا بودن تعداد مرگ و میر خلبانان ارتش سبب شد که فکر پزشکی هوایی Aviation Medicin به وجود آید.

در این جنگ ارتش درمان بیماریهای مقاربتی را به عنوان یک مشکل پزشکی تلقی نمود و دیگرتنها به عنوان یک مسئله اخلاقی به آن نمی‌نگریست؛ در صورتی که مدتها قربانیان بیماریهای مقاربتی Veneral Disease را فقط تحت مجازاتهای شدید قرارداد داده بود. قانونی که در ۱۷۷۸م جهت سربازان بستری شده به علت ابتلا به بیماریهای مزبور تصویب شده بود مجازاتهای سنگین برای آنان اعمال می‌کرد. ولی این تنبیهات کارآیی چندانی نداشت. درحقیقت سیاستهایی که در جنگ جهانی اول در این مورد به کار رفت جنبه کاربردی بیشتری داشت و مبنای بهتری برای مبارزات عمومی برعلیه بیماریهای فوق بوجود آورد.

در ۱۹۱۸ Maj. Reuben Kahn که از پزشکان ارتش بود آزمایش خون برای تشخیص بیماری سیفلیس را پایه گذاری کرد به طوری که وسیله استاندارد تشخیص این بیماری برای سالیان دراز گردید.

۹. مدت زمان بین دو جنگ جهانی

در فاصله دو جنگ جهانی؛ تکنولوژی موقعیتهای جدیدی را به وجود آورد و در مقابل مشکلات پزشکی جدیدی را نیز به همراه داشت ولی سازمان پزشکی ارتش سعی کرد که به همراه تکنولوژی مشکلات را رفع و به پیشرفت لازم دست یابد.

در ۱۹۲۰م دانشکده خدمات طب رزمی Medical Field Service School در محل Carlisle ; Barracks Penn گشایش یافت تا افسران پزشک و پرسنل وظیفه پزشکی را آموزش طب رزمی بدهد.

در ۱۹۴۷م این دانشکده به Fort San Houston ; Texas منتقل گردید و در نهایت به مرکز آموزش و دانشکده AMEDD Center and School امروزی تبدیل گردید. ابتکارات و تحقیقات پزشکان ارتش در زمان جنگ منشاء خدمات ارزنده ای به پزشکی جهان گردید:

روش دکتر Huran Orr که تجربه جنگ جهانی اول را داشت و نحوه درمان بسته شکستگی های مرکب را ابداع کرده بود در جنگ با اسپانیا نیز با تغییراتی مورد استفاده جراحان قرار گرفت و سبب نجات هزاران نفر از عفونتهای استخوانی گردید.

در ۱۹۳۰ سرهنگ Col. George Callender اثرات گلوله های باشتاب High - Velocity

Missiles را تدریس می نمود و نتیجه تحقیقات خود را چنین اعلام کرد که جراحات ناشی از عبور گلوله آن سوی محل زخم ایجاد می شود و سبب برداشته شدن مقدار زیادی از بافتها می گردد؛ توجه به این موضوع عاملی شد برای آنکه با تمیز کردن بیشتر ناحیه جراحی از میزان گانگرن های گازی کاسته گردد و عفونتهای دیررس و خونریزی های غیر قابل کنترل کاهش یابد. در ۱۹۹۲م سروان Capt. Fernando Rodriguez باکتریهای موجود در محیط دهان را جدا نمود و اساس دندانپزشکی پیشگیری جدید را پایه گذاری نمود.

سرگرد Maj. Raymond Kasler عضو رسته دامپزشکی واکسن ضد گزیدگی سگ هار و همچنین واکسن ضد وبای گاوی را تهیه نمود.

سرهنگ Col. Joseph Siler با تیم همکاران خود در پاناما اولین تحقیق کنترل شده را روی کاربرد ماری جوانا Marijuana توسط سربازان انجام داد.

در این زمان هنوز مالاریا شایع ترین بیماری در سطح جهان بود و کینین Quinine داروی منحصر به فرد آن تلقی می شد. در ۱۹۳۰م AMEDD داروی سنتتیک آلمانی بنام آتبرین Atebrin را بدین منظور بکار برد. این دارو پیشگیری از عفونت نمی کرد ولی علائم خاص طویل مدت آن را کاهش می داد. همین سبب شد که وقتی ژاپنی ها تولید کینین را متوقف ساختند؛ آتبرین جایگزین ارزشمندی به جای آن محسوب شد.

سرگرد Maj. Harry Armstrng و همکارانش در آزمایشگاه پزشکی هوایی Aeromedical Field Ohio Aeromedical Lab ضمن تحقیقات در سال ۱۹۳۶م کتاب درسی درباره پزشکی هوایی Aviation Medicin منتشر کرد و سرجراح نیروی هوایی گردید.

دانشکده پزشکی ارتش Army Medical School شروع به آزمایش روی محصولات خونی نمود که در زمان جنگ جهانی دوم نیز ادامه یافت و منجر به تهیه بسته Kit استریل

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/۶۳

خون دهندگان؛ سیستمی برای جمع آوری و نگهداری خون در سرمای شدید جهت انتقال به ماوراء بحار و بالاخره تهیه بسته‌های استاندارد شده Standardised Kits برای گروه بندی سریع خون گردید.

۱۰. جنگ جهانی دوم

در جنگ دوم جهانی؛ نظامیان آمریکا در سراسر مناطق جهان جنگیدند و با هر شرایط اقلیمی؛ بیماریها و سلاحهایی که انسان شناخته و یا ساخته بود مواجه شدند؛ و در نهایت پیشرفتهایی چشم‌گیر در زمینه پزشکی و جراحی به دست آوردند. از آن جمله داروهای جدید مثل پنی سیلین و روشهای نوین درمانی و جراحی.

در ۱۹۴۲م سرهنگ دوم Lt. Col. Harry Plotz در دانشکده پزشکی ارتش روشی را برای بازیافت قدرت واکسنهای ضد بیماری تیفوس به دست آورد و بوسیله آن نظامیان آمریکا را از طاعونی که سابقه ای برابر با عمر ارتشهای جهان داشت نجات داد. این کمیته با کاربرد داروی D.D.T برای کشتن حشرات و به کاربردن واکسن اصلاح شده تیفوس به طور قطعی از شیوع بیماری ممانعت و مهمترین قسمت پیروزی این کمیته جلوگیری از یک اپیدمی خطرناک در بدو شروع آن در شهر ناپل در ۱۹۴۳ بود.

تحقیق در مسائل روانی نیز از فعالیتهای مهم پزشکی نظامی این دوره بود. تحقیقات جدیدی در مورد ترس رزمندگان از انفجار گلوله توپ و همچنین افسردگی ناشی از طولانی شدن جنگ انجام گرفت. آزمایشهای تحقیقی در مورد اثرات اقلیمی و پوششهای جدید و مقررات رفتاری برای حفاظت رزمندگان از جراحات ناشی از سرما و گرما انجام شد. پنی سیلین به طور انبوه تولید شد و آینده امید بخشی برای امکان نجات زندگی در میدانهای جنگ شمال آفریقا در نیمه سال ۱۹۴۳ فراهم گشت. روشهای جدیدی برای درمان سریع جراحات اعمال گردید و جراحی تروما را متحول ساخت.

در ۱۹۴۴م سروان Capt.Dentist - Stanley Erpf دندانپزشک ارتش اقدام به ساخت یک نمونه چشم مصنوعی اکریک پلاستیک نمود که برای طول زندگی قابل استفاده بود.

در ۱۹۴۵م سروان Capt.Edwin Pulaski یک واحد تحقیقاتی پزشکی Hospital /Staten Island N.Y. Halloran General تأسیس نمود و چگونگی کاربرد آنتی بیوتیکها را در جراحی بررسی کرد. در ۱۹۷۴ این واحد تحقیقاتی به Fort Sam

Houston Texas منتقل گردید و در این محل با یک بیمارستان عمومی محلی ادغام و بنام انستیتوی The Institute Of Surgical Research نامیده شد و امروزه یک مرکز سوختگی مشهور و پیشقدم در درمانهای سوختگی است. در این ایام تیمهای پرستاری The Nurse Corps از نظر کمیت و شخصیت و شغلی به طور چشمگیری رشد نمود. ضمن اینکه تعداد آنها به ۵۷۰۰ نفر رسید؛ در ۱۹۴۴ م کنگره پرستاران استخدای موقت را به عنوان افسر ایالتی پذیرفت. و در ماه ژوئن ۱۹۷۴ م سرهنگ Col. Forence A. Blanchfield اولین زنی بود که عنوان یک افسر دائمی ارتش را به دست آورد.

پزشکان، پرستاران و بهیاران سیاه پوست نیز برای کسب مزایا و موقعیتهای خدمتی برای خود شدت تلاش کردند و با وجود شرایط سخت محیط اجتماعی به پیشرفتهایی نیز نائل گردیدند. و همین توفیقات سبب شد که پس از جنگ زمینه فعالیت شغلی در شرایط برابر در محیط پزشکی ارتش برای همه آنها به وجود آید.

ولی آنچه اهمیت بیشتری داشت این بود که جنگ جهانی دوم میدان فداکاری و خدمت و ایثار بیش از ۶۰۰ / ۰۰۰ مرد و زن رسته پزشکی بود؛ تعداد عظیمی تحت پوشش AMEDD که بیش از تمامی ارتش آمریکای امروز می باشد.

۱۱. دوران پس از جنگ جهانی و کشور کره

از آن جا که ده ها سال تجربه نشان می دهد که متخصصین آموزش دیده در ارتش بیشتر برای درگیری و جنگ آماده و کارساز هستند و بیشتر مایلند که در ارتش باقی بمانند. در سال ۱۹۴۶ م AMEDD برنامه های رسمی رزیدنسی خود را اجرا نمود تا متخصصین پزشکی جراحی خود را در محیط نظامی پرورش دهد. و در سالهای بعد برنامه های آموزشی پیشرفته بیشتری نظیر دوره های تخصصی برای دندانپزشکان و پرستاران دایر نمود.

در ۱۹۴۷ کنگره سپاه خدمات پزشکی The Medical Service Corps را به تصویب رساند تا در پی آن سازمانهای اداری پزشکی The Medical Administrative Corps؛ سلامت The Service Corps و داروسازی The Pharmacy Corps را به وجود آورد.

امروزه M.S.C در حقیقت سپاه مدیران پزشکی و دانشمندان و متخصصین بهداشت و سلامت عمومی هستند. در همان سال؛ کنگره تشکیل سپاه پزشکان متخصص

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/۶۵

The Women's Medical Specialist Corps را برای بکارگماردن متخصصین تغذیه و درمانگران نظیر فیزیوتراپها؛ گفتار درمان کنندگان و غیره را به تصویب رساند. چندی بعد مردان به این سازمان پذیرفته شدند و کلمه زنان از این نام حذف و به سازمان The Army Medical Specialist Corps تغییر نام یافت. در سال ۱۹۷۴ نیروی هوایی به صورت تشکیلات مستقلی درآمد. دوسال بعد با ایجاد یک سازمان پزشکی مستقل برای نیروی هوایی موافقت گردید و Independent Air Force Medical Service نامیده شد.

در ۱۹۴۹ دوره‌های آموزشی عملی پرستاری برای شاغلین و وظیفه‌ها دایر گردید ولی بعد از جنگ ادامه نیافت.

پس از مدتی در کمتر از پنج سال؛ نیروهای رزمی آمریکا درگیر جنگ کره گردیدند که شرایط ویژه‌ای از نظر وضع دمای هوا داشت. بلافاصله یک تیم تحقیق AMEDD جراحات ناشی از سرما را مورد بررسی قرارداد و لباسهای خاص محافظ سرما را مورد آزمایش قرارداد و در نهایت یک زره سبک روی بدن طراحی و تهیه نمودند که شدت جراحات را در رزمندگان نیروی زمینی کاهش می داد.

در همین ایام پیشرفتهای شایان در جراحی عروق برای کاهش تعداد قطع عضو حاصل شد و دستگاه کلیه مصنوعی ساخته شد و به منطقه جنگی ارسال گردید تا با عمل دیالیز قربانیان نارسایی کلیه را نجات دهد. ولی می‌توان گفت که بیشترین پیشرفت در حمل و نقل هوایی حاصل شد.

در ۱۹۵۱م اولین بالگرد آمبولانس در کره شروع به کار کرد. دیگر یک مجروح می‌توانست در عرض چند دقیقه پس از حادثه از خدمات یک بیمارستان مجهز کاملاً استریل بهره مند گردد. به طوری که تا پایان جنگ در ۱۹۵۳م بیش از ۱۷۰۰۰ مجروح جنگی با بالگرد از طریق هوایی جا به جا شدند. این اقدامات سبب شد که تجربیاتی در این زمینه حاصل شود و با اصلاحاتی که در بالگردها و سیستم تخلیه هوایی مجروحین عملی شد بعدها در جنگ ویتنام بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. در ایام جنگ در ژاپن متخصصین AMEDD به این نتیجه رسیدند که بستری شدن طولانی مدت بیماران مبتلا به هیپاتیت به ندرت ضروری می‌باشد. با کاهش مدت مزبور ضمن کاهش ناراحتی بیماران امکانات بیمارستانی نظامی و غیر نظامی صرفه جوئی گردید.

باتوجه به اهمیت دانش مدیریت در بهره‌وری بیمارستانها یک دوره مدیریت بیمارستانی در Medical Field Service School دائر گردید و فارغ التحصیلان آن درجه Master مدیریت بیمارستانی به دست آوردند و درحال حاضر نیز این دوره مرتب برگزار می‌گردد. در اواخر سال ۱۹۵۰م متخصصین موسسه تحقیقاتی Walter Reed Amy Intitute of Research یک سیستم جت Jet با فشار هوا جهت واکسیناسیون بدون استفاده از سوزن ساختند که برای ایمن‌سازی گسترده کار آموزان و جمعیت کثیر محیطهای فقیر نشین بکار رفت. در ۱۹۵۷م انستروی تحقیقاتی Walter Reed ویروسی را که سبب آنفلوآنزای آسیایی می‌گردید جدا ساختند و در فاصله کمی واکسن تجارتی آن ساخته شد.

در ۱۹۵۸م AMEDD در تهیه و انتشار اولین کتاب دستی بنام فوریتهای جراحی در جنگ Emergency War Suegery سازمان بین المللی ناتو NATO همکاری نمود. در همان سال بافت پزشکی ارتش و نیروی دریایی تحقیقاتی روی چگونگی وضعیت فیزیولوژیکی پرواز حیوانات انجام دادند که در نهایت سبب شد که انسان بتواند به طور ایمن به فضا سفر نماید.

در ۱۹۶۰م سرهنگ Col. Tryge Berge واکسن مناسبی برای جلوگیری از آنسفالیت Equin Encephalitis Venezuelan تهیه نمود؛ و یک دهه بعد استفاده از این واکسن سبب توقف بیماری فوق هنگامی که از مکزیک به طرف شمال انتشار پیدا می‌کرد گردید. در همان سال پزشکی ارتش عامل کنترل کننده جدیدی را برای بیماران مالاریا در منطقه آزمایش کرد؛ این روش کاربرد توأم قرص کلراکین دی فسفات Chlo raquin Diphosphate و Primaquin به مقدار هفته‌ای یک بار می‌باشد و ضمن متوقف ساختن حملات مالاریا از عود آن جلوگیری می‌نماید.

در اوایل دهه ۱۹۶۰م ارتش یازده بیمارستان مدرن در پایگاههای سراسر کشور ساخت. در ۱۹۶۱م AMEDD دوره‌های رسمی آموزش پزشکی هوایی را در پایگاه Fort Kucher Ala آغاز نمود.

۱۲. جنگ ویتنام

در ویتنام؛ کارآیی و سرعت عمل باتوجه به کاربرد نوعی از بیمارستانهای متحرک قابل حمل به وسیله کامیون و یا وسیله هوایی MUST (Medical Unit, Selfcontained

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/۶۷

Transportable چندین برابر گردید. این بیمارستانها که لاستیکی و با بادکردن به سرعت برپا می‌گردید دارای موتور برق؛ تهویه هوا؛ حرارت مطبوع؛ لوله - کشی آب و سیستم دفع زباله بود و بانصب به جای بیمارستانهای چادری سبب راحتی بیشتر بیمار و اصلاح روش مراقبت از او می‌گردید.

در اولین روزهای رسیدن به ویتنام در سال ۱۹۷۷ پرسنل پزشکی که وارد جنگ نشده بودند زیر آتش مشغول طی دوره مخصوص بودند. ولی بسیاری از گروه پزشکی به همان نفرت اولیه رزمی برای اخذ مدال افتخار The Medal Of Honor به مناسبت شجاعت در راه نجات زندگی دیگران پیوستند. در این جنگ نیز تحقیقات در کنار صحنه نبرد ادامه داشت.

در انستیتوی تحقیقات جراحی ارتش U.S. Army Institute of Surgical Research واقع در تگزاس یک کرم ضد باکتری تهیه گردید بنام سولفامیلون Sulfamylon که با کاربرد آن در مورد سوختگیهای وسیع ۵۰٪ تلفات ناشی از سوختگیهایی که دچار عفونت می شد کاسته شد. سازمان متخصصین پزشکی ارتش The Army Medical Specialist Corps موفق شد در درمانهای فیزیک پزشکی در ۱۹۶۶ یک دست مصنوعی با ظاهر بسیار زیبا و کارآیی بیشتر طراحی و تهیه نماید و در همین سال پزشکان متخصص بیماریهای استخوان Osteopathic Physicians به این سازمان پذیرفته شدند.

در اواخر دهه ۱۹۶۰م سازمان پزشکی ارتش یک نوع واکسن از آدنو ویروسهای Adenovirus ساخت که سبب کاهش عفونتهای تنفسی در کارآموزان و سربازان مراکز آموزشی گردید.

بعدها این سازمان کاربرد گاماگلوبولین Gamma Globulin به صورت گسترده را در سربازان ماوراء بحار آزمایش نمود و نتیجه نشان داد که تزریق گاماگلوبولین ایجاد ایمنی معنی داری در مقابل ابتلای به هیپاتیت بوجود می آورد ولی در مقابل بسیاری از عفونتهای دیگر تأثیری ندارد. در ۱۹۶۷م محدودیتهایی که برای ترفیع افسران گروه پزشکی و پرستاری در قانون وجود داشت برطرف گردید و مقررات ترفیع و بازنشستگی افسران زن با دیگر سپاهیان AMEDD هماهنگ گردید.

در ۱۹۶۸م یک دوره آزمایشی برای تغییر نام و نحوه اداره و مدیریت سازمان پزشکی که در قسمتی از این سازمان درکنار خدمات جاری به طور تجربی به کار می‌رفت و بنام Army

Medical Service نامیده می‌شد، به پایان رسید و نتیجه نشان داد که سیستم مزبور به همان اندازه که وسعتی در خدمات درمانی بوجود می‌آورد سبب درهم و برهمی و بهم‌ریختگی سازمان و کاهش کیفیت خدمات می‌گردید. لذا نام قبلی AMEDD باخدمات گسترده اش به جای خود باقی ماند.

در فاصله سالهای ۱۹۶۹-۱۹۷۲ انستیتوی تحقیقات دندانپزشکی ارتش دستگاه Water Pick را تکمیل نمود و آن را تبدیل به یک دستگاه کمکی برای اطلاق جراحی کرد. این دستگاه آب را با فشار به وسایل و قلمها وارد می‌کند و خرده ها و ذرات بافتی و باکتریها را با سرعت بیشتر و آسیب کمتری به بافت زنده جدا می‌سازد. بعدها با افزایش مواد ضدعفونی کننده و تمیز کننده Detergents به جریان آب از این دستگاه برای تمیزکردن دستهای تیم جراحی نیز استفاده گردید.

در ۱۹۷۰م رئیس سپاه پرستاران ارتش Army Nurse Corps به درجه سرتیپی رسید و این اولین زنی بود که در ارتش به درجه ژنرالی رسیده بود.

در همین ایام سازمان نظامی کمک به نجات مجروحین حوادث فرم گرفته و زندگی بسیاری از غیر نظامیان دچار حادثه در راهها را بوسیله بالگردهای نظامی نجات می‌داد و آنها را به مراکز درمانی مخصوص آسیب دیدگان منتقل می نمود. و همین اقدامات و آشکارشدن اثرات حیاتی آن سبب ایجاد سازمانهای نجات آمبولانس بالگرد غیر نظامی در کشور گردید.

ازطرف دیگر مالاریا هنوز جزء اولین علل مرگ و میر دنیا بود لذا تحقیقات در این زمینه بایستی ادامه می یافت؛ نتیجه این شد که داپسون Dapsone به خوبی توانست در مورد بیماران مالاریایی که در مقابل کینین و آتبرین مقاوم شده بودند موثر باشد.

در ۱۹۶۲م پزشکان ارتش پایگاه Fort DIX وپروسی را توانستند جدا سازند که چند سال بعد انستیتوی سلامت ملی The National Institute of Health در ۱۹۶۹م واکسن ضد سرخجه را از آن تهیه نمود و برای کنترل سرخک آلمانی German Measles به کاربرد.

در حقیقت پس از آنکه در سال ۱۹۶۲ دکتر Malcon S. Artenstein یکی از افسران پزشک به پایگاه فوق انتقال یافت با تیم تحقیقاتی خود توانست در ۱۹۷۰م واکسنی برای جلوگیری از اپیدمی مننژیت در اردوگاههای ارتش تهیه نماید.

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/۶۹

در ۱۹۶۹ واحد پزشکی پایگاه Fort Detrick که قبلاً در سال ۱۹۵۶ برای به دست آوردن راههایی برای دفاع در مقابل عوامل جنگ بیولوژیک ایجاد شده بود با پیشرفتهایی که کرده بود بنام انستیتوی تحقیقات بیماریهای عفونی در ارتش Army Research Institute of Infectious Diseases تغییر نام یافت و توانست کمک موثری در جلوگیری از شیوع بیماریهای ویروسی نظیر EBOLA (EBV, Epstein Barr Virus) بنماید. این بیماری در ۱۹۷۶ به صورت شیوع نوعی همورازی حاد در جنوب سودان و شمال زئیر دیده شد که سبب عفونتهای ثانویه بخصوص در بین کارکنان بیمارستانها می گردید. در سودان ۳۰۰ مورد و ۱۵۱ مرگ و در زئیر ۲۳۷ مورد با ۲۱۱ مورد مرگ دیده شد.

در ۱۹۷۱م سرهنگ دوم Lt. Col. Charles Angel اولین لابراتوار تجزیه ادرار را برای آزمایش هروئین ایجاد کرد. بعدها این سیستم برای دیگر داروها عمومیت پیدا کرد. و برای غیر نظامیان نیز بکار رفت.

در ۱۹۷۲ کارکنان دامپزشکی ارتش به همراه متخصصین نیروی هوایی و مقامات دولتی توانستند یک اپیدمی خطرناک مرغداری را در کالیفرنیا کنترل نمایند. چندی بعد ارتش میسیونهای دامپزشکی نیروی هوایی را جذب کرد و نیروی هوایی به فعالیت دامپزشکی خود خاتمه داد.

در ۱۹۷۳؛ آکادمی علوم سلامتی Academy of Health Sciences که بعدها قسمتی از مرکز دانشگاهی AMEDD گردید اولین دستیاران پزشکی ارتش را در پایگاه Fort Sam Houston Texas فارغ التحصیل نمود. بعلاوه بیست و پنج دوره پرستاری دیگر و دستگیری دندانپزشکی و دوره های آموزشی پیشرفته روشهای لابراتواری نیز دائر گردید.

۱۳. بعد از جنگ ویتنام

در ۱۹۷۳؛ به عنوان قسمتی از تجدید سازمان ارتش بیمارستانهای دولتی ایالتی ارتش State Side Army Hospitals در هم ادغام گردید و تحت نام S.Army Health Services Command یا فرماندهی خدمات سلامتی HSC به خدمت ادامه داد. این نام پیش درآمد تشکیلات فرماندهی فعلی به نام U.S.Army Medical Command (MEDCOM) می باشد که فرماندهی کل آن در پایگاه سن هوستون تگزاس تشکیل شد. در این سازمان ۵۰۰۰۰ عضو نظامی و غیرنظامی کار می کردند و یک مدیریت واحد تخصصی برای ارائه تمام مراقبتهای سلامتی و آموزشی در تمامی ارتش اقدام می نمود. HSC ابتدا هفت مرکز پزشکی

نظامی و آکادمی علوم سلامتی حاوی ۳۷ مرکز پزشکی که قبلاً تحت نظر فرمانده منطقه مربوطه بود را زیر امر فرماندهی خود گرفت.

پس از جنگ ویتنام؛ HSC سیستم پزشکی جدیدی را سازماندهی کرد و بسیاری از بیمارستانها را تعطیل کرد؛ از جمله بیمارستان تاریخی Valley Forge را ولی در مقابل مراکز پزشکی جدیدی را به سازمان خود اضافه نمود نظیر مراکز پزشکی هاوایی؛ آلاسکا و پاناما. در میانه سال ۱۹۷۴م فرماندهی SHC یک سیستم نظارت و کنترل ناحیه‌ای برای بهبود وضعیت بیمارستانهای تحت امر خود بوجود آورد.

۱۴. زمان سختیها و کارهای مفید

بعد از جنگ، تورم ملّت را تحت فشار قرارداد؛ ارتش کوچک شد؛ فرماندهی HSC یک دوره سه ساله کمبود دلار و پزشک را بین سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ تحمل کرد. بعلاوه در ۱۹۷۸ بیش از ۲۰٪ پزشکان ارتش را ترک کردند.

در ۱۹۷۳ که این فرماندهی تشکیل شد دارای ۲۳۰۰ پزشک و به ۲/۹ میلیون نفر خدمت می‌کرد. در ۱۹۷۸ دارای ۱۷۰۰ پزشک و به ۳/۱ میلیون نفر خدمت می‌نمود. لذا ناچار شد خدمات خود را کاهش دهد و بعضی بیمارستانها را تعطیل نماید و در مقابل با پزشکان غیر نظامی قرارداد ببندد.

ولی این دوره سخت کوتاه مدت بود. در ۱۹۷۵ لائبراتورهای پزشکی ارتش مجدداً تحت نام MEDCENS تجدید سازمان شد. منابع زیست محیطی به ارتش واگذار گردید. یک مرکز پزشکی بنام آیزنهاور در پایگاه Fort Gordon در گواتمالا شروع بکار کرد. در ۱۹۷۶ مسئول پرسنلی فرماندهی HSC به گواتمالا رفت تا به ۷۰۰ نفر مجروح یک زمین لرزه کمک کند.

در ماه ژوئن ۱۹۷۷ عناصر تحت امر این فرماندهی که در دوازده محل مختلف پراکنده شده بودند زیر امر فرماندهی واحد درآمدند. در ۱۹۷۸م سی و هفت بخش دندانپزشکی تحت نام مرکز دندانپزشکی درآمده و فرمانده آنان گزارشات منظم خود را به فرماندهی فوق ارائه می‌نمود.

مرکز درمانی بسیار مدرن Walter Reed Army Medical Center به فرماندهی واحد پیوست و همین اقدامات سبب شد که مسئولیت ارائه خدمت پزشکی در پیمان کانال پاناما را بعهده بگیرد.

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/۷۱

در دهه ۱۹۸۰ مجدداً استخدام پزشکان افزایش یافت و خدمات نیز یک جمعیت ۴/۱ میلیون نفری را شامل می‌شد. و بدین ترتیب به تدریج مراکز درمانی پیشرفته جایگزین بیمارستانهای قدیمی و کلینیکهای خارج از رده می‌گشت.

در ۱۹۸۰ خدمات پزشکی به فراریان کوبایی به این فرماندهی واگذار شد.

در ۱۹۸۲م دوره پزشکیاران رزمی از شش هفته به ده هفته افزایش یافت. و دوره پزشکیاری میدانی The Medic Career Field با وجود آوردن یک دوره برای غیر نظامیان داوطلب افزایش یافت. سیستم بیمارستانی مشترک نظامی غیرنظامی بوجود آمد. با این سیستم بیمارستانهای غیر نظامی هنگام جنگ بایستی به سیستم نظامی اضافه شوند.

در ۱۹۸۳ بیمارستانهای تابعه HSC بیماران ناشی از بمباران سربازخانه‌های نیروی دریایی در بیروت و همچنین بعدها مجروحین عملیات واکنش سریع را در گرانا‌دا تحت درمان قرار دادند. و بدین ترتیب این فرماندهی به توسعه کامل رسید.

۱۵. آیین نوین؛ روح تحقیق

باگذشت زمان و بازرسی‌هایی که انجام شد بعضی نواقص و حوادث ناخوشایند در عملکرد HSC مشاهده شد. لذا در ۱۹۸۴م فرماندهان نظری انتقادی به درون سازمان انداختند و مجموعه‌ای از معیارهای فرماندهی و اهداف نوین را منتشر ساخت تا به همه کسانی که در این سازمان خدمت می‌کردند توجه دهد که باید فکر خود را روی آن متمرکز کرده و برای اصلاح خود سعی نمایند.

سمینارها؛ نوارهای ویدئویی و بروشورها به کلیه کارمندان و کارکنان آگاهی و هشدار می‌داد که در خدمت بیماران باشند. در نتیجه پس از مدتی مداومت و نظارت این سازمان به یک فرماندهی متفکر و پیشرو تبدیل گردید که سرنوشت خود را با طرح ریزی استراتژیک در تمامی سطوح تطبیق داد.

در ۱۹۸۷م مرکز پزشکی Brook به واحد پزشکی نیروی هوایی Wilford پیوست ولی در سال ۱۹۹۱م باتوجه به تجربه‌ای که حاصل شد مجدداً به فرماندهی سلامت ارتش پیوست.

گرچه بازهم در مقاطع دیگری قسمتهایی از این فرماندهی به طور موقت جدا شده و به سازمانهای نظامی یا غیرنظامی دیگر پیوستگی پیدامی کرد ولی بازهم ارتباط با فرماندهی قطع نمی شد و از کنترل ارتش خارج نمی گردید.

مراقبت قراردادی نوعی دیگر از خدمات بود که در ۱۹۸۷ با بوجود آوردن ۱۰ کلینیک ویژه تحت کنترل این فرماندهی در مناطقی که خانواده های نظامیان زندگی می کردند بوجود آمد و به نام Primary Medical Care for Uninformed Services نامیده شد. بدین ترتیب پزشکان نظامی در پی یافتن راهی برای بهبود وضع شغلی خود بودند و به مراجعین خدمت می کردند.

چندی بعد در اواسط سال ۱۹۸۷م در کالیفرنیا و هاوایی مسئولین محلی با عقد قرارداد هزینه مالی دریافت این خدمات را با یک قیمت ثابت برای کارکنان خود پذیرفتند. و یک سال بعد نوع جدیدی از این قرارداد مورد قبول واقع شد و به نام مدیریت Catchmen- Area نامیده شد و بر طبق آن بیمارستانهای نظامی درآمدهای حاصل از این طرح را برای محدوده بیمارستان خود هزینه می نمایند.

در ۱۹۸۸م اولین قرارداد سیستم مرکب مراقبتهای سلامتی Composite Health Care System (CHCS) در پایگاه Fort Knox دایر شد که عبارت از یک سیستم جامع و فراگیر کامپیوتری برای حذف روشهای آشکارشدن اپیدمی ایدز و ادامه آن؛ آزمایش HIV برای کلیه اعضاء ارتش در دهه ۱۹۸۰ به صورت روش جاری در آمد. در اواخر ۱۹۸۰م پزشکی ارتش به امداد قربانیان بلایای طبیعی شتافت. هنگامی که طوفان Hugo سواحل شرقی را در هم کوبید و وقتی سان فرانسیسکو با یک زمین لرزه مخرب فرو ریخت تسهیلات پزشکی ارتش وارد منطقه شد و مشغول خدمت گردید..

۱۶. جنگهای جدید؛ بقای تهدیدات

وقتی دیوار برلین فرو ریخت هریک از افراد دوسوی آن سهم منافع خود را از صلح جستجو می کردند. و اقدامات سازمان HSC تضمین کننده بقای آن نبود؛ لذا در ۱۹۹۰م مسئولین بودجه دفاعی پیشنهاد کردند که این سازمان به فرماندهی نیروهای Forces Command منتقل گردد. ولی پیشنهاد دهندگان از خطرات این طرح و این که تاریخ نشان می داد که پزشکی ارتش باید به دست افراد پزشک اداره شود غافل بودند. در سهایی که سبب ایجاد فرماندهی واحد HSC شده بود.

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/۷۳

سرانجام یک ژنرال پزشک جراح ارتش که بسیار پیگیر کار بود با تلاش خود اجازه یافت که طرح دیگری ارائه و پزشکان موجود ارتش را تحت کنترل فرماندهی پزشکان در آورد. درهمین ایام فرم گیری مجدد HSC به علت کمبود بودجه این سازمان مواجه با کمبود کارکنان خصوصاً پرستار گردید.

ولی در دسامبر ۱۹۸۹ وقتی عملیات پاناما آغاز شد؛ این سازمان به حمایت آن شتافت ولی دیگر سازمانها عقب نشستند و جاخالی کردند. این مسئله، هم اهمیت وجود پزشکی ارتش را مشخص می کند و هم نقش یک انسان بنام ژنرال پزشک را در سمت فرماندهی در یک مقطع تاریخی، بدین ترتیب برای اولین بار؛ بعضی مجروحین مستقیماً از صحنه درگیری به بیمارستانهای ارتش در آمریکا منتقل گردیدند؛ به طوری که هنوز در لباس جنگی خون آلود خود بودند.

در ماه اگوست ۱۹۹۰م که درگیری در خلیج بوجود آمد؛ HSC با قدرت به دست آمده گروههای نظامی پزشکی را اعزام نمود. چهارهزار نفر از پرسنل پزشکی به ماوراء بحار (خاورمیانه و خاور دور) اعزام شدند که تعدادی برای پشتیبانی واحدهایی که کمکهای پزشکی خود را به منطقه خلیج فرستاده بودند در اروپا مستقر شدند و بقیه به خلیج فارس اعزام گردیدند.

ولی باوجود این مأموریتهای مختلف؛ رئیس ستاد ارتش دستور داد که خدمات پزشکی به خانواده سربازان نبایستی قطع شود. و باتوجه به کمبودهای کادر پزشکی مراجعین از این بیمارستان به آن بیمارستان فرستاده می شدند. برای جبران کمبودها افراد رزرو و بازنشسته ها فراخوانده شدند. با اوج گرفتن درگیری در خلیج HSC توانست هزاران مجروح را سامان دهی نماید.

در اوایل ۱۹۹۰م وضعیت مشابه اواخر دهه ۱۹۷۰ پیش آمد و بودجه کاهش پیدا کرد و خدمات اجاره‌ای به ارگانهای دیگر قطع شد. و ارتش تقلیل سازمان داد. ولی مدرنیزه شدن ادامه پیدا کرد.

در ۱۹۹۲م سرلشکر Maj. Gen. Alcide M. La Noue اولین فرمانده HSC بود که به عنوان ژنرال سرجراح لقب گرفت و به درجه سپهبدی ترفیع پیدا کرد. و متعاقب آن سرتیپ Brig. John J. Cuddy Gen. افسر دندانپزشک در مقام جانشین فرمانده قرار گرفت و این اولین افسر دندانپزشک بود که یک مقام فرماندهی سازمان پزشکی را احراز می کرد.

۱۷. مراقبت مدبرانه و تجدید سازماندهی ساختاری AMEDD

پس از پایان جنگ سرد ارتش منقبض شد و زمان آن رسیده بود که به خدمات پزشکی از ابعاد تجارتی نگریسته شود. لذا در ۱۹۹۲ سازمان HSC برنامه ای را اجرا کرد که Gate Way to CARE نامیده شد و یک نوع نگرش تجارتی به تأمین مراقبتهای سلامتی بود. و به طور محلی انجام شده و مسئولین بیمارستانها حاکمیت بیشتری در مدیریت داشته درآمد هایی هم برای بیمارستان ایجاد کرده و به خرج خود بیمارستان می رساندند.

بدین ترتیب نتایج اولیه خیلی عالی بود. با آغاز سال ۱۹۹۴ این مراکز در یک تشکیلات دفاعی ناحیه‌ای متمرکز شدند و به طور متوسط خدماتشان بهبودی مناسبی داشت.

در این ایام طوفان Andrew جنوب فلوریدا را درنوردید و تیم های ارتش برای کمک به منطقه رفتند و تیم های پزشکی ارتش نیز در منطقه بودند.

از اوایل سال ۱۹۹۳ تا ابتدای ۱۹۹۴ اعضاء HSC در عملیات نیروهای آمریکایی در سومالی شرکت داشتند و به وظایف خود عمل می کردند.

در اکتبر ۱۹۹۳؛ فرماندهی AMEDD برای مدت یک سال جایگزین سازمان HSC گردید و دیگر سازمانهای پزشکی ارتش را با خود ادغام نمود. در این زمان ژنرال سرجراح تشکیلات یک ساله موقت مزبور را فرماندهی می کرد. در نوامبر ۱۹۹۳ فرماندهی دندانپزشکی ارتش و متعاقب آن فرماندهی دامپزشکی ارتش تشکیل شدند و به طور موقت تحت فرماندهی موقت واحد MEDCOM پزشکی ارتش درآمدند. و بدین ترتیب برای اولین بار همه این واحدهای پزشکی تحت فرماندهی قرار گرفتند که هدایت تکنیکی و فنی و علمی آنها را هدایت می کرد.

مدتی بعد فرماندهی تحقیقات و توسعه و لجستیک پزشکی تشکیل شد و به این مجموعه پیوست. در تابستان بعد تشکیلاتی بنام پیشرفت سلامتی و پزشکی پیشگیری Health Promotion and Preventive Medicine تشکیل گردید و به این مجموعه پیوست و با این اقدامات قدم به قدم پزشکی ارتش جدید تحت فرماندهی واحد قرار گرفت تا ژنرال سرجراح وحدت فرماندهی و مدیریت پزشکی را پیش از سابق در ارتش عملی سازد.

فقط واحدهای پزشکی رزمی Field Medical Units تحت فرماندهی فرماندهان رزمی بوده و کنترل عملکرد تخصصی آنها به وسیله فرماندهی پزشکی ارتش انجام می گردد.

در ۱۹۹۶ ضمن دائمی شدن این سازمان یک سیستم فرماندهان پزشکی منطقه ای نیز برای اجرای امر فرماندهی پزشکی ارتش در نواحی مختلف بوجود آمد به نام Regional Medical Command^۱.

قابل توجه:

گرچه ارتش آمریکا از بدو تشکیل چه در جنگهای داخلی و استقلال باکشتار مردم بومی و بعضی مهاجرین و چه در عملیات برون مرزی با اهداف استعماری و چه در دوجنگ جهانی از هرگونه ظلم و تعدی و قتل و غارت خودداری ننموده و بعد از آن هم در تجاوز آشکار و پنهان و غارت اموال کشورهای خاورمیانه و کشور عزیزمان ایران در طی سالهای استقرار رژیم سر سپرده پهلوی گوی سبقت را از دیگر کشورهای استعماری ربوده است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در مدت جنگ تحمیلی انواع توطئه ها را انجام داده و خون پاک جوانان این سرزمین اسلامی را به زمین ریخته است. و در چند سال اخیر نیز با تجاوز آشکار و اشغال کشورهای اسلامی افغانستان و عراق و حمایت از رژیم نامشروع صهیونیستی نهایت قساوت خود را نشان داده است ولی باتوجه به اینکه سازمانهای پزشکی ارتش در حقیقت تلاششان لااقل برای نجات جان اعضاء ارتش خودشان می باشد و در این زمینه آمریکا از دیگر کشورها زودتر سازماندهی رسمی شده و همانطور که در این خلاصه عرضه گردید تجربیات بسیاری در عملیات و امداد و سازماندهی مکرر داشته اند؛ لذا با استفاده از مرجع علمی مطمئن سعی شد تصویری از چگونگی تشکیل اولین گروههای امدادی پزشکی تا تشکیل فرماندهی یک پارچه پزشکی نظامی آمریکا در این مجموعه آورده شود.

^۱. پایان متن ترجمه و تلخیص شده از سایت AMEDD توسط مولف

طب نظامی در ایران از قاجاریه تا شهریور ۱۳۵۹

ارتش ایران از زمان ایران باستان در خدمت سلاطین و جهانگشایان ایران بوده و زمانی نیز حافظ مرزها و مدافع سرحدات کشور در آن ایام.

در زمان اسکندر مقدونی این توان نظامی از هم پاشیده می‌شود ولی مجدداً به صورتهایی در خدمت حکمرانان محلی قرار می‌گیرد.

در دوره ظهور و حاکمیت اسلام نیز این قدرت نظامی در خدمت حکومتهایی که در جای جای این کشور پهناور ظهور کردند قرار گرفته ولی سازمان متشکل و هم‌آهنگ نداشته و به مقتضیات زمان از قسمتی از خاک ایران دفاع می‌کرده‌اند.

در دوره صفوی هم‌زمان با ایجاد رابطه با کشورهای اروپایی و باز شدن پای خارجیها به ایران قوای نظامی بصورت سازمان متشکل در آمده و ضمن حفظ استقلال و مصونیت مرزها حرکت بسوی خودکفایی موقعیت ایران را در جهان حفظ می‌کرده.

پس از پایان دوره صفوی همین قوای نظامی به همراه نادرشاه تا دروازه دهلی به پیش رفته و در خدمت جهانگشایی نادر بوده است.

ولی از آغاز دوره پادشاهان قاجار یعنی از ۱۱۹۳ هـ - ق (۱۷۷۹م) به بعد تحولات قوای نظامی ایران وضع دیگری پیدا کرده است، زیرا از پایان دوره صفوی ایران بعلت شرایط اقلیمی و جغرافیایی خاص خود و هم‌چنین آغاز دوره استعمارگری دول اروپایی مطمع نظردولتهای بزرگ اروپا قرار گرفته و دستخوش رقابتهای خاص آنها شده و در نتیجه تحولات اجتماعی بوجود آورده که قوای نظامی نیز از آن بی نصیب نمانده است، به عبارت دیگر از آغاز روی کار آمدن خاندان قاجار قوای مسلح ایران به پیروی از دیگرشؤون اجتماعی دستخوش سیاستهای بیگانگان گردیده و در هر مقطع زمانی نظامیان و کارشناسانی ازدولتهای اروپایی به سازمان دهی نیروهای نظامی در جهت تحقق اهداف خود پرداخته‌اند گرچه که آنطور که آنها برنامه‌ریزی می‌کردند همیشه هم خواسته هایشان انجام نمی‌شد، و بعلت برخورد و مقابله سیاستهای مختلف نتایج مختلفی از این اعمال نفوذها حاصل می‌گردید. ولی آنچه مسلم است این تشکلهای نظامی سازمانهای مشخص و مجهز بهداشتی درمانی نداشته و از حداقل امکانات طب نظامی بهره مند بوده‌اند.

برطبق سوابق تاریخی تازمان ناصرالدین شاه در دوران قاجاریه بیمارستان مهمی در ایران وجود نداشته است. ژنرال گاردان فرانسوی در گزارشی در ۲۳ شوال ۱۲۲۲ ق (دسامبر ۱۸۰۷م) به وزیر خارجه فرانسه می نویسد: وضع پزشکی ایران بسیار بداست، در این کشور اصولاً بیمارستانی وجود ندارد، در آبادیهای خارج شهر فقط بعضی از مردم به عنوان دلاکی این حرفه را از پدر به ارث می برند و به گرفتن خون و سایر اعمال جراحی می پردازند.^۱

درحقیقت در دوران قاجاریه در اردوگاههای نظامی بیمارستان یا درمانگاه سیاری دایر می کردند که طبیبان و جراحان در آن به درمان بیماران و مجروحان می پرداختند. در آن زمان برخی از حکیم باشیان اردو، مسیحیان اروپایی و برخی یهودی بودند.

رضاقلی خان هدایت در شرح وقایع سال ۱۲۲۸ ق می نویسد: شاهزاده محمد ولی میرزا پسر فتحعلی شاه و حاکم خراسان، طغیان خواجه کاشغری را در ترکمن صحرا سرکوب کرد. فتحعلی شاه علیمراد بیک افغان (رییس جراحان سپاه) را مأمور نمود که برای شاهزاده و سرداران سپاه خراسان جوازی ببرد.^۲

و یا در سال ۱۲۷۳ ق در جریان جنگ ایران و انگلیس در بندر محمره (خرمشهر) میرزا سید علی طبیب از استادان دارالفنون به عنوان پزشک اردو مشغول فعالیت بود.

حکیم پولاک اتریشی که اولین بیمارستان سبک نوین را در ایران تأسیس کرده بود از بیمارستان نظامی دوران ناصرالدین شاه به عنوان شرایط بد یاد می کند.^۳

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در شرح اوضاع پزشکی سال ۱۳۰۶ ق از پزشکان نظامی زیر نام می برد:^۴

میرزا علی رییس پزشکان نظام، میرزا سید محمد حکیم باشی توپخانه، میرزا اسماعیل خان رئیس جراحان (جراح باشی)، و تعداد طبیبان و جراحان نظامی دربار و شهرستانها ۱۰۶ نفر می باشد.

مؤلف فوق از پزشکان زیر به عنوان پزشکان و جراحان نظامی که مأمور به شهرستانها هستند نام برده است:

۱. گاردان، کنت آلفرد، خاطرات مأموریت در ایران، ترجمه عباس اقبالی آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: ۱۳۶۲، ص ۱۴۰

۲. هدایت، رضاقلی خان، روضت الصفای ناصری، جلد ۹، تهران: ب.ت، ص ۲۹۱

۳. پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۲

۴. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، المآثر والاثار، جلد اول، تهران: ب.ت، ص ۳۴۹

میرزا محمد حسین طبیب زرنندی - میرزا محمد حسین طبیب آشتیانی ابوالفتح میرزای طبیب - میرزا محمد طبیب - میرزا احسن جراح - سید عباس جراح (مأمور خراسان) - میرزا عبدالله طبیب (مأمور آذربایجان) - میرزا حسن خان دکتر حکیم باشی سرتیپ سوم و میرزا موسی خان ناظم الاطباء (اصفهان) - میرزا حسن طبیب (مأمور فارس) - میرزا بزرگ دواساز.

در همین‌اثر ذکر شده است که یک محل درمانی در این زمان به نام (دارالشفای جدید ناصری) وجود داشته که مربوط به قسمت توپخانه بوده و در آن دوطبیب، یک جراح، یک داروساز و عده‌ای پرستار و خدمه فعالیت داشته‌اند که تحت نظارت عالی‌ه حکیم باشی نظام قرار داشته است.

تا قبل از سال ۱۳۰۴ ق مدتی میرزا سیدرضی سمنانی رئیس الاطباء حکیم باشی کل نظام بوده، از این سال تا ۱۳۰۸ ق (میرزا علی دکتر همدانی) این وظیفه را به عهده داشته و از آن به بعد تا اوایل دوره مظفرالدین شاه یعنی ۱۳۱۴ ق زین العابدین خان لقمان الملک ریاست پزشکی قشون را وظیفه دار بوده است و بعد میرزا محمد نظام الحکما به ریاست طبیبان نظامیان برگزیده شده است.

غلامحسین خان افضل الملک در شرح وقایع سال ۱۳۱۵ ق در زمان مظفرالدین شاه، از میرزا محمد نظام الحکما به عنوان پزشک مخصوص شاه و رئیس طبیبان قشون یاد نموده است که به لقب لقمان الدوله ملقب شده است و نامبرده برادر حکیم الملک پیشخدمت باشی سلام و وزیر ابنیه بوده است.^۱

تأسیس اولین بیمارستان نظامی

در دوران ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۶۹ ق یعنی سومین سال ورود دکتر پولاک به ایران به دستور شاه و کوشش دکتر پولاک بیمارستان یا مریضخانه مخصوص دولتی که بیمارستان نظامی برای لشکریان بود در خارج شهر تهران تأسیس شد. این بیمارستان از بدو تأسیس محل آموزش محصلین شعبه طب دارالفنون بوده است. محل این بیمارستان در خارج دروازه دولت بوده و سالها تحت نظر حکیم باشیان نظامی (رؤسای بهداری ارتش) اداره می‌شده است.

(جرج کرزن) در کتاب تألیف خود حکایتی در باره بازدید ناصرالدین شاه از بیمارستان نظامی مزبور نقل می‌کند بدین شرح:

^۱ - افضل الملک، غلامحسین، افضل التواریخ، تهران: ب، ت، ص ۱۱۶

چون راجع به موضوع اصلاحات نظامی ایران سخن درمیان است، درمورد دوطرح دیگر که نتیجه مسافرت اول شاه به اروپا بوده است و هردو هم زود از بین رفت خاطرنشان می‌شود. یکی تأسیس مدرسه نظامی زیر نظر افسری دانمارکی و دیگری بیمارستانی نظامی که بیست تختخواب داشت، مبلغی همه ساله شاه اهدا می‌کند و این وجه هم مرتباً بوسیله سرپرست بیمارستان بلع می‌شود. زیرا که نه بیماری در آنجا هست و نه دارویی. روزی ناگهان شاه فرمود که قصد بازدید از بیمارستان که بنا بر معمول خالی بود دارد. اما مدیر بیمارستان هم چندان کودن و بی دست و پا نبود و با عجله بیست نفر از سربازخانه و بازارگرد آوردند و زیر پتو جا دادند. با این دستور که به محض ورود همایونی ناله را آغاز کنند. و از این جریان هیچ یک از دوطرف راضی نشدند.

دکتر پولاک به مدت ده سال در ایران اقامت داشت و بعد به وطن خود بازگشت و خاطرات خود را در کتابی تحت عنوان (ایران، سرزمین و مردم ایران) نوشت. وی یهودی و اهل اطریش بود و در سال ۱۲۶۷ ق / ۱۸۵۱ م به استخدام دولت ایران در آمد. دکتر پولاک اثرات متعددی دارد از جمله رساله یا کتابچه (طب نظامی).

دکتر طولوزان نیز که قبلاً در قشون فرانسه سرگرد ارتش بود از ۱۸۵۹ م تا ۱۸۹۷ م یعنی تا بعد از مرگ ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ ق به مدت ۳۸ سال در ایران خدمت کرد و دارای اثرات متعدد بود از جمله کتابی تحت عنوان «قانون نظم قشون» یا آیین نامه بهداری ارتش.

دکتر شنیدر نیز پزشک فرانسوی و افسر ارتش فرانسه بود و بوسیله دکتر طولوزان به عنوان دستیار وارد دستگاه دولتی ایران گردید و سپس به عنوان پزشک نایب السلطنه کامران میرزا به استخدام درآمد. وی بعدها حکیم باشی و پزشک ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه گردید و در سال ۱۳۲۵ ق به کشورش بازگشت.

دکتر (ژرژ) و دکتر (گاله) که معلم مدرسه طب نظامی لیون فرانسه بودند در سال ۱۳۲۳ ق وارد ایران شدند به استخدام موقت دولت ایران در آمدند.

دکتر (بگمز) که از ارامنه استانبول بود و بعد از ورود به ایران مورد توجه ناصرالدین شاه قرار گرفت و در سال ۱۳۰۵ ق لقب (عماد الاطباء) دریافت نمود و چون با یک زن ایرانی ازدواج کرد به دین اسلام مشرف شد و به نام (محمد حسن خان عماد الاطباء) نامیده شد. وی ظاهراً با رئیس پلیس وقت تهران همکاری داشته و گزارشاتی امنیتی می‌داده است.

دکتر (فوریه) که پدرش دامپزشک نظامی بود و از مدرسه پزشکی نظامی استراسبورک در سال ۱۸۶۵م فارغ التحصیل شد. وی در ۱۳۰۶ ق به استخدام دولت ایران درآمد و به عنوان نایب دکتر طولوزان به شاه معرفی گردید. وی تا ۱۳۰۹ ق در دربار خدمت کرد و در مراجعت به فرانسه کتابی تحت نام (سه سال در دربار ایران) نوشت و در فرانسه به چاپ رساند که بعدها توسط عباس اقبال آشتیانی ترجمه شد و در تهران به چاپ رسید.

دکتر (گاشه) و دکتر (دوشن مارولا) نیز قبلاً در ارتش فرانسه خدمت می کردند و به عنوان جراح نیروی دریایی وارد خدمت در ایران گردیدند.

دکتر فاگرین سوئدی، از پزشکان پرکار و استثنائی در ایران بود. وی در سال ۱۸۴۰م / ۱۲۵۶ ق از مرزهای شمالی وارد ایران شد و پس از یک دوره بیماری راهی شیراز شد. وی سه بار در لشکرکشیهای ایران و جنگ با نیروهای انگلیسی شرکت داشته است و در مداوای مجروحین جنگی خدمات مهمی به ایران کرده است. وی با مردم عادی و زندگی آنها تماس نزدیک داشته و یادداشتهایی هم به جا گذاشته است و دکتر (بروگش) شرح حال او را در کتاب خود درج نموده است.

دکتر (کوپن)، که با مسافرت مظفرالدین شاه به پاریس در سال ۱۹۰۰م / ۱۳۱۷ ق سفارت فرانسه در ایران موافقت دولت خود را با اعزام دکتر کوپن، پزشک نظامی مستعمرات، به تبریز نزد محمد علی میرزا ولیعهد جلب - کرد. وی در سال ۱۹۰۱م وارد تبریز شد و به عنوان پزشک مخصوص شاه به انجام وظیفه پرداخت. ولی مدت زیادی در این مقام باقی نماند و پس از سقوط حکومت محمد علیشاه مقام خود را از دست داد. زیرا جانشین او احمد شاه دیگر پزشک مخصوص فرانسوی در دستگاه خود نداشت.

بدین ترتیب دکتر کوپن پس از نه سال در سال ۱۹۱۰م به فرانسه بازگشت.

علاوه بر پزشکان فوق، دکتر (سورل) پزشک ارتش فرانسه به عنوان پزشک خصوصی ظل السلطان پسر ارشد ناصرالدین شاه و حاکم اصفهان.

دکتربونگران، دستیار نظامی ارتش مستعمراتی فرانسه به عنوان پزشک خصوصی کامران میرزا نایب السلطنه، برادر مظفرالدین شاه و وزیر جنگ.

دکتر (بوسیر) پزشک نظامی ارتش مستعمراتی فرانسه که در سال ۱۹۰۲ م به عنوان حکیم باشی گمرکات خلیج فارس منصوب شد.

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/ ۸۱

داروساز (لوکنت)، داروساز نظامی درجه اول، که از سال ۱۹۰۴م در سمت داروساز در دربار مظفردالدین شاه و بازرس متخصص گمرکات ایران به انجام وظیفه مشغول شد.

تأسیس بیمارستان آمریکایی

حدود سال ۱۳۲۵ق و پس از استقرار مشروطیت، سردار منصور (فتح الله خان) از سفارت آمریکا خواست یک پزشک آمریکایی برای خدمت پزشکی به رشت اعزام دارد. این درخواست با استقبال مقامات آمریکایی که خواهان گسترش نفوذ خود در شمال ایران بودند مواجه شد و دکتر (فریم) را به ایران اعزام نمود و نامبرده بیمارستانی در رشت دایر کرد به نام (بیمارستان آمریکایی) که قریب ۶۰ سال دایر بود و تا پایان عمر یعنی ۱۹۳۹م / ۱۳۱۸ ش مشغول خدمت بود.

در دوران ناصرالدین شاه همراه با نفوذ پزشکی اروپایی در ایران و تأسیس مدرسه طب چندین بیمارستان به شیوه نوین در تهران و برخی از شهرهای دیگر تأسیس گردید از جمله در سال ۱۲۸۴ق بیمارستانی به نام - (مریضخانه دولتی) که به ریاست یکی از طبیبان برجسته و تحت نظر یکی از پزشکان اروپایی بوده که در ابتدای کار دکتر (شلیمر هلندی) این نظارت را داشته است. و بعد از آن تحت نظر دکتر (آلبو) پزشک آلمانی بوده است. این بیمارستان در سال ۱۳۱۹ به نام (بیمارستان سینا) نامیده شد.

بیمارستان دیگری در سال ۱۲۹۶ق توسط حاجی میرزا حسین خان ملقب به مشیرالدوله سپهسالار اعظم در کنار مدرسه عالی سپهسالار در تهران تأسیس شد و بیشتر در خدمت طلاب بود. بیمارستان دیگر به نام (بیمارستان وزیری) در سال ۱۳۱۸ق افتتاح شد و بنیان‌گذار آن حاج شیخ هادی نجم آبادی است که چون بنا بر وصیت میرزا عیسی وزیر، این بیمارستان را ساخته و وقف کرده بود نام آن را بیمارستان وزیری گذارد.

تشکیلات فرهنگی و بهداشتی خارجیان در ایران

کشورهای خارجی از یک سو برای افزایش نفوذ خود در ایران و از سوی دیگر برای توسعه فرهنگ خاص خود در ایران اقدام به دایر نمودن مؤسسات فرهنگی و بهداشت و درمانی نموده و از نفوذ و اعزام میسیونهای مذهبی برای این منظور استفاده کرده اند.

دکتر (هوگوگروته) جغرافی دان و قوم شناس آلمانی در ۱۳۲۵ق / ۱۹۰۷م از راه بین النهرین سفری به ایران نموده و در کتاب خود از مؤسسات خارجی زیر نام می برد:

- مدارس و بیمارستانهای آمریکایی که در شهرهای ارومیه، تبریز، رشت، همدان و تهران برپا گردیده است.
- مدارس و بیمارستانهای انگلیسی که در شهرهای تربت حیدریه، نصرت آباد (سیستان)، کرمانشاه و بوشهر دایر شده است.
- مراکز آموزشی و درمانی که روسها در تهران، مشهد و تربت حیدریه ایجاد کرده اند.
- بیمارستان دولتی که در تهران زیر نظر پزشکان سفارت آلمان اداره می شد و داروخانه هایی که در شهرهای تبریز، همدان، کرمانشاه، (سنندج) رشت، تهران و بابل به فعالیت مشغول بود.
- پزشکان فرانسوی که در تهران، تبریز و بوشهر به خدمات درمانی برای بیماران اشتغال داشتند.

از سال ۱۳۱۲هـ - ق به بعد باتوجه به ازدیاد جمعیت و توسعه پزشکی نوین در ایران به تدریج بیمارستانهای متعددی در کشور ساخته شد.

مراکز درمانی خارجی در ایران

بنابرسوابق تاریخی اولین بیمارستان بوسیله پرتغالی ها در جزیره هرمز در تاریخ ۹۱۴ ق بنا گردید. و تا سال ۱۳۰۱ق که این جزیره به تصرف ایران درآمد فعال بوده است.

در ۱۲۶۵ق روسیه بیمارستانی در جزیره آشوراده دریای مازندران دایر کرد و پس از انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷م بیمارستان شوروی در تهران و بیمارستان شوروی در رشت دایر گردید.

در ۱۲۹۸ق هیأت پزشکی آمریکا به سرپرستی (دکتر کوچران) در شهر ارومیه شروع به کار کرد و در سال ۱۳۰۰ق بیمارستان (وست مینستر) ارومیه را تأسیس کرد و از آن به بعد بیمارستانهای دیگری در شهرهای رشت و تهران نیز دایر نمود. وی ۲۷ سال در ایران فعالیت کرد.

البته قبلاً در سال ۱۲۵۱ق / ۱۸۳۵م نخستین پزشک میسیون آمریکا دکتر (گرانث) به اتفاق دکتر (پرکینز) وارد ارومیه شده و مشغول طبابت شده بود. و قریب ۵۰ سال پس از آن

۱. گروته، هوگو، ترجمه مجید جلیلود، سفرنامه گروته، تهران: ب، ت، ص ۳۲۲

۲. الگود، سیریل، ترجمه محسن جاویدان، تاریخ پزشکی ایران، تهران: ۱۳۵۲، ص ۶۲۸

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/ ۸۳

یعنی در سال ۱۳۰۰ ق وزیر مختار آمریکا (بنجامین) وارد تهران شد و دولت آمریکا با دولت ایران مناسبات سیاسی برقرار کرد.

هیأت‌های مذهبی انگلیس نیز برای تبلیغات چندین بیمارستان و مرکز درمانی در ایران دایر کردند. دکتر هورنل در ۱۸۷۹ م / ۱۲۹۷ ق به اتفاق کشیش (بروس) سازمان هیأت پزشکی را تشکیل داد و اولین بیمارستان خود را - در اصفهان تأسیس نمود. سپس در ۱۸۹۷ م / ۱۳۱۵ ق اولین بیمارستان زنان در ایران را در اصفهان گشایش نمود. در ۱۳۱۶ ق بیمارستان یزد و در ۱۳۱۹ ق بیمارستان کرمان و در ۱۳۴۲ ق بیمارستان شیراز احداث شد.

در مورد جنبه های مثبت و منفی وجود میسیونرها و پزشکان خارجی و مؤسساتی که آنها دایر کرده اند نظریات متفاوتی وجود دارد ولی آنچه مسلم است حضور و آمد و شد این هیأت‌ها و پزشکان در توسعه و بهبود وضع بهداشت و درمان و آشنایی مردم با پزشکی نوین بی‌اثر نبوده و در بنیان گذاری مراکز بهداشتی و درمانی و تأسیس بیمارستانها و درمانگاهها نقش داشته اند. از جمله در شیوع بیماری وبا در سال (۱۲۷۳ ق) در همه ولایات ایران و هم‌چنین در ۱۸۹۲ م / ۱۳۰۹ ق در تهران و شیوع بیماری طاعون در ۱۸۸۲ م / ۱۲۹۹ ق در شهر تبریز و یا شیوع مجدد بیماری وبا در سال ۱۹۰۴ م / ۱۳۲۲ ق این مؤسسات و پزشکان در حدودی کمکهای لازم را نمودند. و به همین ترتیب در طی جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) م (۱۳۳۲ - ۱۳۳۶) ق بعضی از این مؤسسات خدماتی انجام دادند و حتی دکتر (اسلستین) در تبریز در حین خدمت به تیفوس مبتلا شده و فوت کرد.

گرچه که اکثر این خارجیان در کنار این کمکهای عام‌المنفعه هدفهای اصلی خود را نیز پیگیری می‌کردند.

به همین علت بعد از مدتی که تعداد پزشکان تا حدودی کفایت پاسخگویی به نیازمندیهای رایج آن روز را می‌نمود، جمعی از پزشکان نامه ای به شاه وقت نوشته و از او خواستند محدودیتهایی برای ورود پزشکان خارجی قائل گردد:

به آستان مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحفاده با نهایت احترام عرضه

می‌داریم: به تاریخ ۱۳۱۱/۱۱/۲۲ هـ. ش

در این موقع که با توجهات خاصه آن شاهنشاه عظیم‌الشأن محبوب و توانا خلدالله ملکه مملکت ایران به ترقیات مهمی نایل واز طرف ذات اقدس ملوکانه ارواحفاده و هیأت معظم

دولت مراقبت تامی نسبت به امور اقتصادی به عمل می‌آید، امنیت و آرامش و رفاه و آسایش مملکت ما از طرفی وخامت اوضاع اقتصادی بعضی از ممالک از طرف دیگر جلب توجه خارجی‌ان را نموده و عده زیادی به عنوان طبابت در نقاط مختلفه خصوصاً در مرکز مملکت متراکم و به عنوان اقسام وسایل و تشبثات خون افراد این جامعه را می‌مکند و مختصر ثروتی که به این رنج و زحمت بدست ما می‌آید با نهایت سهولت می‌برند. و بعلاوه عده ای از اطبا که به عناوین مختلفه اقدام به تأسیس مؤسسات صحیه و خیریه در این مملکت می‌نمایند، مقصود و منظوری جز اجرای بعضی تبلیغات ندارند و در بین این اطباء عده ای نا قابل و بی‌سواد و چون روح ایرانی ندارند و به جان افراد این جامعه اهمیت نمی‌دهند بوسیله ارتکاب جنحه و جنایات سقط جنین و اتلاف نفوس که هر روز نظایر آن دیده می‌شود وسیله ثروتمندی خود را می‌جویند و اندوخته بیشمار خود را به انواع اقسام وسایل به خارجه می‌برند. پیش آمد همین اتفاقات باعث شده که در سنوات اخیر سایر ممالک در جزء قوانینی که برای ترمیم اوضاع اقتصادی خود وضع نموده اند مقررات سختی هم برای تجدید عموم مشاغل بی سرمایه خارجی‌ان خصوصاً اطبای خارجی وضع کرده که حتی المقدور کلیه مشاغل بدون سرمایه منحصر به اهالی مملکت شود. مثلاً سال گذشته در ترکیه قانونی گذرانده اند که عده زیادی از مشاغل خصوصاً طبابت را برای خارجی‌ان ممنوع داشتند و هم‌چنین در سال جاری عین همین قانون درباره اطبای خارجی در ممالک فرانسه نیز به موقع اجرا گذارده شده. وضع این قوانین سخت در ممالک خارجی باعث شد که عموم خارجی‌ان از بذل توجهات خاصه همایونی و حسن مهمان نوازی ایرانی سوء استفاده نموده طوری به این مملکت روی نمودند که عرصه زندگانی برای اهالی بومی تنگ شد. بنابراین عده ای از اطبای ایرانی که با قلبی پر از وجد و شغف و با علاقه خاصی به ترقیات بی‌منت‌های چند ساله اخیر مملکت که در ظل توجهات خاصه اعلیحضرت همایونی ارواح‌نافداه به وجود آمده است می‌نگرند از خاک پای اعلیحضرت اقدس همایونی استدعای جلب توجه به این موضوع حیاتی را نموده تقاضا می‌نمایند همان طوری که یک نفر ایرانی دانشمند هم در هیچ یک از ممالک خارجه ولو اینکه تحصیلات خود را در آن مملکت به اتمام رسانیده و دارای دیپلم عالی هم بوده باشد جز با قبول تبعیت مطابق قوانین مملکتی و انجام خدمت مقدس نظام وظیفه و اجرای مقررات سختی اجازه طبابت داده نمی‌شود، اوامر لازمه صادر فرمایند که به عنوان روابط متقابل در مملکت ایران هم برای اطبای

خارجی قوانین مخصوصی چنانکه در سایر ممالک دنیا نیز موجود می‌باشد وضع نموده تا از هجوم اطبای خارجی به این مملکت جلوگیری شده و در نتیجه موجبات رفاه زندگانی اطباء تجربه آموخته قدیمی و تشویق فرزندان آتیه ایرانی که در مدارس داخله و خارجه مشغول کسب فضایلند فراهم و بدین وسیله مملکت ما هم در آتیه نزدیکی دارای یک عده عناصر فاضل دانشمند خواهد شد. امر امر اعلیحضرت همایونی ارواحنا فدا است.

به امضای عده‌ای از اطبای مفصله الاسامی اسامی بیش از ۱۲۰ نفر پزشکان مشهور با لقبهای مربوطه گرچه متن و طرز انشاء نامه گویای سبک نامه نگاری غلوگونه و چاپلوسانه آن زمان بدون توجه به اینکه نویسنده نامه چه کسانی می باشند بوده، و هم‌چنین از متن نامه مشخص می گردد که نویسندگان آن بیش از آنکه نگران مسایل اجتماعی آنروز باشند نگران وضعیت مادی خودشان بوده اند، معهذا به خوبی تأیید کننده این واقعیت است که پزشکان خارجی هر چه هم برای جامعه آنروز کارساز می بودند ولی هدف اصلی بسیاری از آنها مسایل دیگری بوده که در بلند مدت به نفع کشور نبوده است.

باگذشت زمان و افزایش فارغ التحصیلان دانشکده طب و توسعه دانشگاه به تدریج پزشکان ایرانی به جای پزشکان خارجی در بخش خصوصی و دولتی مستقر گردیدند و باتوجه به نوع آموزشی که دیده بودند اکثراً تابع طب اروپایی بودند، ولی دربین آنان پزشکانی هم بودند که باتوجه به سابقه غنی طب ایران و شرایط اقلیمی ضمن بهره گیری از طب نوین از تجربیات طب سنتی ایران نیز در درمان بیماران استفاده می کردند. از جمله این پزشکان دکتر عبدالله خان احمدیه است.

سرگرد دکتر عبدالله خان احمدیه

دکتر عبدالله خان احمدیه در سال ۱۳۰۶ ق/ ۱۲۶۵ ش در آمل متولد شد. پدرش میرزا محمد حسن بیک بندار از سران طایفه بندار از ساکنین لاریجان بود. پس از تحصیلات متوسطه در دارالفنون به مدرسه طب دارالفنون وارد شد. استادان او پروفسور ژرژگاله، پروفسور گاشه فرانسوی، دکتر حکیم اعظم، دکتر امیراعلم بودند. وی بعد از اتمام تحصیلات و اخذ دیپلم دکترا در سال ۱۲۹۴ هـ ش برابر ۱۳۳۳ هـ ق و ۱۹۱۵ م جهت کارورزی به بیمارستان نظامی واقع در ضلع جنوبی خیابان سپه تهران وارد شد و به خدمت ارتش درآمد و به درجه ماژوری

(سرگردی) نائل شد. این بیمارستان باتوجه به زمان به نام بیمارستان (نظامیه احمدیه) شناخته می‌شد. وی نام فامیل خود را به‌همین مناسبت احمدیه انتخاب نمود، ولی پس ازچندی نامبرده از ارتش استعفاداد و از خدمت ارتش خارج گردید.

وی گرایش شدیدی به طب قدیم و سنتی پیدا کرده بود ولی در سال ۱۳۱۴ش به اروپا رفت و در جریان تحولات نوین پزشکی قرار گرفت. پس از بازگشت از اروپا بکلی کارهای دولتی را کنار گذاشت و به مدت چهل سال درمطب شخصی واقع در خیابان چراغ برق (امیرکبیرفعلی) جنب پامنار به طبابت پرداخت. وی براساس اعتقاد به طب قدیم و جدید کتاب (راز درمان) را در سال ۱۳۲۹ش منتشر نمود.^۱

در کتاب راز درمان اصول طب سنتی ایران بیان شده است، بر مبنای طب سنتی هر بیمار مزاج خاصی دارد که باید هنگام استفاده از دارو برای درمان در نظر گرفته شود. شدت وضعف بیماری، جنسیت، سن، حرفه، طبیعت خاص بیمار، شرایط اقلیمی، نحوه زندگی و نوع خوراک مسایلی است که در این مزاج خاص در نظر گرفته می‌شود. سرگرد دکتر عبدالله خان احمدیه در تاریخ ۱۳۳۸/۵/۵هـ ش در سن ۷۳ سالگی فوت کرد و در کنار مرقد مطهر امام زاده عبدالله واقع در شهرری بخاک سپرده شد، او پزشکی حاذق بود و از او دودختر و سه پسر بجا مانده است که همه تحصیلات عالیه دارند.^۲

متن یک آگهی که گویای وضع پزشکی نظامی سالهای حدود ۱۳۲۵ق می‌باشد:

(آگهی) اطبای نظام (۱۳۲۵ق) برابر ۱۲۸۶هـ ش و ۱۹۰۷م

اطبای نظام مثل سایر صاحب منصبان به احترامات عسگری حق دارند چون اغلب از مدرسه (طبی امپراطور کلیو) که در برلن واقع است بیرون آمده‌اند. کسانی که می‌خواهند داخل این مدرسه بشوند باید کمتر از بیست و یک سال داشته و تکمیل علوم دریکی از مکاتب کرده و شهادت نامه خدمت اختیاری یک ساله را دارا باشند، شاگردان باید شش ماه به سمت سربازی در یک فوج مانده، پس از آن در مکتب طبیه چهار سال تحصیل نمایند. بعد از اكمال، عنوان دکتری را گرفته چند ماه مثل طبیب معاون در یک فوج مؤظف بوده منتظر می‌شوند تا در انتخاباتی که در میان اطبای اردوها اجرا می‌گردد به مرتبه طبیبی نظام

^۱. احمدیه، عبدالله، راز درمان، تهران: اقبال، ص ۳۵

^۲. احمدیه، دکتر آسپس، یادنامه حکیم دکتر عبدالله خان احمدیه، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۶

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/ ۸۷

نایل آیند. علاوه بر این جوانانی که از سایر مدارس طب فارغ التحصیل شده عنوان دکتری گرفته اند، بعد از اتمام خدمت بطور اختیاری می توانند به موجب شرایط فوق به طبیبی نظام برگزیده شوند.

بیمارستان نظامی احمدیه

دکتر امیرخان امیراعلم که دوره پزشکی را در دانشکده بیروت گذرانده بود و دوره تکمیلی را در مدرسه طب نظامی لیون به اتمام رسانده بود پس از بازگشت به تهران در شعبه طب دارالفنون مشغول تدریس شد در سال ۱۳۲۸ق با رتبه سرتیپی به ریاست بهداری ارتش منصوب شد و بانی انجام روش مسابقه برای انتخاب پزشکان ارتش بود. برای ارتش بهداری مرتب و منظم طبق اصول جدید تأسیس نمود و در سال ۱۳۳۰ق تنظیم تشکیلات بهداری ژاندارمری جدیدالتأسیس را برعهده گرفت.

نامبرده از محل درآمد مطب خودش به کمک برادرش غلامحسین اعلم محل قورخانه کهنه واقع در ضلع جنوبی خیابان سپه (سابق) جنب میدان توپخانه را به صورت بیمارستانی آبرومند در آورد و به نام پادشاه وقت احمد شاه (بیمارستان نظامی احمدیه)، (سپه) موسوم ساخت. این بیمارستان با وسایل کامل در سال ۱۳۳۲ق برابر با ۱-۱۲۹۰ هـ ش و ۱۹۱۴ م رسماً افتتاح شد.

در این بیمارستان ده تخت به افراد پلیس، سی تخت به نظامیان و ده تخت به بینوایان اختصاص یافته بود.

در سال ۱۳۳۵ق به پاس زحماتی که در تأسیس بهداری ارتش متحمل گشته بود به دریافت رتبه و حمایل و نشان سرداری و سمت طبیب حضور همایونی احمد شاه مفتخر گردید.^۱

دواخانه نظامی

در حدود سالهای ۱۲۳۹-۱۲۳۳ش امکانات این داروخانه توسط وزارت جنگ طی حراجی که در کشور اطریش انجام شده بود خریداری گردید و تصدی آن به مرحوم هادی خان سرتیپ سپرده شد. این داروخانه در خیابان چراغ گاز (امیرکبیر فعلی) تأسیس شد. حدود سی سال بعد به

^۱ - روستایی، محسن، تاریخ طب و طبابت در ایران، جلد دوم، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران،

علت فوت هادی خان داروخانه به عبدالحسین خان نظامی خواهرزاده وی که تحصیلات خود را در رشته داروسازی در دارالفنون به اتمام رسانده بود رسید.

این داروخانه اولین و تنها داروخانه ای بوده است که تمام احتیاجات دارویی ارتش را تأمین می کرده است و از بدو تأسیس تمام موارد نیاز خود را مستقیماً به خارج از کشور سفارش داده و وارد می کرده است.

این واردات اکثراً از کشورهای فرانسه، سوئیس و آلمان بوده و از تعرفه گمرکی معاف بوده است. میرزا عبدالحسین خان برای تنظیم مقدمات ایجاد بنگاه دارویی سپه مأموریت می یابد اما وی بعد از مدتی در مقام استعفا از اموردارویی بر می آید ولی مورد قبول واقع نمی شود و قرار می شود پسر وی امیرھوشنگ خان نظامی برای تحصیل در رشته داروسازی به فرانسه برود. نامبرده پس از دریافت دکترا از دانشگاه پاریس از سال ۱۳۱۹ ش مسئولیت اداره داروخانه را به عهده گرفت.

برای آنکه چگونگی تأمین داروهای ارتش در آن زمانها مشخص گردد، یک نمونه از نامه های رد و بدل شده بین سازمانهای دولتی را عیناً نقل می کنیم:

تعیین قیمت دواى مرضای قشون، وزارت جنگ، سواد مراسله اداره صحنه نظام، مورخه ۲۵ ذیقعدہ ۱۳۲۷

مقام منیع وزارت جلیله جنگ و ریاست وزرا - برات قیمت دواى دوساله قوی ٹیل و پیچی ٹیل افواج دست مدیر دواخانه نظام مانده و همه روزه بواسطه تصدیع طلب کارهای خود در اداره صحنه نظام متشکی است.

قیمت دواى قشون البته در حکم حقوقات نخواهد بود و از محل تسریع الوصولی باید حواله شده به مصرف مقررہ که حفظ جان مرضی است برسد و مدیر دواخانه نظامی هم بیشتر ازدوہزار تومان کہ نقداً برات در دست دارد، گذشتہ از ہزار و پانصدتومان از بابت یونیت ٹیل کہ به دولت تقدیم کردہ استطاعت ندارد، هنوز هم دواى افواج حاضر رکاب را همه روزه بدون معطلی مطابق نسخہ اطباءى اداره صحنه نظام می رساند.

دستخطی هم کہ در تادیہ وجوه دوساله به وزارت جلیله مالیه صادر شدہ است. آن وزارتخانہ جلیله در حکم سایر وجوه غیر لازم فرض فرمودہ اقدامی کہ موجب آسودگی مشارالیه باشد نفرمودند.

مستدعی است در این باب بذل مرحمت بشود که امر دواى مرضای قشونی معوق نماند، قبض قیمت دواى امساله هم امر و مقرر فرمایند دفتر لشکر صادر نماید تا به صورت دوساله معطل نماند. زیاده جسارت است.

سواد مطابق اصل است - نایب اداره صحیه نظام، میرزا سلیم خان (مهر: عبدالحسین).^۱

سازماندهی اداره صحیه نظام

در پی پیشرفتهایی که در امر پزشکی کشور صورت گرفت اطلاعیه زیر صادر شد:

اعلان از طرف اداره صحیه نظام

چون به موجب حکم و قرارداد کلیه دولتی حقوق قاطبه افراد و اطبا و جراحان و دواسازان هیأت صحیه قدیم نظامی از بودجه قشونی برگشت به وزارت مالیه گردیده، لهذا اداره صحیه برای نظم و صحت عمل حفظالصحه نظام جدید تشکیل، چند نفر از اطبای قدیم نظامی و از اطبای فارغ التحصیل دارالفنون مرکزی صاحبان دیپلم را به موجب اعلان در مقام امتحان درآورده و فراخور معلوماتشان حقوق خدمتی به جهت هر کدام تعیین و تصویب شده و هیأت نظامی صحیح و منظمی تشکیل داده. اینک برای اصلاح امور صحیه قشون ساخلوی ولایات و به جهت ریاست صحیه طبقات نظامی ایالات عجالتاً دوازده نفر طبیب قابل لازم است که بعد از دادن امتحان منتظر مأموریت بوده و قبل از تعیین مأموریت به اداره نظام آمده از ترتیبات اداری مطلع شوند و هم‌چنین به رؤیماها رفته از ترتیب دواخانه و مریضخانه کسب اطلاع کرده مشغول کار باشند تا مأموریت آنها معین شده، از تاریخ مأموریت حقوق خدمتی دریافت نمایند. لذا به امر و اجازه وزارت جلیله جنگ اعلان می‌شود هرکس از اطبای فارغ التحصیل که حایز تصدیق علم و دارای اجازه عمل و مایل به امتحان مسابقه مسایل علوم ذیل هستند که موافق معمول در اداره صحیه با حضور اطبای عظام و نماینده وزارت جلیله جنگ امتحان داده و مطابق درجه امتحان و به فراخور خدمت دارای حقوق خدمتی شوند باید در اداره صحیه آمده اسامی خودشان را ثبت و حاضر برای امتحان باشند که در ماه صفرالآخر مجلس امتحان را ترتیب داده شروع خواهد شد.

^۱ روستایی، محسن، تاریخ طب و طبابت در ایران، جلد اول، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

مسائل و مواد امتحانیه کتبی و یا شفاهی از علوم و فنون ذیل خواهد بود:
 اول - امراض داخلی. دوم - امراض خارجی. سوم - اصول تداوی (تراپوتیک). چهارم - تشریح.
 پنجم - علوم وظایف الاعضا (فیزیولوژی). ششم - تقدمه الحفظ (جلوگیری از امراض مسریه و
 مستولیه). هفتم - معاینه مریض و تشخیص مرض (کلینیک). (محرم الحرام ۱۳۲۹ هـ. ق)

تصویب نظام نامه صحیه قشون

در پی تصویب نظام نامه مریضخانه ملی در تاریخ ماه ذی القعدة ۱۳۲۵ ق در دوران وزارت
 مرتضی قلی خان صنیع الدوله نظام نامه صحیه قشون نیز تهیه و تصویب گردید.
 باکودتای رضاخان در سوم اسفندماه ۱۲۹۹ ش تحولاتی در امور قشون انجام شد، از جمله
 ادغام لشکر قزاق و ژاندارمری بدین ترتیب اقدامات و اصلاحاتی که به تدریج در مورد صحیه
 نظام انجام گردیده بود و هنوز هم در مقام مقایسه با پیشرفتهای جوامع دیگر اهمیتی نداشت
 به حساب ترقیات بعد از کودتای ۱۲۹۹ ش گذارده شد. لذا روزنامه شفق سرخ که حامی
 رضاخان سردار سپه بود این ترقیات را با شرح و تفصیل درج می نماید:^۱
 روزنامه شفق سرخ، ۲۸ حمل ۱۳۰۳ ش، سال سوم، شماره ۲۳۲، ص ۳

صحیه قشون

یکی از قسمتهای قشونی که خیلی اهمیت دارد قسمت صحیه آن است که اگر اندکی
 اهتمامات لازم را از آن سلب کنند نتایج وخیمه ای را در بر دارد و بزودی امراض مسریه تمام
 افراد را تهدید و قشون را فلج می نماید. از جمله ترقیاتی که از زمان تصدی آقای سردار سپه در
 قشون صورت گرفته است قسمت صحیه قشون است. در سازماندهی ارتش در دیماه ۱۳۰۰ ش
 سازمان قطعی ارتش تصویب و در بند ۵ ماده ارکان کل قشون صحیه کل قشون گنجانده شده
 و در بند ۶ آن بیطاری کل قشون ذکر شده است. در همین سازمان دهی ارتش ایران به پنج
 لشکر تقسیم شده که لشکر یکم آن زیر نظر سردار سپه قرار گرفته بود.
 تشکیلات صحیه لشکر مرکز که در تحت ریاست سرهنگ هادی خان است خیلی قابل
 توجه است:

^۱. این قسمت مطابق آنچه در روزنامه شفق سرخ چاپ شده بود، درج گردیده است.

صحنه قشون دو قسمت است، یک قسمت آن ابتدایی و در تیپ های مختلفه لشکر مرکز است که مرضای سهل العلاج و امراض جزئی که کمتر ازده روز معالجه می شود در همان قسمت ها (مریضخانه تیپ) پرستاری می شوند، قسمت دوم عبارت است از مریضخانه پهلوی (دریوسف آباد) و مریضخانه احمدی (واقع در خیابان سپه) که قسمت مرکزی صحنه قشون محسوب می شود.

اصلاحات راجع به صحنه قشون از ابتدای سال ۱۳۰۱ش شروع می شود. در آن تاریخ مریضخانه مزبور دارای صدوبیست تخت خواب بود و اوضاع صحنه آن رضایت بخش نبود و متوفیات نسبتاً زیاد می شد.

از وقتی که سرهنگ هادی خان ریاست صحنه را عهده دار شد از روی قواعد فنی برای هر یکصد نفر آن روزه چهار تختخواب معین کردند و از این رو تخت خوابهای مریضخانه پهلوی به دویست و پنجاه و احمدی به پنجاه تخت خواب و قسمت های مختلفه لشکر مرکز (تیپ گارد پیاده، تیپ توپخانه، تیپ توپ انداز عراق، تیپ سوار) هر یک یکصد تخت خواب بالغ گردید و از هرحیث لوازم آن مکمل گردید.

مریضخانه پهلوی بزرگترین و منظم ترین مریضخانه های تهران است که حقیقتاً تماشایی است.

در شهر نیز یک محکمه عمومی (کلینیک) از طرف صحنه قشون در مریضخانه احمدیه برای فامیل ها و مرضای قشونی که به مریضخانه ها نمی روند تهیه شده است که روز قریب صدالی صدوپنجاه نفر به آنجا مراجعه می نمایند.

روی هم رفته صحنه قشون در تحت جدیت و فعالیت سرهنگ هادی خان خیلی ترقی کرده و البته نواقص دیگری از ادوات و سایر لوازم صحنه و طبی اگر داشته باشد تصور می رود جدیت ایشان و آقای میرزا عبدالکریم خان مباشر قسمت صحنه که تا کنون خوب از عهده جدیت بر آمده اند، آنها را جبران نماید. (پایان نقل قول از روزنامه شفق سرخ)

سازمان دهی قشون و تشکیل مدرسه نظام کل قشون^۱

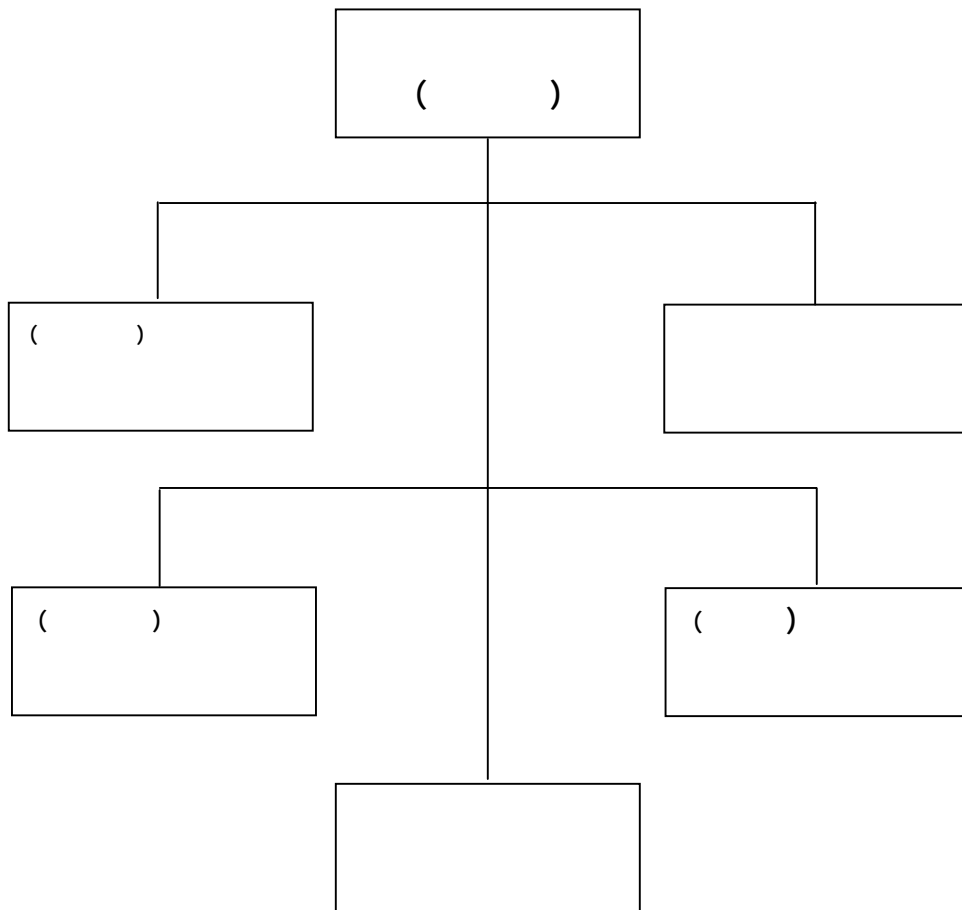
به موجب حکم عمومی قشون شماره یک بهمن ماه ۱۳۰۰ ش صادره ازسوی وزیر جنگ وقت (رضاخان) مدرسه های قزاقخانه، مشیرالدوله بیطاری و مدرسه صاحب منصبان ژاندارمری که تا آن تاریخ وظیفه آموزش قشون را به عهده داشتند با یکدیگر ادغام و یک مدرسه واحد بنام مدرسه نظام کل قشون تأسیس گردید. این مدرسه متشکل از چهارمدرسه ابتدایی، متوسطه، عالی و دامپزشکی بود و تحت نظارت ستاد ارتش به کار تربیت و آموزش نظامیان پرداخت.

درپی همین سازماندهی و تشکیل ارکان حرب کل قشون (ستاد ارتش) دایره ای هم بنام (دایره صحیه کل قشون) که وظیفه آن مراقبت از بهداشت و سلامت افراد نظامی و سربازان بود تشکیل و مشغول بکار گردید.

۱. بیگلرپور، سرتیپ علیقلی، تاریخ تشکیل ارتش نوین ایران، بخش نخست از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ خورشیدی، تهران: چاپخانه ارتش، ۱۳۲۵، ص ۳۸

نمودار سازمان ارکان حرب کلّ قشون

سال ۱۳۰۰ شمسی



کارکنان اولین دایره صحیه کل قشون

رئیس دایره	سردار امیراعلم (پس از چندی سرتیپ لقمان الملک)
معاون کل و ریاست کل مخازن صحیه	سرتیپ دکتر عزیرالله خان
محاسب کل	دکتر علی محمد خان
دواساز	عبدالحسین خان
منشی	امیرخان نایب دوم
پیشخدمت	احمد آقا و اسکندر خان

مریضخانه یوسف آباد

در زمان تشکیل دایره صحیه کل قشون مرکز معاینه و درمان بیماران بنام مریضخانه یوسف آباد در دوراهی یوسف آباد وجود داشت که خدمات درمانی به افراد نظامی ارائه می نمود، مالک اصلی این باغ حاجب الدوله بود که آن را وقف امور درمان کرده بود. کارکنان این مریضخانه به شرح زیر بود:

رئیس	سرتیپ دکتر غلامحسین خان
لابراتوار	دکتر حسین خان سیفی
جراح	دکتر حسین خان معتمد
پزشک داخلی	دکتر حسین خان
پزشک داخلی	دکتر سید ولی الله خان
پزشک بیماریهای مسری	دکتر جعفر اوف
چشم پزشک	دکتر مهذب السلطنه
پزشک بیماریهای خانوادگی	دکتر ابراهیمیان و دکتر ادیب الحکما

این مریضخانه بعدها بنام بیمارستان ۵۰۱ ارتش تغییر نام یافت.

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/ ۹۵

در سال ۱۳۰۱ ش باتشکیل امنیه کل مملکتی امور بیماران آن نیز به عهده دایره صحیه کل قشون گذاشته شد و سبب توسعه آن گردید.

در سال ۱۳۰۲ ش سرتیپ لقمان الملک رئیس وقت دایره صحیه کل قشون به علت کسالت مزاج از خدمت معاف و به جای وی سرهنگ دکتر عزیزالله خان نصرت معاون دایره مسئولیت ریاست دایره را بعهدہ گرفت و تا سال ۱۳۰۵ ش در همین سمت قرارداشت.

پس از چندی باتوجه به توسعه وظایف این دایره طی حکمی نام آن به اداره صحیه کل قشون تغییر یافت و مکان آن هم به خیابان حافظ چهار راه عزیزخان منتقل گردید. این محل دارای دوساختمان بود که ساختمان شماره ۱ روبروی درب ورودی برای دفتر ریاست و سازمان اداری و ساختمان شماره ۲ در حیاط دوم و به عنوان بخش امور درمانی و دارای چهار بخش ، داخلی، چشم، گوش و حلق و بینی و بیماریهای کلیه بود.

تشکیلات اداره صحیه کل قشون در اسفندماه ۱۳۰۵ ش تغییراتی به شرح زیر یافت:

تشکیلات اداره صحیه کل قشون ۱۳۰۵ ش

هیأت رئیسه:

رئیس	سرهنگ طبیب هادی خان آتابای
معاون	یاور طبیب صارم الدین خان ذوالفقاری

دفتر:

منشی	نایب سوم صادق خان پور طهماسبی
ضباط	غیر نظامی ابراهیم خان معظمی

دایره احصائیه و حفظ الصحه و تدوین قوانین:

رئیس	یاور طبیب دکتر تقی خان سریری
متصدی قوانین و انطباعات	یاور طبیب دکتر میرزا سلیم خان صفیا
نویسنده	نایب سوم عباسعلی خان صدوقی

دایره پرسنل و ارکان اداری:

رئیس	سلطان طبیب دکتر علی محمد خان مصاحب
------	------------------------------------

دایره ادویه و تجهیزات:

رئیس یاورطیب دکتراحسن خان وزیر
متصدی تجهیزات و ثبت ااثیه یاورطیب دکترااباخان کلیسایی
متصدی ثبت ادویه ودفاترآلات جراحی نایب یکم طبیب عبدالحسین خان منگنه نورایی

تشکیل داروخانه سپه

درسال ۱۳۰۶ ش قسمت دارویی بنام (داروخانه سپه) به طور مستقل از اداره صحتیه کل قشون تشکیل گردید و مسئول تهیه و توزیع دارویی شد و سازمان آن به شرح زیر بود:

رئیس	غیر نظامی بیگم میخائیل
محاسب، صندوقدار و نویسنده	غیر نظامی سید علی اکبر خان میر جهانگیری
دو اسازان	نایب سوم دفتری محمود خان پایان پور
	غیر نظامی موسی خان صحتی

هیأت وزرا در جلسه ۵ آبان ماه ۱۳۰۹ ش نظام نامه مؤسسات صهییه را که مشتمل بر ۱۶ ماده ذیل است تصویب کردند:

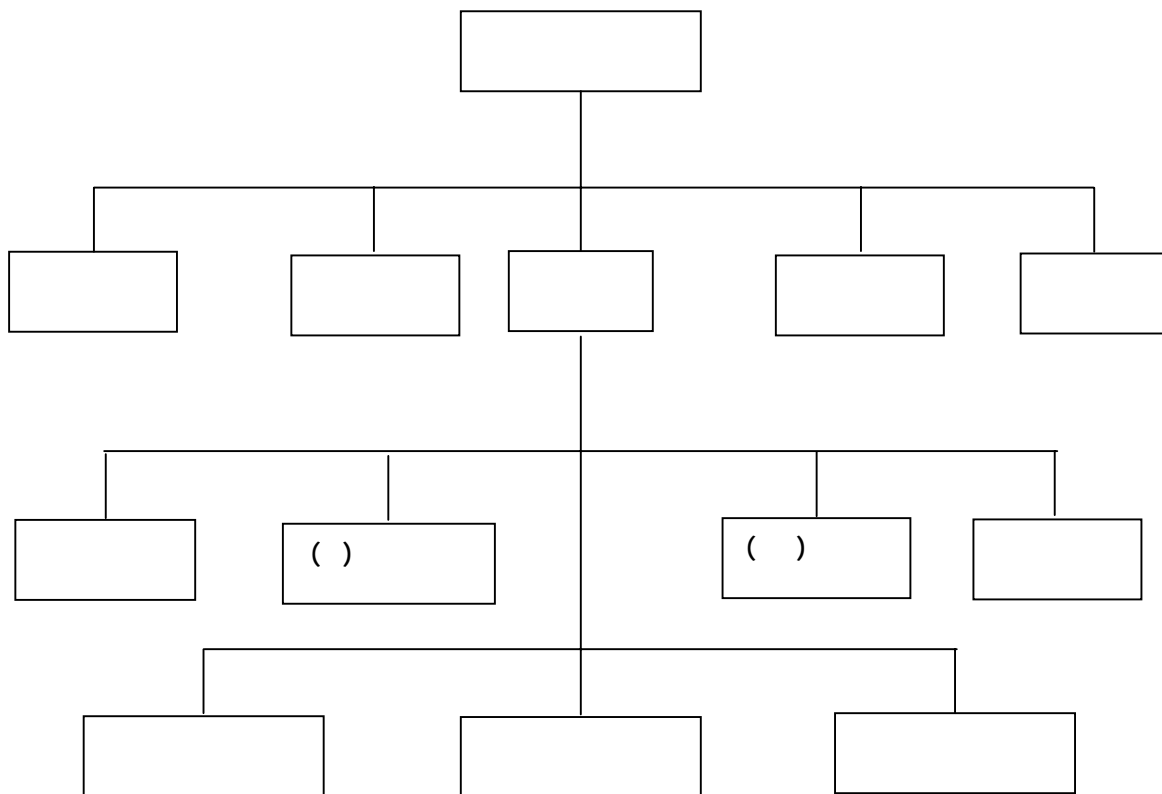
فصل چهارم - وظایف مؤسسات صحنه در مواقع جنگ و تدافعات قوای نظامی
ماده ۱۴- مؤسسات صحنه در مواقع جنگ و تدافعات نظامی به موجب دستور صحنه کل
با موافقت صحنه قشونی هرگونه مساعدتی که لازم آید و در حدود امکان و اقتدارات مؤسسه
باشد به عمل خواهند آورد.

در تاریخ ۱۳۱۵/۵/۳۱ ش باتوجه به تشکیل وزارت جنگ تغییرنامه‌های زیرانجام گردید:

اداره صحنه ارتش	اداره بهداشت ارتش (در همان سال به اداره بهداری ارتش)
اداره بیپزاری ارتش	اداره دامپزشکی
در سال ۱۳۱۶ ش هادی آتابای که به آلمان رفته بود مراجعت و مجدداً به ریاست اداره بهداری ارتش منصوب شد.	

درس سال ۱۳۲۰ ش وی به وزارت کشور منتقل و سر تیپ دکتر کریم هدایت به جای وی منصوب گردید.
درس سال ۱۳۲۰ ش دوازده اداره درسازمان وزارت جنگ گنجانده شد که از جمله اداره بهداشتی و اداره دامپزشکی بود.

سازمان وزارت جنگ ۱۳۲۰ ش^۱



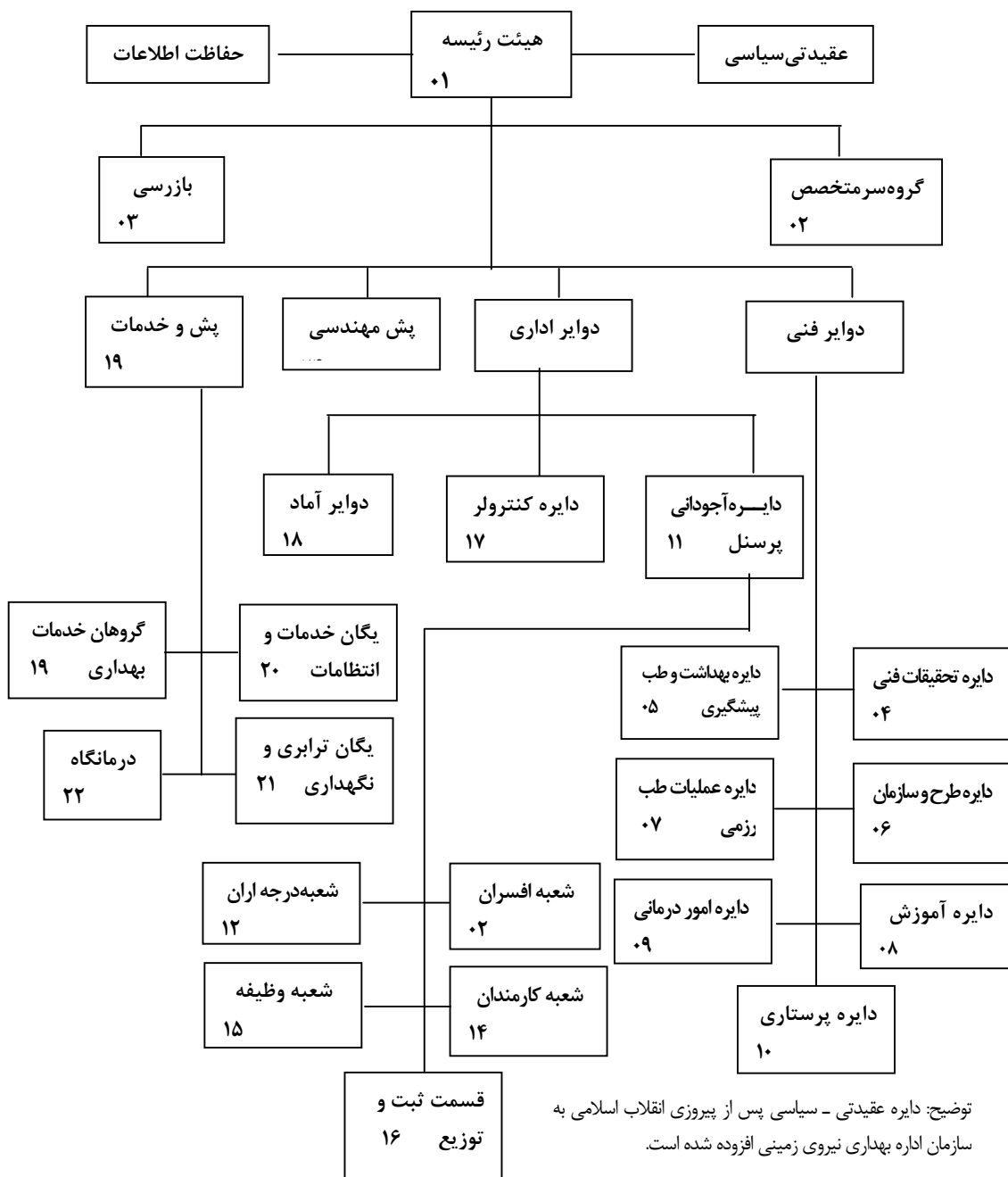
۱. کاظمی، سپهبد محمد، تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی ایران، تهران: آبانماه ۱۳۵۵ ش، ص ۴۵

اسامی رؤسای اداره بهداری ارتش (۱۳۱۶ تا ۱۳۵۹) هـ ش

۱۳۱۶ ش	سرتیپ دکتر آتابای
۱۳۲۰	سرتیپ دکتر کریم هدایت
۱۳۳۲	سرلشکر پارسا
۱۳۳۴	سرتیپ دکتر محمد علی شمس
۱۳۳۶	سرتیپ محمد علی احسان طباطبایی
۱۳۴۴	سرتیپ دکتر محمد علی شمس
۱۳۴۵	سرتیپ دکتر اصلانی
۱۳۴۶	سرتیپ دکتر صفائی نیلی
۱۳۴۹	سرتیپ دکتر عرفانی
۱۳۵۲	سرلشکر دکتر صفائی نیلی
۱۳۵۷	سرتیپ دکتر گوران
۱۳۵۸	سرتیپ دکتر رحمانی
۱۳۵۹	سرتیپ دکتر بهتاش

در سال ۱۳۴۵ ش پس از تفکیک بهداریهای نیروی زمینی و دریایی و هوایی هریک دارای سازمان خاص گردید.

سازمان اداره بهداری نیروی زمینی به شرح زیر است:
سازمان اداره بهداری نیروی زمینی (۱۳۵۹)



اداره بهداری نیروی هوایی^۱

به طور کلی تا دیماه ۱۳۱۰ هـ. ش در نیروی هوایی واحد بهداشتی درمانی وجود نداشت بطوریکه اگر یکی از کارکنان این نیرو در حین انجام وظیفه در آشیانه هواپیما دستش خراشی برمی داشت برای پانسمان آن ناچار به بهداری نیروی زمینی مراجعه مینمود و کلیه معالجات نیز به عهده بهداری ارتش که در حقیقت همان بهداری نیروی زمینی بود قرار داشت.

در دیماه ۱۳۱۰ هـ. ش برای اولین بار یک پزشک غیرنظامی بنام تقی خان ثقفی با حقوق ماهیانه ۱۲۰۰ قران برای مدت سه سال به طور قراردادی استخدام گردید. در تاریخ ششم بهمن همان سال یک نفر داروساز غیرنظامی بنام علی خان سامی با حقوق ماهیانه ۲۲۰ قران و در ۱۰ خرداد ۱۳۱۱ دونفر پرستار به اسامی خوشبین و باقر عطریان هر یک با حقوق ۱۵۰ قران استخدام شدند.

این دونفر برای طی دوره پرستاری قشون اعزام و پس از طی دوره مربوطه از تاریخ ۸ آذر ماه ۱۳۱۳ در بهداری نیروی هوایی مشغول خدمت شدند. در ۱۴ آذر ۱۳۱۱ هم یک پزشک دیگر بنام احمدخان مجلل با حقوق ماهیانه ۱۱۰۰ قران استخدام گردید که تا آخر تیرماه ۱۳۱۳ در خدمت نیروی هوایی بود.

در سال ۱۳۱۳ سروان دکتر محمد ریاحی که کفیل سرویس جراحی مریضخانه شماره ۳ قشون بود به نیروی هوایی منتقل و یک واحد بهداری به ریاست وی در واحد هوایی مهرآباد تشکیل گردید.

دکتر مرتضی شیخ هم که دوره ششماهه اولیه خدمت نظام وظیفه خود را در قوای هوایی طی کرده بود از ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۱۴ با درجه نایب سومی وظیفه تا پایان خدمت نظام وظیفه در نیروی هوایی باقی ماند.

در سال ۱۳۱۶ هـ. ش در پارک مرکزی جنب کارخانجات هواپیمایی شهباز سروان دکتر سید هاشم شافع به عنوان رییس بهداری پارک مرکزی شروع به کار نمود. در این زمان ساختمان بهداری نیروی هوایی مرکب از پنج اتاق و کارکنان آن شامل سه پزشک و یک

۱. ب.ن، تاریخچه پزشکی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، نشریه نهمین گردهمایی روسای بیمارستان ها و درمانگاهها و مراکز درمانی نهاجا، تهران: مردادماه ۱۳۸۵، ص ۴

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/ ۱۰۱

داروساز بود و دکتر ثابت تصدی واحد مهرآباد را به عهده داشت و زیر نظر پارک مرکزی انجام وظیفه می کرد.

بعدها به تدریج امکانات بهداشتی درمانی نیروی هوایی تکمیل گردید و در سال ۱۳۴۵ هـ ش رسماً بهداری نیروی هوایی تشکیل و سازماندهی شد.

آموزشگاه پزشکی و معین پزشکی

در سال ۱۳۰۹ ش به دستور ستاد ارتش آموزشگاهی به نام معین پزشکی در بیمارستان پهلوی تشکیل شد درحین تحصیل اگر دانش آموزی لیاقت نشان می داد تا درجه گروهبانی ارتقاء پیدامی کرد. دانش آموزان باید از افراد با سواد باشند و تمام دوره تحصیل هشت ماه بود. پس از خاتمه دوره تحصیل دانش آموزان با درجه ۱ ستوار سومی داخل خدمت می شدند. دانش آموزان تعهد می کردند پس از فراغت از تحصیل پنج سال در ارتش خدمت کنند.^۱

نظری به تاریخ دامپزشکی (بیطاری) ارتش

در سال ۱۳۳۰ ق در زمان احمد شاه قاجار دولت ایران برای حفظ امنیت داخلی و وصول مالیاتها، به ایجاد ژاندارمری مبادرت ورزید. برای دور بودن از نفوذ دولتهای ابر قدرت زمان (روسیه و انگلیس) از دولت سوئد برای فرستادن افسران متخصص سوئدی یاری خواست. دولت سوئد هیأتی نظامی به ریاست ژنرال (یالمارسون) به ایران اعزام داشت. همراه با این هیأت دونفر دامپزشک سوئدی به نامهای (دکتر هیل) و (سروان دکتر نیلس نردکیس) برای ایجاد شعبه دامپزشکی ژاندارمری به ایران آمدند. نامبردگان برای تربیت کادر دامپزشکی ژاندارمری به ایجاد مدرسه شبانه روزی بیطاری (دامپزشکی) و همچنین کلاس کمک دامپزشکی (مدرسه فنی) همت گماردند. محل این مدرسه در باغشاه واقع در محل دانشگاه جنگ بود.

اما اولین مدرسه دامپزشکی بیطاری ایران به معنای واقعی در ماه صفر ۱۳۳۲ ق افتتاح شد. تعداد شاگردان مدرسه بیطاری که تحصیلات آنها در حد پایان دوره متوسطه بود ۸ نفر و دوره تحصیل آن دو سال تعیین گردید. البته علت اصلی تأسیس این مدرسه تربیت کادرفنی برای درمان دامپزشکی ژاندارمری و ارتش بود. بیشتر دروس این مدرسه توسط استادان سوئدی

۱. یکرنگیان، سرتیپ میرحسین، سیری در تاریخ ارتش ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات خجسته، ۱۳۸۴ ص ۲۲۳

تدریس می‌شد و اطبای ایرانی نیز از جمله دکتر سعید خان لقمان الملک، دکتر امیر اعلم و دکتر حسین معتمد در این مدرسه فعالیت داشتند.

در دیماه ۱۲۹۳ ش/ ۱۹۱۵ م مدرسه بیطاری منحل شد ولی چند ماه بعد در مهرماه ۱۲۹۴ ش این مدرسه به ریاست کاپیتان (نورت کیست) افسر دامپزشک مجدداً تأسیس گردید. دوره اول مدرسه به مدت دوسال به طول انجامید و دوره دوم مدرسه با ۳۸ نفر محصل در سال ۱۳۳۴ ق مقارن با اواخر سال ۱۲۹۳ ش شروع شد، ولی بواسطه حوادث ناشی از جنگ بین‌المللی اول تعطیل گردید و شاگردان به جبهه جنگ اعزام شدند.

اما پس از جنگ بین‌الملل اول، در زمان فرماندهی ژاندارمری (کلنل گلوپ) دوره سوم مدرسه با ۱۲ محصل، توسط دکتر ابوطالب خان شیخ که هم پزشک و هم دامپزشک بود زیر نظر دانشکده افسری تأسیس شد. با تنگدستی به حیات خود ادامه داد تا شاگردانش فارغ التحصیل شدند. دوره چهارم نیز با ۱۸ محصل تشکیل شد. ولی بواسطه تعصبات و کارشکنی مغرضین در سال ۱۳۰۳ ش تعطیل و شاگردان آن نتوانستند دروس خود را به پایان برسانند. اینان در سال ۱۳۰۵ ش به خدمت وزارت فلاح و فواید عامه در آمدند و برای مبارزه با طاعون گاوی اکثراً به مازندران و تعدادی به حصارک فرستاده شدند.^۱

مدرسه عالی بیطاری

پس از تأسیس مدرسه عالی بیطاری با نظارت اداره کل صناعت و فلاح آگهی زیر از طرف آن اداره جهت استخدام محصلین صادر شد:

(استخدام محصلین حائز شرایط در مدرسه عالی بیطاری)

اداره کل صناعت و فلاح (اعلان)

اداره کل صناعت و فلاح جهت مدرسه عالی بیطاری که با مشارکت این اداره در وزارت جلیله جنگ تأسیس خواهد گردید به یک عده محصل که حائز شرایط ذیل باشند احتیاج دارد:

۱. داشتن تصدیق شش ساله متوسطه علمی

۲. صحت مزاج و حسن اخلاق ۳

۳. تابعیت دولت علیه ایران

۴. عدم سوء سابقه در محاکم صالحه

۵. سن از ۱۸ الی ۲۳.

داوطلبان باید منتهی الی ۲۵ شهریور تقاضای کتبی خود را به اداره کل صنعت و فلاحت دایره تعلیمات و احصائیه ارسال دارند.

مدرسه مزبور از حیث خوراک - لباس - مکان و کلیه لوازم التحریر مجانی می باشد.

قبول شدگان پس از طی دوره مدرسه به اخذ دیپلم عالی بیطاری نایل و طبق مقررات قانون استخدام کشوری از طرف این اداره استخدام خواهند گردید. در این زمان از دانشجویان دانشکده دامپزشکی نیز در ارتش استفاده می شد.

تشکیل دوره رسته بهداری دانشگاه نظامی

در سال ۱۳۱۲ش به منظور تربیت افسر جزء درپادگانهای عباس آباد و سلطنت آباد واحدی به نام دانشگاه نظامی تشکیل شد. این دانشگاه دوره اش یک ساله و شرایط ورود به آن قبولی در آزمون و ورودی بود. دانشجویان این دانشگاه را درجه داران دیپلمه و دیپلمه های عادی تشکیل می دادند. این دانشجویان در رسته های مختلف از جمله در پشتیبانی خدمات رزمی که شامل رسته بهداری می شد تحصیل می کردند.^۱

بهداری ژاندارمری

باتشکیل قشون متحدالشکل، در سازمان ارکان حرب کل قشون (ستاد ارتش) دایره ای به نام دایره چهارم (صحنه قشون) بوجود آمد.

و چون امنیه کل مملکتی در سال ۱۳۰۱ تشکیل یافت، امور درمانی آن به دایره صحنه قشون محول گردید و مقرر شد افراد امنیه از مؤسسات بهداشتی درمانی ارتش استفاده کنند. این وضع تا سال ۱۳۲۰ که امنیه کل مملکتی از ارتش مجزا گردید و تحت نام ژاندارمری جزء وزارت کشور ادامه داشت.

در سال ۱۳۰۵هـ، ش بر حسب تجربیات بدست آمده تغییراتی در سازمان قشون پدید آمد از جمله در سازمان ارکان حرب کل قشون به جای ۵ دایره، ۹ دایره منظور شد، و دایره (صحنه قشون) به اداره صحنه کل قشون تبدیل گردید.

۱. یکرنگیان، سرتیپ میرحسین، سیری در تاریخ ارتش ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات خجسته، ۱۳۸۴، ص ۲۴۳

در سال ۱۳۱۳ هـ ش صحنه کل قشون از سازمان ارکان حرب منتزع شد و جزء عناصر متشکل وزارت جنگ گردید و یک بیمارستان ۲۰ تختخوابی نیز برای امنیت کل مملکتی احداث شد.

ولی باوجود تغییرات بعدی تا سال ۱۳۳۲ هـ ش سازمان بهداری ژاندارمری درمرکز دارای یک پزشک تحصیل کرده و دوپزشک مجاز و دریگانهای خارج از مرکز فقط دوپزشک و چند پزشکپار مشغول خدمت بودند.^۱

درسال ۱۳۳۲ بهداری ژاندارمری نوسازی شد. دانشجویان پزشکی استخدام، پزشکان مختلف غیر نظامی استخدام و آموزشگاه بهیاری تأسیس شد و پزشکان وظیفه نیز در بهداری ژاندارمری مشغول بکار گردیدند، یک درمانگاه تخصصی مجهز نیز ساخته شد.

درسال ۱۳۳۴ که بهداری ژاندارمری در ساختمان نوبنیاد مستقر شد این درمانگاه تخصصی افتتاح گردید.

درسال ۱۳۳۵ بیمارستان ۱۵۰ تختخوابی ژاندارمری نیز با بخشهای مختلف تخصصی افتتاح شد.

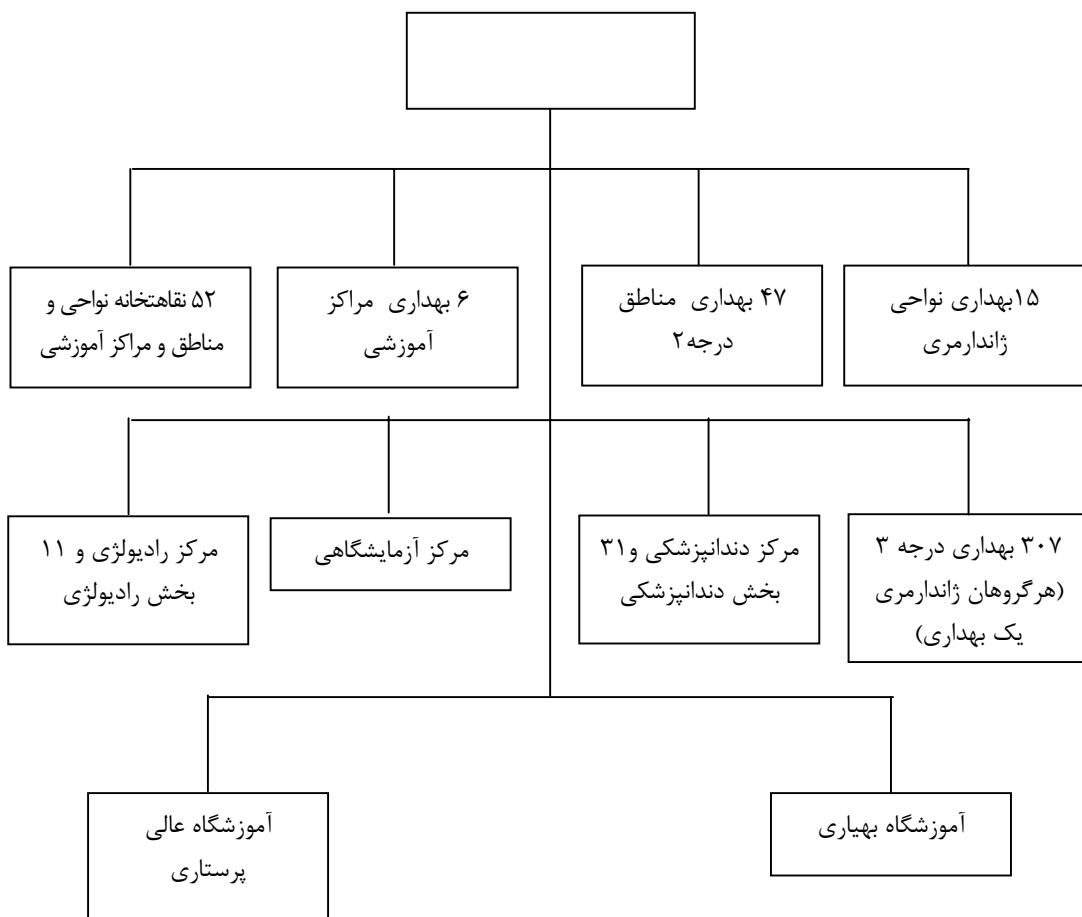
درسال ۱۳۵۰ درمانگاه مرکزی ژاندارمری تأسیس و درمانگاه تخصصی قبلی به آن محل نقل مکان نمود.

۱. قائم مقامی، سرهنگ مهندس جهانگیر، تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمی ترین ایام تا عصر حاضر، تهران: ۱۳۵۵، ص ۵۹ - ۶۸ پراکنده.

تاریخچه طب نظامی و رزمی در ایران و جهان/۱۰۵

بهداری ژاندارمری پس از مراحل مختلف بازسازی و نوسازی در سال ۱۳۵۴ دارای سازمان زیر گردید

اداره بهداری ژاندارمری مرکز



در جمع در واحدهای بهداری فوق عناصر بهداری زیر اشتغال پیدا کردند:

۱۵۰ پزشک و دندانپزشک و داروساز

۶۴۶ پزشکیار، پرستار، ماما و بهیار

۵۵ افسر خدمات بهداری

مدرک: نقل از سالنامه ژاندارمری ۱۳۵۴ هـ ش

اسامی رؤ س‌ای بهداری ژاندارمری (به ترتیب اشتغال)

سرهنك دكتر طباطبایی
سرهنك دكتر معتضدی
سرتیپ دكتر مقدم
سپهبد دكتر میر افضلی
سرتیپ دكتر فرازی
سرتیپ دكتر عرفانی
سرتیپ دكتر شریعتمداری
سرتیپ دكتر معتدل

رؤس‌ای بیمارستان ژاندارمری مرکز به ترتیب اشتغال

سرتیپ دكتر شریعتمداری
سرتیپ دكتر معتدل
سرتیپ دكتر حجازی

پزشكان نظامی مشهور این دوره

از دیگر پزشكان نظامی آنهایی كه شهرت بیشتری در آن تاریخ داشته اند عبارتند از:

دكتر غلامحسین آشوری:

متولد ۱۲۹۶ق، دوره تحصیلات متوسطه در اسلامبول، طب نظامی در ترکیه، مراجعت به ایران ۱۳۲۶ق، ریاست مریضخانه احمدیه، درجه سرتیپی ۱۳۳۷ق، چندین نشان و مدال.^۱

دكتر حسین بهرامی (احیاء السلطنه):

متولد ۱۲۶۴ق، تحصیلات متوسطه در دارالفنون، دوره طب در دارالفنون، در ۱۳۲۸ق طبیب گارد سلطنتی، طبیب وزارت جنگ به عنوان طبیب اول رژیم سوم.

۱. روستایی، محسن، تاریخ طب و طبابت در ایران جلد دوم، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران،

حاج میرزا (محمد) حسین خان اعتماد الاطبا:^۱

فرزند میرزا مرتضی قلی سلطان الاطبا، سلطانی، متولد ۱۲۴۶ش / ۱۲۸۳ق، همدان، مقیم تهران بازارچه قوام‌الدوله، تحصیل طب یونانی قدیم و طب جدید در مدرسه دارالفنون و مدرسه تبریز و مدت ده سال در کلینیک لقمان الممالک (میرزا زین‌العابدین)، دریافت لقب اعتماد الاطبا در ۱۳۱۱ق و طبابت مظفرالدین شاه، طبابت محمد علیشاه ۱۳۱۹ق، مدت شش سال جزء اطبای نظام تبریز، طبابت سلطان احمد شاه قاجار. یکی از فرزندان به نام سرگرد دکتر غلامحسین سلطانی پزشک ارتش بوده و دوره پزشکی را در دانشکده پزشکی تهران گذرانده و در عملیات مختلف نظامی در غرب و جنوب کشور شرکت داشته است. حاج میرزا حسین خان اعتماد الاطبا در سال ۱۳۳۰ش دارفانی را وداع گفته است، وی پزشکی بسیار پرهیزگار و در خدمت طبقات ضعیف و کم درآمد جامعه بوده است. آرامگاه وی در قبرستان نو، شهر قم در جوار حرم مطهر حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) می‌باشد.^۲

امیر اعلم، دکتر امیرخان:

دکتر امیرخان امیر اعلم فرزند علی اکبرخان معتمدالوزراء در سال ۱۲۵۶ش / ۱۲۹۴ق در تهران متولد شد، پس از تحصیلات مقدماتی به‌همراه والدین خود به ترکیه و سوریه رفت و در نهایت وارد دانشکده پزشکی بیروت شد، در ۱۳۱۷ق برای ادامه تحصیل وارد مدرسه طبی نظامی لیون شد. پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۲۱ق با رتبه سروانی در دارالمعلمین طبی نظامی پاریس دوره دوساله دید و در سال ۱۹۰۶م / ۱۳۲۳ق به ایران مراجعت کرد و استاد مدرسه طب گردید. وی در دومین دوره قانون گذاری از تهران به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب شد. در سال ۱۳۲۸ق با رتبه سرتیپی به ریاست بهداری ارتش (ریاست صحیه کل قشون) انتخاب شد و جهت انتخاب پزشکان ارتش ترتیب مسابقه را معمول داشت. برای ارتش بهداری مرتب و منظم طبق اصول جدید تأسیس نمود. در سال ۱۳۳۰ق تنظیم تشکیلات بهداری ژاندارمری جدید التأسیس رابه عهده گرفت. در ۱۳۳۵ق به سمت طبیب حضور احمد - شاه و پس از روی کارآمدن رضاشاه به عنوان طبیب مخصوص وی مشغول کار می‌گردد.

۱. همان، ص ۵۸

۲. این توضیح از طرف مولف اضافه شده، نامبرده عموی مادر مولف می باشد.

نامبرده دارای نشانهای متعدد و مشاغل مختلف از جمله ریاست دانشکده پزشکی بوده است. در سال ۱۳۲۱ هـ.ش.

پس از عزیمت پروفیسور ابرلین اولین رییس دانشکده پزشکی به فرانسه دکتر امیراعلم از طرف شورای دانشکده پزشکی به ریاست این دانشکده برگزیده شد. بیمارستانی که بنام او در خیابان سعدی دایر شد به همان اسم هنوز پابرجاست. او در سال ۱۳۴۰ هـ.ش در تهران درگذشت.^۱

حکیم الدوله، دکتر میرزا محمد حسن خان:

میرزا محمد حسن خان حکیم الدوله فرزند میرزا زین العابدین خان لقمان الممالک در حدود سال ۱۳۰۱ ق در تبریز به دنیا آمد. وی پس از تحصیلات مقدماتی در تبریز به تهران آمد و به تشویق پدرش که از طبیبان دربار مظفرالدین شاه و محمد علی شاه بود برای ادامه تحصیل راهی پاریس شد. در سال ۱۳۲۵ ق دیپلم طب درجه لوره آی دانشکده پزشکی پاریس را دریافت می کند. وی در سال ۱۳۲۶ ق به ایران بازگشت و در همان سال به ریاست کل اطباء قشون و در سال ۱۳۲۸ ق به عنوان طبیب مخصوص احمد شاه برگزیده شد و در سفر سوم احمد شاه به فرنگ در سال ۱۳۰۲ هـ.ش همراه او بود. وی بعد از آن هم مشاغل متعددی را بعهده گرفت.

باید توجه داشت که در دوران قاجاریه علاوه بر کسانی که عضو رسمی پزشکی نظام بودند در مقاطع خاصی برای قدردانی از خدمات و زحمات بعضی افراد با تصویب شاه درجات نظامی و حقوق خاص آن اعطا می شد.

حکیم با شی، حاجی میرزا سید باقر:

حاجی میرزا سید باقر طبیب، فرزند ششم میرزا اسدالله خان طبیب می باشد که در سال ۱۲۷۲ ق در خاندانی که هفت نسل طبابت نموده و دوران پنج سلسله (صفویه، زندیه، افشاریه، قاجاریه، پهلوی) را درک کرده اند دیده به جهان گشود. وی پس از تحصیلات اولیه دوره طب را در دارالفنون گذراند. در دوران ناصرالدین شاه به پاس خدماتش به درجه سرهنگی رسید و طبابت فوج مهدیه را عهده دار شد. وی دارای پنج فرزند پسر بوده که به نام شمس نامیده شدند و دکتر سید جعفر شمس از پزشکان مشهور و مدتی نیز ریاست بهداری وزارت دارایی را به عهده داشته است.

حکیم باشی، میرزا سید رضی:

وی متولد سمنان و پس از طی تحصیلات مقدماتی برای تحصیل طب به تهران آمد و طبابت را با فلسفه بطور توأم آموخت و نام او در میان اطباء نظام دوران ناصری قید گردیده است. وی از طبیبان معالج ناصرالدین شاه بوده و به عنوان رییس اداره صحنه قشون نیز انجام وظیفه می کرده است. وی ضمن چاپ کتاب قانون ابن سینا حاشیه ای هم بر آن نوشته است و در سال ۱۲۹۵ ق چاپ شده است.

رئیس الاطباء میرزا علی:

میرزا علی دکتر همدانی ابتدا مرد صنعتگری بود، پس از چندی به فکر افتاد که فن طبابت را فراگیرد.

مقدمات را در ایران آموخت سپس به اروپا رفت و در دانشکده پاریس مشغول تحصیل شد. پس از دریافت دانشنامه به ایران بازگشت و مطابق رسم آن زمان ابتدا در سال ۱۲۹۹ ق ملقب به معتمد الاطباء و جزء اطباء خاصه ناصرالدین شاه شد. وی قبلاً پس از مرگ میرزا رضای دکتر در سال ۱۲۹۴ ق به جای او به معلمی طب دارالفنون برگزیده شده بود. از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۳ ق پزشک مخصوص یا حکیم باشی کامران میرزا نایب السلطنه وزیر جنگ نیز بود لذا پس از مرگ میرزا سید رضی سمنانی رئیس الاطباء که حکیم باشی کل نظام بود به جای او نشست و ملقب به رئیس الاطباء گردید. و بدین ترتیب رئیس بهداری ارتش شد. در سال ۱۳۰۸ ق لقمان الملک پسر میرزا کاظم فیلسوف الدوله رشتی به جای وی عهده دار این سمت یعنی رئیس بهداری ارتش شد.

رجایی، دکتر یحیی:

دکتر یحیی رجایی فرزند یوسف رجایی در سال ۱۲۹۲ ش در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات دبیرستان در دبیرستان علمیه تهران و یکسال در دانشکده پزشکی تهران روانه پاریس شد و پس از پایان تحصیلات پزشکی به ایران بازگشت و برای انجام خدمت زیر پرچم

به ارتش وارد شد و در شهریور ۱۳۱۹ش به درجه ستوان دومی رسید و در محل پزشک گردان دوم هنگ ۲۴ پیاده بانه به انجام وظیفه مشغول شد.

وی در مدت خدمت خود منتهای فعالیت را در معالجه بیماران ارتش به خرج می‌داد. سرانجام در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۲۰ش هنگام درگیری در غرب کشور کشته شد.

ضیاءالاطباء، میرزا ابراهیم خان گیلانی:

میرزا ابراهیم خان از جمله اطباء حاذق و حافظ‌الصحه گیلان بوده. وی در سال ۱۲۵۹ق به دنیا آمده است وی پس از فراگیری علم طب نزد استادان نامدار زمان خودش در عصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه القاب ضیاءالحکما و ضیاءالاطباء را کسب نموده بعلاوه به علت خدمات شایسته‌ای که در حفظ صحت عموم مردم و قشون نظامی می‌نماید در اواخر حکومت ناصرالدین شاه در ماه ذی الحجه ۱۳۱۲ق به درجه سرتیپی و نشان و حمایل مفتخر می‌گردد.

طیب، میرزا ابوالحسن خان بهرامی:

دکتر ابوالحسن خان بهرامی متولد ربیع الاول ۱۲۶۱ق ابتدا به مکتب رفته و شش سال را در مکتب در شهر تفرش گذرانده سپس به تهران آمده و ضمن حضور در مطب طبای مختلف وارد مدرسه طب گردیده و در سال ۱۲۹۱ق از تحصیل فراغت یافته و به سمت طبیب کشیک خانه تا سال ۱۲۹۴ق مشغول گردیده است.

در سال ۱۲۹۷ق با کمک اعتضاد السلطنه که وزیر علوم بوده است به تدریس در مدرسه طب می‌پردازد.

در سال ۱۳۰۴ق به ریاست مریم‌خانه دولتی گمارده شده و در سال ۱۳۰۵ق به منصب سرتیپی سوم رسیده و سرانجام در سال ۱۳۱۰ق سرتیپ اول شده است. وی در مطب خود نیز به تدریس طب به دانشجویان مشغول بود و کتب متعدد نیز تألیف نمود از جمله کتب: تشریح، پاتولوژی، فیزیولوژی، تراپوتیک و ...

نامبرده در سال ۱۳۲۰ق / ۱۹۱۲م به درجه امیر تومانی که آخرین رتبه های نظامی آنوقت بود نائل آمد.

لقمان الملک، دکتر سعید مالک:

دکتر سعید مالک متولد ۱۳۰۵ ق در تبریز، فرزند میرزا عیسی خان معتمد مالیه، تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه لقمانیه و لازاریستها (مدرسه کشیش‌های فرانسوی) سپس تحصیلات عالیه طب در دارالفنون طبّی پاریس و مدرسه طبّی پاریس و در نهایت اخذ مدرک دکترا در ۱۹۱۲ م / ۱۳۳۰ ق. نامبرده بعدها درجه تخصص را در بیماریهای میزراه از پروفیسور (لگو) دریافت نمود، در سال ۱۲۹۱ ش وارد ژاندارمری شد و در سال ۱۲۹۳ با درجه سلطان طبیبی جراح بیمارستان احمدیه و در نهایت در سال ۱۳۰۱ ش درجه سرتیپی دریافت و رئیس صحنه کل قشون گردید. نامبرده مشاغل و سمتهای دولتی و تخصصی دیگری را نیز به دست آورده بوده است.

مشیراعلم، دکتر ابوطالب خان:

سرهنک دکتر ابوطالب خان شیخ ملقب به مشیراعلم فرزند دکتر محمد خان شیخ (احیاءالملک) پزشکی را در اتریش فراگرفته بود، در سال ۱۲۹۳ ش / ۱۳۳۲ ق به مترجمی معلمین سوئدی مدرسه دامپزشکی (بیطاری) ژاندارمری برگزیده شد و در نهایت دیپلم دامپزشکی را دریافت کرد. او بنیانگذار تشکیلات نوین دامپزشکی ارتش ایران است. وی تا سال ۱۳۱۰ ش دامپزشکی ارتش را اداره می‌کرد و در این تاریخ به وزارت کشاورزی منتقل شد.

لسان الحکما، یحیی میرزا شمس:

وی در سال ۱۲۹۰ ق در همدان به دنیا آمد، فرزند عبدالحسین شمس ملک آرا نوه پسری فتحعلی شاه بود.

پس از تحصیلات مقدماتی به تهران آمد در سال ۱۳۰۳ ق وارد مدرسه دارالفنون شد و در مرحله بعدی به تحصیل علم طب در همان مدرسه همت گماشت. در ۱۳۱۲ ق که دکتر (راتولد) فرانسوی به عنوان کحال (چشم پزشک) به ایران آمد و در مدرسه دارالفنون مشغول به تدریس شد وی نیز جزء شاگردان او قرار گرفت. در ۱۳۱۶ ق به فرانسه رفت و سه سال سمت ریاست قسمت کلینیک بیمارستان مخصوص دکتر (گالزفسکی) را به عهده داشت. سپس به ایران مراجعت کرد و به ریاست قسمت چشم پزشکی بیمارستان دولتی سینا و بیمارستان وزیری برگزیده شد. پزشکی مردمی و خدمت گذار بود.

از فرزندان او دکتر علی شمس، خون شناس و استاد دانشگاه تهران و به ریاست بهداری ارتش رسید.

فرزندان دیگری نیز داشته در رشته پزشکی دارای خدماتی می باشند.

پروفسور شمس، محمدقلی:

پروفسور محمد قلی شمس فرزند دکتر یحیی شمس ملقب به لسان الحکماء در ربیع الاول ۱۳۲۳ ق برابر با ۱۲۸۳ش در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات متوسطه در ۱۹۲۳م عازم فرانسه شد و در دانشکده (پزشکی نظامی لیون) پذیرفته شد و ضمن تحصیل به درجه افسری نائل گردید و پس از طی دوره های تخصصی چشم پزشکی به ایران مراجعت نمود. وی پس از ورود به ایران بخش چشم پزشکی ارتش را در خیابان حافظ چهارراه عزیز خان تأسیس نمود.

سپس بخش چشم پزشکی مدارس را در قسمتی از ساختمان مدرسه دارالفنون دایر کرد

مظاهری، دکتر حسین:

دکتر حسین مظاهری فرزند نصرالله خان مظاهری در سال ۱۲۹۲ ش متولد شد. سپس تحصیلات خود را در دبیرستان سن لویی و دانشکده پزشکی تهران به پایان رساند و در آبان ۱۳۱۹ش برای انجام خدمت وظیفه وارد ارتش گردید. در ۲۹ آبان ۱۳۲۰ش به درجه ستوان دومی مفتخر و به سمت پزشک گردان سوم هنگ ۳۷ پیاده لشکر ۹ اصفهان منصوب گردید. وی از پزشکان فعال و وظیفه شناس بود و به زبان فرانسه آشنایی داشته است. وی در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۲۱ش هنگامی که جزء ستون اعزامی به ناحیه بختیاری بوده در درگیری کشته می شود.

معتمد، دکتر احمد خان:

دکتر احمد خان در سال ۱۲۹۵ق به دنیا آمده و پس از تحصیلات مقدماتی به استانبول رفته و در دارالفنون عثمانی بخش علوم پزشکی مشغول به تحصیل می شود و پس از پایان تحصیلات در سال ۱۳۲۷ق به ایران باز می گردد و به سمت رئیس صحنه تیپ سوار لشکر غرب و کرمانشاه منصوب می شود.

ملکزاده، دکتر مهدی بهشتی:

وی فرزند ملک المتکلمین اصفهانی در سال ۱۳۰۱ق برابر ۳- ۱۲۶۲هـ ش در اصفهان به دنیا می‌آید. پس از تحصیلات مقدماتی به تحصیل حکمت الهی پرداخت و برای تحصیل عازم فرانسه شد ولی در ترکیه با مشاوری شمس‌الدین نامی که از دوستان پدرش بود به لبنان رفت و وارد مدرسه شبانه روزی (لائیک) شد و پس از اخذ دیپلم وارد دانشکده طب گردید. در اواخر سال ۱۳۲۷ق برابر ۸- ۱۲۸۷هـ ش پس از فراغت از تحصیل به ایران بازگشت و به استادی مدرسه عالی دارالفنون رسید. چند سال رئیس بهداری قشون و عضو شورای عالی قشون بود. علاوه بر آن به سمتهای دولتی وکیل مجلس شورای ملی، در دوره عضو مجلس مؤسسان، وزارت داخله، معاونت وزارت معارف، معاون رئیس الوزراء، رئیس بیمارستان نظامی احمدیه دست یافت و به نگارش تاریخ مشروطیت پرداخت و در ۱۳۳۴هـ ش در تهران درگذشت.

در سال ۱۳۳۳ق رئیس حافظ‌الصحة کل نظام و ریاست بیمارستان احمدیه شد و در ۱۳۳۴ق درحالی‌که مهاجرین احرار را در زمان مشروطیت تا اصفهان همراهی می‌کرد توسط انگلیسی‌ها دستگیر شد و تا سال ۱۳۳۵ اسیر بود (مدتی اسیر انگلیسی‌ها و بعد اسیر روسها).^۱

ادیب‌الحکما، میرزا سلیم خان:

فرزند میرزا صفی، تحصیلات طبابت در دارالفنون، در ۱۳۱۱ق در دژبانی خدمات شایسته‌ای نموده است.

حکیم‌الحکما، میرزا محمد صادق (یزدی):

فرزند میرزا سید محمد ربیع، تحصیلات طبابت در دارالفنون، طبیب نظامی.

مستشارالاطبا، آقا سید علی اکبر (تهرانی):

فرزند میرزا سید ربیع، تحصیلات طبابت در دارالفنون، طبیب نظامی در سالهای ۱۳۲۸ق.

۱. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، جلد ۴، تهران: چاپخانه بانک بازرگانی ایران، ۱۳۴۷ش، ص ۱۶۸

میر، دکتر یوسف:^۱

دکتر یوسف میر در سال ۱۲۶۰ هـ ش برابر ۱۸۸۲ م در شهر ایروان قفقاز متولد شد. فرزند احمد مشهور به میر باقرآف بود. در آن زمان ایروان تحت تسلط روسیه تزاری بود. دوران ابتدایی در مدارس روسیه و روسی زبان بود. در ۱۹۰۸ م روانه سویس شد. در ۱۹۱۴ م ازدانشکده پزشکی لوزان درجه دکترا گرفت. در بخش جراحی لوزان در سال ۱۸۹۰ که توسط جراح مشهور سزار روس (CESAROUX) اداره می شد، به عنوان آسیستان پذیرفته شد. در سفری که علی اکبرداور به لوزان داشت از او دعوت کرد به ایران بیاید. در سال ۱۳۰۰ هـ ش قدم به ایران گذاشت. مطابق رسم آن زمان که پزشکان تحصیل کرده خارج از کشور پس از ورود در بیمارستانهای نظامی خدمت می کردند. ابتدا در مریمضخانه نظامی احمدیه مشغول خدمت شد. او که جراح حاذقی بود در دوازده سال اولیه که هنوز برق در تهران به راه نیفتاده بود، اعمال جراحی را در نور ضعیف چراغ نفتی انجام می داد. وسایل جراحی در سماوری بزرگ جوشانده و استریل می شد. بعدها در بیمارستان شماره ۲ و ۱ ارتش مشغول به کار شد، دکتر حسین مهدوی که از اولین شاگردان او بود و بعدها تخصص جراحی ترمیمی فک و صورت را بدست آورد باتلاش بسیار اولین بخش جراحی فک و صورت را در بیمارستان رازی پایه گذاری کرد. دکتر میر بعدها به ریاست بخش بیمارستان ۲ و ۱ ارتش منصوب شد در سال ۱۳۲۱ هـ ش دکتر میر بنا بر پیشنهاد اولیای دانشکده پزشکی از سمت خود در بیمارستان ارتش استعفا داد و رسماً به دانشگاه تهران انتقال یافت. در بین جراحان جوانی که از خارج بازگشته و دوره نظام خود را تحت نظر دکتر میر می گذراندند، دکتر یحیی عدل (پروفسور عدل) بود که در پاریس دوره دیده و در همان ایام خدمتش در نظام به استخدام دانشگاه تهران درآمده بود. نامبرده در ۱۳۱۸ هـ ش در سن ۳۰ سالگی به ایران بازگشته و جهت خدمت نظام در اختیار بیمارستان شماره ۱ ارتش قرار گرفته بود.

۱- میر، دکتر یوسف، زندگینامه و تاریخچه تحول طب و جراحی دکتر محمدعلی میر و دکتر علی محمد میر، چاپ اول، تهران: انتشارات طلایه، ۱۳۸۳، ص ۳۲

فصل سوم

تاریخچه سازمان‌ها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی موجود در آغاز

دفاع مقدس

مقدمه

پس از کودتای ۲۹ اسفند ۱۲۹۹هـ ش و خروج احمد شاه قاجار از کشور و خلع او ازسلطنت و انتقال سلطنت از خاندان قاجار به رضاخان به کمک ژنرال آبرونساید و سرپرندگان انگلیس درایران، تغییرات و دگرگونی‌هایی درکلیه قسمتهای کشور از جمله سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی به وجود آمد و این تغییرات پس از برکناری رضاخان ازسلطنت توسط متفقین درجنگ جهانی دوم درسال ۱۳۲۰هـ، ش و شروع سلطنت فرزندش محمد رضاپهلوی به دست مستشاران آمریکایی و مطابق سلیقه آنان بار دیگر دگرگون گردید که تا پیروزی انقلاب اسلامی و متعاقب آن فتح لانه جاسوسی درتاریخ ۱۳/۸/۱۳۵۸ و اخراج مستشاران آمریکایی از ایران به صورتهای مختلف تحت نظر آنان ساماندهی می‌گردید.

همین مسئله سبب شده بود که درآن ایام با توجهی که مستشاران و رژیم پهلوی به ارتش داشتند به تدریج بیمارستانهای تخصصی نسبتاً مجهزی برای ارتش در تهران در نظرگرفته شود تا درخدمت مسئولین نظامی و خانواده های آنان قرارگیرد. بعدها برای تقویت سطح علمی این مراکز درمانی تعدادی ازپزشکان نظامی به دانشگاههای معتبر جهان درآمریکا و انگلیس و فرانسه اعزام شدند و پس از پایان دوره، ضمن خدمت در بیمارستانهای نظامی و مراکز تخصصی تهران با دانشگاهها نیز همکاری داشتند و همین موضوع سبب شده بود که تمایل پزشکان و دانشجویان پزشکی به جذب خدمت در ارتش در اوایل بسیار خوب باشد.

ولی بعدها با توسعه دانشگاهها و افزایش استقبال بخش خصوصی از خدمات پزشکان بتدریج تمایل دانشجویان و پزشکان به خدمت در بخش خصوصی و دانشگاهها بیشترشد و در نتیجه از داوطلبان ورود به ارتش کاسته گردید. مسئولین وقت برای جبران این وضعیت، سالانه تعدادی دانشجوی بورسیه پزشکی ارتش، خارج از قبول شدگان کنکور سراسری در دانشکده های پزشکی و دندانپزشکی و داروسازی و با سطح نمرات پائین تر از آنها مورد پذیرش

قراردادند، این افراد جهت استفاده از شانس پزشک شدن حاضر شدند که بورسیه ارتش را بپذیرند و بدین ترتیب تعداد قابل توجهی دانشجوی پزشکی به ترتیب از سال ۱۳۵۰ به بعد جذب ارتش گردید. به طوریکه تعداد بورسیه های استخدامی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ که توانستند بتدریج از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ فارغ التحصیل شوند حدود ۱۰۳۰ نفر بود.

درسالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ش ظهور پیش لرزه های فروریختن رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی اثراتی هم روی ارتش و بافت پزشکی ارتش گذاشت و با بهم ریختن حالت ثبات و آرامش جامعه بسیاری از پزشکان و بخصوص متخصصین دولتی و غیر دولتی تمایل پیدا کردند که کشور را ترک کنند از جمله تعدادی از پزشکان ارتش نیز با تقاضای شخصی و یا با تکیه بر صورتجلسه های پزشکی و غیره متقاضی ترک خدمت شدند و بهم ریختگی سازمانهای دولتی در ماههای آخر رژیم پهلوی و آغاز پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد که بجهت مختلف با این قبیل تقاضاها موافقت انجام گیرد.

واین نحوه عملکرد تا آغاز جنگ تحمیلی یعنی ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ هـ ش ادامه داشت. به طوریکه در این زمان از ۳۰۰ پزشک متخصص موجود در هنگام پیروزی انقلاب اسلامی حدود ۱۲۰ نفر یعنی ۴۰٪ از خدمت رها گردیده بودند.

در همین زمان بیمارستانهای عمومی پنجاه تختخوابی تابع پشتیبانی مناطق در شهرستانها نیز فقط ۲۵٪ پزشکان سازمانی خود را داشتند و به این مشکلات کمبودهای تجهیزات و آمبولانس و فرسودگی و بهم ریختگی که ناشی از عدم امکان نظارت تخصصی فنی توسط پشتیبانی های مناطق بود افزوده می شد.

از طرفی، درسالهای اول انقلاب اعزام دانشجو به دوره های تخصصی متوقف و بعد از آغاز دفاع مقدس به علت نیاز مبرم به پزشکان عمومی برای مدت کوتاهی اعزام به دوره های تخصصی خیلی محدود انجام شد، به طوریکه فارغ التحصیلان دوره های تخصصی سالیانه به ۳ تا ۵ نفر می رسید.

از فارغ التحصیلان متخصص پزشکان وظیفه نیز به علت نیاز بیمارستانهای غیر نظامی کشور در هر دوره بیش از یکی دونفر واگذار نمی شد و لذا با توجه به کمبودها با رهایی پزشکان نظامی از خدمت نیز به ندرت موافقت می شد و بعضی از کسانی که به هر علتی از

تاریخچه سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی موجود در آغاز دفاع مقدس/۱۱۷

خدمت رها می شدند مجدداً به صورت خرید خدمت با انواع وعده و وعیدها در بیمارستانهای تخصصی به کار گمارده می شدند.

دراواخر سال ۱۳۶۱ در هماهنگی که با وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی بعمل آمد قرار شد که اعزام اجباری یک ماه در سال رزیدنتهای تخصصی نظامی بخصوص در رشته های جراحی، بیهوشی ارتوپدی، جراحی مغز و اعصاب در اختیار بهداری ارتش قرار گیرد تا از آنها در بیمارستانهای نظامی منطقه ای استفاده بعمل آید، که این اقدام تأثیر چندانی در رفع نیازمندیها نداشت. سرانجام مشکلات موجود ایجاب کرد که پس از خلع بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری و تغییر فرماندهی نیروی زمینی و انتصاب سرهنگ علی صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی در مهرماه ۱۳۶۰ بافت مدیریت بهداری نیروی زمینی نیز تغییر یافت و تلاش گسترده ای برای حضور حداکثر امکانات بهداری ارتش در پشتیبانی از نیروهای رزمنده ارتش جمهوری اسلامی و دیگر رزمندگان صورت گرفت. از جمله در همان چند ماهه اول استقرار مدیریت جدید آشکار شد که آمار و ارقام صادره از طرف بیمارستانها و واحدهای بهداری ارتش در سراسر نیروها برای تصمیم گیریهای سریع در جا به جاییها دقیق و گویا نیست لذا در یک تدبیر فرماندهی تیمی متشکل از متخصصین مختلف بهداری بنام (تیم ارزشیابی بهداشتی درمانی نزاجا) از تاریخ ۱۳۶۱/۵/۶ تا ۱۳۶۱/۹/۶ در طی چهارمسیر کلیه واحدهای بهداری سراسر یگانهای رزمی و پشتیبانی را از نزدیک مشاهده و آمار و ارقام وضعیت و نیازمندی آنها را از نظر نیروی انسانی و تجهیزات پزشکی و مواد و دارو ثبت نمودند. ضمناً در هر واحد اصلی دستورالعملی جهت بهره برداری بهینه از امکانات موجود صادر نمودند که باتوجه به دستورالعملی که از طرف فرماندهی محترم نزاجا صادر شده بود، بلافاصله عملی می گردید. بعلاوه با اطلاعاتی که بدین ترتیب جمع آوری گردید سیاستهای نوینی در جهت تقویت نیروهای بهداری در منطقه عملیات و تأمین نیازمندیها اتخاذ گردید. از جمله برای ایجاد انگیزه جهت پزشکان عمومی نظامی برای حضور در منطقه عملیات و همچنین پیش بینی و تأمین نیروهای پزشکی متخصص در سالهای بعدی مقرر شد هریک از پزشکان عمومی فارغ التحصیل پس از طی دوسال در منطقه عملیات و واحدهای رزمی اجازه اعزام به دوره تخصصی داشته باشند و از طرف ارتش به دوره های تخصصی معرفی گردند.

اجرای این تدبیر سبب شد که از یک سو داوطلبان اعزام به واحدهای رزمی افزایش یابد و ازسوی دیگر از سال ۱۳۶۵ به بعد به تدریج متخصصین جوان بیشتری به مراکز درمانی و بیمارستانهای نظامی وارد شوند.

از نتایج دیگر عملکرد این تیم رفع خلاء نظارت و مدیریت فنی تخصصی بهداری در بیمارستانهای منطقه ای تحت پوشش پشتیبانیهای مناطق بود که با دستور فرماندهی محترم نزاجا از تاریخ ۶۱/۱۲/۱ عملاً کلیه ۲۵ بیمارستان منطقه ای نزاجا در شهرستانها تحت فرماندهی بهداری نزاجا قرارگرفت تا بهترین بهره برداری برای پشتیبانی یگانهای رزمی از آنها بعمل آید.

و از آن تاریخ تا پایان دفاع مقدس بیمارستانهای فعال و مورد نیاز در اسرع وقت آماده و تکمیل و در خدمت درمان مجروحین قرارگرفت و برعکس، کارکنان و تجهیزات بیمارستانهایی که در آن زمان مورد نیاز نبوده و فعالیتی نداشت با مأموریتهای خاص به منطقه عملیات اعزام و در خدمت منطقه عملیات قرارگرفت. و در این تغییرات و نقل و انتقالات، رعایت عدالت بیشتری در مأموریتهای نیروی انسانی اعم از پزشک و پزشگیار و تکنسین به منطقه عملیات صورت گرفت که در بالابردن روحیه و حفظ کارایی آنها بسیار مؤثر بود.

بعد از اتمام دفاع مقدس در سال ۱۳۶۷ اعزام پزشکان به دوره های تخصصی تا سال ۱۳۷۴ ادامه پیدا کرد و تاحدودی نیاز مراکز پزشکی نظامی را تأمین نمود. از جانب دیگر نیز با تداوم جذب سهمیه قبولی آزمون ورودی سراسری کشور دانشجویان پزشکی نظامی در دانشگاههای دولتی ضمن تأمین پزشک عمومی برای ارتش امکان شرکت تعداد بیشتری از آنها در امتحانات ورودی دوره های تخصصی نیز فراهم گردید.

تاریخچه سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی موجود در آغاز دفاع مقدس/۱۱۹

تجاوز و هجوم نظامی آغاز می شود

پس از شکست توطئه های استعمارگران به صورتهای مختلف از جمله ترورها، بمب گذاریها، حادثه طبس، سرانجام آمریکای جهانخوار متجاوز با تحریک عروسکهای خود در منطقه مثل رژیم بعثی عراق و صدام جنایتکار و باحمایت دول غربی که منافع آنها با سقوط رژیم پهلوی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران به خطر افتاده بود هجوم همه جانبه به ایران اسلامی را آغاز و طی عملیات فراگیر حمله هوایی به شهرهای کرمانشاه، شیراز، همدان، تبریز، ارومیه، شهرکرد، بوشهر و تهران به طور غافلگیرانه شهرها و فرودگاهها و پایگاههای نظامی این کشور اسلامی را در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ مورد تجاوز قرار دادند.

سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی که در آن تاریخ موجود و مشغول به کار بود بلافاصله سعی در آمادگی امکانات خود جهت ارائه خدمت به نیروهای انسانی درگیر در عملیات نمودند.

الف: سازمانهای اداری، بیمارستانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی مستقر در تهران

۱. اداره بهداری ارتش

از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۵ هـ ش کلیه یگانهای بهداری ارتش در نیروهای سه گانه (زمینی، هوایی، دریایی) توسط یک سازمان مرکزی بنام (اداره بهداری ارتش) اداره می شد. در سال ۱۳۴۵ جهت هریک از نیروها اداره بهداری مجزا تشکیل و تحت فرماندهی نیروی مربوطه به کار خود ادامه داد. ضمناً یک اداره مرکزی بنام (اداره بازرسی بهداریهای نیروهای سه گانه ارتش) در محل ستاد مشترک ارتش تشکیل گردید که بر عملکرد بهداریهای سه گانه نیروهای فوق نظارت و اعمال مدیریت می نمود.

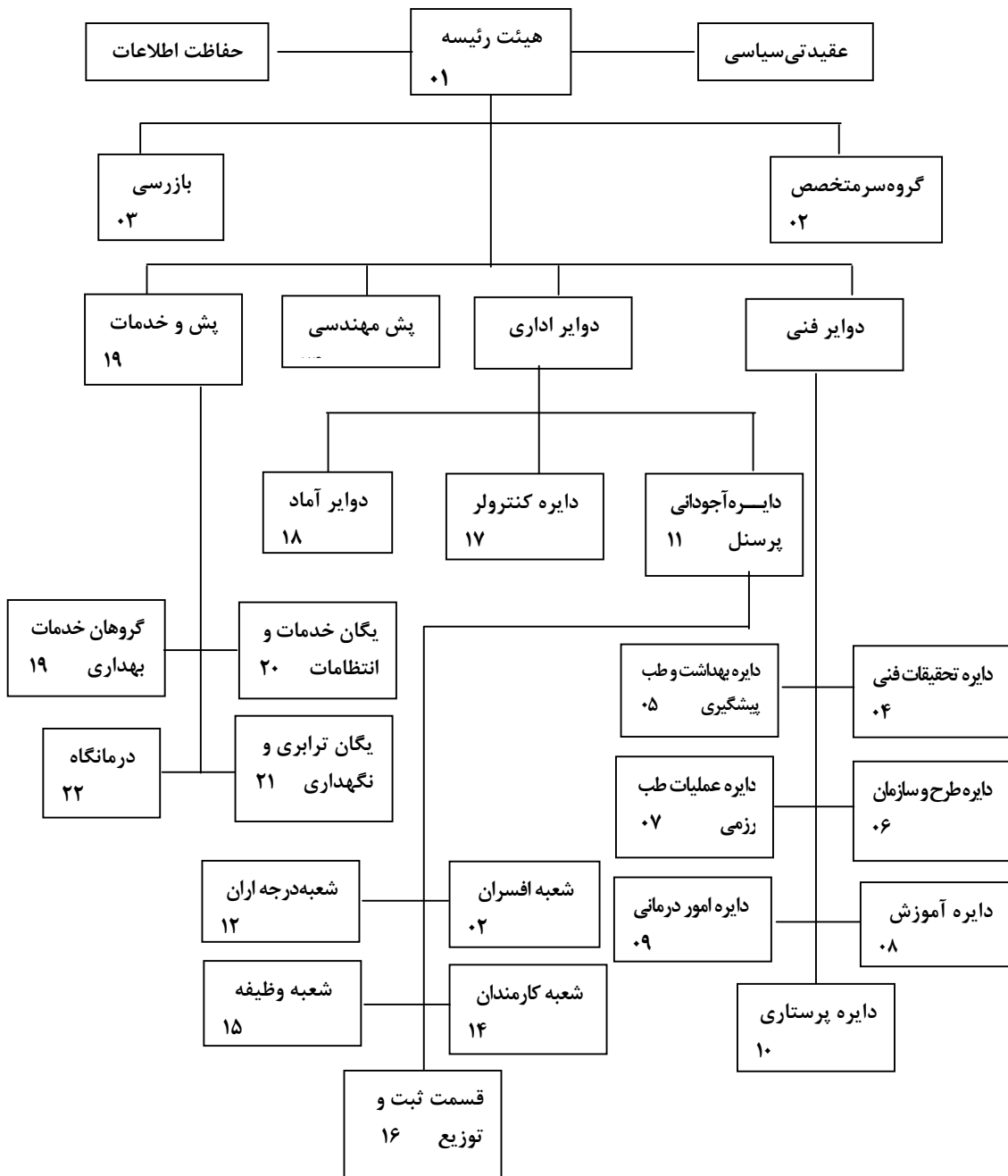
(این اداره بعدها تحت نام (اداره نهم ستاد مشترک ارتش) ضمن نظارت و اعمال مدیریت بر بهداری نیروها درمورد مسایل آموزشی پزشکی و پیراپزشکی و تأمین نیروی انسانی مراکز درمانی واعزام پزشکان به دوره های تخصصی داخل و خارج از کشور فعالیت نموده و سرانجام جهت تأمین نیروی انسانی پزشکی برای ارتش در سال ۱۳۷۲ اقدام به تأسیس دانشکده پزشکی ارتش نمود.

اداره فوق در سال ۱۳۸۰ به فرماندهی بهداشت و درمان ارتش تغییر نام داد و محل استقرار آن در مجاورت محل جدید بیمارستان ۵۰۱ و دانشکده پزشکی ارتش بود.

۲. اداره بهداشتی نیروی زمینی

این اداره در سال ۱۳۴۵ تشکیل شد و تحت فرماندهی نیروی زمینی به وظایف خود عمل می‌کند. شامل هفت بیمارستان تخصصی مستقر در تهران، مرکز تحقیقات و علوم آزمایشگاهی، مرکز تخصصی دندانپزشکی ۶۰۰ و آمادگاه ۵۰۱ بهداشتی نیروی زمینی بود. ضمناً نظارت فنی بر عملکرد بیمارستانهای منطقه‌ای شهرستانها و یگانهای بهداشتی واحدهای رزمی را از طریق مدیریت بهداشتی مستقر در پشتیبانی‌های منطقه ای را اجرا می‌نمود. بعلاوه در مورد تعیین تکلیف و طبقه بندی بیماران و جانبازان نیز اتخاذ تصمیم می‌کرد.

شمای سازمان اداره بهداشتی نذاجا



۳. اداره بهداری نیروی هوایی

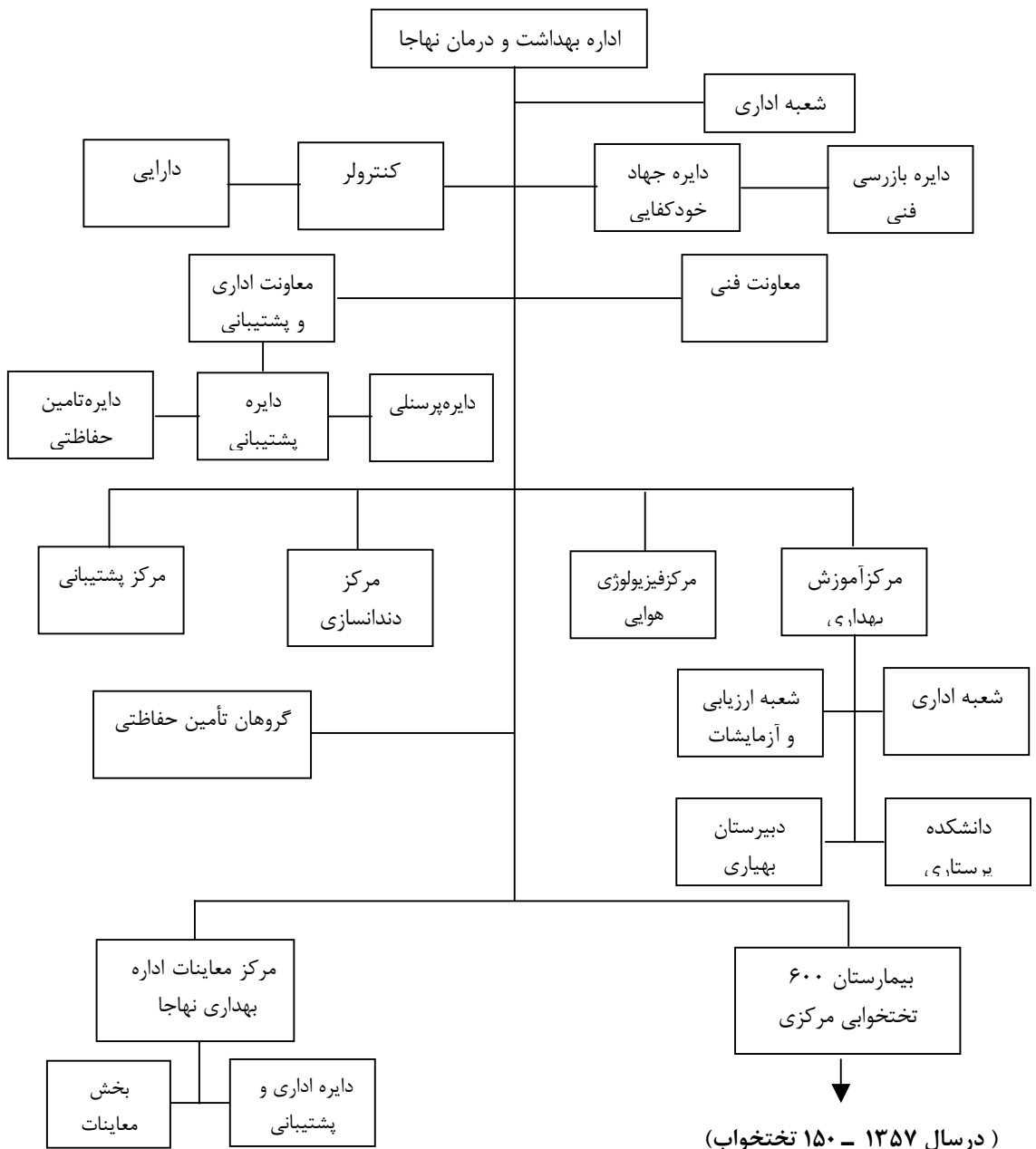
در سال ۱۳۴۵ جهت مدیریت مؤسسات بهداشتی درمانی یگانهای نیروی هوایی تشکیل گردید. شامل بیمارستان تخصصی مرکزی بعث دارای ۱۵۰ تختخواب در تهران بوده و نظارت فنی بر عملکرد پنج بیمارستان منطقه‌ای تابعه نیروی هوایی در شهرستانها می‌نمود. شمای سازمانی اداره بهداری نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نهاجا) به شرح زیر می باشد:

(صفحه بعد)

تاریخچه سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی موجود در آغاز دفاع مقدس/۱۳۳

شمای سازمانی اداره بهداری نیروی هوایی (اداره بهداشت و درمان)

فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

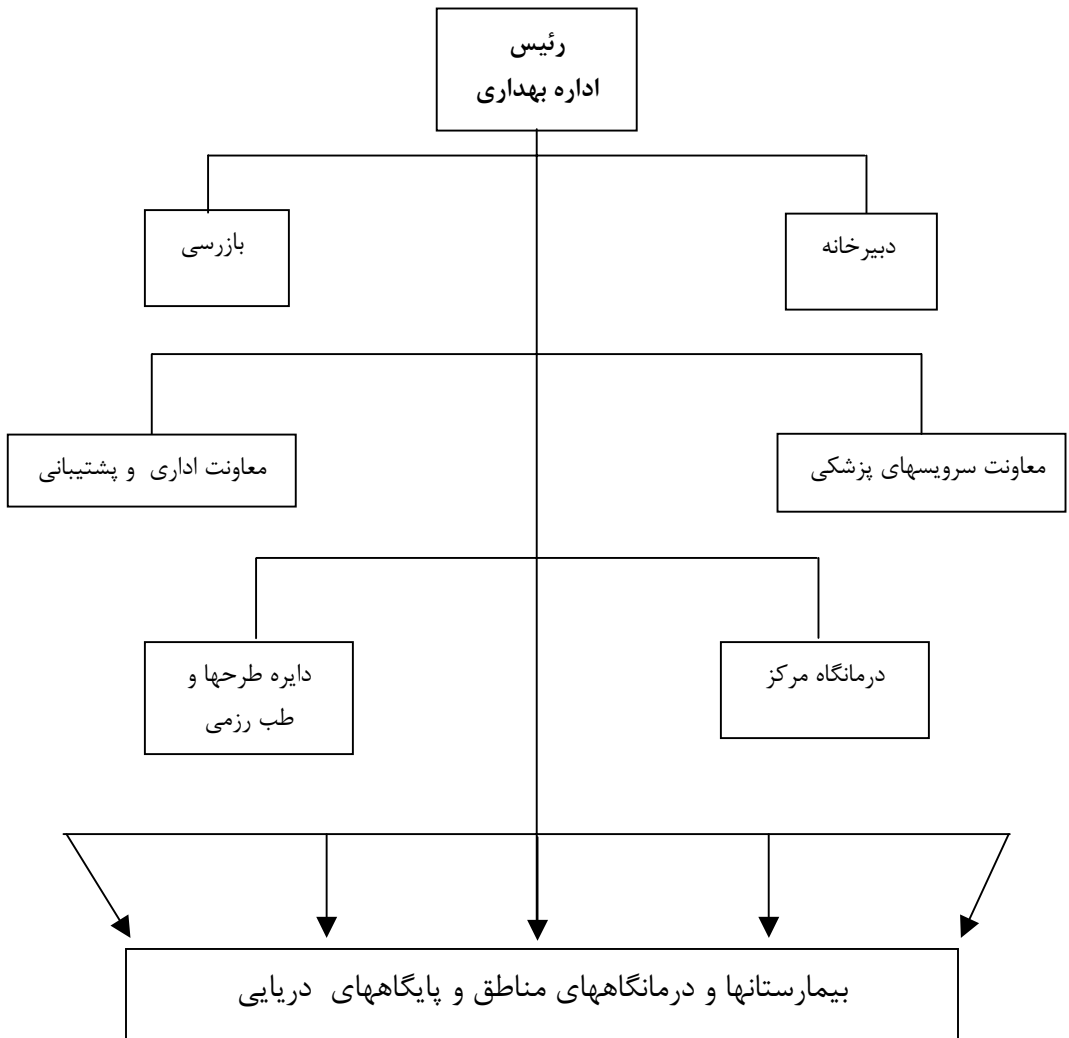


(درسال ۱۳۵۷ - ۱۵۰ تختخواب)

۴. اداره بهداشتی نیروی دریایی

در سال ۱۳۴۵ جهت مدیریت مؤسسات بهداشتی درمانی نیروی دریایی تشکیل و شامل بیمارستان تخصصی مرکزی گلستان با ظرفیت یکصد تختخواب در تهران است و نظارت فنی بر عملکرد سه بیمارستان منطقه ای تابعه نیروی دریایی در شهرستانها را به عهده دارد. شمای سازمانی اداره بهداشتی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نذاجا) به شرح زیر می باشد:

شمای سازمان اداره بهداشتی نیروی دریایی ۱۳۵۶

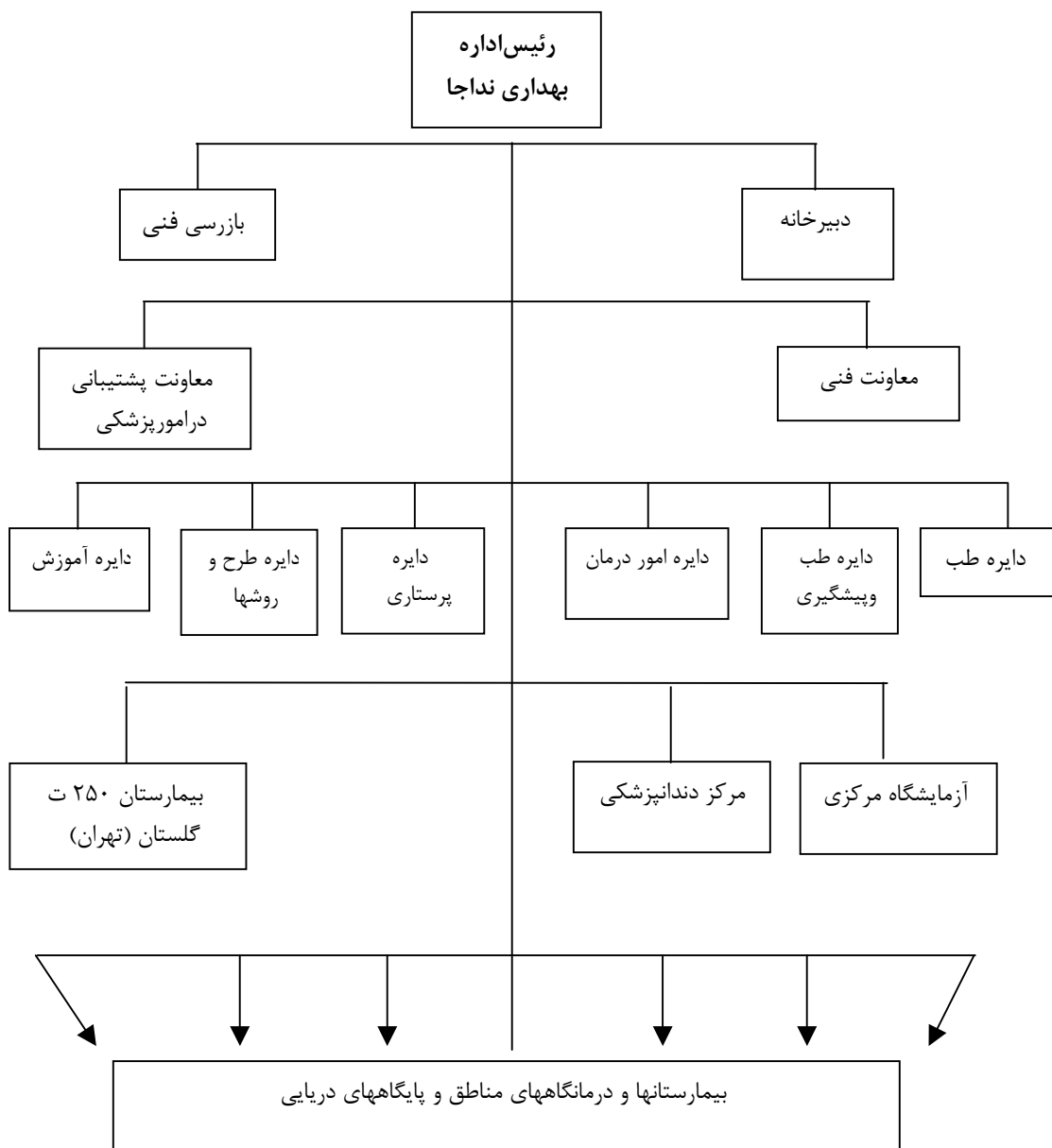


تاریخچه سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی موجود در آغاز دفاع مقدس/۱۳۵

بعدها این سازمان تغییراتی به شرح زیر نمود :

ارتش جمهوری اسلامی ایران

شمای سازمان اداره بهداری نیروی دریایی سال /۱۳۷۸



۵. بیمارستانها و مراکز تخصصی تابع نیروی زمینی در تهران

بیمارستان ۵۰۱ تخصصی تهران:

محل اولیه این بیمارستان خانه مسکونی حاجب الدوله کاردار زمان حکومت ناصری بوده که وقف بیمارستان شده. در اوایل سلطنت رضاخان در سال ۱۳۰۴ هـ ش بنام بیمارستان پهلوی در محدوده یوسف آباد تأسیس شده و دارای یکصد تختخواب و شامل بخشهای داخلی، جراحی، واگیر، اعصاب و روان و پوست بوده است.

بیمارستان ۵۰۲ تخصصی تهران:

محل این بیمارستان منزل مسکونی خانواده هدایت بوده که در سال ۱۳۱۰ هـ ش جهت اختصاص بیمارستان به ارتش هدیه گردیده است. این بیمارستان بعدها بنام بیمارستان شماره ۲ ارتش نامیده شد.

دکتر هدایت که افسر پزشک ارتش و از دانشجویان اعزامی جهت تحصیل پزشکی به فرانسه بود تا سال ۱۳۲۶ هـ ش ریاست این بیمارستان را به عهده داشته است وی از سال ۱۳۲۶ به بعد ریاست اداره بهداری ارتش منصوب شده است.

بیمارستان ۵۰۳ جراحی و زنان و زایمان:

در سال ۱۳۲۵ هـ ش این بیمارستان درساختمانی در داخل اداره مسلسل سازی وزارت دفاع واقع در شرق تهران، خیابان پیروزی، با پنجاه تختخواب و دویخش جراحی عمومی و جراحی زنان و زایمان شروع به کار کرده و در سال ۱۳۵۰ امکانات بخش جراحی آن به بیمارستان ۵۰۱ و امکانات بخش زنان و زایمان آن به بیمارستان خانواده ارتش منتقل گردیده و فعالیت آن از نظر بیمارستانی متوقف گردیده است.

بیمارستان ۵۰۴ چشم و گوش و حلق و بینی:

در سال ۱۳۲۰ هـ ش ساختمان دوطبقه در مجاورت ساختمان اداره بهداری ارتش واقع در خیابان شاهپور (حنیف نژاد فعلی)، چهارراه عزیزخان، خریداری و با ظرفیت ۳۰ تختخواب به عنوان بیمارستان چشم و گوش و حلق و بینی دایر گردید. امکانات این بیمارستان در سال ۱۳۶۱ به محل فعلی در خیابان شهید قدوسی با ظرفیت ۵۰ تختخواب منتقل گردید.

تاریخچه سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی موجود در آغاز دفاع مقدس/۱۲۷

بیمارستان ۵۰۵ بیماریهای ریوی:

در سال ۱۳۱۰ هـ ش درلویزان جاده لشکرک با ظرفیت پنجاه تختخواب جهت درمان بیماران ریوی دایر گردید و هنوز هم در همین محل قرار دارد.

بیمارستان ۵۰۶ اعصاب و روان:

این بیمارستان ابتدا به عنوان بخش اعصاب و روان در بیمارستان ۵۰۱ ارائه خدمات می نمود و در سال ۱۳۶۲ در خیابان افسریه، میدان بسیج بنام بیمارستان اعصاب و روان با ظرفیت ۵۰ تختخواب در دوبخش اعصاب داخلی و روان پزشکی هریک با ۲۵ تختخواب دایر گردید و هنوز هم در خدمت نیروهای مسلح می باشد.

بیمارستان خانواده ارتش:

این بیمارستان با ظرفیت ۲۵۰ تختخواب در محل پادگان عشرت آباد در خیابان شمیران (دکترعلی شریعتی فعلی) در سال ۱۳۴۳ تأسیس شده و تنها بیمارستان نیروی زمینی است که با مختصات بیمارستانی ساخته شده و دارای بخشهای جراحی عمومی، زنان و زایمان، جراحی اعصاب، اورولوژی و داخلی است.

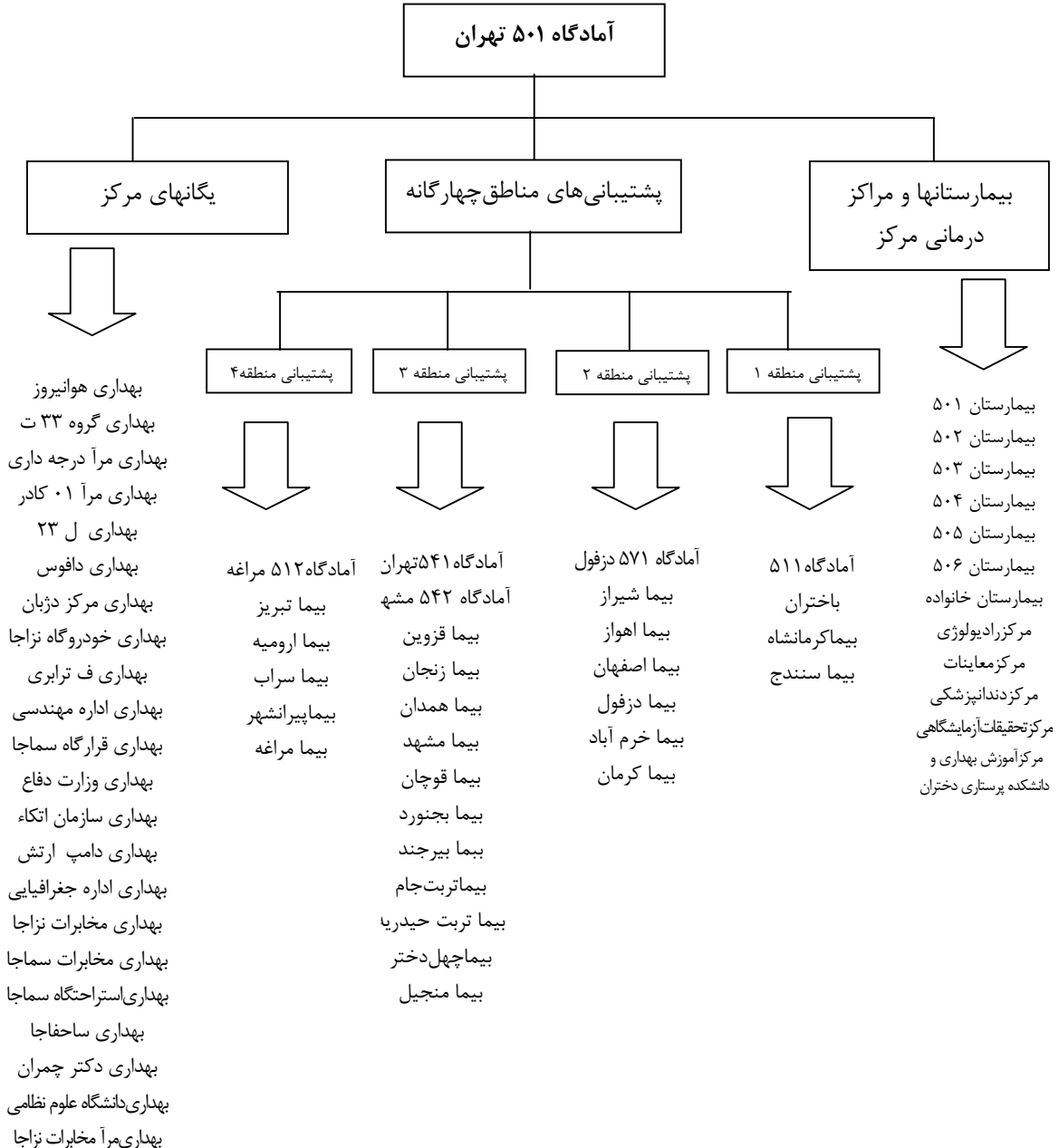
آمادگاه ۵۰۱ بهداری شامل (داروخانه سپه)

در سال ۱۳۰۵ هـ ش مرکزی بنام داروخانه سپه جهت تأمین دارو و خریدهای اقلام دارویی کل کشور از خارج کشور در میدان توپخانه (میدان امام خمینی فعلی) در ضلع شمال غربی میدان دایر شد.

بعدها توزیع کلیه اقلام آمادی طبقه هشت توسط آمادگاه ۵۰۱ بهداری نذاجا که درکنار داروخانه سپه تشکیل گردید انجام می گرفت.

نمودار توزیع آماد اقلام طبقه هشت بین یگانهای تابعه به شرح زیر می باشد:

نمودار توزیع آماد اقسام طبقه هشت توسط آمادگاه ۵۰۱ بهداری نزا



تاریخچه سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی موجود در آغاز دفاع مقدس/۱۲۹

بدین ترتیب که از سال ۱۳۱۷هـ ش با تشکیل اداره کل دارویی کشور که تابع وزارت بهداری وقت بود، تشکیلاتی بنام مؤسسه دارویی سپه (داروخانه سپه) جهت تأمین اقلام بیمارستانی و دارویی مختص تأمین نیاز ارتش بوجود آمد و این مؤسسه بعدها تحت نام آمادگاه ۵۰۱ بهداری جمعی اداره بهداری ارتش به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۴۵ با تفکیک بهداری نیروهای سه گانه ارتش این مؤسسه شامل آمادگاه بهداری نیروی زمینی ارتش در محل خیابان کارگر واقع در میدان باغشاه (میدان حر فعلی) و داروخانه سپه به فعالیت ادامه داده است.

مرکز تحقیقات علوم آزمایشگاهی پاتو بیولوژی و مرکز انتقال خون

این دو مرکز در کنار هم در سال ۱۳۲۰هـ ش در ساختمانی واقع در خیابان دانشگاه جنب دانشگاه فرماندهی و ستاد (دافوس) دایر گردید و بعدها در سال ۱۳۶۵ قسمت مرکز انتقال خون آن تعطیل و نیاز بخشهای درمانی بیمارستانهای ارتش از این نظر توسط سازمان انتقال خون هلال احمر تأمین گردید و قسمت تحقیقات علوم آزمایشگاهی آن هنوز دایر و مشغول ارائه خدمات به یگانهای بهداشتی درمانی ارتش می باشد.

مرکز تخصصی دندانپزشکی ۶۰۰ و مرکز رادیولوژی نیروی زمینی

این دو مرکز در سال ۱۳۲۰ در ساختمان اداره بهداری ارتش دایر شده و در سال ۱۳۶۵ با گشایش بخشهای رادیولوژی در بیمارستانها فعالیت مرکز رادیولوژی متوقف گردید. و مرکز دندانپزشکی نیز در سال ۱۳۶۵ به محل جدید واقع در خیابان کارگر جنب اداره مهندسی نیروی زمینی منتقل گردید. این مرکز دارای بخشهای تخصصی مختلف دندانپزشکی و در خدمت ارتش جمهوری اسلامی ایران می باشد.

۶. بیمارستان مرکزی نیروی هوایی (بیمارستان بعثت)

در سال ۱۳۲۰ بیمارستان مزبور با ظرفیت ۵۰ تختخواب در کنار تأسیسات نیروی هوایی ارتش در خیابان پیروزی تهران دایر گردید. بعدها در سال ۱۳۶۴ به خیابان بسیج منتقل و تعداد تختهای آن به ۱۵۰ گسترش یافت و به عنوان بیمارستان بعثت نامیده شد. این بیمارستان ضمن خدمت به ابواب جمعی نیروی هوایی به دیگر نیروهای ارتش نیز خدماتی ارائه می نماید.

۷. بیمارستان مرکزی نیروی دریایی (بیمارستان گلستان)

این بیمارستان در سال ۱۳۳۰هـ ش با ظرفیت ۵۰ تختخواب جهت بیماران نیروی دریایی ارتش در محل خیابان (پاسداران فعلی) دایر گردید. بعدها این بیمارستان به ۱۰۰ تختخواب گسترش یافت و بنام بیمارستان گلستان نامیده شد.

ب: سازمانها، مؤسسات بهداشتی درمانی و بیمارستانهای عمومی خارج از تهران

بیمارستانهای تابع نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نزاجا)

ابتدا برابر جداول سازمانی مربوطه بیمارستانهای عمومی خارج از تهران تحت امر مناطق چهارگانه پشتیبانی فرماندهی لجستیک نیروی زمینی قرارداداشت. این بیمارستانها به منظور ارائه خدمات درمانی به یگانهای عملیاتی و آموزشی و پشتیبانی منطقه مربوطه برحسب شرح وظایف و مأموریهایی که در آن زمان با نظرکارشناسان و مستشاران آمریکایی برای ارتش تعریف شده بود دایرگردید. در آغاز دفاع مقدس جمعاً ۲۵ بیمارستان عمومی منطقه ای به شرح زیرتحت امر پشتیبانیهای مربوطه مشغول به ارائه خدمات بودند:

پشتیبانی منطقه ۱ غرب

- ۱- بیمارستان ۵۲۰ کرمانشاه با ظرفیت ۱۰۰ تختخواب، درکنار پادگان نظامی، لشکر ۸۱ زرهی، دارای ساختمان قدیمی که نقشه ساختمان برای بیمارستان نبوده است.
- ۲- بیمارستان ۵۲۱ مراغه با ظرفیت ۱۰۰ تختخواب
- ۳- بیمارستان ۵۲۲ تبریز با ظرفیت ۱۰۰ تختخواب
- ۴- بیمارستان ۵۲۳ ارومیه با ظرفیت ۱۰۰ تختخواب در داخل پادگان لشکر ۶۴ که ساختمان قدیمی و بنای آن درسال ۱۳۱۰ هـ ش و مطابق طرحهای بیمارستان آلمانها در آن سال ساخته شده است.
- ۵- بیمارستان ۵۲۵ خرم آباد لرستان با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۶- بیمارستان ۵۲۶ پیرانشهر با ظرفیت ۵۰ تختخواب، درداخل پادگان تیپ ۳ لشکر ۶۴ ارومیه و درسال ۱۳۳۵ هـ ش بناگردیده و به سبک بیمارستانهای نظامی آمریکا ساخته شده است.
- ۷- بیمارستان ۵۲۷ سراب با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۸- بیمارستان ۵۲۴ سنندج با ظرفیت ۱۰۰ تختخواب در داخل پادگان نظامی لشکر ۲۸ سنندج، بنای ساختمان درسال ۱۳۴۵ هـ ش انجام شده، ساختمان آن نسبتاً برای بیمارستان مناسب است.

پشتیبانی منطقه ۲ جنوب

- ۱- بیمارستان ۵۷۶ شیراز با ظرفیت ۱۰۰ تختخواب
- ۲- بیمارستان ۵۷۷ اصفهان با ظرفیت ۱۰۰ تختخواب

تاریخچه سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی موجود در آغاز دفاع مقدس/۱۳۱

- ۳- بیمارستان ۵۷۸ اهواز با ظرفیت ۱۰۰ تختخواب، کنار پادگان لشکر ۹۲ زرهی احداث گردیده و دارای ساختمان قدیمی است.
- ۴- بیمارستان ۵۷۹ کرمان با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۵- بیمارستان ۵۸۰ دزفول با ظرفیت ۵۰ تختخواب، در داخل پادگان تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی، ساختمان قدیمی و دارای نقشه بیمارستانی نیست.

پشتیبانی منطقه ۳ تهران

- ۱- بیمارستان ۵۵۰ مشهد با ظرفیت ۱۰۰ تختخواب
- ۲- بیمارستان ۵۵۱ تربت حیدریه با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۳- بیمارستان ۵۵۲ بیرجند با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۴- بیمارستان ۵۵۳ قزوین با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۵- بیمارستان ۵۵۴ زنجان با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۶- بیمارستان ۵۵۵ تربت جام با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۷- بیمارستان ۵۵۶ قوچان با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۸- بیمارستان ۵۵۷ همدان با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۹- بیمارستان ۵۵۸ چهل دختر با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۱۰- بیمارستان ۵۶۰ گرگان با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۱۱- بیمارستان ۵۶۱ منجیل با ظرفیت ۲۵ تختخواب
- ۱۲- بیمارستان ۵۹۷ بجنورد با ظرفیت ۵۰ تختخواب

پشتیبانی منطقه ۴

این پشتیبانی در زمان دفاع مقدس تشکیل و تعدادی از بیمارستانهای تابعه منطقه ۱ را تحت پوشش خود گرفت. این بیمارستانها عبارت بودند از:

- ۱- بیمارستان ۵۲۲ تبریز ۱۰۰ تختخوابی
- ۲- بیمارستان ۵۲۱ مراغه ۵۰ تختخوابی
- ۳- بیمارستان ۵۲۳ ارومیه ۱۰۰ تختخوابی
- ۴- بیمارستان ۵۲۷ سراب ۵۰ تختخوابی
- ۵- بیمارستان ۵۳۴ سنندج ۱۰۰ تختخوابی

بیمارستانهای تابع نیروی هوایی:

استقرار بیمارستانها و درمانگاههای تابع نیروی هوایی برحسب وضعیت پایگاههای آن بود و

به شرح زیر می باشد:

- ۱- بیمارستان بوشهر با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۲- بیمارستان دزفول با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۳- بیمارستان همدان با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۴- بیمارستان اصفهان با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۵- بیمارستان تبریز با ظرفیت ۵۰ تختخواب

بیمارستانهای تابع نیروی دریایی:

استقرار بیمارستانها و درمانگاههای تابع نیروی دریایی برحسب وضعیت یگانهای

آن بوده و به شرح زیر می باشد:

- ۱- بیمارستان بندر بوشهر با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۲- بیمارستان بندر عباس با ظرفیت ۵۰ تختخواب
- ۳- بیمارستان بندر انزلی با ظرفیت ۵۰ تختخواب

پ: سازمانهای بهداشتی درمانی پشتیبانی مناطق

گردانهای خدمات درمانی

سازمان پشتیبانی مناطق چهارگانه هریک دارای ۲ گردان خدمات بهداشتی و هرگردان

شامل ۴ گروهان به ترتیب زیر می باشد:

گروهان ارکان

گروهان جمع آوری مجروحین

گروهان آمبولانس

بیمارستان صحرائی

این سازمانها جمعاً دارای ۶۲۰ عضو که ۱۶۰ نفر آن کادر ثابت و ۴۶۰ نفر وظیفه است.

گروهانهای ارکان، جمع آوری و آمبولانس

تاریخچه سازمانها و مؤسسات بهداشتی درمانی نظامی موجود در آغاز دفاع مقدس/۱۳۳

در سازمان این گروهانها جمعاً ۲۲ نفر از کارکنان پزشک، دندانپزشک، داروساز و دامپزشک وجود دارد.

بیمارستان صحرایی

شامل دوی بخش ش،م،ه و جراحی است که بخش جراحی آن تا ۶۰ تخت قابل گسترش است و هر بیمارستان صحرایی ۱۸ پزشک متخصص، عمومی، داروساز و دندانپزشک در سازمان دارد. بعلاوه هر بیمارستان صحرایی ۹۰ نفر کارکنان غیرکادر بهداشتی دارد.

بیمارستانهای کانکسی سیار

در سال ۱۳۴۵ هـ ش تعداد ۶ مجتمع بیمارستان کانکسی سیار ۶۰ تختخوابی از خارج از کشور خریداری و به پشتیبانی مناطق واگذار گردید. این بیمارستانها هر کدام در ۲۰ دستگاه کانکس مستقر می‌گردد و شامل دواطاق عمل، دندانپزشکی، داروخانه، رادیولوژی، آشپزخانه، بوفه، اطاق مدیر، پذیرش و دفتر می باشد و به وسیله تریلرهای مخصوص قابل حمل است. این شش دستگاه ابتدا به یگانهای زیر واگذار گردید:

لشکر ارومیه، لشکر کرمانشاه، پشتیبانی منطقه ۳ تهران درپادگان حر، لشکرا هواز در ایستگاه دغاغله، دپو پادگان دزفول و لشکر مشهد.

باتوجه به اینکه بیمارستانهای کانکسی از نظر دید دشمن هدف مشخصی می باشد فقط در هنگام مانورها و حوادث غیر مترقبه نظیر سیل و زلزله قابل استفاده است. بعلاوه استقرار آن وقت گیر و مستلزم وجود امکانات مختلف است.

معمولاً کارکنان مربوطه هم با کاربرد آن آشنایی نداشته و به همین علل در زمان دفاع مقدس نیز آنطور که باید مفید واقع نگردید.

بیمارستان چادری ۵۰ تختخوابی شهباز

این بیمارستان به صورت مستعمل در سال ۱۳۵۰ هـ ش از باقیمانده های جنگ جهانی دوم از اروپا خریداری گردید. این بیمارستان بدون توجه به شرایط نگهداری و ایمنی آن به دزفول واگذار و سالها در محل نامناسبی نگهداری می گردید و در هنگام پیروزی انقلاب اسلامی مسئولین سعی داشتند آنرا به تهران عودت دهند ولی عملی نگردید و سرانجام با شروع دفاع

مقدس بیمارستان مزبور به پشت منطقه عملیات در نزدیکی شهر دزفول و پشت رودخانه کرخه انتقال یافت و در آنجا به طور نسبی مورد استفاده قرار گرفت. باتوجه به ضعف آن از نظر استتار و ورود گرد و خاک به آن کارایی چندانی نداشت و لذا از منطقه عملیات خارج گردید و وسایل و تجهیزات آن در بهداری یگانها مورد استفاده قرار گرفت.

ت: سازمانهای بهداشتی درمانی یگانهای رزمی

در سازمان مصوبه هرلشکریک گردان بهداری پیش‌بینی شده است که شامل چهارگروهان به شرح زیر است:

گروهان ارکان، سه گروهان بهداری

هرگروهان بهداری در خدمت یک تیپ می باشد و هرتیپ مستقل نیز خود یک گروهان بهداری در خدمت دارد و کارکنان این گروهان به شرح زیر است:

کارکنان کادر شامل ۷ پزشک عمومی و دندانپزشک و دامپزشک جمعاً ۱۹ نفر و ۵۵ نفر وظیفه بعنوان کمک دهنده اولیه و راننده آمبولانس.

بدین ترتیب در هرلشکر ۱۶ پزشک، دندانپزشک، داروساز و دامپزشک کادر و ۴۵ نفر وظیفه وجود دارد.

کارکنان غیرپزشک یک گردان بهداری ۲۰۰ نفر است، بعلاوه ۸۵۶ سرباز وظیفه کد ۹۱۰ نیز به عنوان خدمات و راننده آمبولانس منظور شده است.

البته این سازمانها مصوبه بوده ولی هیچ‌گاه بیش از ۲۰٪ تا ۳۰٪ این تعداد تأمین نگردیده و آنهم بیشتر از طریق کارکنان وظیفه تأمین شده بود و در شروع دفاع مقدس به علت شرایط انقلاب کشور و دگرگونی‌هایی که در بافت ارتش پیش آمد این استعداد به طور فاحشی کاهش یافته بود

فصل چهارم

اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس

آغاز جنگ و اقدامات بهداشتی درمانی ارتش

عملیات ایذایی رژیم بعثی عراق از تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ برابر ۵۹/۱/۲۲ آغاز و تا ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ برابر ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰م بیش از ۳۵۲ فقره تجاوز و عملیات ایذایی بر علیه مرزهای ایران اسلامی انجام گرفت و در مقابل ایران اقدام به عملیات متقابل در ۱۷۲ مورد بر علیه مرزهای عراق نمود.^۱

ولی سرانجام پس از آنکه عملیات چند وجهی دشمنان قسم خورده ایران کاری از پیش نبرد و نظام جمهوری اسلامی با کمال قدرت در همه زمینه ها به پیش می رفت سرانجام صدام حسین در ۱۳۵۹/۶/۲۶ برابر ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ در مجلس ملی عراق حاضر شد و اعلام کرد موافقتنامه ۶ مارس ۱۹۷۵ ملغی است مجلس عراق نیز در یک جلسه فرمایشی در همان شب موافقتنامه مزبور را باطل اعلام نمود و در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ ضمن حملات گسترده هوایی، نیروی زمینی خود را با استعداد ۱۲ لشکر (۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه) و ۴۵ تیپ مستقل (۱۰ تیپ پیاده، یک تیپ رزمی، یک تیپ مکانیزه، ۳ تیپ نیروی مخصوص، ۱۰ تیپ گارد ریاست جمهوری و ۲۰ تیپ گارد مرزی) مأمور حمله به مرزهای جنوب غربی و غرب کشور جمهوری اسلامی ایران نمود. و عمده قوای عراق در روزهای آغازین از محورهای شلمچه، طلائیه، تنگه چزابه و دزفول برای اشغال خوزستان وارد خاک ایران گردید.

در آن تاریخ سپاه پاسداران تازه تأسیس شده بود و امکانات رزمی و بهداشتی درمانی آن نیز دارای انسجام و تشکل لازم نبود. لذا با وجود گسترده گی منطقه عملیات، بهداریهای یگانهای مستقر در منطقه یعنی لشکر ۹۲ زرهی اهواز و لشکر ۷۷ پیاده خراسان و بیمارستانهای منطقه ای اهواز، دزفول، کرمانشاه و سنندج با محدودیت امکانات و عدم آمادگی بارسنگین پذیرش مجروحین و

۱. تراب زمزمی، عبدالمجید، ترجمه مؤگان نژند، جنگ ایران و عراق، تهران: نشر سفیر، ۱۳۸۶، ص ۲۲

۲. جعفری، مجتبی، اطلس نبردهای ماندگار (عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس شهریور ماه ۱۳۵۹ - مرداد ماه ۱۳۶۷)، تهران: نوید طراحان، ۱۳۸۴، ص ۱۵

مصدومین را بدوش گرفتند، ضمن اینکه به علت عدم رعایت قوانین بین المللی از طرف نیروهای متجاوز بعثی خود این تأسیسات زیر آتش دشمن و حملات هوایی قرارداشت. از سوی دیگر باتوجه به عدم اتصال خط مدیریت فنی و تخصصی اداره بهداری نزاجا به بیمارستانهای منطقه ای و یگانهای بهداری واحدهای رزمی وظیفه اداره بهداری نزاجا فقط ارسال دارو و اقلام پزشکی موردنیاز منطقه بود و حداکثر ماهیانه ۵ پزشک به منظور استقرار در بیمارستان اهواز و دزفول اعزام داشته و از درجه داران بهیار و تکنسین اطلاق عمل و همچنین دانش آموزان آموزشگاه بهیاری مرکز آموزش بهداری مطابق برنامه مدونی به منطقه اعزام می گردیدند، و لذا با توجه به کمبودهای موجود در بیمارستانهای نزدیک منطقه عملیات و همچنین واحدهای رزمی درگیر، بیماران و مجروحین پس از انتقال به اهواز به بیمارستانهای غیرنظامی سطح شهر اعزام و در صورت عدم امکان پذیرش از طریق راه آهن و هواپیماهای نیروی هوایی به بیمارستانهای تخصصی تهران اعزام می گردیدند.

تحول و شتاب در اقدامات بهداری نیروی زمینی

در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۷ در عملیات ثامن الائمه حصرآبادان به حول و قوه الهی و فرمان امام خمینی «رحمة الله علیه» و تلاش رزمندگان و نیروهای مردمی شکست و یگانهای عملیاتی اقدامات آفندی را بر علیه نیروهای مهاجم شروع کردند تا آنها را به سوی مرزهای بین المللی برانند و لذا نیازمندی به وجود یگانهای بهداری و نیروهای انسانی و امکانات و تجهیزات بهداری در مناطق درگیری بیشتر گردید.

در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۸ واقعه اسفبار سقوط هواپیمای حامل فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران سبب شهادت رادمردانی چون سرلشکر ولی الله فلاحی - سرتیپ نامجو - سرتیپ فکوری، کلاهدوز، علی جهان آرا گردید. متعاقباً در جهت حصول پیروزی نهایی در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۹ به فرمان امام خمینی «رحمة الله علیه» سرهنگ علی صیاد شیرازی (شهید بزرگوار سپهبد علی صیاد شیرازی) به خاطر رشادتها و لیاقتهایش به فرماندهی نیروی زمینی منصوب گردید و در تاریخ ۱۳۶۰/۸/۱۵ با تدبیر و دستور ایشان رییس و معاونین اداره بهداری نیروی زمینی تغییر یافتند. با استقرار مدیریت جدید در اداره بهداری نیروی زمینی و بررسی هایی که بعمل آمد مشخص گردید که نواقص زیر در بافت بهداشت و درمان یگانهای نیروی زمینی جهت

اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس/ ۱۳۷

پاسخگویی و تأمین نیازمندیهای رو به افزایش یگانهای عملیاتی و جود دارد:

عدم اتصال مدیریت فنی و تخصصی بین اداره بهداری نزا جا و بیمارستانهای منطقه ای.

عدم امکان بهره برداری از امکانات نیروی انسانی، تجهیزاتی و دارویی یگانهای بهداری نظامی خارج از منطقه عملیات جهت پشتیبانی مناطق عملیاتی.

مطابق روز نبودن آمارها و گزارشات یگانهای بهداری.

عدم تطابق نحوه توزیع امکانات تجهیزاتی و دارویی بین یگانها با شرایط جنگ.

عدم رعایت نظم بخصوص و عدالت در ارجاع مأموریتهای نیروی انسانی به مناطق عملیاتی.

عدم وجود برنامه مشخص برای پیش بینی تأمین نیازمندیهای نیروی متخصص پزشکی برای آینده یگانهای درمانی ارتش در ادامه جنگ و پس از پایان آن.

لذا به ابتکار فرماندهی محترم نزا جا تیمی بنام (تیم پزشکی بازرسی وارزشیابی یگانهای بهداشتی درمانی نزا جا) متشکل از ۸ نفر در تخصصهای مختلف تشکیل و از تاریخ ۱۳۶۱/۵/۶ مأموریت خود را آغاز و در چهارمحور کلیه یگانهای بهداشتی درمانی نزا جا را در سراسر کشور اعم از منطقه عملیات و خارج از منطقه بازدید و شواهد عینی و مدارک مربوطه را ضبط و در هر محل دستورالعملی در جهت بهبود وضعیت بهداشت و درمان آن یگان صادر و در پایان بازرسی هر محور جلساتی جهت تجزیه و تحلیل و بهره برداری بهینه برای پشتیبانی یگانهای عملیاتی در تهران تشکیل و مأموریت در محور بعدی را آغاز می کردند^۱.

در پایان مأموریت تیم مزبور اقدامات اساسی زیر در جهت رفع نواقص کلی بهداشت و درمان نزا جا با طی مراحل ستادی آن به عمل آمد:

کلیه بیمارستانهای منطقه ای در تابعیت اداره بهداری نیروی زمینی قرار گرفت.

اعزام تیمهای پزشکی و جراحی به مناطق عملیاتی بابت بهره برداری از یگانهای غیر عملیاتی سرعت چشمگیری گرفت.

کلیه پزشکان فارغ التحصیل جدید مقرر شد دو سال در منطقه عملیات خدمت کنند سپس بتوانند در امتحان ورودی تخصصی شرکت نمایند.

با تزاید سهمیه تخصص در دانشگاهها تعداد بیشتری در هر سال برای طی دوره تخصصی به دانشگاهها اعزام گردید.

^۱ - شرح مفصل محورهای مأموریت تیم در فصل انتهایی کتاب ذکر گردیده است.

مأموریت‌های منطقه عملیات پزشک‌یاران و تکنسین‌ها با رعایت عدالت بین یگان‌های بهداشتی درمانی انجام گردید.

برای تأمین نیازمندی تجهیزات، ابزار پزشکی و اقلام دارویی یگان‌های عملیاتی از واحدهای بیمارستانی و درمانگاه‌ها دور از منطقه عملیات در موارد بحرانی به سادگی استفاده گردید.

بیمارستان‌های نیروی زمینی در خدمت رزمندگان دلیر نظام جمهوری اسلامی ایران^۱

بیمارستان‌های ثابت منطقه ای

بیمارستان منطقه ای ۵۷۸ اهواز

این بیمارستان در اوائل جنگ تحت بمباران هوایی دشمن قرار گرفته و تخریب گردید، لذا کارکنان و تجهیزات آن به محل نیوساید سالن باشگاه شرکت نفت منتقل گردید و کارایی آن به نسبت ۵۰٪ کاهش یافت.

در سال ۱۳۶۲ محل اصلی این بیمارستان مختصر بازسازی شد و در سال ۱۳۶۶ اداره مهندسی نذا با تدبیر خود اقدام به ساخت ساختمان ضمیمه‌ای در محل بیمارستان نمود. از ابتدای جنگ تا پایان آن برحسب ضرورت زمانی تیم‌های جراحی و پزشکی توسط اداره بهداری نذا به این بیمارستان به صورت مأموریت اعزام و لوازم و تجهیزات و داروهای لازم را نیز تأمین می‌نمود. ضمناً این بیمارستان و دیگر بیمارستان‌های موجود در محدوده مناطق عملیاتی پس از گزارش تیم ارزشیابی و واگذاری مدیریت بیمارستان‌های منطقه ای به اداره بهداری نذا در اسرع وقت از امکانات بهداشتی درمانی بیمارستان‌های دور از منطقه عملیات بهره مند گردیدند.

از سوی دیگر طبق هماهنگی بعمل آمده با وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی بیمارستان‌های غیرنظامی سطح شهر همکاری لازم را برای پذیرش مجروحین و بیماران در

^۱ - یادداشت‌های سرتیپ دکتر غلامرضا سیف‌اله، در ۱۳۰۹ در تهران متولد گردید. سال ۱۳۳۰ وارد دبیرستان نظام، سال ۱۳۳۲ در کنکور سراسری شرکت و در دانشکده داروسازی پذیرفته و ضمن خدمت در دانشکده افسری به صورت غیربورسیه ادامه تحصیل داد. سال ۱۳۳۸ به عنوان دکتر داروساز در آمادگاه ۵۰۱ تهران مشغول خدمت گردید. سپس به بیمارستان لشکر ارومیه منتقل و تا سال ۱۳۴۲ در آن محل خدمت نمود. مجدداً به آمادگاه ۵۰۱ تهران انتقال یافت. سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ به عنوان رئیس آمادگاه، از شهریور ۱۳۶۹ از طرف سرهنگ علی صیادشیرازی فرمانده نذا، به سمت رئیس اداره بهداری نذا منصوب و تا پایان دفاع مقدس در این سمت خدمات برجسته و فوق‌العاده‌ای از خود باقی گذارد.

اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس/ ۱۳۹

هنگام اجرای عملیات شدید و افزایش مجروحین می نمودند و در صورت عدم تکافو با وسایل زمینی و هوایی به بیمارستانهای استانهای دیگر و یا تهران اعزام می گردیدند.

بیمارستان منطقه ای دزفول

باتوجه به کمبود امکانات آن با آغاز جنگ و پیشروی دشمن در حد یک درمانگاه ۲۰ تختخوابی فعالیت ناقص داشت. سپس تا اواخر سال ۱۳۶۳ به عنوان پایگاه انتقال مجروحین از آن استفاده می شد. گرچه اطاق عمل آن فعال نبود ولی در هنگام عملیات شدید فعالیت نسبی داشت.

بیمارستان منطقه ای ۱۰۰ تختخوابی ۵۲۰ کرمانشاه

این بیمارستان در سال ۱۳۶۵ هدف بمبهای خوشه ای قرار گرفت که خوشبختانه به کارکنان بیمارستان و بیماران آسیب نرسید. در همان سال اقدام به ساخت اطاقهای عمل سنگری (زیر زمینی) گردید.

این بیمارستان در تمامی طول جنگ و خصوصاً در سال ۱۳۶۵ که بمبارانهای هوایی دشمن و اصابت موشکها، شهر و بیمارستانهای داخل شهر را نا امن کرده بود خدمات ارزنده ای ارائه کرد. اداره بهداری نزاجا از طریق اعزام تیمهای جراحی، دارو و وسایل و تجهیزات پزشکی پشتیبانی لازم را می نمود و در موارد لزوم بیماران و مجروحین به تهران و سایر شهرستانها اعزام می شدند.

بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی منطقه ای ۵۲۴ سنندج

این بیمارستان از همان ابتدای جنگ در انتهای خط زنجیر انتقال مجروحین بانه، مریوان، سنندج قرار گرفته و نیازمندیهای دارویی، تجهیزاتی و اعزام تیمهای جراحی و پزشکی آن از طریق اداره بهداری نزاجا تأمین می گردید، ضمناً با هماهنگی به عمل آمده با وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در صورت ضرورت، بیماران به بیمارستانهای سطح شهر نیز اعزام می گردیدند.

بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی منطقه ای ۵۲۳ ارومیه

این بیمارستان نیز از آغاز جنگ در انتهای خط زنجیر انتقال مجروحین بیمارستان کلاش و منطقه ای ۵۳۶ پیرانشهر قرار داشت. در سال ۱۳۶۴ برحسب ضرورت اطاق عمل

آن گسترش یافت و بازسازی شد. درمجموع به علت درگیری کمتر این منطقه، فعالیت آن متوسط و درموارد ضرورت ارسال دارو و تیمهای پزشکی و جراحی از طریق اداره بهداری نذاجا انجام می گردید.

بیمارستان ۵۰ تختخوابی منطقه ای ۵۲۶ پیرانشهر

این بیمارستان به علت موقعیت خاصی که داشت از همان ابتدای جنگ مورد حمله هوایی دشمن قرارگرفت، در سال ۱۳۶۴ در اثر اصابت موشک یک سوم ساختمان آن تخریب شده بعدها بخشی با بتون مسلح در زیر ساختمان آن ساخته شد که درموارد ضرورت با استفاده از ارسال دارو و تیمهای جراحی و پزشکی که توسط اداره بهداری نذاجا انجام می گرفت فعالیت مؤثر داشت.

درعملیات قادر(حاجی عمران) در تاریخ ۶۴/۶/۱۸ و عملیات نصر ۹ منطقه حاجی عمران در تاریخ ۶۶/۹/۱ و کربلای ۷ در تاریخ ۶۵/۱۲/۱۳ این بیمارستان فعالیت خوبی داشته است.

تأسیس بیمارستانهای صحرائی جنوب

با طولانی شدن جنگ ضرورت تأسیس مراکز درمانی نزدیک به منطقه عملیات و در عین حال درمنطقه امن و دور از تیر رس و هجوم مکرر هوایی دشمن احساس گردید، بخصوص که بیمارستانهای سیار کانکسی ۶۰ تختخوابی مستقر در منطقه عملیات و بیمارستان چادری شهباز کارآیی لازم را نداشت.

لذا در اواخر سال اول جنگ فکر ایجاد بیمارستانهای سنگری زیر زمینی در پشت خطوط اصلی جبهه که در خط انتقال مجروحین تأسیس گردد مورد استقبال قرارگرفت. ابتدا بیمارستانهای کوچکی ساخته شد و بعدها تبدیل به بیمارستانهای بزرگتری گردید و بعضی از آنها تا آخر جنگ و یا تا زمانی که فعالیتهای عملیاتی در منطقه وجود داشت به ارائه خدمات درمانی ادامه می داد.

باتوجه به تفکیک وظایف نیروهای ارتش و سپاه تعدادی از این بیمارستانها توسط سپاه دایرشد و تعدادی نیز توسط ارتش دایرگردید و در مناطقی که عملیات مشترک ارتش و سپاه انجام می گردید، بیمارستانهای مربوطه نیز با تشریک مساعی نیروهای ارتش و سپاه بوجود

اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس/ ۱۴۱

می آمد. و در سالهای اول جنگ در مناطقی که سپاه از این بیمارستانها دایر می کرد از تیمهای درمانی ارتش مأمور به بیمارستانهای سپاه می گردید. بدین ترتیب بیمارستانهای صحرایی زیر به ترتیب زمانی در مناطق عملیاتی مستقر و خدمات لازم را به نیروهای رزمنده ارائه کردند:

بیمارستان کانکسی سیار ۵۰ تختخوابی سپنتا

این بیمارستان دارای ۱۰ کانکس و جمعی لشکر ۱۶ قزوین بود و محل کارخانه نورد (سپنتا) در ۸ کیلومتری جاده اهواز خرمشهر در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۵ مستقر گردید. از امکانات برق کارخانه استفاده نموده و مدیریت امور لجستیک و ترابری و ثبت دفاع آمار مجروحین به عهده گردان خدمات بهداری ۵۴۳ لجستیک پیش منطقه ۳ تهران بود. اعزام مجروحین از جاده خرمشهر اهواز به بیمارستان مزبور و از آنجا با آمبولانس و اتوبوس به بیمارستان ۵۷۸ منطقه ای اهواز انجام می گردید. اعزام تیمهای جراحی و پزشکی به طور منظم از طریق اداره بهداری نزاجا انجام می گردید.

این بیمارستان تا ۶۱/۵/۱۰ در خدمت رزمندگان منطقه بوده و در عملیات زیر به طور فعال ارائه خدمات می نمود:

عملیات فتح المبین ۶۱/۱/۲ غرب شوش و دزفول

عملیات بیت المقدس ۶۱/۲/۱۰ جنوب غربی اهواز

عملیات آزادسازی خرمشهر ۶۱/۳/۳

عملیات رمضان ۶۱/۴/۲۳

پس از تاریخ ۶۱/۵/۱۰ این بیمارستان با تغییر محل عملیات رزمی، نوع فعالیت آن تغییر یافته و آماده پذیرش مجروحین شیمیایی گردید.

تغییرات مزبور سبب شد که دارای ۴۲۷ تختخواب شامل یک آسایشگاه ۱۵۰ تختخوابی و یک سالن ۲۷۷ تختخوابی و درمانگاه اورژانس دارای ۱۲ تختخواب بعلاوه ۳۳ دستگاه حمام و سرویسهای لازم گردد.

در مواقع لزوم تیم پرستاری و تکنیسین و پزشک لازم از طرف اداره بهداشت و درمان و نزاجا و پشتیبانی منطقه ۳ تأمین گردید.

سپس از تاریخ ۶۵/۹/۱ به علت تغییر موقعیت واحدهای رزمی فعالیت بیمارستان متوقف گردید.

بیمارستان ۵۰ تختخوابی چادری شهباز

این بیمارستان که شامل ۱۶ چادر و هر چادر به مساحت ۳۰ متر مربع بود، برحسب ضرورت در تاریخ ۶۱/۱۰/۳۰ توسط گردان خدمات بهداری ۵۰۵ لجستیک کرمان جمعی پشتیبانی منطقه ۲ حمل و در جاده اندیمشک دهلران در محدوده چنانه و در فاصله ۸۰ کیلومتری شهرستان دزفول برپا گردید. به فاصله یک کیلومتری این محل مرکز اورژانس بهداری سپاه پاسداران در یک سنگر زیر زمینی دایر و مشغول به کار بود.

نیازمندیهای بیمارستان با استفاده از امکانات تأسیساتی پادگانهای نزدیک تأمین و مجروحین و بیماران پس از اقدامات درمانی لازم به وسیله آمبولانس یا بالگرد به بیمارستان منطقه ای ۵۸۰ دزفول منتقل می گردیدند.

مدیریت بیمارستان به عهده گردان خدمات بهداری ۵۰۵ لجستیک کرمان بود. تیمهای جراحی و پزشکی به صورت مأموریتهای منظم از طرف اداره بهداشت و درمان نزاجا و پشتیبانی منطقه ۲ تأمین می گردید.

تجربه نشان داد که عملکرد این نوع بیمارستان چادری به علت ضعف آن در مقابل وزش باد و وضعیت کف چادرها و عدم امکان استتار از حمله هوایی دلخواه نبوده و رعایت شرایط استریل و ضد عفونی اطاقهای عمل و بخشهای مربوطه عملاً امکان پذیر نمی باشد. لذا این بیمارستان در تاریخ ۶۱/۱۱/۳۰ پس از خدماتی که در تاریخ ۶۱/۱۱/۱۷ در عملیات والفجر مقدماتی ارائه نمود تعطیل گردید.

بیمارستان صحرائی زیرزمینی چنانه (شهید مخبری)

باتجربه ای که از بیمارستان چادری کسب گردید در تاریخ ۶۲/۱۲/۱ بیمارستانی با ظرفیت ۶۰ تختخواب به صورت سنگری (زیرزمینی) در محور اندیمشک دهلران سه راهی چنانه ایجاد گردید. پشتیبانی منطقه ۲ شیراز در دیماه ۱۳۶۲ مشغول به آماده سازی محل آن شد و در ۶۲/۱۲/۱ آماده پذیرش مجروحین گردید.

این بیمارستان به صورت راهرویی به عرض ۵ متر بود که در طرفین آن کانکسهای بیمارستان صحرائی متحرک در سنگر قرارداد شده بود.

اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس/ ۱۴۳

نیازمندیهای بیمارستان با استفاده از امکانات گردان ۵۱۵ لوج کرمان جمعی پشتیبانی منطقه ۲ شیراز مستقر در عین خوش و پادگان دزفول تأمین می گردید. سروان خدمات بهداری، شیخ الاسلامی و ستواندوم خدمات بهداری، نگارستانی در فعالیت این بیمارستان خدمات ارزنده ای نمودند. و سروان پزشک محمد حسین قدرت نماینده اداره بهداشت و درمان نذاجا در منطقه عملیات نیز بسیار فعال بود.

بعدها با تغییر محل یگانهای رزمی گردان خدمات بهداری لوج ۵۷۳ شیراز جایگزین گردان ۵۱۵ گردید و مسئولیت اداره بیمارستان را پذیرفت و بدین ترتیب در تاریخ ۶۴/۱۰/۲۳ ستواندوم خدمات بهداری عبدالحسین رایگان ضمن قبول مسئولیت بیمارستان خدمات ارزنده ای ارائه نمود.

لازم به ذکر است که با کاهش اعزام مجروحین به بیمارستان، اعزام تیمهای پزشکی از طرف اداره بهداشت و درمان کاهش یافت و سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۷/۲۶ در جلسه هماهنگی با وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مقرر شد رزیدنتهای جراحی، بیهوشی، ارتوپدی، چشم و جراحی مغز و اعصاب طرح یکماهه مصوبه سالیانه خود را بجای مأموریت در بیمارستانهای متفرقه در بیمارستانهای صحرایی ارتش بگذرانند و بدین ترتیب نیازمندی بیمارستانهای مزبور به کادر پزشکی بیشتر تأمین گردد.

در نهایت به علت مشکلاتی که وجود کانکسها در بیمارستان سنگری داشت، کانکسها از محل خارج و بجای آن از اتاقهای سوله ای در زیر زمین استفاده گردید.

بیمارستان مزبور به طور نسبی کارایی خوبی داشت و در عملیات خیبر در تلایه در تاریخ ۶۱/۱۲/۳ و در عملیات بدر در جزیره مجنون در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۰ خدمات ارزنده ای ارائه نمود. ضمناً تا آخرین روزهای دفاع مقدس آماده بکار بود و کارایی خوبی داشت.

بیمارستان (زیرزمینی) صحرایی حمید (ایستگاه حمید)

این بیمارستان در تاریخ ۶۲/۱۲/۱ بر حسب نیاز یگانهای عملیاتی منطقه در جاده اهواز- خرمشهر در محل ایستگاه حمید با ظرفیت ۵۰ تختخواب دایر گردید و مسئولیت احداث و اداره آن به عهده پشتیبانی منطقه ۳ تهران بود. در دایر کردن این بیمارستان کانکسهای بیمارستان ۶۰ تختخوابی سیارد در فضاهای ساخته شده، سنگری مستقر گردید

ولی کانکسها حدود یک متر از سطح زمین بلندتر قرار گرفت و از نظر استتار از حملات هوایی دشمن مطلوب نبود.

نیازهای تدارکاتی بیمارستان به وسیله پشتیبانی منطقه ۳ مستقر در اهواز تأمین می شد و تیمهای جراحی و پزشکی از طریق اداره بهداشت و درمان نزاجا تأمین می گردید. در این محور سروان دکتر مرزبان نماینده اداره بهداشت و درمان نزاجا در ارائه خدمات بیمارستان به مجروحین فعالیت چشمگیر داشت.

بعدها جهت ارائه خدمات به مجروحین ش،م،ه پنج کانکس مجزا به صورت حمام شیمیایی هریک دارای ۱۲ دوش در محلی نزدیک بیمارستان احداث شد که از تانکرهای آب استفاده می کردند. بعلاوه دوسالن نیز هریک به ظرفیت ۲۰۰ تخت برای بستری کردن بیماران مزبور توسط پشتیبانی منطقه ۳ روی زمین ساخته شد که از نظر استتار نقص داشت.

همین نقص استتار سبب شد که در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۵ این بیمارستان مورد حمله هوایی دشمن قرار گیرد و بدین ترتیب بکلی تخریب گردید.

این بیمارستان قبل از انهدام در حملات شیمیایی که در منطقه انجام شده بود خدمات ارزنده ای ارائه کرده بود، به طوریکه از ظهر روز ۶۳/۱۲/۲۲ تا صبح ۶۳/۱۲/۲۴، ۴۱۲ نفر و تا شب همانروز جمعاً ۷۲۰ نفر که در عملیات شرق دجله شرکت داشتند تحت درمان قرار گرفته و مرخص گردیده بودند.

در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۵ هواپیماهای عراقی حملات خود را به بیمارستان شروع کردند و مسئول توپ پدافندی مستقر در کنار بیمارستان برای حفظ آن تلاش بسیار کرد و در نهایت در همین راه به شهادت رسید و گرچه همه امکانات این پایگاه درمانی تخریب گردید ولی خوشبختانه کارکنان و مجروحین بموقع انتقال یافته و زیانهای جانی بوجود نیامد.

بیمارستان مزبور در پذیرش مجروحین عملیات والفجر ناحیه جنوب و عملیات خیبر طلایه و جزایر مجنون و عملیات بدر جنوب فعالیت قابل توجهی داشته و توانسته بود با پذیرش و درمان مجروحین و مصدومین ش،م،ه از تعداد اعزامهای خط جنوب به اهواز بکاهد و خدمات خوبی ارائه دهد.

اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس/ ۱۴۵

بیمارستان صحرائی (زیرزمینی) حسینه

ابتدا در اواخر سال ۱۳۶۲ در مجاورت قرارگاه خاتم الانبیاء در کنار جاده خرمشهر- آبادان یک مرکز اورژانس سنگری (زیرزمینی) جهت پذیرش مجروحین و بیماران یگانه‌های عملیاتی مجاور قرارگاه دایر گردید. اقلام مورد نیاز و تجهیزات آن طریق اداره بهداشت و درمان نزاجا تأمین می‌شد.

ستوانیکم دکتر بهروز توانا به عنوان هماهنگ کننده اداره بهداشتی نزاجا در این منطقه تلاش بسیاری در راه اندازی و ارائه خدمات به مجروحین و بیماران نمود.

در اوایل سال ۱۳۶۳ بر حسب ضرورت این امکانات گسترش یافت و تبدیل به بیمارستان سنگری گردید. از ۶۳/۳/۱۵ مدیریت و پشتیبانی لجستیکی آن به عهده پشتیبانی منطقه ۳ تهران که در منطقه مستقر بود گذارده شد.

نیازمندیهای تأسیساتی این بیمارستان از طریق محل قرارگاه خاتم الانبیاء تأمین می‌شد. بعدها در جلسه هماهنگی با وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در تاریخ ۶۵/۷/۲۶ واگذاری آمبولانس دارو، وسایل و کمک به اعزام رزیدنتهای جراحی و بیهوشی از طریق وزارت خانه مزبور تضمین گردید.

سرپرستی بیمارستان به عهده گروهان بهداشتی گردان ۵۴۳ لجستیک و سروان حیدری مسئولیت بیمارستان را پذیرفت.

بیمارستان مزبور در عملیات بدر ناحیه جنوب در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۰ و همچنین عملیات قدس ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ در تاریخ ۶۴/۴/۲۳ الی ۶۴/۵/۱۷ و عملیات والفجر ۸ و ۹ در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ تا ۶۴/۱۲/۲۵ با پذیرش مجروحین و بیماران و مداوای آنان و سپس اعزام به بیمارستان منطقه‌ای ۵۷۸ اهواز نقش مؤثری در دفاع مقدس به عهده داشت.

سرانجام در تاریخ ۶۵/۱۰/۷ با توقف عملیات رزمی از جنوب کشور امکانات آن به بیمارستانهای صحرائی غرب کشور انتقال یافت.

تأسیس بیمارستانهای صحرایی غرب

بیمارستان صحرایی (زیر زمینی) منطقه ای ۵۲۸ سומר (شهید سرگرد دکتر هجرتی) این بیمارستان در تاریخ ۶۲/۲/۲ توسط گردان ۵۱۳ لجستیک پشتیبانی منطقه ۱ کرمانشاه به صورت سوله استتار شده درجاده کرمانشاه - سומר دایرگردید و درمقابل درب ورودی آن نیز از کانکسهای سیار رادیولوژی، آزمایشگاه و دندانپزشکی که به صورتی استتار شده بود استفاده گردید. اداره بهداری نزاجا تأمین نیازمندیهای دارویی واعزام تیمهای جراحی و پزشکی آن را به عهده گرفت. ضمناً در جلسه هماهنگی با وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در تاریخ ۶۲/۱۱/۱۰ توافق شد که آن وزارت خانه کمکهای لازم را در رفع نیازمندیها بخصوص در مواقع عملیات بنماید.

در تاریخ ۶۴/۲/۹ بعضی از تجهیزات بیمارستانهای صحرایی جنوب که عملیات در آن مناطق کاهش یافته بود به این بیمارستان منتقل گردید.

با ادامه عملیات در این منطقه و شدت آن در تاریخ ۶۵/۷/۲۶ در جلسه هماهنگی با وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در بازرسی سماجا، آن وزارت خانه اعزام رزیدنتهای دوره های تخصصی جراحی و بیهوشی و واگذاری آمبولانس و دارو را به عهده گرفت، ولی در عمل نیازها به صورت مطلوب از آن طریق تأمین نگردید و لذا در ۶۵/۱۰/۷ وسایل و لوازم اطلاق عمل و اقلام مصرفی بیمارستانهای صحرایی سپنتا و حسینیة جنوب به این بیمارستان منتقل گردید.

سرانجام در تاریخ ۶۵/۱۰/۱۰ نیروهای دشمن بعضی خارج از همه ضوابط بین المللی و انسانی در ساعت ۱۶ منطقه را مورد تهاجم حملات بمبهای شیمیایی از نوع خردل قراردادند. که به علت عدم امکان استفاده از ماسکها و لباسهای محافظ تعداد زیادی از کارکنان بیمارستان مصدوم گردیدند و تعدادی نیز به شهادت رسیدند.

تعدادی از مصدومین به محل تجمع مصدومین در شهر کرمانشاه منتقل و پس از انجام اقدامات اولیه با ترابری هوایی به تهران اعزام گردیدند.

در این حادثه تأسف آور یکی از پزشکان بیمارستان بنام دکتر هجرتی که رزیدنت جراحی دانشگاه تهران و جزء کادر ثابت ارتش جمهوری اسلامی ایران بود به شهادت رسید و دونفر دیگر از پزشکان در تهران و هنگام اعزام به کشور بلژیک جهت مداوا به شهادت رسیدند و بیمارستان بنام دکتر هجرتی نامیده شد.

اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس/۱۴۷

تعدادی هم از کارکنان و پزشکان دچار از کارافتادگی شده و نیروی انسانی آن مجدداً تأمین و به منطقه مراجعت نمودند. و در تاریخ ۶۵/۱۰/۲۳ تیمهای جراحی و پزشکی جهت مداوای مجروحین ش.م.ه. به منطقه اعزام گردیدند. متعاقب این اقدامات در عملیات کربلای ۶ که با رمز یا فاطمه الزهرا (س) در تاریخ ۶۵/۱۰/۲۳ آغاز گردید بیمارستان مزبور فعالیت چشمگیر داشت.

بدین ترتیب بیمارستان تا تاریخ ۶۶/۱۲/۱۹ به فعالیت خود ادامه داده و نیازمندیهای عمده خود را از طریق پشتیبانی منطقه و اداره بهداری نزاجا تأمین می نمود.

بیمارستان صحرایی (زیرزمینی) نفت شهر

این بیمارستان در تاریخ ۶۳/۸/۱۴ در محل استقرار بهداری تیپ ۳ لشکر ۸۸ زاهدان در فاصله ۲۵ کیلومتری بیمارستان صحرایی سومار نزدیک نفت شهر در کنار مرز عراق توسط گروهان خدمات بهداری مراغه جمعی پشتیبانی منطقه ۴ دایر و نیازمندیهای تدارکاتی آن توسط لشکر ۸۸ زاهدان تأمین می گردید.

در تاریخ ۶۵/۹/۲۲ برحسب ضرورت گسترش داده شد و باتوجه به انحلال بیمارستان صحرایی حسینی جنوب امکانات آن به این بیمارستان منتقل گردید.

نیازمندیهای تیمهای جراحی و پزشکی آن توسط مأموریتهای محوله از طرف اداره بهداری نزاجا تأمین می گردید.

این بیمارستان در عملیات کربلای ۶ در تاریخ ۶۵/۶/۲۳ فعالیت چشمگیری داشت. ولی باتوجه به ازدحام مجروحین در حین عملیات، مسئولین بیمارستان سعی می کردند بیشتر مجروحین را به واحدهای درمانی مراکز شهرهای امن منتقل نمایند.

بیمارستان صحرایی (زیر زمینی) پادگان ابوذر (سرپل ذهاب)

این بیمارستان در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۱۱ در محوطه پادگان تیپ ۳ لشکر ۸۱ کرمانشاه و توسط پشتیبانی آن در نزدیکی شهر سرپل ذهاب به صورت سوله ای احداث گردید. نیازمندیهای آن توسط یگان عملیاتی مجاور آن تأمین می گردید.

تیمهای جراحی و پزشکی مورد نیاز آن باتوجه به یگانهای عملیاتی مجاور آن ازجمله سپاه پاسداران از طریق وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی تأمین گردیده و در صورت ضرورت اداره بهداری نذا نیز مأمورینی اعزام می نمود.

در ۶۳/۱۲/۱۶ باتوجه به بمباران هوایی منطقه، اعضاء بهداری سپاه منطقه را ترک نموده و تعدادی از تجهیزات اطلاق عمل را هم به همراه خود منتقل نمودند. و تیمهای اعزام وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نیز به مناطق دیگر اعزام گردیدند.

درنهایت در جلسه هماهنگی با وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در سماجا وزارت خانه مزبور تأمین دارو و اعزام تیمهای رزیدنتی جراحی و بیهوشی را پذیرفت.

سرانجام در تاریخ ۶۶/۱۲/۲۱ سرپرستی بیمارستان به عهده پشتیبانی منطقه ۱ بوده و کانکسهای ۶ دوشه برای خدمت رسانی به مجروحین شیمیایی به آن اضافه شد.

تأسیس بیمارستانهای صحرایی شمال غرب

بیمارستان صحرایی کولان

این بیمارستان در تاریخ ۶۲/۴/۲۰ توسط بهداری تیپ مستقل مریوان در کنارستاد عملیاتی به صورت مرکز اورژانس تأسیس شد و هنگام عملیات این مرکز توسعه داده شده و به صورت بیمارستان صحرایی از نوع سوله ای آماده خدمت رسانی گردید. محل سکناى کارکنان بیمارستان با فاصله کمی از بیمارستان و بالای تپه ای قرارداداشت اداره بهداری نذا با اعزام تیمهای جراحی و پزشکی به صورت مأموریت نیازمندی بیمارستان را تأمین نموده و نیازمندیهای تجهیزات دارویی آن را نیز ارسال می نمود.

این بیمارستان در تاریخ ۶۲/۷/۲۷ در عملیات والفجر خدمات ارزنده ای ارائه نمود. سرهنگ دکترمجد جراح ورپیس بیمارستان منطقه ای سنندج مدتی دراین بیمارستان مستقر و خدمات ویژه ای ارائه نمود.

مجروحینی که نیاز به خدمات درمانی پیشرفته تری داشتند از طریق زمینی و یا بوسیله بالگرد به بیمارستان شهر مریوان و یا بیمارستان الله اکبر میان راهی سنندج و یا خود بیمارستان منطقه ای ۵۲۴ سنندج منتقل می گردیدند.

اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس/۱۴۹

در تاریخ ۶۶/۱۲/۵ باتوجه به شرایط منطقه داروهای درمانی ش، م، ه ازطرف اداره بهداری نذا به بیمارستان ارسال می گردید.

درتاریخ ۶۷/۱/۲۴ به علت گسترش درگیری در منطقه تعداد مجروحین اعزامی به بیمارستان کولان ۱۷۲۰ نفر و مجروحین ش،م، ه پذیرش شده ۱۸۶۰ نفر بود. که باتوجه به پیش بینی قبلی و احداث مرکز اورژانس در داخل پادگان مریوان که شامل حمامهای ۱۲ دوشه و وانهای محلول شیمیایی بود و همچنین تأمین اقلام دارویی مربوطه و کارکنان آموزش دیده درمان لازم برای کلیه مجروحین انجام گردید و تعدادی نیز به طور مستقیم از محل درگیری به بیمارستانهای میان راه توحید و الله اکبر اعزام می گردیدند.

بیمارستان صحرایی (زیر زمینی) کلاشین (شهدای بدر)

این بیمارستان در تاریخ ۶۴/۴/۱۰ توسط پشتیبانی منطقه ۴ به صورت سوله ای در حوالی اشنویه مجاور مرز ایران و عراق ساخته شد.

نیازهای ترابری و پشتیبانی این بیمارستان توسط پشتیبانی منطقه ۴ تأمین می گردید. اعزام تیمهای جراحی و بیهوشی و گروه پزشکی به صورت مأموریت توسط اداره بهداری نذا انجام می گرفت.

این بیمارستان درتاریخ ۶۶/۱/۶ در عملیات نصر ۱ و درتاریخ ۶۶/۱/۲۵ در عملیات کربلای ۷ اقدامات مؤثری در درمان و جا به جایی مجروحین بعمل آورد.

سپس درتاریخ ۶۶/۳/۱۲ در عملیات نصر ۲

در تاریخ ۶۶/۳/۲۷ در عملیات نصر ۳

در تاریخ ۶۶/۳/۳۱ در عملیات نصر ۴

درتاریخ ۶۶/۴/۳ در عملیات نصر ۵

در تاریخ ۶۶/۵/۱۰ در عملیات نصر ۶

در تاریخ ۶۶/۸/۲۹ در عملیات نصر ۸

و در تاریخ ۶۶/۹/۱ در عملیات نصر ۹ بیمارستان فعالیت چشمگیری داشت.

تأسیس مراکز اورژانس در مناطق عملیاتی

اورژانس مصدومین شیمیایی گیلان غرب

این مرکز اورژانس به منظور پذیرش مصدومین حملات ش.م.ه. در ۵۰ کیلومتری غرب کرمانشاه در شهرستان گیلان غرب که با بمبارانهای دشمن ویران شده بود در ورزشگاه تختی شهر مزبور توسط پشتیبانی منطقه ۱ ایجاد گردیده دارای ۴ کانکس حمام ۶ دوشه بوده و تا حدود ۱۰۰۰ بیمار را می‌توانست پذیرش نماید. تأمین نیازمندیهای آن به عهده پشتیبانی منطقه ۱ بود و ستوانیکم پزشک خدا رحمی که از طرف اداره بهداری نذاجا اعزام شده بود سرپرستی آن را به عهده داشت به طور کلی تأمین نیازمندیهای تیم پزشکی و دارویی آن به عهده اداره بهداری نذاجا بود.

این مرکز در عملیات کربلای ۶ که همزمان با حملات شیمیایی دشمن بود فعالیت ارزنده‌ای داشت.

اورژانس درمانی تیپ ۳ مریوان از لشکر ۲۸ سنندج

بهداری تیپ ۳ مریوان در داخل پادگان قرار داشته و هنگام عملیات در کنار تیپ مستقر گردیده و به انجام وظیفه مشغول می‌شود.

اداره مهندسی نذاجا در کنار پادگان اقدام به ساخت و تأسیس یک مرکز اورژانس نموده که در پذیرش بیماران و درمانهای اولیه فعال باشد.

در تاریخ ۶۷/۲/۱ در همین محل تعدادی کانکس حمام ۱۲ دوشه جهت پذیرش مصدومین شیمیایی قرار داده شد.

در عملیات بیت المقدس ۵ در تاریخ ۶۷/۱/۲۲ که در مریوان انجام گرفت این مرکز اورژانس فعال بود. فاصله این مرکز اورژانس تا بیمارستان صحرایی کولان ۸ کیلومتر بود و در عملیات فوق مصدومین شیمیایی به این مرکز اعزام گردیدند و درمانهای اولیه لازم را دریافت داشتند.

اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس/ ۱۵۱

همکاری بهداریهای نزا با سازمانهای پزشکی نظامی دیگر

در طی دوران دفاع مقدس، پس از استقرار بیمارستانها و مراکز اورژانس بوسیله ارتش و سپاه پاسداران، هنگام انجام عملیات مشترک همکاری لازم از طرف اداره بهداری نزا با صورت اعزام تیمهای جراحی و پزشکی انجام گردیده است.

بیمارستان صحرائی شهید رضائیان در شمال غرب

این بیمارستان از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۵۰ کیلومتری شمال غربی شهر مریوان به صورت سوله‌ای ساخته شده و استتار گردیده بود. با توجه به استقرار تعدادی از یگانهای رزمی نزا در این منطقه در تاریخ‌های ۶۴/۱/۷، ۶۴/۸/۳۰، ۶۵/۱/۲۵ و ۶۵/۱۰/۷ تیمهای جراحی و پزشکی از طرف اداره بهداری نزا اعزام گردید. بعلاوه در تاریخ ۶۵/۱۰/۱۰ تجهیزات بیمارستانی مورد نیاز از بیمارستان سپنتا به این بیمارستان انتقال داده شد.

بیمارستان شهید بقایی دزفول

در تاریخ ۶۴/۱۲/۱۱ تیم پزشکی و جراحی از طرف اداره بهداری نزا با این بیمارستان که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دایر و اداره می‌شد، اعزام گردید.

اقدامات و فعالیتهای اداره بهداشت و درمان نهجا در طول هشت سال دفاع مقدس

- ۱- تأمین نیازمندیهای واحدهای تابعه از نظرنیروی انسانی، دارو، تجهیزات پزشکی، آمبولانس و غیره در مناطق عملیاتی در حد مقدرات و امکانات و توسعه و تقویت آنها.
- ۲- همکاری در تأمین نیازمندیهای درمانی و بهداشتی مناطق عملیاتی در حد امکانات و توسعه و تقویت آنها
- ۳- پذیرش، بستری و درمان مجروحین جنگ تحمیلی در مراکز درمانی تابعه نهجا مستقر در مناطق عملیاتی و انجام عملیات جراحی مختلف.
- ۴- انتقال مجروحین جنگی از مناطق عملیات به بیمارستانها و مراکز درمانی در سطح کشور توسط هواپیماهای نهجا.
- ۵- همکاری و نظارت در امر انتقال مجروحین اعزامی از مناطق عملیاتی و اعزام آنها به بیمارستانها و مراکز درمانی مستقر در منطقه.

- ۶- ایجاد ستادهای تخلیه و درمان در پایگاههای یکم، دوم، هفتم و هشتم بویژه پایگاه چهارم با گنجایش ۷۰۰ تختخواب و پایگاه پنجم با گنجایش ۳۷۰ تختخواب به طوری که فقط در عملیات بیت المقدس و رمضان تنها از طریق ستاد تخلیه پایگاه پنجم هزاران نفر مجروح پس از انجام خدمات درمانی و پزشکی موردنیاز طبقه بندی و به مراکز درمانی مختلف تخلیه شده اند.
- ۷- تهیه و صدور دستورالعملها و آئین نامه های بهداشتی در زمینه بهداشت آب و مواد غذایی ونحوه پیشگیری و درمان در مقابل عوامل ش،م،هـ
- ۸- آموزش نحوه استفاده از محتویات کیفهای کمکهای اولیه پزشکی درمقابل عوامل ش،م،هـ و توزیع داروهای مربوطه بین پرسنل مستقر درمنطق جنگی.
- ۹- تهیه ماده دفع آلودگی (اس،تی، پی) برای اولین بار دراداره بهداشت و درمان نهاجا ودستورالعمل نحوه بهره برداری از ماده مذکور و ارسال آن به یگانهای ذیربط در رابطه با جنگهای شیمیایی.
- ۱۰- ایجاد بخش درمان مصدومین و مجروحین ش،م،هـ در بیمارستان مرکزی نهاجا.
- ۱۱- اعزام کادرپزشکی جهت فراگیری و بازآموزی نحوه درمان مجروحین و مصدومین حملات شیمیایی.
- ۱۲- تهیه نشریات ضایعات جنگ افزارهای ش،م،هـ - درمان همتومهای خلف صفاقی - تخلیه هوایی و شرایط آن درجنگ تحمیلی و توزیع آن بین مبادی ذیربط.
- ۱۳- بررسی و تحقیق درباره تهیه یک ماده ضدعفونی کننده که ضمن برخورداری از کیفیت علمی بالا از نظر اقتصادی نیز مقرون به صرفه باشد که پس ازمذتها تلاش موفق به تهیه محلولی بنام داکن گردیده که جهت استفاده در جراحی ها و زخمهای عفونی دراختیار بیمارستانها و درمانگاهها قرارداده شد.
- ۱۴- برگزاری اولین کنگره صدمات ناشی از جنگ (ترومای جنگ) به مدت ۵ روز با شرکت پزشکان متخصص برای استفاده از تجربیات پزشکان به منظور تسریع در معالجه مجروحین و آموزش سایرهمکاران برای ارائه خدمات درمانی وپزشکی بهتر به مصدومین، مجروحین و ارسال قطعنامه کنگره به مؤسسات بهداشتی و درمانی.
- ۱۵- گروه بندی و تعیین RH خون کارکنان رزمنده.

اقدامات بهداشتی درمانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس/۱۵۳

۱۶- اداره بهداشت و درمان نهجا به علت نیاز مناطق عملیاتی با وجود همه تنگناها و مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی موفق گردید با اعزام کادر پزشکی، تجهیزات، دارو و آمبولانس درمانگاههایی از قبیل درمانگاه خارک، بندرطاهری، اهواز و غیره را عملیاتی نماید که خدمات پزشکی ارائه شده وسیله اینگونه درمانگاهها درطول جنگ بسیار مؤثر بوده است.

۱۷- اعزام کادر پزشکی، تجهیزات، دارو و آمبولانس به منظور ارائه خدمات پزشکی به سایتهای جنگی مثل رامشیر، سربندر، بندرامام، سایت تبوک - سایت بندر، قرارگاه فجر، قرارگاه رعد، جزیره مجنون - منطقه خیبر و غیره با وجود اینکه این مناطق فاقد سازمان مصوبه بوده اند.

۱۸- اعزام کادر پزشکی، تجهیزات لازم به مناطق مختلف عملیاتی بویژه بیمارستان منطقه‌ای دزفول نهجا.

۱۹- توسعه و افزایش تختهای بیمارستان مرکزی باضمیمه نمودن ساختمان سابق باشگاه افسران به منظور پذیرش مصدومین دربخشهای جراحی، ارتوپدی، و جراحی مغز و اعصاب درآغاز جنگ تحمیلی.

۲۰- ایجاد بخش جداگانه جهت پذیرش و بستری و درمان اسرای عراقی در بیمارستان مرکزی.

۲۱- ضد عفونی هواپیماها و آمبولانسه‌های حامل مجروحین و مصدومین پس از انتقال مجروحین.

۲۲- ایجاد درمانگاهها در اردوگاه اسرای عراقی به منظور حفظ بهداشت انفرادی، اجتماعی و محیط زیست و تأمین نیازمندیهای پزشکی و درمانی اسرا به طوری که خدمات ارائه شده درمانگاه مورد تأیید هیئت بازدید کننده صلیب سرخ جهانی قرار گرفت.

۲۳- عملیاتی نمودن بیمارستان ۶۰۰ تختخوابی بعثت نهجا در شرایطی که دشمن مزدور بعثی شهر تهران را مورد بدترین حملات موشکی قرار داده و حتی یک بخش از بیمارستان آماده پذیرش بیمارنبوده و ازطرفی تنها بیمارستان نیروی هوایی مستقر در منطقه دوشان تپه تهران شدیداً در معرض حملات موشکی قرارداشت و چندین بار نیز شیشه های بیمارستان در اثر برخورد موشک به اطراف بیمارستان آسیب فراوانی دید به

طوری که اداره بهداشت و درمان نهاجا بالاجبار تعدادی از بخشهای بیمارستان را تخلیه و بیماران را ترخیص نمودند. در این لحظات حساس با تلاش پیگیر و مستمر و عنایت خاص فرمانده وقت نیرو (سرلشکر شهید منصورستاری) وبا همکاری عوامل ذیربط در نهاجا بخشهای بیمارستان یکی پس از دیگری عملیاتی و مورد بهره برداری قرار گرفت. ۲۴- اعزام و انتقال متخصصین تعمیر وسائل و تجهیزات پزشکی به بیمارستان پایگاه دزفول و سایر مناطق عملیاتی به منظور راه اندازی و عملیاتی نمودن و آماده بکارنگهداشتن تجهیزات مذکور وجلوگیری از صرف هزینه های سنگین و خروج ارز کشور و هدررفتن بیت المال در موقعیت جنگی.

پوزش

از آنجا که هدف از تهیه این مجموعه سیاستگزاری و ذکر اسامی کلیه عزیزانی بود که در رسته بهداشت و درمان در هر درجه و سمتی که بودند در دوران دفاع مقدس در ارتش جمهوری اسلامی ایران در خدمت رزمندگان جان برکف افتخار حضور و فعالیت داشتند و بسیاری از این انسانهای فداکار عضو و جمعی یگانهای رزمی و پشتیبانی بودند که در منطقه عملیات حضور دائمی داشتند. نظیر گردانهای بهداری لشکرها و گروهانهای بهداری تیپ های مستقل و گردانهای خدمات بهداری پشتیبانیها و باتمام تلاشی که صورت گرفت اسامی این عزیزان به عنوان شناسنامه واحدهای مزبور در دوران دفاع مقدس به دست نیامد واطلاعات ناقصی که از یکی دو یگان به دست آمد به علت ضایع شدن حق دیگران قابل درج در این مجموعه نبود. علیهذا ضمن نهایت پوزش از این رادمردان و انسانهای والا وشایسته برای اینکه وقفه ای در چاپ این مجموعه حاصل نشود به درج آنچه تاکنون به دست آمده است قناعت شد و ان شاءالله در چاپهای بعدی کتاب توفیق داشته باشیم با تکمیل این مجموعه دین خود را نسبت به این عزیزان و نظام جمهوری اسلامی ایران ادا نمائیم.

پیوستها

اسناد

تصویر مدارک

عکس‌ها

اسناد

موضوع	صفحه
۱- مأموریت سرهنگ دکتر خسرو نامجوی نیک به منطقه عملیات و سرپرستی بیمارستان اهواز در سال اول دفاع مقدس	۱۵۸
- گزارش مأموریت‌های تیم ارزشیابی پزشکی نزاجا ۱۳۶۱/۵/۶ تا ۱۳۶۱/۹/۶	۱۶۰
- گزارش پایان کار یگان‌های مسیر اول	۱۶۵
- گزارش پایان کار یگان‌های مسیر دوم	۱۶۸
- گزارش پایان کار یگان‌های مسیر سوم	۱۷۴
- گزارش پایان کار مسیر چهارم	۱۷۹
۲- مأموریت پزشکان، تکنسین‌های پزشکی، پزشکیاران، افسران خدمات بهداری نزاجا به مناطق عملیات	۱۸۱
- مأموریت‌های پزشکان نزاجا به مناطق عملیاتی	۱۸۲
- مأموریت‌های تکنسین‌ها و پرستاران و بهیاران نزاجا به مناطق عملیاتی	۱۸۷
۳- مأموریت‌های پزشکان نهاجا به مناطق عملیاتی	۱۸۹
۴- اسامی شهدای رسته بهداشت و درمان نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران	۱۹۵
- اسامی شهدای رسته بهداشت و درمان نزاجا	۱۹۵
- اسامی شهدای رسته بهداشت و درمان نهاجا	۱۹۷
- اسامی شهدای رسته بهداشت و درمان نداجا	۱۹۸
۵- اسامی آزادگان سرافراز رسته بهداشت و درمان نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران	۱۹۹
- اسامی آزادگان رسته بهداشت و درمان نزاجا	۱۹۹
- اسامی آزادگان رسته بهداشت و درمان نهاجا	۱۹۹
- اسامی آزادگان رسته بهداشت و درمان نداجا	۲۰۰
۶- اسامی هیئت رئیسه اداره بهداشت و درمان نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس	۲۰۰
- اسامی هیأت رئیسه اداره بهداشت و درمان نزاجا	۲۰۰
- اسامی هیأت رئیسه اداره بهداشت و درمان نهاجا	۲۰۰
- اسامی هیأت رئیسه اداره بهداشت و درمان نداجا	۲۰۱
۷- اسامی مسئولین بیمارستان‌های تابعه نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس	۲۰۱

- ۲۰۲ - اسامی مسئولین بیمارستان‌های تابعه نذاجا
- ۲۰۷ - اسامی مسئولین بیمارستان‌های تابعه نه‌اجا
- ۲۰۷ - اسامی مسئولین بیمارستان‌های تابعه نداجا



جمهوری اسلامی ایران

نیروی زمینی ارتش

شماره ۳۴-۳۰-۷۰۱

تاریخ ۵۹/۱۲/۲۰

از ا- بهی نزاجا (مرکز دندانپزشکی ۵۰۱ ت)

به سرهنگ دکتر خسرو نامجونیک

موضوع بازدید و بازرسی از بخشهای دندانپزشکی بیمارستان

(دزفول - پادگان حمیدیه - کارخانجات، تانک سازی مسجد سلیمان

وبیمارستان اهواز و آمادگاه فرعی دزفول)

طی این امریه بشما مأموریت داده میشود که در مدت یکماهه که در لشکر ۹۲ زرهی بدرمان و معالجه بیماران اشتغال دارید از بخش های دندانپزشکی یگانهای فوق الذکر و آمادگاه فرعی دزفول بازدید و بازرسی بعمل آورده نتیجه را باین بهداری گزارش نمائید. ضمناً چنانچه صلاح دانستید که بیش از این یکماه لازم است که می بایستی فوق رسیدگی بیشتری نمائید از نظر اداره بلامانع است.

ر - ا - بهی نزاجا - سرهنگ دکتر بهتاش

امضاء

گیرندگان

۱ - ف لشکر ۹۲ زرهی اهواز پیرو شماره ۱۲۳-۰۳-۷۰۱ - ۵۹/۱۲/۱۸

۲ - ف کارخانجات تانک سازی مسجد سلیمان

۳ - ریاست بیمارستان اهواز پیرو شماره ۱۲۳-۳۰-۷۰۱ - ۵۹/۱۲/۱۸ جهت آگاهی،

خواهشمنداست دستور فرمائید حضور افسر نامبرده را اعلام فرمایند.

۴ - ف - پادگان حمیدیه جهت آگاهی و هرگونه اقدام .

۵ - ف آمادگاه فرعی دزفول جهت آگاهی و اقدام لازم.

تلاش در امر تعمیر و نگهداری، افزایش آمادگی رزمی است.

(سال ۵۹ سال تعمیر و نگهداری است)

شماره ۲۰۴/۱۹/۱۶۱

از - بیما ۱۵۰ - ۵۷۸ - اهواز

به - ف - ل - ۹۲ زه - اج

تاریخ ۶۰/۴/۱۴

موضوع - سرهنگ دندانپزشک خسرو نامجو نیک

در اجرای امریه شماره ۱-۰۳-۷۰۱ - ۶۰/۴/۱۱ اداره بهی نزاجا افسر نامبرده بمدت ۲ ماه
مأموریت جهت سرپرستی بیمارستان باین یگان مأمور گردید ضمن عمل در آمارهای مربوطه
مراتب جهت استحضار بعرض میرسد. در ضمن در تاریخ ۶۰/۴/۱۳ خود را معرفی نموده است.

ر - بیما ۱۰۵ - ۵۷۸ - اهواز سرهنگ دکتر غزنوی

از طرف سرهنگ دکتر رفیعی، امضاء

سرهنگ دکتر خسرو نامجو نیک جهت اطلاع.

بسمه تعالی

گزارش مأموریت‌های تیم ارزشیابی پزشکی نزا

خلاصه ای از چگونگی مأموریت تیم بازرسی و ارزشیابی یگانهای بهداشتی درمان نزا در تاریخ ۱۳۶۱/۵/۶ تا ۱۳۶۱/۹/۶

حدود یک سال پس از آغاز جنگ تحمیلی و دفاع مقدس دلاوران و رزمندگان جان برکف ایران اسلامی در مقابل تمامی جنود کفر بین‌المللی در تاریخ ۶۰/۷/۹ شهید سپهبد علی صیادشیرازی که در آن زمان درجه سرهنگی داشت با پیشنهاد ریاست شورای عالی دفاع و با حکم حضرت امام خمینی «ره» به فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران انتصاب یافتند.

در پی این انتصاب شایسته، تغییراتی در مدیریت‌های نزا به وجود آمد، از جمله سرهنگ دکتر غلامرضا سیف الله به ریاست اداره بهداری نزا و سرهنگ دکتر مؤدبی و سرهنگ دکتر خسرو نامجوی نیک به عنوان معاونین اداره بهداری نزا منصوب گردیدند.

از آنجاکه باتوجه به گستردگی صحنه های نبرد و حصر اقتصادی و عدم آمادگی یگانهای بهداری برای پشتیبانی بهداشتی درمانی چنین جنگ گسترده و طولانی ضرورت استفاده از حداکثر امکانات موجود را اعم از نیروی انسانی و تجهیزات و ابزار و مواد در تدارک یگانهای درگیر در منطقه عملیات را هر روز آشکارتر می ساخت. از سوی دیگر برنامه ریزی صحیح برای تأمین نیازمندیهای نزا در تمامی زمینه های فوق در سالهای آتیه اعم از اینکه جنگ به پایان رسد و یا ادامه یابد یک امر حیاتی بنظر می رسید. از سوی دیگر باتوجه به دگرگونیهایی که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی و یک سال جنگ به وجود آمده بود آمار و ارقام مستند و قابل اطمینانی برای تحقق سریع اهداف فوق وجود نداشت. بخصوص که از یک طرف اداره بهداری پاسخگوی تمامی نیازمندیهای یگانهای درگیر عملیات می بایست باشد و از سوی دیگر برابر جدول سازمان و شرح وظایف حدود اختیاراتش در حد بیمارستانهای تخصصی مرکزی بود و برای ابلاغ مأموریتها به بیمارستانهای منطقه ای و دیگر واحدهای بهداری لازم بود یک چرخه طولانی اداری را طی کند که تطابق با ضرورتهای جنگ نداشت. علیهذا پس از چند جلسه مشورتی، به حضور فرماندهی محترم نزا پیشنهاد گردید تیمی متشکل از متخصصین مختلف

از کلیه واحدهای بهداشتی و درمانی نازاجا در سراسر کشور بازدید بعمل آورده و برآورد کارشناسی خود را به حضور فرماندهی محترم نازاجا ارائه نماید تا تصمیم مقتضی اتخاذ فرمایند. در پی جلساتی که در حضور معاونت محترم پرسنلی وقت نازاجا جناب سرهنگ محمود ریاحی انجام گرفت موضوع کاملاً تجزیه و تحلیل گردیده و نتیجه در یک جلسه به طور حضوری به عرض فرماندهی ارائه گردید. متعاقباً ایشان ضمن تأیید مقرر فرمودند این تیم در هر یگانی که حضوری یابد در پایان بازدید و ثبت مشاهدات دستورالعملی برای یگان در جهت تحقق اهداف فوق صادر نماید و قبلاً نیز به کلیه یگانها ضرورت انجام دستورالعملها ابلاغ شود.

بدین ترتیب تیم بازرسی و ارزشیابی یگانهای بهداشتی درمانی نازاجا با ترکیب زیر در تاریخ ۱۳۶۱/۵/۶ برای اجرای مأموریت تهران را ترک کرد:

سرهنگ دکتر نامجوی نیک	سرپرست هیأت
سرهنگ دکتر رهبری دامپزشک	متخصص بازرسی مواد غذایی
سرهنگ دکتر مدنی داروساز	امور دارویی و آزمایشگاهی
سرهنگ ۲ دکتر صادقی	پزشک عمومی
ستوان یکم خدام	خدمات بهداشتی و بهیاری
ستوان یکم دکتر قدرت	پزشک عمومی
ستوانیار سوم خبازی	امور پرسنلی نازاجا برای ثبت اسامی و آمار پرسنلی.

تیم فوق در چهار مسیر به شرح پیوست از کلیه یگانهای بهداشتی نازاجا بازدید کرده و پس از صدور دستورالعمل نتیجه ارزشیابی و پیشهادات خود را در پایان هر مسیر به نازاجا منعکس نموده برای ادامه مأموریت در مسیر بعدی حرکت نموده است.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۶ آخرین مسیر به پایان رسیده و مجموعه کلیه مشاهدات و ارزیابیها و دستورالعملها و صورتجلسه های انجام شده و اسامی و آمارها به صورت کتابی در قطع A۴ در ۴۰۰ صفحه در پنج نسخه به همراه تجزیه و تحلیل نهایی تقدیم معاونت محترم پرسنلی نازاجا گردید.

در پی مأموریت فوق و جمع بندیهای انجام شده با پیگیریهایی که بعمل آمد سرانجام سازمان و وظائف اداره بهداشتی نازاجا گسترش یافت و کلیه بیمارستانهای منطقه ای تابعه اداره بهداشتی نازاجا گردید و تا پایان دوران جنگ و دفاع مقدس از امکانات موجود در اسرع وقت

درجهت تأمین نیازمندیهای جبهه و رزمندگان استفاده لازم بعمل آمد و در عین حال برای فرستادن پزشکان به دوره های تخصصی برای تأمین آتیه سازمان پس از طی مدت دو سال در منطقه عملیات پیش بینی لازم بعمل آمد.

بدیهی است که توفیق در برنامه ریزی و اجرای اقدامات فوق پس از الطاف الهی مرهون رهنمودها و تصمیمات قاطعانه شهید بزرگوار سپهبد علی صیاد شیرازی و همکاران صدیق ایشان دریگانهای تابعه نزاجا می باشد.



ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

از: اداره بهداشتی نزاچا (آچ پ) شماره: ۳۰۲-۱۹-۸۶
به: معاونت پرسنلی نزاچا (مدکارگزینی - افسران) تاریخ: ۶۱/۵/۲۰
۳
۱۶

موضوع: بازدید از بیمارستانها و یگانهای بهداشتی

بازگشت به شماره ۱۳۶۱/۵/۲-۱۰۷-۳۰-۱

تیم بازرسی و ارزشیابی از بهداشتی ها و بیمارستانهای منطقه ای بشرح زیر در تاریخ ۶ و ۶۱/۵/۷ از
پش م ۳ در تهران بازدید و در مورخه ۶۱/۵/۹ وسیله شخصی از محور ساری - گرگان، جهت بازدید
منطقه شمال کشور (بطور مأمور در حرکت) به ساری - گرگان - بجنورد - قوچان - شاهرود -
چهل دختر - مشهد - تربت حیدریه - بیرجند عزیمت و در ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۱۳۶۱/۵/۲۳ پس از
انجام مأموریت کلیه یگانهای مورد بحث در منطقه به تهران مراجعت نموده اند تا طی بررسیهای لازم و
بازدید از یگانهای مقیم مرکز مجدداً در محور دوم بازدید خود را شروع نمایند.

رئیس اداره بهداشتی نزاچا - سرهنگ دکتر سیف الله
از طرف سرهنگ دکتر مؤدبی

- | | |
|--------------------------------------|--|
| ۱ - سرهنگ دندانپزشک خسرو نامجوی نیک | معاون اداره بهداشتی نزاچا |
| ۲ - سرهنگ ۲ دکتر محمد مهدی صادقی | پزشک ابهی نزاچا |
| ۳ - سرهنگ دکتر داروساز حسینی مدنی | آمادگاه ابهی نزاچا |
| ۴ - سرهنگ دامپزشک محمد رهبری | مرکز بازرسی و کنترل بهداشتی مواد غذایی |
| ۵ - ستوانیکم خدمات ابهی جهانگیر خدام | ابهی نزاچا |
| ۶ - ستوانیکم پزشک محمد حسین قدرت | جمعی ل ۸۸ ز ه |
| ۷ - سرهنگ ادراکی | اداره مهندسی |
| ۸ - کارمند زین العابدین دولت آبادی | مسئول دفاتر سازمان |

گیرندگان:

- ۱ - ف ل ۸۸ زه - پیرو شماره بازگشتی بالا جهت آگاهی و هرگونه اقدام درمورد افسر ردیف هفتم.
- ۲ - اداره مهندسی نزاجا پیرو شماره بازگشتی بالا جهت آگاهی و هرگونه اقدام درمورد ردیف هشتم.
- ۳ - مرکز بازرسی و کنترل بهداشتی مواد غذایی جهت آگاهی و هرگونه اقدام درمورد افسر ردیف چهارم.
- ۴ - ر آمادگاه بهداری ۵۰۱ ت جهت آگاهی و هرگونه اقدام درمورد افسر ردیف سوم.
- ۵ - ر دایره بازرسی اداره جهت آگاهی و هرگونه اقدام.
- ۶ - ف پیش ق اداره جهت آگاهی و هرگونه اقدام.
- ۷ - ر دسای اداره جهت آگاهی و هرگونه اقدام.
- ۸ - ر دایره کنترلر اداره جهت آگاهی و هرگونه اقدام.
- ۹ - ر شعبه حقوقی اداره جهت آگاهی و هرگونه اقدام.
- ۱۰ - ر شعبه حفاظت و اطلاعات اداره جهت آگاهی و هرگونه اقدام.

کسی که برای خدا کار می کند در هیچ جهت شکست نمی خورد.

« امام خمینی »



ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

از: سرپرست تیم اعزامی به یگانهای بهداشتی درمانی نزاچا
به: نزاچا (معاونت پرسنلی، مد کارگزینی)
موضوع: گزارش پایان کار بازدید از یگانهای مسیر اول
تاریخ: ۱۳۶۱/۵/۲۷
شماره: ۳-۳-۰۳-۷۰۱ ش
اقدام

سریع - امر بر ویژه

در اجرای امریه شماره ۷۰۱-۰۳-۱ شن - ۵۲- ۶۱ تیم بازرسی از یگانهای بهداشتی درمانی نزاچا بسرپرستی سرهنگ دکتر نامجونیک وسایر اعضاء مندرج در بخشنامه فوق قبل از حرکت بطرف واحدهای خارج از مرکز روز چهارشنبه ۶۱/۵/۶ و پنج شنبه ۶۱/۵/۷ از پشتیبانی منطقه ۳ و بهداشتی تابعه آن بازدید نمود و از تاریخ نهم مردادماه، در ساعت ۱۶۰۰ تهران را بقصد ساری ترک و در ساعت ۲۲۰۰ همان روز درپادگان ساری حضور یافته بلافاصله ساری را بمقصد اردوگاه استراحت خزرآباد ترک و از اول وقت اداری روز ۱۰-۵-۱۳۶۱ از بهداشتی اردوگاه و همچنین آشپزخانه و خبازخانه و سایر اماکن بازدید بعمل آورده در ساعت ۱۴۰۰ همان روز تیم بازرسی پس از صرف ناهار بطرف پادگان ساری حرکت و یگانهای مقیم ساری را مورد بازدید قرار داده و در ساعت ۲۰۰۰ همان روز پس از انجام بازدید و اجرای دستورات و ابلاغ دستورالعمل وظایف به یگانهای بهداشتی درمانی تیم بطرف گرگان حرکت نمود در مورخه ۱۱-۵ الی ۱۲-۵ یگانهای مقیم گرگان و بیمارستان ۳۰ تختخوابی گرگان را مورد بازدید قرار داده پس از صدور دستورالعمل اول وقت اداری روز ۱۳-۵-۶۱ بطرف بجنورد حرکت نموده پس از حضور و استراحت اول وقت ۱۴-۵-۶۱ از یگانهای مستقر در بجنورد و بیمارستان منطقه ای بازدید بعمل آورده دستورالعمل صادر شد تیم در اول روز ۱۵-۵-۶۱ از بجنورد بطرف قوچان حرکت و پس از خاتمه بازدید در ساعت ۱۸۰۰ روز ۱۵/۵/۶۱ و صدور دستورالعمل مربوطه از قوچان به مشهد حرکت و اول وقت اداری روز ۱۶/۵/۱۳۶۱ (جمعه صبح) از بیمارستان منطقه ای بازدید بعمل آورده و پس از صدور دستورات لازم در تاریخ ۱۷/۵/۱۳۶۱ مشهد را به مقصد بیرجند ترک و از تاریخ ۱۸/۵/۶۱ از یگانهای مقیم بیرجند بازدید دستورالعمل صادر و اول روز ۱۹/۵/۶۱

بیرجند را بطرف تربت حیدریه ترک و پس از حضور در بیمارستان تربت حیدریه یگانهای بهداشتی درمانی مقیم پادگان بازدید و دستورالعمل صادر و روز ۶۱/۵/۲۰ بطرف تربت جام حرکت و پس از بازدید از بیمارستان تربت جام دستورالعمل صادر و در ساعت ۱۸۰۰ همان روز بطرف مشهد حرکت اول وقت اداری روز ۲۱ و ۲۲ از یگانهای مقیم مشهد و باقیمانده بازدید بعمل آورده دستورالعمل صادر و مورخه ۲۲-۵-۶۱ مشهد را بمقصد شاهرود ترک و از مورخه ۲۴-۵-۶۱ از یگانهای چهل دختر و شاهرود بازدید بعمل آورده پس از بازدید دستورالعمل صادر و در ساعت ۲۲۰۰ همان روز شاهرود را بمقصد تهران ترک کرد و در تاریخ ۶۱/۵/۲۶ اعضاء تیم بازرسی جهت ارائه نتیجه بازرسی در اداره بهداری نذاجا حضور بهم رسانید.

سرپرست تیم بازرسی به یگانهای بهداشتی درمانی نذاجا
سرهنگ دکتر نامجونیک امضاء

۶۱/۵/۲۷

گیرندگان

- ۱ - اداره بهداری نذاجا (آج - پ) جهت آگاهی و اقدام لازم درمورد پیش بینی های لازم و در نظر گرفتن مفاد بخشنامه و امریه بازدید از یگانهای درمانی بهداشتی نذاجا.
- ۲ - اداره مهندسی نذاجا (ر) جهت آگاهی و اقدام لازم درمورد سرکار سرهنگ و پیش بینی های لازم در مورد اعزام نامبرده به مأموریت بعدی و خط.
- ۳ - ل ۸۸ زرهی (آج) پیرو شماره ۲-۰۳-۷۰۱ - ش ۲-۵-۶۱ جهت آگاهی و اقدام لازم درمورد اعزام ستوانیکم پزشک محمد حسین قدرت به یگانهای بهداشتی درمانی نذاجا که در مسیر دوم قرار گرفته اند.
- ۴ - مرکز پیاده (آج - پ) جهت آگاهی.
- ۵ - مرکز بازرسی و کنترل بهداشتی مواد غذایی نذاجا جهت آگاهی و اقدام لازم درمورد مأموریت سرکار سرهنگ دکتر رهبری. کسی که برای خدا کار می کند در هیچ جهت شکست نمی خورد. «امام خمینی»

تاریخ حرکت ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۶۱/۵/۹

مسیر ۱ - تهران ساری ۶۱/۵/۹

مسیر ۱ - ساری - خزرآباد و بالعکس ۶۱/۵/۱۰

مسیر ۱ - ساری - گرگان ۶۱/۵/۱۱ و ۱۲

مسیر ۱ - گرگان - بجنورد ۱۳ و ۶۱/۵/۱۴

مسیر ۱ - بجنورد - قوچان ۶۱/۵/۱۴

مسیر ۱ - قوچان - مشهد ۱۵ و ۶۱/۵/۱۶

مسیر ۱ - مشهد - بیرجند ۱۷ و ۶۱/۵/۱۸

مسیر ۱ - بیرجند - تربت حیدریه ۶۱/۵/۱۹

مسیر ۱ - تربت حیدریه - تربت جام ۶۱/۵/۲۰

مسیر ۱ - تربت جام - مشهد ۲۱ و ۶۱/۵/۲۲

مسیر ۱ - مشهد - شاهرود ۶۱/۵/۲۳

مسیر ۱ - شاهرود - چهل دختر ۶۱/۵/۲۴ و بالعکس

مسیر ۱ - شاهرود - تهران ۶۱/۵/۲۴



ارتش جمهوری اسلامی ایران

از: سرپرست تیم اعزامی پزشکی بیگانهای بهداشتی درمانی نزا

شماره: ۳ سیار

به: ف نزا (معاونت پرسنلی، مدکارگزینی)

تاریخ: ۱۳۶۱/۶/۲۰

موضوع: گزارش پایان کار بازدید از یگانهای مسیر دوم

پیوست: بشرح نامه

اقدام سریع - امر بر ویژه

در اجرای امریه شماره ۱-۳-۷۰۱-ش - ن ۶۱/۵/۲ تیم بازرسی از یگانهای بهداشتی درمانی نزا با سرپرستی سرهنگ دکتر نامجونیک و سایر اعضاء (صورت اسامی پیوست) قبل از حرکت بطرف واحدهای خارج از مرکز روزهای سه شنبه ۶۱/۵/۲۶ و چهارشنبه ۶۱/۵/۲۷ از واحدهای بازدید نشده پشتیبانی منطقه ۳ بازدید نموده و از تاریخ ۶۱/۶/۱ در ساعت ۰۸۰۰ تهران را با وسیله شخصی به مقصد قزوین ترک و در ساعت ۱۰۳۰ همان روز در بیمارستان ۵۵۳ قزوین حضور یافته و تا ساعت ۱۵۰۰ مشغول بازدید بودند، در ساعت ۱۵۰۰ با وسیله ارتشی بسوی بیمارستان ۵۶۱ منجیل حرکت و تا ساعت ۰۷۰۰ صبح روز بعد در منجیل متوقف بودند ساعت ۰۷۰۰ مورخه ۶۱/۶/۲ تیم پس از صدور دستورالعمل بسوی بیمارستان قزوین حرکت و به بررسی و بازدید خود در بیمارستان قزوین و پادگان قزوین ادامه داده و پس از صدور دستورالعمل در ساعت ۰۸۰۰ صبح مورخه ۶۱/۶/۳ بسوی زنجان حرکت و در ساعت ۱۱۰۰ همان روز وارد بیمارستان ۵۵۴ زنجان شده ضمن بازدید از بیمارستان قبلی و بیمارستان نوساز و بیمارستان اورژانس جراحی شهر زنجان و صدور دستورالعمل در ساعت ۰۶۰۰ مورخه ۶۱/۶/۴ تیم بسوی سراب حرکت کرده و ساعت ۱۵۰۰ وارد سراب شدند با احضار پرسنل و تداوم کار بوضع بیمارستان و پادگان رسیدگی و تا ساعت ۲۴۰۰ با صدور دستورالعمل اجرائی بکار خود پایان دادند، در ساعت ۰۷۰۰ روز جمعه مورخه ۶۱/۶/۵ از سراب بطرف اردبیل حرکت و ساعت ۰۹۳۰ وارد اردبیل شدند پس از بازدید از بهداری و خدمات پادگان اردبیل و بازدید و کنترل مواد غذایی و صدور دستورالعمل اردبیل را در ساعت ۱۶۰۰ مورخه ۶۱/۶/۵ به قصد تبریز ترک و ساعت ۱۹۳۰ همان روز وارد تبریز شدند در ساعت ۰۷۰۰ صبح روز شنبه مورخه

۶۱/۶/۶ از بیمارستان ۵۲۲ تبریز بازدید بعمل آورده و در ساعت ۱۶۰۰ همان روز با اعلام تداوم کار از بهداری مراکز آموزشهای پشتیبانی تبریز بازدید و در ساعت ۰۶۰۰ صبح مورخه ۶۱/۶/۷ بسوی مراغه حرکت و از بیمارستان ۵۲۱ یکصد تختخوابی مراغه و سایر واحدهای مستقر در مراغه مانند بهداری غیرسازمانی گروه ۱۱ توپخانه گروهان آماد بهداری آمادگاه ۵۱۲ صحرائی مراغه و گروهان خدمات بهداری گردان ۵۱۴ لجستیکی پشتیبانی م ۱ بازدید و با صدور دستورالعملهای اجرائی برای هر واحد بکار خود پایان دادند.

در تاریخ دوشنبه مورخه ۶۱/۶/۸ ساعت ۱۰۳۰ بسوی عجب شیر حرکت و تا پایان همان روز از بهداری مرکز آموزش ۰۳ عجب شیر پادگان بازدید و دستورالعمل اجرائی صادر نمودند. در ساعت ۰۸۰۰ صبح روز سه شنبه ۶۱/۶/۹ بسوی تبریز حرکت و پس از صدور دستورالعمل اجرائی ساعت ۱۲۰۰ بسوی مرند حرکت و با تداوم کار از بهداری خدمات پادگانی پادگان مرند بازدید و در ساعت ۱۵۰۰ همان روز پس از صدور دستورالعمل بسوی خوی حرکت نمودند در ساعت ۱۶۳۰ مورخه سه شنبه ۶۱/۶/۹ از بهداری خدمات پادگانی پادگان خوی و سایر نقاط بهداشتی پادگان بازدید و دستورالعمل اجرائی صادر نمودند. در ساعت ۰۷۰۰ صبح روز چهارشنبه ۶۱/۶/۱۰ بسوی سلماس حرکت و پس از ورود به پادگان سلماس و بازدید بهداری و سایر نقاط بهداشتی و صدور دستورالعمل اجرائی ساعت ۱۴۳۰ بسوی قوشچی حرکت و در همان تاریخ از بهداری غیرسازمانی قوشچی و سایر نقاط بهداشتی پادگان با تداوم کار بازدید پس از صدور دستورالعمل اجرائی صبح روز پنجشنبه ساعت ۰۸۰۰ بسوی ارومیه حرکت و در ساعت ۱۰۳۰ مورخه ۶۱/۶/۱۱ از بیمارستان ۵۲۳ ارومیه بازدید نمودند.

در روز جمعه ۶۱/۶/۱۲ ساعت ۹ صبح پس از هماهنگی با معاونت لشکر ۶۴ و ف ق م غرب با حداقل اعضاء مورد نیاز بسوی پیرانشهر حرکت و در ساعت ۱۱۳۰ از بیمارستان پیرانشهر بازدید و در ساعت ۱۴۰۰ همان روز بسوی ارومیه مراجعت نمودند. روز شنبه ۶۱/۶/۱۳ از بقیه واحدهای درمانی لشکر ۶۴ مستقر در ارومیه مانند بهداری قرارگاه لشکر بهداری لشکر و گردان بهداری ۵۱۰ لشکر و بیمارستان صحرائی بازدید و بررسی بعمل آمد و از ساعت ۱۸۰۰ لغایت ۲۳۳۰ مورخه همان روز در حضور معاونت لشکر ۶۴ و ریاست بیمارستان مسائل مختلف بررسی و دستورالعمل اجرائی صادر و بامضاء رسید.

تیم اعزامی در تاریخ ۶۱/۶/۱۴ ساعت ۰۶۰۰ صبح از ارومیه از طریق مسیر تبریز بسوی تهران حرکت و شب را بعلت بعد مسافت در زنجان توقف نمود.

ساعت ۰۶۰۰ مورخه ۶۱/۶/۱۵ بسوی تهران حرکت و در ساعت ۱۰۳۰ مورخه همان روز در مسیر از کلیه انبارهای خواربار و بهداری سازمانی آمادگاه عمومی آبیک توسط هیئت اعزامی بازدید بعمل آمد و هیئت پس از صدور دستورالعمل اجرایی ساعت ۱۶۳۰ آبیک را به قصد تهران ترک و در ساعت ۱۷۳۰ وارد تهران شدند.

روزهای چهارشنبه ۶۱/۶/۱۷ و پنج شنبه ۶۱/۶/۱۸ هیئت در ابهی نزاجا به تجزیه و تحلیل و جمع بندی برداشت های خود مشغول بودند.

سرپرست هیئت اعزامی پزشکی به یگانهای بهداشتی درمانی تابع نزاجا

سرهنک دکتر نامجونیک

امضاء

گیرندگان:

۱ - اداره بهی نزاجا (آج - پ) جهت آگهی و اقدام لازم درمورد پیش بینی های لازم و درنظرگرفتن مفاد بخشنامه و امریه بازدید از یگانهای درمانی بهداشتی نزاجا باتوجه بآنکه مأموریت تیم در حرکت بوده است.

۲ - اداره مهندسی نزاجا جهت آگاهی و اقدام لازم درمورد سرکار سرهنک جاهد جاه و پیش بینی های لازم در مورد اعزام نامبرده به مأموریت های بعدی و پی گیری نظرات و گزارشات افسریادشده نسبت به رفع نواقص و معایب.

۳ - ل ۸۸ زرهی زاهدان (آج) پیرو شماره ۲-۰۳-۷۰۱ ش مورخه ۶۱/۵/۲ جهت آگاهی و اقدام لازم درمورد اعزام ستوانیکم پزشک محمد حسین قدرت به یگانهای بهداشتی درمانی نزاجا که در مسیر سوم قرار گرفته اند.

۴ - مرکز پیاده شیراز (آج - پ) جهت آگاهی.

۵ - مرکز بازرسی و کنترل بهداشتی مواد غذایی نزاجا جهت آگاهی و اقدام لازم درمورد

مأموریت سرکار سرهنک دکتر رهبری جهت مسیر سوم.

۶ - ف پشتیبانی منطقه ۳ (گردان اتوبوس) جهت در نظر گرفتن مأموریت کارمند فنی
میر طالبی راننده مینی بوس شماره شرح نامه و در نظر گرفتن پیش بینی لازم جهت
مأموریت بعدی که قریباً اعلام خواهد شد.

اسامی پرسنل جمعی هیئت اعزامی در مسیر شماره ۲ برابر کروکی پیوست.

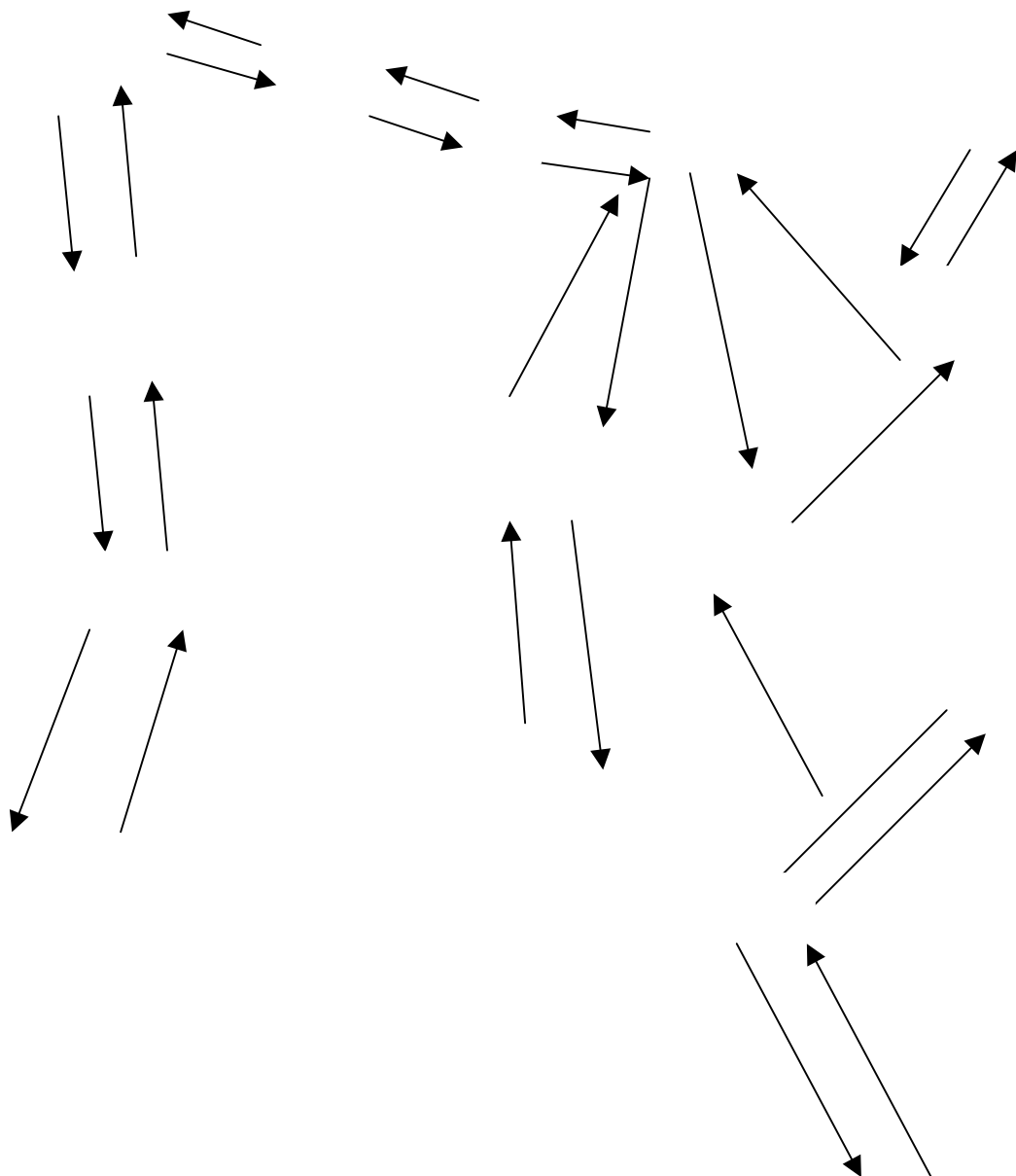
- | | |
|--------------------------|--|
| ۱ - سرهنگ دکتر نامجونیک | سرپرست هیئت جمعی ا بهی نزاجا |
| ۲ - سرهنگ دکتر رهبری | عضو هیئت جمعی بازرسی مواد غذایی |
| ۳ - سرهنگ دکتر مدنی | عضو هیئت جمعی آمادگاه ۵۰۱ |
| ۴ - سرهنگ مهندس جاهد جاه | عضو هیئت جمعی مهندسی ارتش |
| ۵ - سرهنگ ۲ دکتر صادقی | عضو هیئت جمعی ا بهی نزاجا |
| ۶ - ستوانیکم خدام | عضو هیئت جمعی ابهی نزاجا |
| ۷ - ستوانیکم دکتر قدرت | عضو هیئت جمعی ل ۸۸ زاهدان |
| ۸ - ستوانیار سوم خبازی | عضو هیئت جمعی نزاجا |
| ۹ - کارمند طالبی | راننده مینی بوس حامل هیئت جمعی لجستیکی |

مسیرهای طی شده وسیله هیئت اعزامی پزشکی یگانهای تابعه نذا از تاریخ ۶۱/۶/۱۵ الی ۶۱/۶/۱

- ۱ - تهران - قزوین با وسیله شخصی
- ۲ - قزوین - منجیل با وسیله شخصی
- ۳ - منجیل - قزوین با وسیله ارتشی
- ۴ - قزوین - زنجان با وسیله ارتشی
- ۵ - زنجان - سراب ، اردبیل با وسیله ارتشی
- ۶ - اردبیل - سراب، تبریز
- ۷ - تبریز - مراغه
- ۸ - مراغه - عجب شیر
- ۹ - عجب شیر - تبریز
- ۱۰ - تبریز - مرند
- ۱۱ - مرند - خوی
- ۱۲ - خوی - سلماس
- ۱۳ - سلماس - قوشچی
- ۱۴ - قوشچی - ارومیه
- ۱۵ - ارومیه - پیرانشهر
- ۱۶ - پیرانشهر - ارومیه
- ۱۷ - ارومیه - از طریق مسیر طی شده قبلی به زنجان
- ۱۸ - زنجان - آبیک
- ۱۹ - آبیک - تهران

پیوسته/۱۷۳

مسیر حرکت هیئت اعزامی پزشکی از نزاجا (مسیر دوم) از تاریخ ۶۱/۶/۱ لغایت ۶۱/۶/۱۵





ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

از: سرپرست هیئت اعزامی پزشکی به یگانهای بهداشتی درمانی نزا

شماره: ۱۱۲-۲۹-۳۰۱

به: ف نزا (معاونت پرسنلی - مدارگزینی)

تاریخ: ۱۳۶۱/۷/۱۹

۱-۴ موضوع: گزارش پایان کار بازدید از یگانهای مسیرسوم

دراجرای امریه شماره ۱-۳-۷۰۱-ش-ن-۶۱/۵/۲ نزا هیئت اعزامی پزشکی به سرپرستی سرهنگ دکترنامجونیک و سایر اعضاء (صورت اسامی پیوست) بشرح زیر از واحدهای مسیر سوم بازدید نمودند، مراتب جهت اطلاع و هرگونه اقدام به عرض میرسد.

شروع حرکت روز چهارشنبه ۶۱/۶/۲۴ ساعت ۶ صبح با مینی بوس واگذاری نزا از محل ۱ بهی نزا. در تهران بسوی همدان ورود به همدان ساعت ۱۱۰۰ همان روز با اعلام تداوم کار بازدید از بیمارستان همدان تا ساعت ۱۸۰۰ هم آهنگی و صدور دستورالعمل تا ساعت ۲۳۰۰.

پنج شنبه مورخه ۶۱/۶/۲۵ حرکت بسوی باختران ورود به باختران ۱۰۳۰ همان روز، آشنائی با ف پ م ۱ و بازدید از بیمارستان باختران تا ساعت ۱۷۰۰ همان روز.

جمعه مورخه ۶۱/۶/۲۶ حرکت بسوی محور سومار از اسلام آباد و بازدید از بیمارستان صحرائی ۵۲۸ مستقر در سومار بازگشت به باختران ساعت ۱۹۰۰ همان روز.

شنبه ۶۱/۶/۲۷ ملاقات با جانشین فرمانده نزا در ق م غرب تا ساعت ۰۹۰۰ صبح و سپس بازدید از گردان بهداری لشکر ۸۱ و بهداری قرارگاه لشکر در باختران تا ساعت ۱۳۰۰، از ساعت ۱۵۰۰ بازدید از بهداری هوانیروز باختران و بهداری تیپ بیستون در نزدیکی باختران بازگشت به باختران ساعت ۱۹۳۰ همان روز.

یکشنبه ۶۱/۶/۲۸ بازدید از گروهان خدمات بهداری لوح پش م ۱ تا ساعت ۱۰۳۰ و سپس حرکت بسوی سرپل ذهاب از مسیر اسلام آباد و کردند، بازدید گروهان بهداری ۳ بهداری در سرپل ذهاب و سرآب گرم و ملاقات با معاونت تیپ ۳ زرهی و بازدید کامل بیمارستان

صحرائی و بیمارستان زیر زمینی سپاه در پادگان ابوذر و بازگشت به باختران ساعت ۱۹۳۰ همان روز.

دوشنبه ۶۱/۶/۲۹ بازدید از واحدهای درمانی باقیمانده در باختران - ملاقات با مسئولین لشکر ۸۱ هم آهنگی و قرائت صورتجلسه لشکر- بازدید مجدد از بیمارستان باختران و هماهنگی با پزشکان بیمارستان تا ساعت ۱۵۳۰ همان روز.

سه شنبه ۶۱/۶/۳۰ از ساعت ۷ صبح لغایت ۱۱۳۰ هم آهنگی و قرائت صورتجلسه در دفتر ف پش م ۱ و از ساعت ۱۱۳۰ لغایت ۱۵۳۰ صدور دستورالعمل و تحلیل و سرپرستی در حضور ف هوانیروز باختران.

چهارشنبه ۶۱/۶/۳۱ ساعت ۸ صبح حرکت بسوی سنندج ، ورود به بیمارستان سنندج ساعت ۱۰۳۰ همان روز. بازدید از بیمارستان سنندج و گردان بهداری و بهداری لشکر ۲۸ سنندج تا ساعت ۱۹۰۰ همان روز.

پنج شنبه ۶۱/۷/۱ از ساعت ۷ صبح تا ساعت ۱۲۳۰ صبح هم آهنگی و قرائت دستورالعمل در حضور فرمانده لشکر ۲۸ و سپس حرکت بسوی بروجرد از راه قروه همدان ، ملایر و ورود به بروجرد ساعت ۱۸۳۰ همان روز.

جمعه ۶۱/۷/۲ - اعلام تداوم کار در مرکز مهندسی بروجرد، بازدید از بهداری آن مرکز تا ساعت ۱۰ صبح و سپس حرکت بسوی خرم آباد و ورود به خرم آباد ساعت ۱۲۰۰ و اعلام تداوم کار در بیمارستان خرم آباد بازدید از بیمارستان و بهداری آمادگاه باباعباس تا ساعت ۱۹۰۰ هم آهنگی و صدور دستورالعمل تا ساعت ۲۴۰۰ همان روز.

شنبه ۶۱/۷/۳ - ۶ صبح حرکت از خرم آباد بطرف دزفول - در راه از ساعت ۱۱۰۰ تا ساعت ۱۴۰۰ بازدید از آمادگاه دوکوهه - در دزفول با اعلام تداوم کار در بیمارستان ۵۸۰ از ساعت ۱۵۰۰ لغایت ۱۸۰۰ بازدید از آن بیمارستان.

یکشنبه ۶۱/۷/۴ تا ساعت ۰۹۰۰ صبح بازدید از بهداری لاستیک سازی دزفول و سپس حرکت بسوی منطقه عملیات و بازدید از ایستگاه تخلیه و ارکان گروهان بهداری تیپ ۸۴ خرم آباد مستقر در دشت عباس - بعد از ظهر اعلام تداوم کار در بیمارستان اهواز و بازدید آن تا ساعت ۱۹۰۰

دوشنبه ۶۱/۷/۵ ساعت ۷ صبح بازدید از ارکان گردان بهداری لشکر ۹۲ در اهواز سپس حرکت بسوی منطقه عملیات بازدید از بنه گردان بهداری لشکر ۷۷ در ایستگاه حمید - بازدید از گروهان بهداری و قرارگاه تیپ ۴۰ سراب در حوالی کوشک - ملاقات با جانشین فرمانده لشکر ۹۲ اهواز در قرارگاه فتح بازدید از ایستگاه تخلیه گردان بهداری لشکر ۹۲ مستقر در حسینییه. سه شنبه ۶۱/۷/۶ - تعطیل عید قربان استقرار در اهواز و تجزیه و تحلیل مسائل یگانهای بازدید شده.

چهارشنبه ۶۱/۷/۶ - حرکت از اهواز ۶ صبح بسوی منطقه عملیات، بازدید از ایستگاه تخلیه گروهان ۳ بهداری لشکر ۷۷ در حوالی کوشک، ملاقات و گفتگو با افسران. عملیات در ستاد قرارگاه کربلا در حوالی گرمداشت - حدود ساعت ۱۱۰۰ صبح ملاقات با معاون ل ۲۱ حمزه مستقر در قرارگاه نصر در خرمشهر در ساعت ۱۵۰۰ بازدید از قرارگاه تیپ ۱ ل ۲۱ و ملاقات با فرمانده آن تیپ در حوالی شلمچه و سپس بازدید از گروهان ۱ بهداری ل ۲۱ و بازدید از محل استقرار دسته بهداری گردان ۱۷۸ در خرمشهر و سپس حرکت بطرف آبادان و بازدید از بیمارستان صحرائی لشکر ۲۱ و ایستگاه تخلیه گردان بهداری ۵۶۵ همان لشکر تا ساعت ۱۹۰۰ و ترک منطقه بسوی اهواز.

پنج شنبه ۶۱/۷/۸ - صبح بازدید مجدد از بیمارستان اهواز و بعد از ظهر جلسه هماهنگی با معاونین لشکر از ساعت ۱۹۰۰ تا ۲۳۳۰.

جمعه ۶۱/۷/۹ - ۶ صبح حرکت بسوی شیراز از راه بهبهان، کازرون ورود به شیراز ساعت ۱۹۰۰ همان روز.

شنبه ۶۱/۷/۱۰ - ساعت ۷ صبح بازدید از بهداری مرکز زرهی - بهداری هواورد بهداری پادگان شماره ۴ و بهداری پش م ۲ - بعد از ظهر بازدید از بهداری مرکز پیاده.

یک شنبه ۶۱/۷/۱۱ - از ساعت ۷ صبح لغایت ۱۵۳۰ بازدید از بیمارستان شیراز، و از ساعت ۱۶۰۰ لغایت ۲۰۳۰ جلسه تجزیه و تحلیل و بررسی در حضور کلیه فرماندهان واحدهای مستقر در شیراز و رؤسای بهداری و رئیس بیمارستان و مسئول پش م ۲.

دوشنبه ۶۱/۷/۱۲ - ۶ صبح حرکت بسوی اصفهان ورود به اصفهان ۱۵۳۰ اعلام تداوم کار و بازدید از بیمارستان ۵۷۷ اصفهان.

پیوسته/۱۷۷

سه‌شنبه ۶۱/۷/۱۳ - از ساعت ۶ صبح بازدید از واحدهای هوانیروز و مرکز آموزش توپخانه و گروه‌های ۵۵ و ۴۴ توپخانه و درمانگاه تخصصی بیمارستان ۵۷۷ اصفهان - از ساعت ۰۶۰۰ الی ۱۸۳۰ بازدید از آمادگاه عمومی ۵۷۲ اصفهان.

چهارشنبه ۶۱/۷/۱۴ - عید غدیر تعطیل رسمی با اعلام تداوم کار از ساعت ۰۸۰۰ تا ۱۲۰۰ بازدید از سایر قسمتهای باقی‌مانده آمادگاه عمومی ۵۷۲ اصفهان.

پنج‌شنبه ۶۱/۷/۱۵ - از ساعت ۰۷۳۰ لغایت ۰۹۳۰ تحلیل و بررسی با حضور فرماندهان واحدهای مستقر در اصفهان و رئیس بیمارستان با توجه به اعلام قبلی بعضی از فرماندهان حضور نداشتند ساعت ۱۰۰۰ حرکت بسوی تهران.

سرپرست هیئت ارزشیابی و تعدیل پزشکی اعزامی از نزاجا
سرهنگ دکتر نامجونیک امضاء

اعضاء هیئت اعزامی پزشکی از نزاجا

۱ - سرهنگ دکتر نامجو نیک سرپرست هیئت

۲ - سرهنگ دکتر رهبری دامپزشک و عضو هیئت

۳ - سرهنگ دکتر مدنی داروساز و عضو هیئت

۴ - سرهنگ دکتر مهندس جاهد جاه عضو هیئت

۵ - سرهنگ ۲ دکتر صادقی پزشک و عضو هیئت

۶ - ستوان یکم خدام افسر خدمات و عضو هیئت

۷ - ستوان یار سوم خبازی رسته آجودانی و عضو هیئت

۸ - ضمناً راننده مینی بوس کارمند فنی محمدرضا طالبی می باشد.

گیرندگان

- ۱ - ف پشتیبانی منطقه ۳ (گردان اتوبوس) جهت آگاهی و درج مراتب مأموریت کارمند فنی محمد رضا طالبی راننده مینی بوس.
- ۲ - اداره مهندسی نزاجا جهت آگاهی و اقدام لازم در مورد افسر ردیف چهارم.
- ۳ - دایره پرسنل ابهی نزاجا جهت آگاهی و اقدام درمورد درج مراتب مأموریت پرسنل جمعی در دستور اداری .
- ۴ - ر - آمادگاه ۵۰۱ تهران جهت آگاهی و اعلام حضور افسر ردیف سوم.
- ۵ - ر - مرکز کنترل بازرسی مواد غذایی جهت آگاهی و اقدام تاریخ حضور افسر ردیف دوم.
- ۶ - ف پشتیبانی قرارگاه اداره جهت آگاهی و اعلام تاریخ حضور افسر ردیف ششم.



ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

۳

از: سرپرست هیئت اعزامی پزشکی به یگانهای بهداشتی درمانی نزا جا شماره: ۱۲۲-۱۹-۳۰۱

۱۶

به: ف نزا جا (معاونت پرسنلی - مدکارگزینی) تاریخ: ۶۱/۹/۶

۵-۱ موضوع: گزارش پایان کار بازدید از یگانهای مسیر چهارم

در اجرای امریه شماره ۱-۰۳-۷۰۱-ش-ن-۲-۵-۶۱ نزا جا هیئت اعزامی پزشکی به سرپرستی سرهنگ دکتر نامجونیک و سایر اعضاء (صورت اسامی پیوست) بشرح زیر از واحدهای مسیر چهارم بازدید نمودند مراتب جهت اطلاع و هرگونه اقدام بعرض میرسد.

شروع حرکت روز چهارشنبه ۱۹-۸-۶۱ ساعت ۰۶۰۰ صبح ورود به فرودگاه مهرآباد ساعت ۰۸۳۰ پرواز ورود به زاهدان ساعت ۱۰ صبح همان روز بازدید از بهداری لشکر ۸۸ زاهدان و بیمارستان متحرک صحرائی مشترک ارتش و بهداری منطقه سیستان و بلوچستان مستقر در کانون کارآموزی شهر زاهدان - پنج شنبه مورخه ۲۰-۸-۶۱ ساعت ۰۶۰۰ صبح حرکت از زاهدان بسوی خاش پس از بازدید از بهداری های دوپادگان خاش ساعت ۱۵۰۰ بازگشت بسوی زاهدان از ساعت ۱۷۰۰ تا ۱۸۳۰ هم آهنگی با مدیر کل بهداری منطقه بلوچستان و جلسه بحث و گفتگو با مسئولین لشکر ۸۸ از ساعت ۱۹۰۰ الی ۲۱۰۰ - جمعه ۲۱-۸-۶۱ ساعت ۰۸۰۰ صبح حرکت بسوی کرمان ورود به کرمان ساعت ۱۷۰۰ همان روز شنبه ۲۲-۸-۶۱ ساعت ۰۷۰۰ تا ۱۰۰۰ صبح بازدید از مرکز آموزش ۰۵ کرمان از ساعت ۱۰۰۰ صبح تا ساعت ۱۴۰۰ بازدید از بیمارستان ۵۷۶ کرمان از ساعت ۱۶۰۰ تا ساعت ۱۸۰۰ بازدید از آمادگاه مهمات باغین کرمان. یکشنبه ۲۳-۸-۶۱ ساعت ۰۷۰۰ تا ۱۰۰۰ بازدید از هوانیروز کرمان از ساعت ۱۰۰۰ تا ساعت ۱۴۰۰ بازدید از گردان ۵۱۵ و گروهان خدمات بهداری ۵۱۵ مسقر در کرمان از ساعت ۱۶۰۰ تا ساعت ۲۰۰۰ بررسی و هم آهنگی با حضور کلیه مسئولین یگانهای مستقر در کرمان سپس بترتیب زیر اعضاء به تهران مراجعت و از تاریخ ۲۶-۸-۱۳۶۱ به بازدید از یگانهای مقیم مرکز مشغول گردیده اند.

سرپرست هیئت اعزامی پزشکی به یگانهای بهداشتی درمان نزا جا - سرهنگ دکتر نامجونیک

اسامی اعضاء هیئت، تاریخ و نوع حرکت هریک از اعضاء

- ۱ - سرهنگ دکتر نامجونیک سرپرست هیئت ورود به تهران ۶۱/۸/۲۴
- ۲ - سرهنگ دکتر رهبری عضو هیئت حرکت (با هواپیما) مورخه ۶۱/۸/۱۹ ورود به تهران ۶۱/۸/۲۴
- ۳ - سرهنگ دکتر مدنی عضو هیئت حرکت (با هواپیما) مورخه ۶۱/۸/۱۹ ورود به تهران ۶۱/۸/۲۴
- ۴ - سرهنگ ۲ دکتر صادقی عضو هیئت حرکت (با هواپیما) مورخه ۶۱/۸/۱۹ ورود به تهران ۶۱/۸/۲۴
- ۵ - ستوان ۱ دکتر قدرت عضو هیئت حرکت (با هواپیما) مورخه ۶۱/۸/۱۹ بازگشت وسیله زمینی ۶۱/۸/۲۵

گیرندگان

- ۱ - ابهی نزاجا (پرسنل) جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم.
- ۲ - آمادگاه ۵۰۱ تهران جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم.
- ۳ - مرکز بازرسی و کنترل بهداشت مواد غذایی جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم.
- ۴ - لشکر ۸۸ زاهدان جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم درمورد مأموریت ستوانیکم دکتر قدرت.

هرمقدار که مقصود وایده انسان عظمت داشته باشد به همان مقدار باید تحمل زحمت بکنند

«امام خمینی»

مأموریت‌های پزشکان، تکنیسنهای پزشکی، پزشکیاران، افسران خدمات بهداشتی نذاا به مناطق عملیاتی در طول ۸ سال دفاع مقدس

همانطورکه در شرح بخشهای قبلی کتاب ذکرگردید درسال اول جنگ اعضاء گردانهای بهداشتی و بهداشتی یگانهای عملیاتی و بیمارستانهای منطقه ای پشتیبانیهای منطقه عملیات حضور مستقیم درانجام وظایف مربوطه داشتند.

از تاریخ استقرارمدیریت جدید اداره بهداشتی نذاا درتاریخ ۶۰/۸/۱۵ به تدریج با استفاده از امکانات سراسر نیروی زمینی وهم چنین انجام مأموریتهای تیمی ومقطعی پزشکان، پیراپزشکان و افسران خدمات بهداشتی وحتى با بابه‌ری گیری از مأموریت رزیدنتهای تخصصی که در دانشگاهها مشغول تحصیل بودند و دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و آموزشکده های تربیت تکنسین بیمارستانی و دانش آموزان آموزشگاههای بهیاری پاسخ چشم گیری به نیازمندیهای روزافزون مناطق عملیاتی داده شد.

بدیهی است استخراج ودرج اسامی کلیه این افراد شایسته وفداکار دراین تاریخ که نزدیک دوده از پایان جنگ می گذرد کارساده ای نیست. لذا سعی شده است نهایت تلاش برای جمع آوری اسامی آنان با ذکر مدت مأموریت قطعی آنان انجام گیرد. و وقفه ای در چاپ کتاب پیش نیاید، بدیهی است چنانچه درآتیه مجموعه های کاملتری بدست آید در چاپهای بعدی کتاب درج خواهد گردید.

ضمناً درجات نظامی این عزیزان درجاتی است که در زمان عملیات داشته اند وچنانچه بعدها ترفیعاتی گرفته ویا به درجات تخصصی نائل گردیده و یا مقامات ومسئولیتهای بالاتری کسب کرده اند ذکرنگردیده است.

علاوه براین ضروری است اضافه شود که پزشکان و پیراپزشکان وظیفه نیز به علت عدم دسترسی به اسامی آنان دراین مجموعه ذکر نشده است.

مأموریت‌های پزشکان، یگان‌های مستقر در خارج از منطقه عملیات نزا جا به مناطق عملیاتی
در طول ۸ سال دفاع مقدس

ردیف	درجه و رسته	نام و شهرت	یگان خدمتی	محل مأموریت	زمان مأموریت	توضیحات
۱	ستوان ۱ پزشک	یوسف آبادی	بیمه پیرانشهر	بیمه پیرانشهر	سال ۶۱	
۲	سرهنگ دندانپزشک	خسرو نامجو نیک	اداره بهی نزا جا	منطقه جنوب اهواز	سال ۶۱	معاون اداره بهی نزا جا ادامه حضور در مناطق تا ۶۷
۳	=	علی نامی	=	=	سال ۶۱	جمعی بهی نزا جا در مرکز
۴	= جراح عمومی	شجاع طباطبائی	بیمه ۵۰۱ ت	=	سال ۶۱	نامبرده بدفعات تا سال ۶۵ در مناطق عملیاتی مأمور بوده
۵	= پزشک بیهوشی	میر پوریان	بیمه ۵۰۲ ت	=	سال ۶۱	نامبرده تا سال ۶۴ در مناطق عملیاتی حضور داشته
۶	= جراح عمومی	کنی	بیمه مشهد	=	سال ۶۱	حضور در بیمه اهواز و سایر مناطق عملیاتی تا ۶۶
۷	سرهنگ ۲ پزشک	محمد مهدی صادقی	اداره بهی نزا جا	=	سال ۶۱	تا سال ۶۳ نماینده بهی در مناطق عملیاتی بوده
۸	سرهنگ پزشک	ابوالقاسم امیری	بیمه ۵۰۱ ت	=	سال ۶۱	تا سال ۶۴ در مناطق عملیاتی حضور داشته است.
۹	=	جوانشیر	بیمه خانواده ت	= بیمه ص	سال ۶۲	تا سال ۶۵ حضور داشته
۱۰	= جراح عمومی	قدسی زاده	بیمه ۵۰۱ ت	= بیمه ص	سال ۶۲	تا سال ۶۴ مناطق جنوب و غرب شرکت داشته است.
۱۱	=	شریف نیا	بیمه قوچان	= بیمه ص	سال ۶۲	تا سال ۶۵ مناطق جنوب و غرب شرکت داشته
۱۲	=	مرادی	بیمه خرم آباد	= بیمه ص	سال ۶۲	تا سال ۶۶ مناطق عملیاتی

۱. نظر به اینکه از آغاز جنگ سرهنگ دکتر علی اکبر رفیعی دندانپزشک جمعی بیمارستان اهواز بجای رئیس بیمارستان مشغول خدمت بوده و در اسفند ماه ۱۳۵۹ بر حسب ضرورت از مرخصی استفاده کرد. دکتر نامجونیک در فروردین سال ۱۳۶۰ داوطلبانه به جای وی در بیمارستان خدمت کرده و متعاقب آن از تاریخ ۶۰/۵/۱۴ تا ۶۰/۸/۱ نیز به عنوان سرپرست بیمارستان اهواز در خدمت رزمندگان بوده است.

۱۳	=	تجاره	بیمه قزوین	= بیمه ص	سال ۶۲	تا سال ۶۶ مناطق عملیاتی حضور داشته
۱۴	=	سیدرضوی	بیمه قزوین	= جنوب و غرب	سال ۶۲	تا سال ۶۶ مناطق عملیاتی
۱۵	= جراح قفسه سینه	عبدالله تعقل	بیمه ۵۰۲ ت	در مناطق دزفول	سال ۶۲	مناطق عملیاتی تا سال ۶۴
۱۶	سروان جراح عمومی	طباطبایی	بیمه سنندج	م ع جنوب بیمه صحرایی	سال ۶۲	تا سال ۶۳ در مناطق عملیاتی حضور داشته
۱۷	سرهنک بیهوشی	طهرانچی	بیمه ۵۰۲ ت	م ع جنوب	سال ۶۲	تا سال ۶۳ در مناطق عملیاتی حضور داشته
۱۸	سرهنک جراح و اعصاب و مغز	فیروز بخش	بیمه خانواده ت	بیمه پایگاه وحدتی جنوب	سال ۶۲	تا سال ۶۴ در بیمه منطقه و صحرایی حضور داشته است
۱۹	سروان پزشک عمومی	قدرت	نماینده بهی نزا	منطقه ع جنوب	سال ۶۲	تا سال ۶۳ در مناطق عملیاتی حضور داشته
۲۰	ستوان پزشک عمومی	توانا	= در م عملیاتی	=	سال ۶۲	تا سال ۶۳ در مناطق ع حضور داشته است
۲۱	سروان جراح	مرزبان راد	=	=	سال ۶۲	در بیمه صحرایی تا سال ۶۶ حضور داشته
۲۲	ستوان پزشک عمومی	خدارحمی	پش م ۳	منطقه عملیاتی جنوب و غرب	سال ۶۲ و ۶۵	تا سال ۶۷ در مناطق ع غرب و شمال غرب حضور داشته
۲۳	سرهنک جراح عمومی	مجد	بیمه م سنندج	بیمه سنندج	سال ۶۲	تا سال ۶۷ در م ع غرب و شمال غرب و ع کله قندی در بیمه صحرایی حضور داشته
۲۴	سروان پزشک عمومی	قاسمی	پس م ۳	در مناطق جنوب	سال ۶۲	در م غرب در بیمه سومار شیمیایی شده و به خارج اعزام و جان باز شیمیایی تا ۶۵
۲۵	سرهنک جراح عمومی	دزفولیان	بیمه خانواده	مناطق جنوب	سال ۶۲	در عملیات جنوب و غرب نفت شهرو سومار تا سال ۶۵
۲۶	سرگرد جراحی عمومی	حاج رسولیها	بیمه م اهواز	مناطق جنوب	سال ۶۲	در موریت جنوب و غرب تا ۶۵ متوفای سال ۸۵
۲۷	سرهنک جراح عمومی	رضا اکرمی	بیمه ۵۰۲ ت	مناطق جنوب	سال ۶۲	در عملیات جنوب و غرب و شمال غرب تا سال ۶۵
۲۸	کارمند جراح عمومی	فرخی	بیمه ۵۰۱ ت	مناطق جنوب	سال ۶۲	در عملیات غرب و شمال غرب شرکت داشته تا ۶۶
۲۹	سرهنک بیهوشی	کاووسی	بیمه خانواده ت	مناطق جنوب	سال ۶۲	در عملیات غرب تا سال ۶۴

۱۸۴ / تاریخچه طب نظامی

			و غرب		شرکت داشته.
۳۰	سرهنک بیهوشی	بلندی	بیما م اصفهان	مناطق جنوب	سال ۶۲ = = =
۳۱	سروان پزشک عمومی	سواد کوهی	بیما دزفول	مناطق جنوب	سال ۶۲ در بیما م ص حمید شرکت داشته تاسالهای ۶۶ و ۶۷
۳۲	سروان بیهوشی	کیکاوس ایزدی	بیما اهواز	مناطق جنوب	سال ۶۲ تا سال ۶۴ در عملیات غرب شرکت داشته است
۳۳	سرهنک پرشک عمومی	نورانی (متوفای ۸۳)	اداره بهی نزاجا	مناطق جنوب	سال ۶۲ تاسال ۶۳ معاونت عملیات مناطق جنوب حضور فعالیت
۳۴	سرهنک بیهوشی	خدائی	بیما ۵۰۵ ت	مناطق جنوب	سال ۶۲ تاسالهای ۶۴ در عملیات و بیما صحرایی حضور داشته
۳۵	سروان داروساز	طاهریان	بیما م مراغه	مناطق جنوب	سال ۶۳ تا سال ۶۴ بعنوان نماینده ا بهی در مناطق حضور داشته
۳۶	سروان پزشک عمومی	محمد تقی ثابتی		مناطق جنوب	سال ۶۳ تاسال ۶۴ در مناطق عملیاتی مأمور بوده
۳۷	سروان پزشک عمومی	مصطفوی	بیما م مراغه	مناطق جنوب	سال ۶۳ تا سال ۶۴ در بیما ص حمید حضور داشته
۳۸	ستوانیکم پزشک عمومی	علوی	جمعی ل ۸۱	مناطق جنوب	سال ۶۳ تاسال ۶۴ مناطق غرب نماینده ا بهی نزاجا بوده
۳۹	سروان بیهوشی	محمد اسماء یل سخاوت	بیما ۵۰۲ ت	مناطق جنوب	سال ۶۳ تاسال ۶۴ در عملیات غرب و شمال غرب شرکت داشته (متوفی)
۴۰	سروان پزشک عمومی	محمد علی نوبهاری	بیما خانواده ت	مناطق جنوب	سال ۶۳ تا سال ۶۷ در مناطق شمال غرب حضور داشته
۴۱	سروان بیهوشی	مجید صانعی	بیما م پیرانشهر	مناطق جنوب و غرب	سال ۶۳ در سالهای ۶۶ و ۶۷ عملیات غرب حضور داشته
۴۲	سروان بیهوشی	محمد رحیم بصیرت دهکردی	بیما م ارمیه	عملیات غرب	سال ۶۳ تا سال ۶۶ شرکت داشته است
۴۳	سرهنک ۲ جراح مغزو اعصاب	تکلی	بیما خانواده ت	منطقه جنوب	سال ۶۳ بیما صحرایی جنوب
۴۴	ستوانیکم پزشک عمومی	موسوی نیک	جمعی ل ۸۱	مناطق جنوب	سال ۶۳ تاسال ۶۵ در غرب نیز شرکت داشته است
۴۵	سرهنک بیهوشی	عظیمی	بیما م خرم آباد	منطقه جنوب	سال ۶۳ در بیمارستان صحرایی حسینی جنوب شرکت داشته

پیوسته/۱۸۵

۴۶	سرهنک بیهوشی	ترسلی	بیما ۵۰۲ ت	منطقه جنوب	سال ۶۴	تا سال ۶۶ در بیمارستان صحرایی حسینیه جنوب و غرب و شمال غرب
۴۷	سروان بیهوشی	صبری	بیما ایرانشهر واصفهان	منطقه شمالی غرب	سال ۶۴	در عملیات جنوب بیما ص شهید بقایی دزفول شرکت داشته
۴۸	ستوانیکم پزشک عمومی	زمانی	آموزش ۰۵ کرمان	مناطق جنوب	سال ۶۴	در منطقه عملیاتی غرب شرکت داشته
۴۹	سروان پزشک عمومی	باستار	بیما ۵۰۲ ت	منطقه جنوب	سال ۶۴	تا سال ۶۵ در بیما شهید بقایی دزفول و بیما حسینیه اهواز
۵۰	سروان پزشک عمومی	مصطفی پور	بیما مراغه	مناطق جنوب و غرب	سال ۶۴	تا سال ۶۶ منطقه عملیاتی غرب
۵۱	سرگرد جراح عمومی	غلامرضا صدر خانلو	بیما پیرانشهر	مناطق عملیاتی پیرانشهر	سال ۶۴	تا سال ۶۶ مناطق عملیاتی غرب و شمال غرب شرکت داشته
۵۲	سرگرد جراح عمومی	بهزاد رحمانی	جراح بیما ۵۰۲ ت	مناطق عملیاتی غرب	سال ۶۴	در عملیات غرب و شمال غرب شرکت داشته است.
۵۳	کارمند جراح عمومی	حیدر زاده	بیما خانواده ت	منطق جنوب بیما حسینیه اهواز	سال ۶۴	تا سالهای ۷۱ در عملیات غرب و شمال غرب شرکت داشته
۵۴	سرهنک جراح عمومی	شفائی	بیما مراغه	منطقه غرب	سال ۶۴	در مناطق عملیاتی غرب و شمال غرب شرکت داشته
۵۵	سرگرد جراح عمومی	هجرتی	رزیدنت جراحی	منطقه غرب بیما سومار	سال ۶۵	در بیمارستان سومار شیمیایی و شهید گردید
۵۶	سروان جراح عمومی	خدادوست	بیما سنجندج	منطقه غرب	سال ۶۵	تا سال ۶۷ در بیما ص نفت شهر عملیات غرب و شمال غرب شرکت
۵۷	سروان پزشک عمومی	گل محمدی نقشینه		جبهه عملیاتی غرب	سال ۶۵	در ادامه عملیات غرب شرکت داشته
۵۸	سروان جراح عمومی	جواد پی سپار		جبهه غرب سومار	سال ۶۵	تا سال ۶۷ در بیمارستان ص سومار شرکت داشته است
۵۹	سروان پزشک عمومی	اسدی		ق ع غرب	سال ۶۵	تا سال ۶۶ در غرب شرکت داشته
۶۰	ستوانیکم پزشک عمومی	جواد پورلک	بیما ۵۰۶ ت	ق ع غرب سومار	سال ۶۶	در معیت تیم های پزشکی در عملیات غرب و شمال غرب شرکت
۶۱	سروان پزشک عمومی	صادقی	بیما م خرم آباد	ع غرب سومار	سال ۶۶	در ادامه عملیات در غرب شرکت داشته

۶۲	سروان پزشک جراحی عمومی	نیک پی		ع غرب سومار	سال ۶۶	تا سال ۶۷ در عملیات بیا سومار شمالغرب شرکت داشته
۶۳	سرهنگ جراحی عمومی	معظمی	بیما م کرمانشاه	ع غرب وسومار	سال ۶۶	در غرب حضور داشته است
۶۴	سرگرد اورتوپد	صادقی	رزیدنت اورتوپدی	عملیات غرب	سال ۶۶	تا سال ۶۶ در بیمارستان شهرستان ایلام و در بیمارستان صریوان حضور داشته
۶۵	سروان پزشک عمومی	قیاسی نژاد		عملیات غرب	سال ۶۶	به بیمارستان ایلام مأمور بوده
۶۶	سرهنگ جراحی عمومی	شایق	بیما ۵۰۱ ت	عملیات غرب	سال ۶۶	تا سال ۶۷ غرب و شمالغرب حضور داشته
۶۷	سروان پزشک عمومی	داود بیگی		عملیات غرب	سال ۶۶	در ادامه منطقه عملیات شرکت داشته است
۶۸	سروان پزشک عمومی	عباسی		منطقه عملیات غرب	سال ۶۶	
۶۹	سروان پزشک عمومی	رضایی مقدم	جمعی ل ۵۸ ذوالفقار	منطقه عملیات غرب	سال ۶۶	
۷۰	سرگرد پزشک عمومی	مرادی	بیما م شیراز	مأموریت غرب	سال ۶۶	
۷۱	سروان پزشک عمومی	اکرمی	پش م ۳	مأموریت غرب	سال ۶۶	تا سال ۶۷ در بیمارستان صریوان شرکت داشته
۷۲	سرگرد اورتوپد	هرندی زاده	بیما اصفهان	مأموریت شمالغرب	سال ۶۷	در عملیات تپه های کله ندی بیمارستان کولان شرکت داشته
۷۳	سرهنگ جراح عمومی	طباطبائی	بیما مشهد	عملیات شمالغرب	سال ۶۷	شرکت در مأموریت بیمارستان کولان
۷۴	سرهنگ جراح عمومی	حمیدی شیشوان	بیما ارومیه	عملیات شمالغرب	سال ۶۷	حضور در بیمارستان کولان در فروردین تپه های کله قندی
۷۵	سروان پزشک عمومی	داودی	بیما کرمانشاه	مناطق غرب	سال ۶۶	
۷۶	سروان پزشک عمومی	نامدار پور	بیما کرمانشاه	مناطق غرب	سال ۶۶	
۷۷	سروان جراح	شاكران		منطقه شمالغرب	سال ۷۱	در بیمارستان صحرایی کولان
۷۸	سرگرد جراح مغز	داود پور		بیمارستان کولان	سال ۶۷	عملیات منطقه مریوان
۷۹	سرهنگ جراح قلب	طباطبایی	بیما ۵۰۲ ت	بیمارستان کولان	سال ۶۷	در منطقه عملیاتی مریوان
۸۰	سرهنگ جراح عمومی	مهدی ارجمندی	بیما ۵۰۲	منطقه جنوب	سال ۶۳	مأموریت های متعدد در تیم جراحی

اسامی تکنسینها و پرستار و بهیاران مأمور در مناطق عملیاتی نذا در طول ۸ سال دفاع مقدس

ردیف	درجه و رسته	نام و شهرت	یگان خدمتی	محل مأموریت	زمان مأموریت	ملاحظات
۱	استوار بهیار	گوئینی	بیما م اهواز	اهواز	سال ۶۰	تا سال ۶۵ در بهداری فرودگاه اهواز مسئول مواظبت درمانی مصدومین و مجروحین اعزامی هوایی از اهواز بوده و تمام آمار و مشخصات آنان را ثبت می نمود.
۲	کارمند نرس	فراهانی	اداره بهی نذا	بیما م اهواز	سال ۶۱	نامبرده رئیس دایره پرستاری بهی نذا بوده و در عملیات سال ۶۵ غرب در بیما کرمانشاه نیز حضور داشته.
۳	استوار بهیار	مظفر گودرزی	بیما خرم آباد	منطقه عملیاتی جنوب	سال ۶۲	وی تا سال ۶۵ در مناطق عملیاتی فعالانه حضور داشته و نماینده بهی نذا بوده است.
۴	ستوانیکم بیهوشی تکنیسین	خواجو	بیما اهواز	منطقه عملیاتی جنوب	سال ۶۳	نامبرده در بیما ص شهید مخبری چنانچه ماموریت بوده.
۵	ستوانیار ۳ بهیار	محمد صادق جعفری		منطقه عملیاتی جنوب	سال ۶۴	نامبرده در منطقه عملیات جنوب و غرب حضور داشته
۶	ستوانیار بهیار	قاسم موسی زاده	بیما م سراب	بیما ص سومار	سال ۶۵	
۷	ستوانیکم تکنیسین بیهوشی	ابراهیم کار	بیما شیراز	منطقه عملیات غرب	سال ۶۶	نامبرده در بیما سومار فعالیت داشته

اسامی افسران خدمات بهداشتی و پرسنل غیر رسته بهداشتی مأمور دریگانهای بهداشتی مناطق

عملیاتی (نزا) ^۱

ردیف	درجه و رسته	نام و شهرت	یگان خدمتی	محل مأموریت	زمان مأموریت	ملاحظات
۱	سروان خدمات بهی	کاظم زاده	پش م ۳ تهران	بیمار شهید مخبری چنانه	سال ۶۱	تا سال ۶۴ نیز مأمور بوده
۲	سروان خدمات بهی	شیخ الاسلامی	پش م ۲ شیراز	=	سال ۶۴	به دفعات مأمور در بیمارستان بوده
۳	ستوان ۲ خ بهی	نگارستانی	=	=	سال ۶۴	به دفعات مأمور در بیمارستان بوده
۴	ستوان ۲ خ بهی	عبدالحسین رایگان	=	=	سال ۶۴	به دفعات مأمور در بیمارستان بوده
۵	سروان خ بهی	حیدری	پش م ۳ ت گردان خ بهی ۵۴۳ لوج	بیمار حسینی جنوب	سال ۶۵	در جاده بین آبادان و اهواز
۶	سروان خ بهی	محمد رضا طالبی	پش م ۱ در دپوی دزفول جنوب	منطقه عملیاتی	سال ۶۱	تا سال ۶۴ در مناطق جنوب فعالیت داشته
۷	سروان خ بهی	حسینی	پش م ۳ تهران	منطقه غرب	سال ۶۵	در منطقه گیلان غرب ش.م.ر فعالیت داشته
۸	ستوان ۱ خ بهی	اسماعیل صمدی	پش م ۳ تهران	بیمار شهید مخبری	سال ۶۵	تا سال ۶۶ در بیمارستان فعالیت داشته
۹	ستوانیار ترابری	حیدریاری	پش م ۳ تهران	در بیمارستان سومار	سال ۶۵	مأموریت در بیمارستان سومار و مسئول اقلام و کنترل پرسنل
۱۰	استوار ۱ مخ	توکل اسلامی	ل ۹۲ اهواز	مناطق جنوب و غرب	سال ۶۱	در بیمارستان صحرایی تعمیر و وسائل مناطق جنوب و غرب فعالیت داشته

۱. در لیست پرسنل مأمور در مناطق عملیاتی احتمال از قلم افتادگی وجود دارد.

۳. مأموریت‌های پزشکان نه‌جا در طول هشت سال دفاع مقدس

ردیف	درجه	نام و نشان	تاریخ اعزام	تاریخ مراجعت	محل اعزام	ملاحظات
۱	سرتیپ ۲ دکتر	برزو رشیدی	۶۶/۲/۱ ۶۶/۲/۱۵ ۶۶/۹/۱	۶۶/۲/۱۵ ۶۶/۲/۳۱ ۶۶/۹/۱۵	جنوب هلال احمر جنوب کربلای ۵ جنوب گردان سقر	
۲	سرتیپ ۲ دکتر	محمدحسین لشگری	۵۹/۹/۱ ۶۷/۲/۱	۶۱/۹/۱ ۶۷/۳/۱	جاسک سومار	
۳	سرتیپ ۲ دکتر	حمیدرضاکنگرلو	۶۲/۱/۲۰ ۶۵/۴/۱ ۶۳/۱۰/۱ ۵۷/۱۰/۱۰ ۶۱/۱۱/۱۸	۶۲/۲/۲۰ ۶۵/۵/۱ ۶۳/۱۱/۱ ۵۸/۱۰/۲۵ ۶۱/۱۲/۷	دزفول بوشهر اهواز جاسک منطقه شوش	
۴	سرهنگ دکتر	اباذر خاکباز	۶۳/۷/۲۴	۶۸/۶/۲۰	دزفول	
۵	سرهنگ دکتر	بهرام منتظری	۶۵/۱/۲۱	۶۶/۵/۲۷	خارک	
۶	سرهنگ دکتر	علی اکبر عزیزبان روحی	۵۹/۷/۲۶ ۶۰/۴/۲۵	۵۹/۱۰/۱۳ ۵۹/۶/۹	سرپل ذهاب کرمانشاه	
۷	سرهنگ دکتر	محسن کنیری	۶۶/۳/۳۰ ۶۴/۷/۱۶	۶۷/۶/۳۱ ۶۵/۷/۳۰	آبدانان اندیمشک	
۸	سرهنگ دکتر	رضا ابطحی	۶۵/۱۱/۲۹	۶۵/۱۲/۲۹	پدافند اهواز	
۹	سرهنگ دکتر	علی اسماعیلی تباراشی	۶۵/۴/۲۱	۶۹/۶/۲۵	امیدیه اهواز	
۱۰	سرهنگ دکتر	قربان ابراهیم گل	۶۴/۳/۲۶	۶۵/۵/۱	خارک	

۱۹۰ / تاریخچه طب نظامی

۱۱	سرهنگ دکتر	محمد مهدی احمدیان	۶۱/۱/۱ ۶۷/۲/۱	۶۶/۲/۱ ۶۷/۲/۲	خارک اهواز	
۱۲	سرهنگ دکتر	ابوالقاسم احمدزاده	۶۳/۶/۱	۶۷/۷/۳۰	امیدیه اهواز	
۱۳	سرهنگ دکتر	حبیب الله ابراهیمی	۶۰/۱۲/۲۳	۶۴/۳/۴	امیدیه اهواز	
۱۴	دکتر	محسن عرفنیا	۶۳/۸/۲۰	۶۸/۸/۲۳	جاسک	
۱۵	سرهنگ دکتر	خشایار ارفعی	۶۴/۱۱/۵	۶۵/۳/۹	جاسک	
۱۶	دکتر	حمیداحمدیان بهروز	۶۱/۷/۲۵	۶۴/۸/۲۶	دزفول	
۱۷	سرهنگ دکتر	مجید آریان	۵۹/۸/۱	۶۰/۴/۱	امیدیه اهواز	
۱۸	سرهنگ دکتر	اردشیر امیری	۶۴/۷/۶	۶۷/۷/۲۳	دزفول	
۱۹	دکتر	بهروز پشتیبان	۶۴/۸/۲۰	۶۷/۲/۲۳	جاسک	
۲۰	سرهنگ دکتر	احمد بنی ابراهیمی	۶۳/۴/۲۵	۶۹/۷/۱۷	امیدیه اهواز	
۲۱	سرتیپ ۲ دکتر	بهرام بیات	۵۸/۱۱/۱۰	۶۰/۲/۱۵	دزفول	
۲۲	سرهنگ دکتر	حسین پورعبداللهی	۶۴/۸/۱۸	۶۷/۲/۱۲	آبدانان	
۲۳	سرهنگ دکتر	عباسعلی جلالی	۶۰/۱۰/۷	۶۳/۷/۱۰	جاسک	
۲۴	سرهنگ دکتر	مصطفوی تقوی	۶۶/۱۲/۱	۶۸/۵/۲	خارک	
۲۵	سرهنگ دکتر	مسعود توسلیان	۶۲/۱۰/۲۶	۶۷/۵/۲۶	دزفول	
۲۶	سرهنگ دکتر	عبدالحمید حاجبی	۶۵/۶/۷	۶۸/۱۰/۱	دزفول	
۲۷	سرهنگ دکتر	وحید زرازوند	۵۸/۸/۵	۶۱/۸/۲	دزفول	

۲۸	دکتر	داود زندی	۶۱/۳/۱۲	۶۳/۶/۸	دزفول
۲۹	سرهنک	فواد دهقانی	۶۲/۱/۴	۶۲/۱/۱۷	دزفول
	دکتر		۶۱/۱۱/۲۴	۶۱/۱۲/۲۵	دزفول
				۶۲/۲/۱	۶۵/۳/۲۵
۳۰	سرهنک دکتر	رحیم روح الهی	۶۰/۳/۱۰	۶۳/۷/۲	امیدیه
۳۱	سرهنک دکتر	محمدرضا ایران نژاد	۶۱/۶/۳۰	۶۱/۹/۹	دزفول
۳۲	سرهنک دکتر	حسین سلیمیان	۶۳/۳/۱۶	۶۷/۱۱/۲	خارک
۳۳	سرهنک دکتر	علی اکبر شهوه	۶۳/۵/۲۵	۶۴/۷/۱۴	خارک
۳۴	سرهنک دکتر	سعید صفایی	۵۹/۱/۱	۶۰/۱۱/۲۴	آبدانان
۳۵	سرهنک دکتر	محمد ابراهیم صالحی	۶۶/۶/۱۱	۷۱/۱/۱۹	امیدیه
۳۶	سرهنک دکتر	یوسفعلی صادق زاده	۶۵/۳/۱۵	۷۰/۲/۱۵	دزفول
۳۷	سرهنک دکتر	احمد طباطبایی	۶۲/۲/۲۴	۶۲/۹/۱۲	جاسک
۳۸	سرهنک دکتر	هادی طباطبایی	۶۲/۱۱/۸	۶۸/۵/۲	دزفول
۳۹	سرهنک دکتر	رحمت الله ضیائی	۶۳/۴/۲۳	۶۸/۵/۱۵	دزفول
۴۰	سرهنک دکتر	مهیار قاسمی	۶۲/۵/۱	۶۸/۴/۱۵	دزفول
۴۱	سرهنک دکتر	وحید کاظم قمصدی	۶۶/۹/۱۰	۶۹/۱/۸	اهواز
۴۲	سرهنک دکتر	سیداحمد فاضلی ایزدویسی	۶۳/۸/۱	۶۶/۵/۱۵	اهواز

۱۹۲ / تاریخچه طب نظامی

۴۳	سرهنگ دکتر	فرهاد فلاحی	۶۶/۶/۱۰	۷۲/۸/۱۵	امیدیه	
۴۴	سرهنگ دکتر	هادی فغانزاده	۶۰/۸/۱۱	۶۳/۸/۱۴	دزفول	
۴۵	سرهنگ دکتر	نجف فاضلی	۶۷/۴/۷	۶۸/۵/۸	خارک	۴۳٪ جانباز
۴۶	سرهنگ دکتر	رحیم عیوض محمدی	۶۶/۲/۱	۶۷/۳/۲۹	دزفول	
۴۷	سرهنگ دکتر	عبدالرحیم مولایی	۶۲/۵/۲۹	۶۶/۳/۹	دزفول	
۴۸	سرهنگ دکتر	مهرداد محسن سلیم	۶۶/۴/۳	۶۶/۵/۳	دزفول	
۴۹	سرهنگ دکتر	داود معینیان	۶۳/۸/۱۵	۶۶/۲/۲۸	دزفول	
۵۰	سرهنگ دکتر	عبدالعلی مولا	۶۲/۷/۱۵ ۶۲/۷/۱۵	۶۸/۳/۱ ۶۷/۱۱/۲۴	چابهار دزفول	
۵۱	سرهنگ دکتر	محمدحسین مهرزادی	۶۶/۱/۱۶	۶۸/۳/۱۳	دزفول	
۵۲	سرهنگ دکتر	اسماعیل کاشی	۶۳/۴/۲	۶۸/۵/۲۳	دزفول	
۵۳	سرهنگ دکتر	رحیم کشاورز	۶۳/۳/۵	۶۵/۹/۵	امیدیه	
۵۴	سرهنگ دکتر	سعید عبدالهی	مدت	۲۳روز	خارک	
۵۵	سرهنگ دکتر	وحید عابدین زاده	۶۳/۳/۱۲	۶۴/۷/۲۸	آبدانان	
۵۶	سرهنگ دکتر	محمد باقر منوری	۶۳/۸/۱۵	۶۷/۸/۱۵	امیدیه	
۵۷	سرهنگ دکتر	مشیرمومنی موگویی	۶۳/۴/۱۵	۶۴/۳/۵	خارک	

۵۸	سرهنگ دکتر	محمد تقی محتسبی	۶۴/۹/۱۹	۶۵/۹/۲۲	امیدیه	
۵۹	سرهنگ دکتر	حسن نوبری	۶۵/۵/۱۵	۶۶/۶/۲۴	خارک	
۶۰	سرهنگ دکتر	علی نیکزاد	۶۳/۸/۱۵	۶۷/۷/۱۵	دزفول	
۶۱	سرهنگ دکتر	رضا یونسی	۶۵/۲/۲۵	۶۷/۷/۲۳	آبدانان	
۶۲	سرهنگ دکتر	میرزا خانی	۶۶/۳/۲۵	۶۶/۱۲/۲۵	خارک	
۶۳	سرهنگ دکتر	علی وارسته نژاد	۶۱/۹/۱	۶۳/۸/۲	جاسک	
۶۴	سرهنگ دکتر	یوسفعلی صادق زاده	۵۹/۱۰/۲۸ ۶۰/۴/۱۵ ۶۱/۹/۹ ۶۱/۱۰/۲۸ ۶۳/۱۰/۲۶ ۶۴/۲/۲۱		فارسیان اهواز تنگ حاجیان سرپل ذهاب سرپل ذهاب سرپل ذهاب سرپل ذهاب دزفول	
۶۵	سرهنگ دکتر	محمد یوسف زاده	۶۱/۲/۱ ۶۱/۷/۱ ۶۵/۲/۱ ۶۵/۱۰/۱		گیلان غرب مشهد آبادان تیپ ویژه شهدا خرمشهر شلمچه	
۶۶	سرهنگ دکتر	فرامرز وقف رحمانی	سال ۶۵ سال ۶۶ سال ۶۸		ماورت عراق سلیمانیه عراق خارک	
۶۷	سرهنگ دکتر	محمد حسن فتح الله زاد	۶۴/۳/۱ ۶۵/۱/۱ ۶۴/۲/۱		جبهه جنوب سلیمانیه عراق جبهه جنوب	

۱۹۴ / تاریخچه طب نظامی

۶۸	سرهنگ دکتر	سهراب نخعی آشتیانی	۶۲/۶/۱۶	۶۲/۶/۳۱	کیش	
۶۹	سرهنگ دکتر	محمد رضا صمد پوراملشی	۶۳/۳/۱۹ ۶۲/۳/۱۲ ۶۲/۷/۲۸ ۶۱/۸/۱۲ ۶۰/۶/۱۰	۶۳/۴/۱۹ ۶۲/۳/۱۹ ۶۲/۸/۱۵ ۶۱/۸/۲۳ ۶۰/۶/۱۹	باختران دزفول دزفول بوشهر دزفول	
۷۰	دکتر	صدیقه بروجردیان	۶۳/۶/۱	۶۳/۶/۱۰	امیدیه اهواز	
۷۱	دکتر	علیرضا تسلیمی	۶۱/۸/۱	۶۱/۹/۴	امیدیه اهواز	

()

ردیف	نام خانوادگی	نام	نام پدر	درجه هنگام شهادت	محل خدمت	نوع عضویت	محل شهادت	تاریخ شهادت	درجه حقوقی در سال ۱۳۸۷
۱	ابراهیمی	رضا	محمد تقی	سرهنگ ۲	لشکر ۶۴	کادر	زنجان (میانه)	۱۳۶۳/۵/۱۵	سرلشکر
۲	اسدزاده ابکنار	محمود	محرمعلی	استوار دوم	لشکر ۸۴	کادر	فکه	۱۳۶۲/۱/۲۶	سرهنگ ۲
۳	اشرف پور	الله وردی	محمد باقر	سرگرد پزشک	لشکر ۳۰ گرگان	کادر	بانه - بناب	۱۳۶۵/۱۱/۱۹	سرلشکر
۴	آقایی سلطانی	لطف الله	غلامحسین	سروان	لشکر ۲۸	کادر	مریوان	۱۳۶۷/۲/۲۸	سرتیپ
۵	اکبری	علیرضا	حسن	استوار دوم	لشکر ۸۱	کادر	سومار	۱۳۷۱/۱۲/۱	ستوانیکم
۶	امانی	احمد	بوچان	گروهبان یکم	لشکر ۲۸	کادر	کامیاران	۱۳۵۹/۹/۱۸	ستوانیکم
۷	برادران آق قلعہ	عادل	دهده کش	استوار دوم	لشکر ۲۸ سنندج	کادر	مریوان	۱۳۶۵/۳/۲۵	سرهنگ ۲
۸	پراور	رحیم	کریم	گروهبان یکم	تیپ ۶۵ نیروی مخصوص لشکر ۷۷	کادر	میمه - موسیان	۱۳۷۴/۵/۱۴	ستوانیکم
۹	پورقانی فراهانی	شفیع	محمد	کارمند علمی	اداره بهداری نزاجا	کادر	غرب کشور	۱۳۵۹/۱۰/۲۸	سرتیپ ۲
۱۰	پورمهدی	غلام حسین	احمد	سروان (دامپزشک)	دانشگاه افسری	کادر	شوش - دارخوین	۱۳۶۰/۱۰/۲۶	سرلشکر
۱۱	توکلی	محمد صالح	لطیف	ستوانیار سوم	لشکر ۸۸ زرهی	کادر	سومار	۱۳۶۶/۷/۱۶	سرگرد
۱۲	توکلی فرد	مرتضی	محمد	استوار دوم	لشکر ۲۱ حمزه	کادر	ایلام - سومار	۱۳۵۹/۷/۲۰	سرهنگ ۲
۱۳	جمشید پور	سلمان	محمد	استوار دوم	لشکر ۸۱	کادر	نفت شهر	۱۳۷۱/۱۲/۱	سرگرد
۱۴	حسینی	سید ناصر	سید هادی	گروهبان یکم	تیپ ۵۵ هوابرد	کادر	محور شیراز	۱۳۶۷/۹/۲۹	سروان

۱۹۶ / تاریخچه طب نظامی

۱۵	خادمی	علی اکبر	محمد تقی	ستوان سوم	لشکر ۲۱ حمزه	کادر	بروجرد	۱۳۶۷/۲/۱۴	سرهنگ ۲
۱۶	خسروی	ایرج	احمد	ستوان دوم (دانشجو)	دانشگاه افسری	کادر	دارخوین	۱۳۶۱/۱/۴	سرلشکر
۱۷	دفت هاشمی	سید محمد	عبدالحسین	استوار یکم	هوانیروز	کادر	مسجد سلیمان	۱۳۵۹/۷/۳۰	سرگرد
۱۸	دلیر مقدم	سید حسن	سید مهدی	گروه بان یکم	لشکر ۷۷ خراسان	کادر	غرب کشور	۱۳۶۵/۱/۲۸	سرهنگ ۲
۱۹	ذاکری معین آبادی	حسین علی	رحمت الله	ستوان یکم پزشک	دانشگاه افسری	کادر	شوش	۱۳۶۱/۱/۳	سرلشکر
۲۰	ذاکریان	سلیمان	علی اکبر	ستوان دوم	لشکر ۳۰ گرگان	کادر	چناره - مریوان	۱۳۶۲/۷/۷	سرهنگ ۲
۲۱	ذکریا	حسین	عباس	سرگرد	تیپ ۵۵ هواپرد	کادر	سومار	۱۳۶۷/۴/۳۱	سرلشکر
۲۲	رئوفی زادگان	مجید	احمد علی	استوار دوم	لشکر ۲۳ تکاور	کادر	فکه	۱۳۷۶/۱۱/۱۷	ستوان یکم
۲۳	رئوسی	محمد رضا	علی	گروه بان یکم	تیپ ۶۵ نیروی مخصوص	کادر	سومار	۱۳۷۴/۱۰/۱۲	ستوان دوم
۲۴	رجبی	احمد	محمد	استوار دوم	لشکر ۲۱ حمزه	کادر	فاو	۱۳۶۴/۱۲/۱۶	سرهنگ ۲
۲۵	رخشائی	حمید	محمد امین	سروان پزشک	لشکر ۹۲ زرهی	کادر	کوشک	۱۳۶۲/۱/۲۲	سرلشکر
۲۶	ساده	علی اصغر	غلامحسین	سرگرد	لشکر ۱۶ زرهی	کادر	اندیمشک	۱۳۶۶/۸/۸	سرتیپ
۲۷	سرخه نژاد فرد	غلام حسین	علی	استوار یکم	لشکر ۹۲ زرهی	کادر	اهواز - دارخوین	۱۳۵۹/۷/۶	ستوان یکم
۲۸	شجاعی باغینی	مجید	حسین	ستوان یکم	مرکز آموزش توپخانه	کادر	فکه	۱۳۶۱/۱۱/۲۰	سرلشکر
۲۹	صفوی	عباس	اسدالله	ستوان یکم پزشک	دانشگاه افسری	کادر	تهران	۱۳۵۷/۱۰/۹	سرلشکر

۳۰	ضیائی جیب آبادی	علی	محمد	سروان	تیپ ۵۵ هواورد	کادر	گیلانغرب	۱۳۶۸/۳/۵	سرهنک ۲
۳۱	علیخانی	سلطنت (خانم)	عزیزالله	کارمند (قراردادی)	اداره بهداری نزاچا	قراردادی	کرمانشاه	۱۳۶۶/۱۲/۲۶	سرهنک ۲
۳۲	عیسی نژاد	اسماعیل	سختوت	گروهیان دوم	اداره بهداری نزاچا	کادر	دشت عباس	۱۳۶۱/۱/۴	سروان
۳۳	فتح الهی	قدرت الله	ابوطالب	استواریکم	لشکر ۲۳ تکاور	کادر	کرمانشاه	۱۳۷۱/۸/۱۳	سروان
۳۴	فرشاد	رسول	محمد	سروان پزشک	مرکز آموزش توپخانه اصفهان	کادر	اصفهان	۱۳۶۵/۱۰/۲۰	سرلشکر
۳۵	کلب حسین زاده	بهمن	صابر	استوار دوم	لشکر ۲۱ حمزه	کادر	تهران	۱۳۶۶/۱۱/۲۲	سرهنک ۲
۳۶	کیخایی	عباسعلی	غلام	ستواندوم	لشکر ۸۱ زرهی	کادر	اهواز	۱۳۶۸/۸/۲۶	———— —
۳۷	گرگانی نژاد شیری	حسین	علی	سروان پزشک	مرکز آموزش پیاده شیراز	کادر	پیرانشهر	۱۳۵۸/۶/۲۱	سرلشکر
۳۸	گرگی	جوزعلی	میرولی	استواریکم	لشکر ۲۸ سنندج	کادر	مریوان	۱۳۶۷/۲/۲۸	سرهنک ۲
۳۹	گلچین	قاسم	حسن	استوار دوم	لشکر ۷۷ خراسان	کادر	جنوب کشور	۱۳۶۴/۱/۲۰	سرهنک ۲
۴۰	لارونی ادانی	محمد رضا	رحمت الله	گروهیان یکم	لشکر ۲۱ حمزه	کادر	میمه اصفهان	۱۳۷۱/۳/۸	ستواندوم
۴۱	محسن پورفومنی	عظیم	علی اصغر	گروهیان دوم	تیپ ۶۵ نیروی مخصوص	کادر	————	۱۳۷۵/۵/۴	ستواندوم
۴۲	محمد رحیمی	محمد رضا	نصرالله	ستوانیکم پزشک	دانشگاه افسری	کادر	تهران	۱۳۶۱/۳/۲۲	سرلشکر
۴۳	ملازاده سورکی	علی	ابراهیم	استوار دوم	تیپ ۵۵ هواورد	کادر	————	۱۳۶۶/۱۰/۱۹	سرهنک ۲

۱۹۸ / تاریخچه طب نظامی

۴۴	منتظرالظهور	محمد	نادعلی	ستوانیکم پزشک	دانشگاه افسری	کادر	قائم شهر	۱۳۶۱/۱/۳	سرلشکر
۴۵	مهدوی آزاد	علی اکبر	نصرالله	استوار دوم	تیپ ۵۵ هواپرد	کادر	سردشت	۱۳۵۹/۷/۲۰	سرهنک ۲
۴۶	مهرکی	شهریار	شهیدقلی	گروه بانیکم	مرکز آموزش پیاده شیراز	کادر	نوسود	۱۳۶۴/۱۰/۱۳	سرگرد
۴۷	نادعلیزاده	هادی	محمدعلی	استوار یکم	لشکر ۷۷	کادر	جنوب کشور	۱۳۶۴/۱۱/۲۴	سرگرد
۴۸	نیک منش	محمد	عباسعلی	استوار دوم	لشکر ۵۸ تکاور	کادر	قم	۱۳۷۷/۷/۲۷	ستوانیکم
۴۹	رنوئی فر	محمود	عبدالرحمان	ستوانبار سوم	لشکر ۸۱ زرهی	کادر	غرب کشور	۱۳۶۰/۹/۳۰	سرگرد
۵۰	هجرتی	احمد	محمدقلی	سرگرد پزشک	دانشگاه افسری	کادر	سومار	۱۳۶۵/۱۰/۱۱	سرلشکر
۵۱	همایون	حسین	علی	استوار دوم	لشکر ۹۲ زرهی	کادر	خرمشهر	۱۳۶۰/۱/۵	ستوانیکم
۵۲	یحوی	مسعود	محمد	سرهنک پزشک	لشکر ۶۴ ارومیه	کادر	مهاباد	۱۳۵۸/۸/۲	سرلشکر
۵۳	یوسفی	محمدآقا	محمد امین	سروان	لشکر ۸۸ زرهی	کادر	غرب کشور	۱۳۶۸/۱/۱	سرهنک ۲
۵۴	طالبی	سید علی	سیدقاسم	کارمند قراردادی	اداره بهداری نزاجا	کارمند قراردادی	پل دختر	۱۳۶۶/۱/۱۴	-
۵۵	نژادکی	فریدون	رشید	ستوانبار سوم	اداره بهداری نزاجا	کادر	_____	۱۳۶۲/۷/۷	_____
۵۶	حبیب الله رودباری	عباس	_____	_____	اداره بهداری نزاجا	کارمند	تهران	_____	سرتیپ ۲
۵۷	بیکی	جلال	_____	پزشکیار	هوانیروز	کادر	منطقه کربلای ۱۰	۱۳۶۵/۸/۱۸	_____
۵۸	مطلبی علی آبادی	نورالله	_____	پرستار	هوانیروز	کادر	آبادان	۱۳۵۹/۷/۲۸	_____

**اسامی آزادگان سرفراز رسته بهداشت و درمان نیروهای سه گانه
ارتش جمهوری اسلامی ایران**

اسامی آزادگان اداره بهداشت و درمان نزا

مدت اسارت روز، ماه، سال	تاریخ آزادگی	نام پدر	نشان	نام	رسته	درجه	نوع	ش پرسنلی
۲/۲/۰۱	۶۹/۶/۲۲	احمد	دهقان نژاد	مصطفی	پزشک	سرهنگ	کادر	۶۱۰۸۹۵۳۶
۹/۱۰/۲۵	۶۹/۵/۳۱	حاجی	قره باغی	محمد	پزشکیار	ستواندوم	کادر	۴۴۷۱۳۶۸۸
۲/۱/۲۰	۶۹/۶/۲۱	علی محمد	وحیدیان	شهاب	پزشک	ستوانیکم	وظیفه	
۹/..	۶۸/۱/۲۱	حسن	بیات	فرهاد	پزشکیار	سرباز	وظیفه	
۲/۱/۱۳	۶۹/۶/۱۴	سفرعلی	علی محمدی	یحیی	پرستار	سرباز	وظیفه	۶۵۰۷۸۱۰۰۴۴۸
۲/.. /۱۹	۶۹/۶/۲۰	بهلول	حسین زاد	علیرضا	پرستار	سرباز	وظیفه	۶۷۰۲۷۷۰۰۲۷۶
۲/۱/۱۱	۶۹/۶/۴	حسین علی	شادکام گوهر	نادر	پزشک	سرباز	وظیفه	۶۶۰۷۲۱۰۰۲۸۷
۲/۱/۱۰	۶۹/۶/۱	حبیب الله	داودآبادی	امرالله	پرستار	سرباز	وظیفه	
۲/۱/۱۴	۶۹/۶/۱۵	نصرت الله	محمدی	اصغر	پرستار	سرباز	وظیفه	۶۵۱۱۸۱۰۰۱۳۷
۲/۱/۱۲	۶۹/۶/۱۳	قلعلی	حمیدی	عوض	پرستار	سرباز	وظیفه	
۲/۱/۲۷	۶۹/۶/۲۰	سید پنجعلی	طهماسبی	سلطانعلی	پزشکیار	سرباز	وظیفه	
۵/۵/۵	۶۹/۶/۲	رضا	دادرس	مهدی	پرستار	سرباز	وظیفه	

اسامی آزادگان اداره بهداشت و درمان نهجا

ردیف	درجه ورسته	نام و نشان	محل اسارت	تاریخ اسارت	تاریخ آزادی
۱	سروان فنی	رحیم کریمی	زندانی سیاسی	۵۳/۱۲/۱۲	۵۶/۵/۲۷
۲	استواریکم پزشکیار	اسماعیل نیکی	رادار دهلران	۵۹/۷/۶	۶۹/۶/۱
۳	استواریکم پزشکیار	مجید عبدالعظیمی	رادار دهلران	۵۹/۷/۶	۶۹/۶/۱

اسامی آزادگان اداره بهداشت و درمان نداجا

ردیف	درجه ورسته	نام و نشان	محل اسارت	تاریخ اسارت	تاریخ آزادی
۱	دریاداردوم پزشکی	هادی عظیمی دافچایی (جانباز - اسیر)	خرمشهر	۵۹/۷/۲۲	۶۹/۶/۲
۲	دریاداردوم پزشکی	محمد علی کاکرودی	خرمشهر	اوایل جنگ	۶۹/۶/۲۴
۳	ناو سروان	مجید جالوند	خرمشهر	۵۹/۵/۲۳	۶۹/۶/۲

اسامی هیئت رئیسه ادارات بهداشت و درمان نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در زمان دفاع مقدس.

۱

اسامی هیئت رئیسه اداره بهداشت و درمان نزاجا

ردیف	سمت	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	تاریخ اتمام انتصاب
۱	رئیس	سرهنگ	دکتر غلامحسین بهتاش	۵۹/۶/۵	۱۳۶۰/۷/۱
۲	رئیس	سرتیپ	دکتر غلامرضا سیف الله	۱۳۶۰/۷/۱۳	۱۳۶۸/۱/۱۵
۳	معاون فنی	سرتیپ ۲	دکتر مودبی	۶۰/۸/۱۵	۱۳۶۷
۴	معاون اداری	سرتیپ ۲	دکتر خسرو نامجوی نیک	۶۰/۸/۱۵	۱۳۶۷

اسامی هیئت رئیسه اداره بهداشت و درمان نهاجا

درجه	نام و نشان	یگان و سمت	مدت مسئولیت
سرهنگ پزشکی	عبدالکریم دستغیب	ریاست ابهدا نهاجا	۱۳۵۹-۱۳۶۰
سرهنگ پزشکی	محمد باقر مشیری	ریاست ابهدا نهاجا	۱۳۶۰-۱۳۶۲
سرتیپ ۲ پزشکی	عبدالکریم دستغیب	ریاست ابهدا نهاجا	۱۳۶۲-۱۳۶۶
سرتیپ ۲ پزشکی	محمد باقر مشیری	ریاست ابهدا نهاجا	۱۳۶۶-۱۳۶۸
سرهنگ پزشکی	توکل	ریاست بیمارستان قدیم نهاجا و معاون ابهدا	در طول دفاع مقدس
سرهنگ پزشکی	جنابی	ریاست بیمارستان بعثت نهاجا و معاون ابهدا	در طول دفاع مقدس
سرهنگ پزشکی	زمانی	جانشین ابهدا نهاجا	در طول دفاع مقدس
سرهنگ پزشکی	یحوی	معاون ابهدا نهاجا	در طول دفاع مقدس
سرهنگ پزشکی	پورسینا	معاون ابهدا نهاجا	در طول دفاع مقدس
سرهنگ پزشکی	منافی	معاون ابهدا نهاجا	در طول دفاع مقدس

اسامی هیئت رئیسه اداره بهداشت و درمان نداجا

ردیف	درجه	نام و نشان	ملاحظات
۱	ناخدا یکم	دکتر بهاری	
۲	ناخدا یکم	دکتر کیوان	
۳	ناخدایکم	دکترنیری	
۴	ناخدایکم	دکتر آذری	
۵	دریادار	دادگر	
۶	دریادار	دکتر ایاصوفی	

اسامی مسئولان بیمارستانهای تابعه نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس.

باتوجه به مدت طولانی ۸ سال دفاع مقدس و آمار مجروحین و بیماران به خوبی میزان فعالیت بیمارستانهای ثابت و صحرایی و درمانگاه‌های ثابت و سیار نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران و نقش آنها در پیروزی رزمندگان اسلام بدیهی و قابل تقدیر است. علیهذا باوجود آنکه یک یک کارکنان زحمت کش، فداکار و مومن این یگانها نقش ارزنده ای در این مدت داشته اند از آنجا که دسترسی به اسامی همه آنها امکان پذیر نبود به ذکر مسئولین این بیمارستانها بسنده شد و ضمن تقدیر از همه کارکنان صدیق و جان برکف این یگانها چنانچه در آتیه دسترسی به اسامی آنها مقدور شد در چاپهای بعدی به این مجموعه افزوده خواهد گردید.

۲۰۲ / تاریخچه طب نظامی

اسامی مسئولین بیمارستانهای تابع نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سالهای دفاع مقدس

ردیف	یگان	سمت	درجه	نام و نشان	تاریخ انتصاب	تاریخ خروج از انتصاب	ملاحظات
۱	بیمارستان ۵۰۳ تهران	رئیس	سرهنگ	دکتر فرهودی	۱۳۶۰	۱۳۶۲	
۲	=	=	سرهنگ	دکتر معافی	۱۳۶۲	۱۳۷۱	
۳	اداره بهی نزاچا	=	سرتیپ ۲	دکتر حسین رحمانی	۵۷/۱۱/۲۴	۵۹/۶/۵	
۴	=	=	سرهنگ	دکتر غلامحسین بهتاش	۵۹/۶/۵	۶۰/۷/۱	
۵	=	=	سرتیپ ۲	دکتر غلامرضا یف الله	۶۰/۷/۱۳	۶۸/۱/۱۵	
۶	بیمارستان ۵۵۵ تربت جام	=	سروان	دکتر حیدری نسب	۵۹/۶/	۶۰/۴/	برابر یادداشتهای امیر سرتیپ دکتر غلامرضا سیف الله، سرگرد دندانپزشک درستی مدتی مسئولیت بیمارستان را بهعهده داشته است.
۷	=	=	سروان	دکتر محبعلی کیخا	۶۰/۵/	۶۱/۵/	
۸	=	=	سرگرد	دکتر محمدعلی ضرابی	۶۱/۶/	۶۷/۱۲/	
۹	بیمارستان ۵۷۹ کرمان	=	سرهنگ	دکتر فیروز کامرانی	۱۳۵۹	۱۳۶۴	
۱۰	=	=	=	دکتر رحیم حقیقی	۱۳۶۴	۱۳۶۷	
۱۱	=	=	=	دکتر مظفر صنعتی	۱۳۶۸	۱۳۸۱	
۱۲	بیمارستان ۵۲۵ خرم آباد	=	=	دکتر محمد دزفولیان	۵۹/۱/	۵۹/۹/	
۱۳	=	=	=	دکتر بابا حاجی	۵۹/۹/	۶۰/۱/	
۱۴	=	=	سرگرد	دکتر محمد زرعی مرادی	۶۰/۱/	۶۹/۳/	
۱۵	بیمارستان ۵۲۴ سنندج	=	سرهنگ	دکتر محمد مجد	۱۳۵۹	۶۲/۱۲/	

	۶۵/۱۲/	۶۲/۱۲/	دکتر حمید رضا طباطبائی	=	=	=	۱۶
	۶۷/۱۲/	۶۵/۱۲/	دکتر محمد جواد خدادوست	=	=	=	۱۷
	۶۹/۱۲/	۶۷/۱۲/	دکتر علی اکبر کرمانی	=	=	=	۱۸
	۶۴/۶/۱	۱۳۵۷	دکتر محمد جواد بجدی	سرهنک	=	بیما ۵۵۱ ترت حیدریه	۱۹
	۶۷/۲/۱	۶۴/۶/۱	دکتر فرهنگ سلامتی	=	=	=	۲۰
	۶۹/۷/۲	۶۷/۲/۱	دکتر عباسعلی داودی	=	=	=	۲۱
	۵۸/۱۲/	۵۸/	غلامحسین بهتاش	سرتیپ ۲	=	بیما ۵۰۲ تهران	۲۲
	۶۱/۱۲/	۵۹/۱/	دکتر پاشایی	سرهنک	=	=	۲۳
	۶۸/۱۲/	۶۲/۱/	دکتر رایگان	سرهنک	=	=	۲۴
	۶۹/۱۲	۶۹/۱/	دکتر عبدالمهی	=	=	=	۲۵
	۷۳/۱۲/	۷۰/۱/	دکتر متقی	=	=	=	۲۶
		۵۹/	دکتر رضایی	=	=	بیما ۵۰۶ تهران	۲۷
برابری یادداشت‌های امیرسرتیپ دکتر سیف الله پزشکان زیر برای مدتی مسئولیت بیمارستانی را بعهده داشته اند: سرهنک دکتر نادری افشار سرهنک دکتر سعادت سرهنک دکتر اصلانی	۶۰/	۵۹/	دکتر حمید ساکت	سرتیپ ۲	=	بیما ۵۵۰ مشهد	۲۸
	۶۱/	۶۰/	دکتر خزائی دندانپزشک	سرتیپ ۲	=	=	۲۹
	۶۷/	۶۱/	دکتر عدالت	سرتیپ ۲	=	=	۳۰
	۷۰/	۶۱/	دکتر مؤیدی	سرتیپ ۲	=	=	۳۱

۲۰۴ / تاریخچه طب نظامی

برابر یادداشتهای امیر سرتیپ دکتر غلامرضا سیف الله سرهنگ دکتر عباس طاهریان داروساز مدتی در سال ۱۳۶۷ مسئولیت بیمارستان را بعهده داشته است.	۵۹/۱۲/	۵۷	دکتر فرمان بیات ماکو	سرهنگ	رئیس	بیمای ۵۰۱ مراغه	۳۲
	۶۲/۱۲/	۶۰/۱/	دکتر محمود شفائی	سرهنگ	=	=	۳۳
	۶۷/	۶۳/۱/	دکتر ناصر امیری سرقینی	سرهنگ	=	=	۳۴
	۶۰/۴/۱۴	۵۹/۶/	دکتر رفیعی دندانپزشک	سرهنگ	رئیس	بیمای ۵۷۸ اهواز	۳۵
	۶۰/۸/۱	۶۰/۴/۱۴	دکتر خسرو نامجوی نیک دندانپزشک	سرهنگ	=	=	۳۶
	۶۲/۱۲/	۶۰/۸/۱	دکتر سیدخلیل احتشامی نژاد	=	=	=	۳۷
	۶۴/۱۲/	۶۳/ /	دکتر حسین حاج رسولی ها	=	=	=	۳۸
	۶۵/۱۲/	۶۵/۱/	دکتر منصور فرگاه	=	=	=	۳۹
	۶۶/۱۲/	۶۶/۱/	دکتر محمود سوادکوهی	=	=	=	۴۰
	۶۷/۱۲/	۶۷/۱/	دکتر رحیم جلالی مظلومان	=	=	=	۴۱
	۶۱/	۵۹/	دکتر احمد قادری	سرگرد	=	بیمای ۵۲۷ سراب	۴۲

۴۳	=	=	سروان	دکتر شاپور شیشوانی	۶۱/	۶۲/۱۲/	
۴۴	=	=	سروان	دکتر هوشنگ فرید نیا	۶۳/۱/	۶۴/۱۲/	
۴۵	=	=	سروان	دکتر بهمن یوسفی	۶۵/۱/	۶۷/۱۲/	
۴۶	رئیس	بیمه‌۵۲۶ پیرانشهر	سرگرد	دکتر ناصر شایق	۵۷/	۶۰/	
۴۷	=	=	سرگرد	دکتر ناصر امیر سرقینی	۵۸/	۶۰/	
۴۸	=	=	سرگرد	دکتر عباس نژاد	۶۰/	۶۱/۱۲/	
۴۹	=	رئیس	سرگرد	دکتر علیپور	۶۲/۱/	۱۳۶۳/۱۲/	
۵۰	=	=	سرهنگ	دکتر صانعی	۶۴/۱/	۶۵/۱۲/	
۵۱	=	=	سرهنگ	دکتر علی جمالی	۶۶/۱/	۶۷/۱۲/	
۵۲	رئیس	بیمه‌۵۵۲ بیرجند	سرهنگ	دکتر محمدحسن شریف آزاده	۵۹/	۶۶/	

۵۳	=	=	سرهنگ	دکتر کیوان مهران نژاد	۶۶/	۶۹/	
۵۴	بیمه گرگان	=	سرگرد	دکتر جوانشیر	۵۹/	۶۰/	
۵۵	=	=	سرهنگ ۲	دکتر قدسی زاده	۶۱/	۶۴ /	
۵۶	بیمه قوچان	=	سرهنگ ۲	دکتر تجاره			
۵۷	بیمه بجنورد	=	سرگرد	دکتر مومنی	۵۹/	۶۷/	
۵۸	بیمه منجیل	=	سروان	دکتر مظفری دندانپزشک			
۵۹	بیمه همد ان	=	سروان	دکتر نیکنام			
۶۰	بیمه چهل دختر	=	سرهنگ ۲	دکتر شیرزاد			
۶۱	بیمه زنجان	=	سروان	دکتر رحمانی			
۶۲	بیمه زنجان	=	سرگرد	دکتر خضایی داروساز			
۶۳	بیمه کرمانشاه	=	سرهنگ	دکترویلیام مرادخان	۵۹/		برابر یادداشتهای امیر سرتیپ دکتر غلامرضا سیف‌الله پزشکان زیر برای مدتی ریاست بیمارستان را به عهده داشته‌اند، سرهنگ
۶۴	بیمه ارومیه	=	سرهنگ	دکتر حیدرباور	۵۹/	۶۰/۱۲/	دکتر رضا غفوری، سرهنگ
۶۵	بیمه ارومیه	=	=	دکتر سیدحسین سالک فرد	۶۱/۱/	۶۶	دکتر جلایی‌خو، سرهنگ دکتر شهنساری

۶۶	=	=	=	دکتر الماسی			
۶۷	بیما تبریز	=	سرهنک	دکتر ناصر امینی	۵۹/		
۶۸	=	=	=	دکتر دلاوری			
۶۹	بیما اصفهان	=	سرهنک	دکتر اشرف داروساز			
۷۰	بیما شیراز	=	سرهنک	دکتر عبدالمهی			
۷۱	بیما قوچان	=					

توجه: لازم به ذکر است که باوجود تمام تلاشی که برای دریافت تاریخ انتصابات صورت گرفت بعضی از گزارشات فاقد تاریخ انتصاب بوده و درمورد بعضی یگانها احتمالاً ممکن است اسامی بعضی از مسئولین از قلم افتاده باشد که بدینوسیله پوزش می خواهیم.

اسامی مسئولین بیمارستانهای تابعه نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سالهای دفاع مقدس
روسای بیمارستان انزلی ورشت

۱. ناخدایکم دکتر خرازیها
۲. دریادار دوم دکتر رفعتی

روسای بیمارستان نوشهر

۱. ناو سروان دکتر شادفر
۲. ناوسروان دکتر همدانی

۳. ناوسروان دکتر تهران

روسای درمانگاه خرمشهر

۱. ناو سروان دکتر کاکرودی
۲. ناو سروان دکتر بدری

۳. ناو سروان دکتر سنجرى
۴. ناو سروان دکتر مدرکی

۲۰۸ / تاریخچه طب نظامی

روسای درمانگاه منجیل

۱. ناو سروان دکتر واحدی
۲. ناوبانیکم دکترافسری
۳. ناو سروان دکتر عرب پناهان
۴. ناوبانیکم دکترچهل امیرانی
- روسای درمانگاه خارک

۱. ناو سروان دکتر نعیمی
۲. ناوبانیکم دکتر فرهمند
۳. ناوبانیکم دکتر دهخوارقانیان
۴. ناو سروان دکتر بداغی
۵. ناوبانیکم دکتر نجفی
۶. ناخدا سوم دکتر روشن
۷. ناو سروان دکتر ماهوتی

روسای بیمارستان بندر عباس

۱. ناخدایکم دکتر میرفخرایی
۲. دریادار دکتر سلیمانی
۳. دریادار ۲ دکتر فاطمی

روسای بیمارستان بوشهر

۱. ناوسروان دکتر ایاصوفی
۲. ناوبانیکم دکتر فیروزگر
۳. ناخدادوم دکتر ارسلان اردلان
۴. ناخدایکم دکتر حبیب زاده

روسای درمانگاه چابهار

۱. ناوسروان دکتر همدانی
۲. ناوسروان دکتر پسران افشاریان
۳. ناوسروان دکتر نوربخش صالح

روسای بیمارستان سیرجان

۱. ناخدایکم دکتر صولت زاده
۲. ناخدا سوم دکتر رستگاریان
۳. ناوسروان دکتر ناصر بخت
۴. ناخدا سوم دکتر قویدل
۵. ناوسروان دکتر ستوده نیا
۶. ناخدایکم دکتر برهه ای

تصویر مدارک

عکس‌ها



شماره ۶۲ - تاریخ ۸۹ / ۱۲ / ۲۰

۹۰: سرهنگ داکتر خسرو نامجونیک

موضوع بازدید و بازرسی از بخشهای دندانپزشکی

بیمارستان (د زغول) - پادگان حمیدیه - کارخانجات (نص)

١٠٠٠ تانك سازى مسجد سليمان و بيمارستان اهواز و آمارگاه فرعى رزفول)

طی این امریه بشما، سامریت داده میشود که در لشر ۹۲ زرهی بدرمان و معالجه

بیماران اشتغال دارید از بختی^۴ دندانپزشکی یگانهای فوق الذکر و آمادگاه فوری دزفول بازدید و بازرس بعمل آورده نتیجه را باین بهداری گزارش نمایند. ضمناً ضمیمه^۵ یکم گزارش^۶ ماه^۷ به^۸ اینست که^۹

دن رات بہتر نہ رہے لہذا اور مرنے لے۔

ر - ۱ - بهمنی نزا جا - سرهنګر ګڼو بهتاش

گوندگان: ۱- ف لشکر ۹۲ زرهی اهواز پیرو شماره ۱۲۳-۰۳-۷۰۱-۱۸-۵۹/۱۲

۲- فکارخانجات تانک سازی مسجد سلیمان

۳- ریاست بیمارستان اهواز پیرو شماره ۱۲۳-۰۳-۷۰۱-۱۸/۱۲/۵۹ جهت آگاهی

خواهشمند است دستور ^{فرمانده} حضور افسر نامبرده را اعلام فرمایند .

۴- ف- پارگان حمیدیه جهت آگاہی و ہرگونہ اقدام

هـ۔ ف آمار گاہ فرعی در فول جہت آگاہی و اقدام لازم

تلاش در امر تعمیر و نگهداری ، افزایش آمادگی رزمی است .
(سال ۵۹ سال تعمیر و نگهداری است)

از - بیما ۱۵۰ - ۵۷۸ - اهواز

بیه - ف - ل - ۹۲ زهاج

۲۰۴ / ۱۹ / ۱۳۲
۱۰ / ۴ / ۱۴

موضوع - سرهنگ دندانه‌شک خسرو نامجو نیک

در اجرای امریه شماره ۱ - ۰۳ - ۲۰۱ - ۶۰ / ۴ / ۱۱ اداره بهمن

نذاجا افسر نامبرده بمدت ۲ ماه طموریت جهت سرپرستی -

بیمارستان باین یگان مامور گردید ضمن عمل در آمارهای مربوطه مراتب

مراتب جهت استحضار بعرض میرسد . در صورت تاریخ ۱۳ / ۴ / ۹۰

مخدوم اسیرنی غورده

ر - بیما ۱۵۰ - ۵۷۸ - اهواز سرهنگ دکتر عزیزی

سرهنگ دکتر رفیعی

از طرف

سرگشت استر خند نامجو نیک جهت اطلاع

بسم تعالی

از هیئت تیم اعزامی بیگانهای بهداشتی درمانی نژاجا

به: نژاجا (معاونت پرسنل) (مدار زینی)

موضوع: گزارش پایان کار بازدید از یگانهای سرواژ

اقدام سریع

امیر پرویز

شماره ۷۰۱-۰۴-۲
۶۱/۵/۲۷

در اجرای امریه شماره (۳-۰۳-۷۰۱) شش ۲-۰۲-۶۱ تیم بازرسی از یگانهای بهداشتی درمانی نژاجا بصورتی سرهنگ دکتر نامجوینک و سایر اعضا، مندرج در بخشنامه فوق قبل از حرکت بطرف واحدهای خارج از مرکز روز چهارشنبه ۶۱/۵/۵ و پنج شنبه ۶۱/۵/۷ از یشتیان منطقه ۴ و بهداری تابعه آن بازدید نمود و تاریخ نهم مرداد ماه در ساعت ۱۶ تهران را بمقصد ساری ترک و در ساعت ۲۲۰۰ همان روز در یادگان ساری حضور یافته بلافاصله ساری را بمقصد اردوگاه استراحت خراباد ترک و از اول وقت اداری روز ۱۰-۵-۶۱ بازدید از اردوگاه و همچنین آشپزخانه و خازخانه و سایر اماکن بازدید بعمل آورده در ساعت ۱۴۰۰ همان روز تیم بازرسی پس از صرف نهار با رف یادگان ساری حرکت و یگانهای مقیم ساری را مورد بازدید قرار داده و در ساعت ۲۰۰۰ همان روز پس از انجام بازدید و اجرای دستورات و ابلاغ دستور العمل وظائف یگانهای بهداشتی درمانی تیم بطرف گرگان حرکت نمود در مورخه ۱۱-۵-۶۱ ساعتی ۱۲-۵-۶۱ یگانهای مقیم گرگان و بیمارستان ۴۰ تختخوابی گرگان را مورد بازدید قرار داده پس از صدور دستور العمل اول وقت اداری روز ۱۳-۵-۶۱ بطرف بجنورد حرکت نموده پس از حضور و استراحت اول وقت ۱۴-۵-۶۱ از یگانهای مستقر در بجنورد و بیمارستان منطقه ای بازدید بعمل آورده دستور العمل صفای و بهداشت تیم در اول وقت روز ۱۵-۵-۶۱ از بجنورد بطرف قوچان حرکت و پس از خاتمه بازدید در ساعت ۱۸۰۰ روز ۱۵/۵/۶۱ صدور دستور العمل مرحله از قوچان بمشهد حرکت و اول وقت اداری روز ۱۶/۵/۶۱ (جمعه صبح) از بیمارستان منطقه ای بازدید بعمل آورده پس از صدور دستورات لازم در تاریخ ۱۷/۵/۶۱ بمشهد را بمقصد بیرجند ترک و تاریخ ۱۸/۵/۶۱ از یگانهای مقیم بیرجند بازدید دستور العمل صادر و اول وقت ۱۹/۵/۶۱ بیرجند را بطرف تربت حیدریه ترک و پس از حضور در بیمارستان تربت حیدریه یگانهای بهداشتی درمانی مقیم یادگان بازدید و دستور العمل صادر و روز ۲۰/۵/۶۱ بطرف تربت جام حرکت و پس از بازدید از بیمارستان تربت جام دستور العمل صادر و در ساعت ۱۸۰۰ همان روز بطرف مشهد حرکت اول وقت اداری روز ۲۱/۵/۶۱ از یگانهای مقیم مشهد باقیاننده بازدید بعمل آورده دستور العمل صادر و مورخه ۲۲-۵-۶۱ مشهد را بمقصد شاهرود ترک و مورخه ۲۴-۵-۶۱ از یگانهای مقیم شاهرود بازدید بعمل آورده پس از بازدید دستور العمل صادر و در ساعت ۲۲۰۰ همان روز شاهرود را بمقصد تهران ترک کرد و در تاریخ ۲۶/۵/۶۱ اعضا تیم

بازرسی جهت ارائه نتیجه بازرسی در اداره بهداشتی زاجا حضور بهرسانید.

سرپرست تیم پزشکی و یگانهای بهداشتی درمانی نژاجا

سرهنگ دکتر نامجوئی

۱۰/۵/۶۷

گیتانگان

۱- اداره بهداشتی نژاجا (آج-ب) جهت آگاهی اقدام لازم در مورد پیش بینی های لازم و در

نار گرفتن مواد پخشنامه و امریه بازدید از یگانهای درمانی بهداشتی نژاجا :

۲- اداره بهداشتی نژاجا (را) جهت آگاهی اقدام لازم در مورد سرکار سوهنگ

پیش بینی های لازم در مورد اعزام نامبرده به مأموریت بندی و خط

۳- ل ۸۸۸ (آج) پیوسته شماره ۲-۰۲-۷۰۱-۵-۲-۶۱ جهت آگاهی اقدام لازم در

مورد اعزام ستوانیکم پزشک محمد حسین قدرت به یگانهای بهداشتی درمانی نژاجا که در

صبر دوم قرار گرفته اند.

۴- مرکز پیاده (آج-ب) جهت آگاهی.

۵- مرکز بازرسی و کنترل بهداشتی مواد غذایی نژاجا جهت آگاهی اقدام لازم در مورد مأموریت

سرکار سوهنگ دکتر هـ سیری

کسی که برای خدا کار میکند در هیچ جهت شکست نمیخورد.

تاریخ حرکت ساعت ۵ بعد از ظهر ۶۱/۵/۱۰

صیر ۱	تهران ساری ۶۱/۵/۹
صیر ۲	ساری - خزرآباد و بلعکس ۶۱/۵/۱۰
صیر ۳	ساری - گرگان ۶۱/۵/۱۲
صیر ۴	گرگان بجنود ۶۱/۵/۱۴
۵	بجنود - قویان ۶۱/۵/۱۴
۶	قویان - مشهد ۶۱/۵/۱۶
۷	مشهد - بروجرد ۶۱/۵/۱۸
۸	بروجرد - تربیت حیدریه ۶۱/۵/۱۹
۹	تربیت حیدریه - تربیت جام ۶۱/۵/۲۰
۱۰	تربیت جام - مشهد ۶۱/۵/۲۱
۱۱	مشهد - شاهرود ۶۱/۵/۲۲
۱۲	شاهرود - جبل دخت ۶۱/۵/۲۴ و بلعکس
۱۳	شاهرود - تهران ۶۱/۵/۲۴

امور بیمارستان



اقدام سریع

ارتش جمهوری اسلامی ایران

بیمارستانی

صبرست تیم اعزامی پزشکی بیهوشی درمانی نوزاد

ف - نوزاد (معاونت پرسنلی مد کارگرفتی)

گزارش پایان کار بازدید از بگانه‌های صبرست

نم شماره

۱۳۸۱/۶/۲۰

تاریخ

در اجرای امریه شماره ۷۰۱-۳-۷۰۱-ش-ن ۶۱/۵/۲ تیم بازرسی از بگانه‌های بیهوشی درمانی نوزاد بصبرستی سرهنگ دکتر نامجوینیک و سایر اعضا (صورت اسامی پیوسته) قبل از حرکت بطرف واحد های خارج از مرکز روزهای سه شنبه ۶۱/۵/۲۶ و چهارشنبه ۶۱/۵/۲۷ از واحد های بازدید نشده بهشتیانی منطقه ۳ - بازدید نموده و از تاریخ ۶۱/۶/۱ در ساعت ۸۰۰ تهران را با وسیله شخصی به قصد قزوین ترک و در ساعت ۱۰۳۰ همان روز در بیمارستان ۵۵۳ قزوین حضور یافت و تا ساعت ۱۵۰۰ مشغول بازدید بودند در ساعت ۱۵۰۰ با وسیله ارتشی بسوی بیمارستان ۵۶۱ منجیل حرکت یافت و تا ساعت ۷۰۰ صبح روز بعد در منجیل متوقف بودند ساعت ۷۰۰ مورخه ۶۱/۶/۲ تیم پس از صدور دستور العمل بسوی بیمارستان قزوین حرکت و به بررسی و بازدید به خود در بیمارستان قزوین و پادگان قزوین ادامه داده و پس از صدور دستور العمل در ساعت ۰۸۰۰ صبح مورخه ۶۱/۶/۳ بسوی زنجان حرکت و در ساعت ۱۱۰۰ همان روز وارد بیمارستان ۵۵۳ زنجان شده ضمن بازدید از بیمارستان قبلی و بیمارستان نوساز و بیمارستان اورژانس جراحی شهر زنجان و صدور دستور العمل در ساعت ۰۶۰۰ مورخه ۶۱/۶/۴ تیم بسوی سراب حرکت کرده و ساعت ۱۵۰۰ وارد سراب - شدند با احضار پرسنل و تدوین کار موضع بیمارستان و پادگان رسیدگی و تا ساعت ۲۲۰۰ با صدور دستور العمل اجرایی بکار خود پایان دادند - در ساعت ۰۷۰۰ روز جمعه مورخه ۶۱/۶/۵ از سراب بطرف اردبیل حرکت و ساعت ۰۹۳۰ وارد اردبیل شدند پس از بازدید از بهداری و خدمات پادگانی پادگان اردبیل و بازدید و کنترل مراد فذائی و صدور دستور العمل اردبیل را در ساعت ۱۶۰۰ مورخه ۶۱/۶/۵ به قصد تبریز ترک و ساعت ۱۱۳۰ همان روز وارد تبریز شدند در ساعت ۷۰۰ صبح روز شنبه مورخه ۶۱/۶/۶ از بیمارستان ۵۲۲ تبریز بازدید به محل آورده و در ساعت ۱۶۰۰ همان روز با اعلام ته اوم کار از بهداری مراکز آموزشهای بهشتیانی تبریز بازدید و در ساعت ۰۶۰۰ صبح مورخه ۶۱/۶/۷ بسوی مراغه حرکت و از بیمارستان ۵۲۱ بگانه تختروانی مراغه و سایر واحد های مستقر و مراغه مانند بهداری غیر سازمانی گروه ۱۱ تبحانه گروهمان آباد بهداری آبادگاه ۵۳۳ صحران مراغه و گروهمان خدمات بهداری گردان ۵۱۴ لجستیکی بهشتیانی ۱۴ بازدید و با صدور دستورالعملهای - اجرایی برای هر واحد بکار خود پایان دادند .

در تاریخ دوشنبه مورخه ۶۱/۶/۸ ساعت ۱۰۳۰ بسوی محب شیرکهرک و تابانان همان روز از بهداری مرکز آموزش ۰۳ محب شیرکهرک بازدید و دستورالعمل اجرایی صادر نمودند . در ساعت ۸۰۰ صبح روز سه شنبه ۶۱/۶/۹ بسوی صبرست



ارتش جمهوری اسلامی ایران

۲۵

حرکت و پی از صدور دستور العمل اجرایی ساعت ۱۲۰۰ بسوی مرند حرکت و پاتداوم کار از بهداری خدمات پادگانی پادگان مرند بازدید و در ساعت ۱۵۰۰ همان روز پس از صدور دستور العمل بسوی خوی حرکت نموده در ساعت ۱۶۳۰ مورخه سه شنبه ۶۱/۶/۹ از بهداری خدمات پادگانی پادگان خوی و سایر نقاط بهداشتی پادگان بازدید و دستور العمل اجرایی صادر نمودند. در ساعت ۰۷۰۰ صبح روز چهارشنبه ۶۱/۶/۱۰ بسوی سلطان حرکت و پی از ورود به پادگان سلماس و بازدید بهداری و سایر نقاط بهداشتی و صدور دستور العمل اجرایی ساعت ۱۴۳۰ بسوی قوشچی حرکت و در همان تاریخ از بهداری غیر سازمانی قوشچی و سایر نقاط بهداشتی پادگان پاتداوم کار بازدید پس از صدور دستور العمل اجرایی صبح روز پنجشنبه ساعت ۰۸۰۰ بسوی ارومیه حرکت و در ساعت ۱۰۳۰ مورخه ۶۱/۶/۱۱ از بیمارستان ۵۲۳ ارومیه بازدید نمودند.

در روز جمعه ۶۱/۶/۱۲ ساعت ۹ صبح پس از هماهنگی با معاونت لشکر ۶۴ وفق مقرر با حداقل اعضا مورد نیاز بسوی پیرانشهر حرکت و در ساعت ۱۱۳۰ از بیمارستان پیرانشهر بازدید و در ساعت ۱۴۰۰ همان روز - بسوی ارومیه مراجعت نمودند. روز شنبه ۶۱/۶/۱۳ از بقیه واحدهای درمانی لشکر ۶۴ مستقر در ارومیه مانند بهداری قراگاه لشکر بهداری لشکر و گردان بهداری ۵۱۰ لشکر و بیمارستان صحرایی بازدید و بررسی بعمل آمد و از ساعت ۱۸۰۰ لغایت ۲۳۳۰ مورخه همان روز در حضور معاونت لشکر ۶۴ و ریاست بیمارستان مسائل مختلف بررسی و دستور العمل اجرایی صادره با امضاء رسید.

تیم اعزامی در تاریخ ۶۱/۶/۱۴ ساعت ۰۶۰۰ صبح از ارومیه از طریق مسیر تبریز بسوی تهران حرکت و شب را بحالت بعد مسافت در زنجان توقف نمود.

ساعت ۰۶۰۰ مورخه ۶۱/۶/۱۵ بسوی تهران حرکت و در ساعت ۱۰۳۰ مورخه همان روز در مسیر از کلیه انبارهای خواربار و بهداری سازمانی آمادگاه عمومی آبیک توسط هیئت اعزامی بازدید بعمل آمد و هیئت پس از صدور دستور العمل اجرایی ساعت ۱۶۳۰ آبیک را به قصد تهران ترک و در ساعت ۱۷۳۰ وارد تهران شدند. روزهای چهارشنبه ۶۱/۶/۱۷ و پنجشنبه ۶۱/۶/۱۸ هیئت در آبیه تجزیه و تحلیل و جمع بندی برداشت های خود مشغول بودند.

سرپرست هیئت اعزامی پزشکی به یگانهای بهداشتی درمانی تابع تراجا -

سرهنگد کتور نامجو نسک



ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

اسامی پرسنل جمعیت همیت اعزامی در مسیر شه آره ۲ برابر برگ گروگی پیوست

۱- سرهنگ دکتر نامجو نیک سرپرست همیت جمعیت آبهی نزاچا .

۲- = = = وهیری عضو = = = بهاروسی مواد فذایی

۳- = = = ندیسی = = = آمادگاه ۵۰۱

۴- سرهنگ مهندس چاهد چاه عضو همیت جمعیت مهندسی ارتش

۵- سرهنگ ۲ دکتر صادقی عضو همیت جمعیت آبهی نزاچا

۶- ستوانیکم خدام عضو همیت جمعیت آبهی نزاچا

۷- = = = دکتر قهرت عضو همیت جمعیت ل ۸۸ زاهدان

۸- ستوانیکم سوم خبازی عضو همیت جمعیت نزاچا

۹- کارنده طالیبی راننده مینی بوس حامل همیت جمعیت لجستیکی



ارتش جمهوری اسلامی ایران

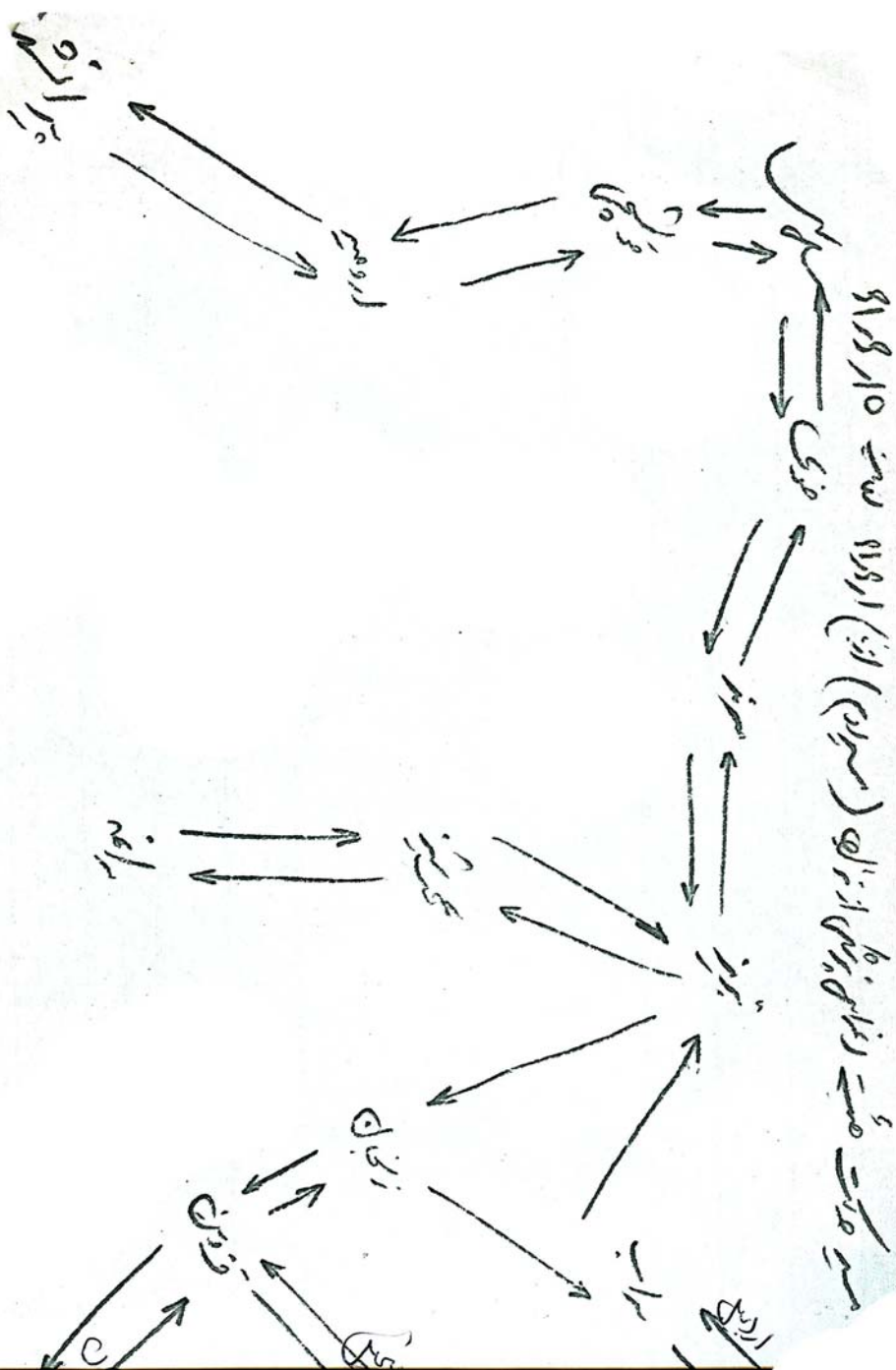
ص ۲

گیرندگان :

- ۱- اداره بهی نزاچا (آ ج پ) جهت آگاهی و اقدام لازم در مورد پیش بینی های لازم و در نظر گرفتن ضاد بخشنامه و امر به بازدید از یگانهای درمانی بهداشتی نزاچا با توجه بآنکه ماموریت تیم در حرکت بوده است .
- ۲- اداره مهندسی نزاچا جهت آگاهی و اقدام لازم در مورد سرکار سرهنگ چاهد جاهد و - پیش بینی های لازم در مورد اعزام نامبرده به ماموریت های بعدی و پی گیری نظرات و گزارشات افسر یاد شده نسبت به رفع نواقص و معایب .
- ۳- ل ۸۸ زوهی زاهدان (آ ج) پیرو شماره ۲-۰۳-۷۰۱ ش مورخه ۶۱/۵/۲ جهت - آگاهی و اقدام لازم در مورد اعزام ستوانیکم پزشک محمد حسین قدرت به یگانهای بهداشتی درمانی نزاچا که در مسیر سوم قرار گرفته اند .
- ۴- مرکز پیاده شیراز (آ ج پ) جهت آگاهی .
- ۵- مرکز بازرسی و کنترل بهداشتی مواد غذائی نزاچا جهت آگاهی و اقدام لازم در مورد ماموریت سرکار سرهنگ دکتر رهبری جهت مسیر سوم .
- ۶- ف پشتیبانی منطقه ۳ (گردان اتوبوس) جهت در نظر گرفتن ماموریت کارمند فنی میرطالبی راننده میخی بوس شماره شرح نامه و در نظر گرفتن پیش بینی لازم جهت ماموریت بعدی که قریباً اطلاع خواهد شد .

مسیحی علی شاره و مسیحی شریانی از شهر
 تاریخ ۱۵/۶/۶۱

- ۱- سر - قوز - بید بخشی
- ۲- قوز - بید - بید ارانی
- ۳- بید - قوز -
- ۴- قوز - زبانی
- ۵- زبانی - سراب - لردیل
- ۶- لردیل - سراب - تبریز
- ۷- تبریز - مرند
- ۸- مرند - عجب شهر
- ۹- عجب شهر - تبریز
- ۱۰- تبریز - مرند
- ۱۱- مرند - خور
- ۱۲- خور - ساس
- ۱۳- ساس - قوشچی
- ۱۴- قوشچی - لردیل
- ۱۵- لردیل - پیرانشهر
- ۱۶- پیرانشهر - لردیل
- ۱۷- لردیل - مسیحی شریانی - قبیله زبانی
- ۱۸- زبانی - آبک
- ۱۹- آبک - تبریز





مسلم

نفسه تعالیٰ

ارتش جمهوری اسلامی ایران

صبر است هفت ازمای پزشکی به دانه‌های بهد اشقی و درمانی فرازا
 فد فرازا (معاویت پرسیلی سده کارگرنی)
 گزارش پایان کار بازنده از دانه‌های صبرسوم

در اجرای این شعار ۱۳۰۱-۷۰۱-ش-ن-۶۱/۵/۶ نیازها هیئت انجمن پزشکی به سرپرستی سرهنگ دکتر نامجوئیک و سایر اعضا (ضرورت اساسی بپیرت) بشخص زیر از واحدهای سرپرستری بازده نمودند :-
راتب جهت اطلاع هرگونه اقدام به مرض میرسد .

مجموع حرکت ریز (جبارشبه) ۶/۶/۲۳ ساعت ۶ صبح با پهنی بوس واگن آری نزاخا از محل ایستای نزاخا
در تهران مسوی همدان و ریدیه همدان ساعت ۱۱۰۰ همان روز با اعلام تمام کار و بازید از بیمارستان همدان
تا ساعت ۱۸۰۰ هم آهنگی و صدور دستور العمل تا ساعت ۰۳۳۰

تاریخ ثبت مرخصی ۶۱/۶/۲۵ حرکت بصری باغقرآن ورید به باغقرآن ۱۰۳۰ همان روز آشنائی با فایم ا و یازده از بیمارستان باغقرآن تا ساعت ۱۷۰۰ همان روز

جمعه ۲۵/۵/۶۵ حرکت بسوی محور سوزاز از اسلام آباد و یازده هزار بیاضستان صحرائی ۵۲۸ مستقر
در صحرای بازگشت به باغتران ساعت ۱۰۰۰ همان روز.

شعبه ۶۱/۶/۲۷ ملاقات با جانشین فرمانده نواجا در رقم قریب تا ساعت ۹۰۰ صبح و سپس بازدید از گردان سید اری لشکر ۸۱ و بعد اری قرارگاه لشکر در باغقران تا ساعت ۱۲۰۰ از ساعت ۱۵۰۰ بازدید از مسجد اری و از آن پس باغقران و بعد اری تپه بیستون در نزدیکی باغقران بازگشت به باغقران ساعت ۱۴۳۰ همان روز.

یکشنبه ۶۱/۵/۲۸ بازنده از گرهان خدمات بهداشتی لرح پشما تا ساعت ۱۰:۳۰ و سپس حرکت بسوی -

۳. زمینی و بازدهی کامل بیابانستان صحرائی و بیابانستان زیرزمینی سیاه و ماه‌گان ایوان
- بازگشت به باغستان با مت ۱۳۰ و میان ریز

دوشنبه: ۱۳۸۲/۵/۲۱ بازید از خانه های درختی باقی مانده در باغستان - ملاقات با مسئولین لشکر و هم آهنگی و دریافت صورت جلسه لشکر - بازید مجدد از بیمارستان باغستان و هم آهنگی با پزشکان بیمارستان تا ساعت ۱۵:۳۰ همان روز.

۱۱۳- لغات ۱۵۲۰ صدر دفتر العمل و فحاصل و سرمدتی در حضور فخرانیز باعتراف



ارتش جمهوری اسلامی ایران

چهارشنبه - ۶۱/۶/۷۱ - ساعت ۸ صبح حرکت بسوی سنده و روزه به بیمارستان سنده ساعت ۱۰۳۰ همان روز باز به آن بیمارستان سنده و گردان بهداری لشکر ۲۸ سنده تا ساعت ۱۹۰۰ همان روز .
پنج شنبه ۶۱/۷/۱ از ساعت ۷ تا ساعت ۱۲ صبح هم آمکنی و ثروت دستور العمل در حضور فرمانده لشکر ۲۸ و سپس حرکت بسوی بروجرد از راه تیره همان طایفه به بروجرد ساعت ۱۸۴۰ همان روز .

جمعه ۶۱/۷/۲ - اعلام تک اوم کار در مرکز مهندسی بروجرد باز به از بهداری آن مرکز تا ساعت ۱۰ صبح و سپس حرکت بسوی خرم آباد و روزه به خرم آباد ساعت ۱۲ و اعلام تک اوم کار در بیمارستان خرم آباد باز به از بیمارستان و بهداری آبادگاه باهاجاس تا ساعت ۱۹۰۰ هم آمکنی و دستور العمل تا ساعت ۲۴۰۰ همان روز .
شنبه ۶۱/۷/۳ - ۶ صبح حرکت از خرم آباد به طرف دزفول - دور راه از ساعت ۱۱ تا ۱۴ باز به از آبادگاه دور کوه - دور دزفول با اعلام تک اوم کار در بیمارستان ۵۸۰ از ساعت ۱۵۰۰ لغایت ۱۸۰۰ - باز به از آن - بیمارستان .

یک شنبه ۶۱/۷/۴ - تا ساعت ۹ صبح باز به از بهداری لاستیک سازی دزفول و سپس حرکت بسوی منطقه - عملیات باز به از ایستگاه تغذیه و ارکان گرومان بهداری تپه ۸۲ خرم آباد دستور در دست عباس - بعد از ظهر اعلام تک اوم کار در بیمارستان امواز و باز به از آن تا ساعت ۱۹۰۰ .

دوشنبه ۶۱/۷/۵ - ساعت ۷ صبح باز به از ارکان گردان بهداری لشکر ۹۲ در امواز سپس حرکت بسوی منطقه عملیات باز به از بهداری گردان لشکر ۷۷ دور ایستگاه حصه - باز به از گرومان بهداری و تزارگاه تپه ۸۲ - صواب در حوالی کرکک - ملاقات با جانشین فرمانده لشکر ۹۲ امواز در تزارگاه فتح باز به از ایستگاه تغذیه - گردان بهداری لشکر ۹۲ دستور در حصه .

سه شنبه ۶۱/۷/۶ - تحلیل صده تهران استقرار در امواز و تجزیه و تحلیل مسائل بگانه های باز به شد .

چهارشنبه ۶۱/۷/۷ - حرکت از امواز ۶ صبح بسوی منطقه عملیات باز به از ایستگاه تغذیه گرومان ۳ بهداری لشکر ۷۷ در حوالی کرکک - ملاقات و گفتگو با انسان .



ارتش جمهوری اسلامی ایران

عملیات درست از قرارگاه کرلا در حوالی گرم دشت، حدود ساعت ۱۱ صبح ملاقات با معاون ل ۲۱ حوضه مستقر در قرارگاه نصر در شهرستان ساعت ۱۵۰۰ بازدید از قرارگاه تپ ۱ ل ۲۱ و ملاقات با فرمانده آن تپ در حوالی شلمبه و سپس بازدید از گروگان بهداشتی ل ۲۱ و بازدید از محل استقرار در تپ بهداشتی ل ۲۸ در شهرستان شهر سوخته حرکت بطرف آبادان و بازدید از بیمارستان صحرایی لشکر ۲ و ایستگاه تخلیه گردان بهداشتی ۵۶۵ همان لشکر تا ساعت ۱۹۰۰ و ترک منطقه بصورت اهواز.

صبح شنبه ۶۱/۷/۸ - صبح بازدید مجدد از بیمارستان اهواز و بعد از ظهر جلسه هماهنگی با معاونین لشکر از ساعت ۱۹۰۰ تا ۲۳۳۰.

جمعه ۶۱/۷/۹ - صبح حرکت بصورت شیراز از راه بهبهان تا رزن و در به شهر از ساعت ۱۹۰۰ همان روز شنبه ۶۱/۷/۱۰ - ساعت ۷ صبح بازدید از بهداشتی مرکز رژی - بهداشتی هواپرد بهداشتی پادگان شماره ۴ و بهداشتی پش ۲ - بعد از ظهر بازدید از بهداشتی مرکز پادگان

یکشنبه ۶۱/۷/۱۱ از ساعت ۷ صبح لغایت ۱۵۳۰ بازدید از بیمارستان شیراز از ساعت ۱۹۰۰ لغایت ۲۰۳۰ جلسه تجزیه و تحلیل و بررسی در حضور کلیه فرماندهان واحد های مستقر در شیراز و رؤسای بهداشتی و رئیس بیمارستان و مسئول های پش ۲

دوشنبه ۶۱/۷/۱۲ - صبح حرکت بصورت اصفهان و در به اصفهان ۱۵۳۰ اظلام تا ارم کار و بازدید از - بیمارستان ۵۷۷ اصفهان

سه شنبه ۶۱/۷/۱۳ - از ساعت ۶ صبح بازدید از واحد های هوایی و زیر زمین توپخانه و گروهای ۵۵ و ۵۴ توپخانه و درمانگاه تخصصی بیمارستان ۵۷۷ اصفهان از ساعت ۱۹۰۰ لغایت ساعت ۱۸۳۰ بازدید از - آبادگاه صوبی ۵۷۲ اصفهان

چهارشنبه ۶۱/۷/۱۴ - صبح در تعطیل رسمی با اظلام تا ارم کار از ساعت ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ بازدید از سایر مستثنای باقی مانده آبادگاه صوبی ۵۷۲ اصفهان



ارتش جمهوری اسلامی ایران

پنج شنبه - ۱۵/۲/۶۰ از ساعت ۱۳ تا ۱۴ تحلیل و بررسی با حضور فرماندهان و افسران مستقر در
اصفهان و رئیس بیمارستان با توجه به اطلاع قبلی بعضی از فرماندهان حضور داشتند. م. م. م. حرکت -
صورت هیئت ارشدیایی و تعدیل پزشکی اعزامی از نازاجا

مرحله دکترا نازاجا

اعضای هیئت اعزام پزشکی از نازاجا

- ۱- سرهنگ دکترا نازاجا در صورت هیئت
- ۲- = = = رهبری و پزشکی و حضور هیئت
- ۳- = = = مدتی و امور و حضور هیئت
- ۴- = = = مهندس جاهد جاء حضور هیئت
- ۵- سرهنگ دکترا صالحی پزشکی و حضور هیئت
- ۶- ستوان یک خدام انصر خدمات و حضور هیئت
- ۷- ستوان یازدهم خیابانی و حضور هیئت

۸. ضابطه ارائه و پنج پرس کارته نئی محضرها طالبی میباشد.

گروه گان

- ۱- ف. پشیمانی ضابطه ۲ (نگردان اتومبیل) جهت آگاهی درج مراتب با صورت کارته نئی محضرها طالبی ارائه
- ۲- اداره هیئت من نازاجا جهت آگاهی اقدام لازم در مورد انصر و یک چهارم
- ۳- اداره پرسنل ایمنی نازاجا جهت آگاهی و اقدام در مورد درج مراتب با صورت پرسنل جمع در دستوراتی
- ۴- رساناگاه ۱۰ تهران جهت آگاهی و اطلاع حضور انصر و یک دوم
- ۵- سرکر کنترل بازرسی مواد غذایی جهت آگاهی و اقدام تاریخ حضور انصر و یک دوم
- ۶- پشتیبانی قرارگاه اداره جهت آگاهی و اطلاع تاریخ حضور انصر و یک ششم

سرسری

تعدادی

۱۲۲-۱۱-۳۰۱-۲

۶۱,۹۶

سرپرست هیئت افرامی پزشکی به یگانهای بهداشتی و درمانی نواجا
 نواجا (معاونت پرستاری - مددکار گزینی)
 گزارش پایان کار بازدید هیئت از یگانهای

سرپرست

در اجرائی امر به شماره ۷۰۱-۰۳-۲۰۱-۲-۱ نواجا هیئت افرامی پزشکی به سرپرستی
 سرپرست دکترا محمد و نسو سایر امداد (صورت اسامی پیوست) به شرح زیر از واحد های سرپرست
 بازدید نمودند مراتب جهت اطلاع و هرگونه اقدام به عرض میرسد .
 شروع حرکت روز چهارشنبه ۱۹-۸-۶۱ ساعت ۰۶۰۰ صبح روز به فرودگاه مهرآباد و ساعت ۰۸۰۳
 پرواز ورود به زاهدان ساعت ۱۰ صبح همان روز بازدید از بهداشت از لشکر ۸۸ زاهدان
 و بیمارستان متحرک مراشی متفرق ارتش و بهداشت منطقه سیستان و بلوچستان مستقر در کانسون
 کارآموزی شهر زاهدان در پنج شعبه میرخه ۲۰-۸-۶۱ ساعت ۰۶۰۰ صبح حرکت از زاهدان
 و سرخانی به بازید از بهداشتی های دیوانگان ها ساعت ۱۰۰۰ بازگشت به زاهدان
 از ساعت ۱۷۰۹ تا ۱۸۲۹ هم آهنگی با مدیرکل بهداشتی منطقه بلوچستان و جلسه بحث و گفتگو پس
 مستوطن لشکر ۸۸ از ساعت ۱۹۰۰ الی ۲۱۰۰ جمعه ۲۱-۸-۶۱ ساعت ۰۸۰۰ صبح حرکت به سوی
 کرمان ورود به کرمان ساعت ۱۷۰۰ همان روز ۲۲-۸-۶۱ ساعت ۰۷۰۰ تا ۱۰۰۰ صبح
 بازدید از مرکز آموزش ۰۵ کرمان از ساعت ۱۰۰۰ صبح تا ساعت ۱۶۰۰ بازدید از بیمارستان ۷۶
 کرمان از ساعت ۱۶۰۰ تا ساعت ۱۸۰۰ بازدید از آمادگاه طبقات بالینی کرمان یکشنبه ۲۳-۸-۶۱
 ساعت ۰۷۰۰ تا ۱۰۰۰ بازدید از جوانیروز کرمان از ساعت ۱۰۰۰ تا ساعت ۱۶۰۰ بازدید از گردان لوط
 ۵۱۵ و کره هاان خدمات بهداشتی ۵۱۵ مستقر در کرمان از ساعت ۱۶۰۰ تا ساعت ۲۰۰۰ بررسی و هم آهنگی
 با حضور کتبه مسئولین یگانهای مستقر در کرمان سپس بتوسط اکتفا بتهران مراجعت و از تاریخ ۲۱-۸-۶۱
 ۱۳۶۱ به بازدید از یگانهای مستقر در مرکز مسئولان (۸/۱۰)

سرپرست هیئت افرامی پزشکی به یگانهای بهداشتی و درمانی نواجا

اسامی اعفاء و معاف و شرح وضعیت هر یک از معافان

در روز ۲۴/۸/۶۱

۱- سرپرست دکترا محمد و نسو سایر امداد

روز ۲۴-۸-۶۱

ب- صفحه

۱۱-۸-۶۶ مورخه (هواپیما)

۲- سرهنگ دکتر رهبر عضو هیئت حرکت از

رود به تهران ۶۱-۸-۲۴

۳- سرهنگ دکتر نسیم حسینی

۴- سرهنگ ۲ دکتر صادقی

۵- ستوان ۱ دکتر قدرت

بازگشت وسیله زمینی در تاریخ ۶۱-۸-۲۴

۶- ستوان بار خیارز عضو هیئت حرکت از تهران با هزینه شخصی حرکت در مورخه ۶۱-۸-۱۲

وسيله زمینی و بازگشت ۶۱-۸-۲۵

گیرندگان .

۱- امامین خواجه (برافرا) جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم .

۲- آ. آ. آ. ۵۰۱ تهران جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم .

۳- مرکز بازرسی و کنترل بهداشت مواد غذایی جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم .

۴- دیگر ۸۸ زاغدان جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم در مورد ماهوریت ستوانیکم قدرت

هرمقدار که مشهود و دیده انسان عناصر داشته باشد به همان مقدار باید تحویل زحمت بکنند (امام خمینی)

باسمہ تعالیٰ در طول سال ۱۳۸۵

بسمہ تعالیٰ

ردیف	درجہ	نام و نشان	تاریخ اعزام	تاریخ مراجعت	محل اعزام
۱	+	سر تیپ ۲ دکتر	۶۶/۲/۱	۶۶/۲/۱۵	جنوب لال احمد
		برزر رشیدی			جنوب کربلائی ۵
			۶۶/۲/۱۵	۶۶/۲/۳۱	جنوب گردان
			۶۶/۹/۱	۶۶/۹/۱۵	سفر
۲	+	سر تیپ ۲ دکتر	۵۹/۹/۱	۶۱/۹/۱	جاسک
		محمد حسین لشگری	۶۷/۳/۱	۶۷/۳/۱	سومار
۳	+	سر تیپ ۲ دکتر	۶۲/۱/۲۰	۶۲/۲/۲۰	دزفول
		حمید رضا کنگرلو	۶۵/۴/۱	۶۵/۵/۱	بوشهر
			۶۳/۱۰/۱	۶۳/۱۱/۱	اهواز
			۵۷/۱۰/۱۰	۵۸/۱۰/۲۵	جاسک
			۶۱/۱۱/۱۸	۶۱/۱۲/۷	منطقه شوش
۴	+	سر تیپ ۲ دکتر	۶۳/۷/۲۴	۶۸/۶/۲۰	دزفول
		ایمان خاکی	۶۵/۱/۲۱	۶۶/۵/۲۷	خارک
۵	+	سر تیپ ۲ دکتر	۵۹/۷/۲۶	۵۹/۱۰/۱۳	سرپل ذهاب
		علی لکیر عزیزیان روحی	۶۰/۴/۲۵	۵۶/۹	کرمانشاه
۶	+	سر تیپ ۲ دکتر	۶۶/۳/۳۰	۶۷/۶/۳۱	آبدان
		محسن کثیری	۶۴/۷/۱۶	۶۵/۷/۳۰	لنیمشک
۷	+	سر تیپ ۲ دکتر	۶۵/۱۱/۲۹	۶۵/۱۲/۲۹	پدافند اهواز
		رضا فطیحی	۶۵/۴/۲۱	۶۹/۶/۲۵	امینیه اهواز
۸	+	سر تیپ ۲ دکتر	۶۴/۳/۲۶	۶۵/۵/۱	خارک
		قرین پیراهیم گل	۶۶/۱/۱	۶۶/۲/۱	خارک
۹	+	سر تیپ ۲ دکتر	۶۷/۲/۱	۶۷/۲/۲	اهواز
		محمد مهدی احمدیان	۶۳/۶/۱	۶۷/۷/۳۰	امینیه اهواز
۱۰	+	سر تیپ ۲ دکتر	۶۰/۱۲/۲۳	۶۴/۳/۴	امینیه اهواز
		حبیب قه پیراهیمی	۶۳/۸/۲۰	۶۸/۸/۲۳	جاسک
۱۱	+	سر تیپ ۲ دکتر	۶۴/۱۱/۵	۶۵/۳/۹	جاسک
		محسن عرفیا	۶۱/۷/۲۵	۶۴/۸/۲۶	دزفول
۱۲	+	سر تیپ ۲ دکتر	۵۹/۸/۱	۶۰/۴/۱	امینیه اهواز
		حمید احمدیان بهروز	۶۴/۷/۶	۶۷/۲/۲۳	دزفول
۱۳	+	سر تیپ ۲ دکتر	۶۴/۸/۲۰	۶۷/۲/۲۳	جاسک
		ارشدیر لمیری	۶۳/۴/۲۵	۶۹/۷/۱۷	امینیه اهواز
۱۴	+	سر تیپ ۲ دکتر	۵۸/۱۱/۱۰	۶۰/۲/۱۵	دزفول
		احمد بنی پیراهیمی			دزفول
		بهرام بیات			

آبدان	۶۷/۲/۱۲	۶۴/۸/۱۸	حسین یور عبدالهی	دکتر	۲۳	ش
جسک	۶۳/۷/۱۰	۶۰/۱۰/۷	عبدالمعلی جابلی	دکتر	۲۴	ش
خارک	۶۸/۵/۲	۶۶/۱۲/۱	مصطفوی تاتوی	دکتر	۲۵	ش
دزفول	۶۷/۵/۲۶	۶۲/۱۰/۲۶	مسعود توسلیان	دکتر	۲۶	ش
دزفول - بارستان	۶۸/۱۰/۱	۶۵/۶/۷	عبدالمجید حاجبی	دکتر	۲۷	ش
دزفول	۶۱/۸/۲	۵۸/۸/۵	وحید زر نژاد	دکتر	۲۸	ش
دزفول	۶۳/۶/۸	۶۱/۳/۱۲	دلود زندی	دکتر	۲۹	ش
دزفول - بارستان	۶۲/۱/۱۷	۶۲/۱/۴	غواد دهقلی	دکتر	۳۰	ش
دزفول	۶۱/۱۲/۲۵	۶۱/۱۱/۲۴				
آبدان	۶۵/۳/۲۵	۶۲/۲/۱				
امیدیه	۶۲/۷/۲	۶۰/۳/۱۰	رحیم روح الهی	دکتر	۳۱	ش
دزفول - بارستان	۶۱/۹/۹	۶۱/۶/۳۰	محمد رضا ایران نژاد	دکتر	۳۲	ش
خارک - بارستان	۶۷/۱۱/۲	۶۶/۳/۱۶	حسین سلیمان	دکتر	۳۳	ش
خارک - بارستان	۶۴/۷/۱۴	۶۳/۵/۲۵	علی اکبر شهوه	دکتر	۳۴	ش
آبدان - بارستان	۶۰/۱۱/۲۴	۵۹/۱/۱	مسعود صفایی	دکتر	۳۵	ش
امیدیه	۷۱/۱/۱۹	۶۶/۶/۱۱	محمد ایرادیم صالحی	دکتر	۳۶	ش
دزفول - بارستان	۷۰/۲/۱۵	۶۵/۳/۱۵	یرسفلی صادق زاده	دکتر	۳۷	ش
جسک - بارستان	۶۲/۹/۱۲	۶۲/۲/۲۴	احمد طاباطبایی	دکتر	۳۸	ش
دزفول - بارستان	۶۸/۵/۲	۶۲/۱۱/۸	هادی طاباطبایی	دکتر	۳۹	ش
دزفول - بارستان	۶۸/۵/۱۵	۶۳/۴/۲۳	رحمت ... ضیایی	دکتر	۴۰	ش
دزفول - بارستان	۶۸/۴/۱۵	۶۲/۵/۱	مهییار قلیمی	دکتر	۴۱	ش
اهواز	۶۹/۱/۸	۶۶/۹/۱۰	وحید کاظم تمصدی	دکتر	۴۲	ش
اهواز	۶۶/۵/۱۵	۶۳/۸/۱	سیداحمد فاضلی ایزدویسی	دکتر	۴۳	ش
امیدیه	۷۲/۸/۱۵	۶۶/۶/۱۰	فرهاد فلاحی	دکتر	۴۴	ش
دزفول - بارستان	۶۳/۸/۱۴	۶۰/۸/۱۱	هادی افغانزاده	دکتر	۴۵	ش
خارک ۳، الجباز - بارستان	۶۸/۵/۸	۶۷/۴/۷	نجف فاضلی	دکتر	۴۶	ش
دزفول - بارستان	۶۷/۳/۲۹	۶۶/۲/۱	رحیم عیوض محمدی	دکتر	۴۷	ش
دزفول - بارستان	۶۶/۳/۹	۶۲/۵/۲۹	عبدالرحیم مانی	دکتر	۴۸	ش
دزفول	۶۶/۵/۳	۶۶/۴/۳	مهرداد محسن سلیم	دکتر	۴۹	ش
دزفول - بارستان	۶۶/۲/۲۸	۶۳/۸/۱۵	دلود معینیان	دکتر	۵۰	ش
چلبهار - بارستان	۶۸/۳/۱	۶۲/۷/۱۵	عبدالمعلی مولا	دکتر	۵۱	ش
دزفول	۶۷/۱۱/۲۴	۶۲/۷/۱۵				ش
دزفول - بارستان	۶۸/۳/۱۳	۶۶/۱/۱۶	محمد حسین مهرزادی	دکتر	۵۲	ش
دزفول - بارستان	۶۸/۵/۲۳	۶۳/۴/۲	اسماعیل کشی	دکتر	۵۳	ش
امیدیه - بارستان	۶۵/۹/۵	۶۳/۳/۵	رحیم کشاورز	دکتر	۵۴	ش

خارک	۶۴/۷/۲۸	محدث ۲۳ روز	سمیع عبدالهی	۵۵ دکتر	س
آبدان	۶۷/۸/۱۵	۶۳/۳/۱۲	وحید عابدین زاده	۵۶ دکتر	س
امیدیه	۶۷/۸/۱۵	۶۳/۸/۱۵	محمد باقر منوری	۵۷ دکتر	س
خارک	۶۴/۳/۵	۶۳/۴/۱۵	مشیر مومنی موکویی	۵۸ دکتر	س
امیدیه	۶۵/۹/۲۲	۶۴/۹/۱۹	محمد تقی محتسبی	۵۹ دکتر	س
خارک	۶۶/۶/۲۴	۶۵/۵/۱۵	حسن نویری	۶۰ دکتر	س
دزفول	۶۷/۷/۱۵	۶۳/۸/۱۵	علی نیکزاد	۶۱ دکتر	س
آبدان	۶۷/۷/۲۳	۶۵/۲/۲۵	رضا یونسی	۶۲ دکتر	س
خارک	۶۶/۱۲/۲۵	۶۶/۳/۲۵	میرزاخانی	۶۳ دکتر	س
جست	۶۳/۸/۲	۶۱/۹/۱	علی ولسته نژاد	۶۴ دکتر	س
فارسیان اهواز		۵۹/۱۰/۲۸	یوسف صانق زاده	۶۵ دکتر	س
تنگ حاجیان		۶۰/۴/۱۵			
سرپل ذهاب		۶۱/۹/۹			
سرپل ذهاب		۶۱/۱۰/۲۸			
سرپل ذهاب		۶۳/۱۰/۲۶			
سرپل ذهاب دزفول		۶۴/۲/۲۱			
گیلان غرب		۶۱/۲/۱	محمد یوسف زاده	۶۶ دکتر	س
آبدان		۶۱/۷/۱			
تیپ ویژه شهدا		۶۵/۲/۱			
خرمشهر شمشه		۱۵/۱۰/۱			
ماوراء عراق		۶۵ سال	فرامرز وقف رحمتی	۶۷ دکتر	س
سلیمانیه عراق		۶۶ سال			
خارک		۶۸ سال			
جبهه جنوب		۶۴/۳/۱	محمد حسن فتح اله زاده	۶۸ دکتر	س
سلیمانیه عراق		۶۵/۱/۱			
جبهه جنوب		۶۴/۲/۱			
کیش	۶۲/۶/۳۱	۶۲/۶/۱۶	سهراب نخعی آشتیانی	۶۹ دکتر	س
باختران	۶۳/۴/۱۹	۶۳/۳/۱۹	محمدرضا صمدپور لنگی	۷۰ دکتر	س
دزفول	۶۲/۳/۱۹	۶۲/۳/۱۲			
دزفول	۶۲/۸/۱۵	۶۲/۷/۲۸			
بوشهر	۶۱/۸/۲۳	۶۱/۸/۱۲			
دزفول	۶۰/۶/۱۹	۶۰/۶/۱۰			
امیدیه اهواز	۶۳/۶/۱۰	۶۳/۶/۱	صدیقه پروچردیان	۷۱ دکتر	س
امیدیه اهواز	۶۱/۹/۴	۶۱/۸/۱	طیرضا تسلیمی	۷۲ دکتر	س



ژزف دزیره تولوزان - طبیب مخصوص ناصرالدین شاه. معلم دارالفنون و برپا کننده مکتبی معتبر در طبقه طب



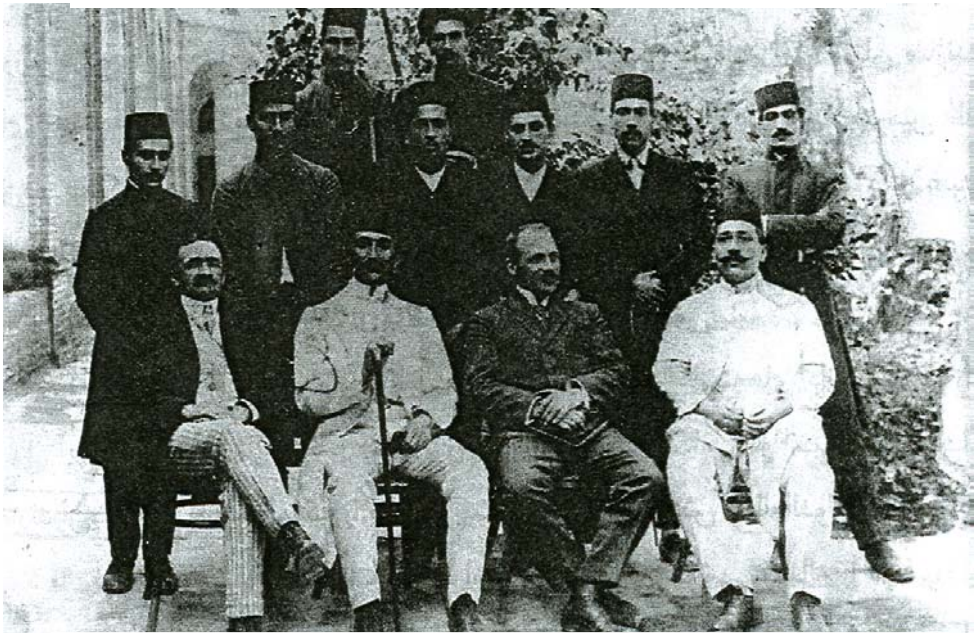
مدرسه دارالفنون و منظره شهر تهران - ستون قورخانه



شاگردان دارالفنون با لباس مخصوص مدرسه



ردیف وسط از راست به چپ: دکتر حکیم اعظم، دکتر گاله، دکتر ژرژ، دکتر امیر اعلم
استادان دارالفنون



استاد احمدیه (ردیف بالا سمت چپ)، ردیف نشسته از راست به چپ دکتر پرتو اعظم،
پروفسور گاله، استاد امیر اعلم، پروفسور گاشه

دولت علیه ایران وزارت جلیله علوم و معارف

مدرسه مبارکه دارالفنون - شعبه علم طب

تصدیق نامه تحصیلات سال اول طب

توضیح آنکه برادر محمد محمد خان ولد آقا میرزا محمد حسن از عهده امتحانات تحصیلات سال اول طب در ۱۸ ربیع دوم ۱۳۳۲ بمقام سیدین شریعتی سلطان ۹۱۳۳ بمقامی برآمد و نمره (۱۲۰۶۷) از طرف سنجین یابو داده شد.

محل امضای سنجین

محل امضای سنجین

تصدیق نامه تحصیلات سال مقدمات اولیه

توضیح آنکه برادر محمد محمد خان ولد آقا میرزا محمد حسن از عهده امتحانات تحصیلات مقدمات طب شبیه - فزیک - تاریخ طبیعی در ۱۸ ربیع دوم ۱۳۳۲ بمقامی برآمد و نمره (۱۲۰۶۷) از طرف سنجین یابو داده شد.

محل امضای سنجین

محل امضای سنجین

تصدیق نامه تحصیلات سال سیم طب

توضیح آنکه برادر محمد محمد خان ولد آقا میرزا محمد حسن از عهده امتحانات تحصیلات سال سیم طب در ۹ شهریور ۱۳۳۲ بمقام سیدین شریعتی سلطان ۹۱۳۳ بمقامی برآمد و نمره (۱۲۰۶۷) از طرف سنجین یابو داده شد.

محل امضای سنجین

محل امضای سنجین

تصدیق نامه تحصیلات سال دوم طب

توضیح آنکه برادر محمد محمد خان ولد آقا میرزا محمد حسن از عهده امتحانات تحصیلات سال دوم طب در ۲۲ شهریور ۱۳۳۲ بمقام سیدین شریعتی سلطان ۹۱۳۳ بمقامی برآمد و نمره (۱۵۰۲۸) از طرف سنجین یابو داده شد.

محل امضای سنجین

محل امضای سنجین

(اجازه نامه طبابت)

در قبال تربیت بنکال اعلیه حضرت اقدس شهر یاری خدایه ملکه و سلطانه چون برادر محمد محمد خان ولد آقا میرزا محمد حسن بموجب تعدیقات چهار ساله مفصله فوق علوم طبیعه را کاملاً تحصیل کرده و در هر حال بمقامی از عهده امتحانات برآمده لهذا از طرف وزیر علوم و معارف اجازه فارغ التحصیل طب بمشارایه داده شد و از این تاریخ حق طبابت با کایه حقوق مربوطه باردا داراست



محل امضای وزیر علوم و معارف

۱۳۳۳ در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۳۲



محل امضای رئیس مدرسه دارالفنون

اجاره نامه مطب استاد احمدیه



استاد احمدیه (نفر اول از چپ) به همراه دانشجویان طب دارالفنون در کنار استاد امیراعلم (نشسته)



بیمارستان شماره یک ارتش، در ردیف نشسته از راست به چپ نفر سوم دکتر میر - نفر پنجم دکتر
پارسا رئیس بیمارستان - در ردیف سوم نفر اول سمت راست پروفسور یحیی عدل



دکتر میر در اطاق عمل



دکتر میر

۱۳۲۰/۱/۲۴ - تهران

شرح حال اینجانب بقرآن بر است :

در سال ۱۹۰۴ تحصیلات متوسطه را در قمنازکلا سیک ایروان با تمام رسانیده و در همان سال وارد دانشگاه طب لوزان (سوئیس) گردیدم . در سال ۱۹۱۴ تحصیلات دوره طب را در آن دانشگاه می پایان رسانیدم و در سال ۱۹۱۶ نزد کتوای طب خود را که موضوع آن مربوط به *Cystoenterostomy* است براهمنائی پروفیسور *Roux* نوشته و گذراندم . در همان سال پایان تحصیلات دوره طب یعنی در سال ۱۹۱۴ به سمت انجمن جراحی پروفیسور *Roux* در دانشگاه انتخاب گردیدم و تا سال ۱۹۲۰ به سمت انجمن مشاوران در دانشگاه در قسمت جراحی دارا بوده ام . از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۱ در کلینیک شخصی پروفیسور *Roux* بنام *Reusement* معاون ایشان بوده ام .

در سال ۱۹۲۱ وارد ایران گردیدم و از سال ۱۳۰۱ شمسی داخل بیمارستانهای ارتش شده و به ترتیب در بیمارستانهای سه شماره (۲) و (۱) ارتش به سمت ریاست بخش جراحی راد انشده ام . در سال ۱۳۰۶ به سمت جراح بیمارستان وزیری منصوب شدم . در تاریخ ۱۳۱۴ بنا بر نامه شماره ۶۸۴ دانشگاه تهران مورخه ۱۳۱۴/۱/۱۵ از طرف وزارت فرهنگ و دانشگاه طب و دندان سازی و دارو سازی به سمت ستادی کلینیک امراض جراحی منصوب و معین گردیدم . از سال تجدید سازمان دانشگاه به توسط آقای پروفیسور ابراهیم به سمت ریاست بخش جراحی بیمارستان وزیری که تا کنون نهضت به دار آن هستم انتخاب گردیدم .

شیرین جراحی بیمارستان وزیری - دکتر میر

مشاغل دکتر میر با امضای خودش



دکتر آلبو میان شاگردان طبقة طب دارالفنون



از راست به چپ: ۱- دکتر احیاء الملک. ۲- دکتر جلیل خان دبیرالدوله. ۳- دکتر علیم السلطنه. ۴- دکتر لسان الحکما. ۵- دکتر لقمان الدوله. ۶- دکتر اعلم الدوله. ۷- سردار اسعد. ۸- دکتر امیر اعلم. ۹- دکتر حکیم اعظم. ۱۰- دکتر سیف الاطباء. ۱۱- دکتر موسی خان. ۱۲- دکتر محمدخان علائی. ۱۳- دکتر احیاء الدوله. ۱۴- امیر جنگ
(تحصیل کردگان اروپائی بتدریج عباى طبایى سنتی را می گیرند)

نقل از کتاب: ب،ن،تاریخ جاوید، تهران: وزارت جنگ،
ستاد ارتش، ۱۳۲۵ ش

سرهنک عباس معین آزاد:



دامپزشک ارتش، متولد ۱۲۷۹ فرزند
سید باقر معین آزاد، پس از تحصیلات
عمومی در ۱۳۰۰ هـ.ش به خدمت ارتش وارد
شده و پس از طی دانشکده دامپزشکی
ارتش در ۱۳۰۳ درجه ستواندومی گرفته،
سپس به ترفیعات نائل شده و در
فروردین ۱۳۲۴ درجه سرهنگی گرفته
و در وقایع آذربایجان در تاریخ ۱۰/۱۱/۱۳۲۴
(در مراغه مجروح شده) و
در حال انتقال به بیمارستان تبریز
توسط فرقه دمکرات در راه حفظ وطن و
شرافت کشور به فیض جانبازی نائل شده
است.

نقل از کتاب: ب،ن،تاریخ جاوید، تهران: وزارت جنگ،
ستاد ارتش، ۱۳۲۵ ش

:



فرزند نصرالله مظاهری متولد
۱۲۹۲ هـ.ش تحصیلات در دبیرستان سن
لویی و دانشکده پزشکی تهران در ۱۹
آبان ۱۳۱۹ برای خدمت وظیفه وارد
ارتش گردیده، ۲۹ آبان ۱۳۲۰ به
درجه ستوان دومی نائل و سپس پزشک
گردان سوم هنگ ۳۷ پیاده لشکر ۹
اصفهان گردیده. در ۲۴ خرداد ماه ۱۳۲۱
هنگامی که جزء ستون اعزامی به ناحیه
بختیاری بوده در هجوم شبانه اشرا
ر به فیض جانبازی نائل گردیده است.

نقل از کتاب: ب،ن،تاریخ جاوید، تهران: وزارت جنگ،
ستادارتش، ۱۳۲۵ ش



ستواندوم وظیفه دکتریحیی رجایی:

فرزند یوسف رجایی متولد ۱۲۹۲ در تهران
تحصیلات عمومی را در دبستان اشراف
ودبیرستان علمیه تهران گذرانده. سپس
وارد دانشکده پزشکی تهران شده و پس از
یکسال برای ادامه تحصیل به پاریس رفته،
پس از مراجعت در ۱۴ شهریور ۱۳۱۸ برای
خدمت زیر پرچم وارد ارتش شده و در ۱۴
شهریور ۱۳۱۹ به درجه ستوان دومی نائل
شده، سپس درسمت پزشک گردان دوم
هنگ ۲۴ پیاده بانه مشغول انجام وظیفه
شده در تاریخ ۱۹ شهریور ۱۳۲۰ هنگام
ورود اشرارکردستان به بانه به افتخار
جانبازی نائل گردیده است.

نقل از کتاب: ب،ن،تاریخ جاوید، تهران: وزارت جنگ،
ستادارتش، ۱۳۲۵ ش



همردیف ستواندوم پزشکیار قدرت الله

عزیزی:

فرزند محمد باقر متولد ۱۲۹۵ کاشان فارغ
التحصیل آموزشگاه پرستاری ارتش در سال
۱۳۲۱ درجه استواری کمی پزشکیار گرفته در
۲۴ مرداد ۱۳۲۶ همردیف ستواندوم
گردیده و در ۲۵ مرداد ۱۳۲۶ درمرز غربی
کشور (ناحیه مرگور) در راه حفظ وطن و
شرافت کشور به فیض جانبازی نائل
شده است.

بتاریخ ماه ۴ سنه ۱۳۱۶

نمره ۱۳۸۶ ضمیمه
۱۹۲۷/۸



وزارت
اداره



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره تعلیمات عالیہ

دایرة

مدارك تحصيلی آقای دکتر یوسف میرا برزانی دارنده مورقه نام و نشان نمره ۱۳۲۵۵

مورخ ۵ اسفند ۱۳۰۴ صادره از تهران بشرح ذیل

(۱) دانشنامه دکتري در طب از دانشگاه لوزان مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۱۶

(۲) گواهینامه از بیمارستان کاننوتال لوزان (سویس) مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۲۱



- (۳) _____
- (۴) _____
- (۵) _____
- (۶) _____
- (۷) _____
- (۸) _____

که برای تعیین ارزش بوزارت معارف داده بود در سیصد و چهل و ششمین

جاسه شورای عالی معارف مورخ ۱۸ اسفند ۱۳۱۵ تحت رسیدگی

واقع گردید صحت صدور و تعلق مدارك فوق به او تصدیق و

مشارالیه دکتر در طب شناخته شد * از طرف وزیر معارف



ل- ۲۵۸-۱

گواهی تعیین ارزش مدارك دکتري از طرف شورای عالی معارف

نوشته شادروان سرلشکر دکتر احمد میرافضلی
رئیس بهداری ژاندارمری کل کشور به مناسبت بازنشستگی دکتر میر

در میان غوغای پُرشور و شرّ زندگی و محیطی پر از هوی و هوس
مردانی هم پدید می آیند که وجود خود را وقف تعلیم و تربیت ابناء وطن
می کنند و مایه افتخار و مباهات جامعه اند.

اینان چون شمعی می سوزند ولی محیط خود را بالمعان تعلیم و تربیت
نورافشانی می کنند و ارکان فردای کشور را با آموزش نوخواستگان
پیریزی می کنند. این رادمردان با فضیلت و با تقوی پشت پا به امیال
نفسانی زده و آموزش جوانان را وجهه همت مردانه خود قرار داده اند.

با چه زبانی می توانم از استاد عالیقدر خود جناب دکتر میرقدردانی
کنم. ستایش از استادی کنم که اولین بار در سال ۱۳۱۲ چاقوی جراحی را
به دستم داد و مرا در این راه رهنمون بود. اگر امروز دردمندی به کوشش
من راه عافیت و سلامت را می پیماید و از من سپاسگزار است این
سپاسگزاری، ای استاد، غیر مستقیم به تو باز می گردد و درودی است که
به تو عرضه می دارد.

این تو بودی که سکان کشتی طبابت و جراحی را به دستم دادی و به من
آموختی که این بار سنگین را چگونه به ساحل نجات برسانم و آلام

بیماران و درماندگان را به خواست خداوند بزرگ شفا بخشم و درمان کنم. راه رادمردی و دستگیری بیچارگان را تو به من آموختی و هم تو بودی که نهال شرافت و تقوی را در وجود من کاشتی و مرا به حرفه مقدس خودت آشنا ساختی. قلوب دردمندان و درماندگانی که به دست شاگردان تو به سر منزل عافیت و سلامت رسیده‌اند به خاطر وجود نازنینت به طیش در آمده‌اند و همه جا صمیمانه به دعای خیر یادت می‌کنند.

هر که در او جوهر دانائی است بر همه کاریش توانائی است استاد بزرگوار حال که با صفات انسانی نیت مرا منشاء اثر خیری ساختی و نهال زندگیم را بارور کردی تا پایان عمر این شعار همیشگی ام خواهد بود:

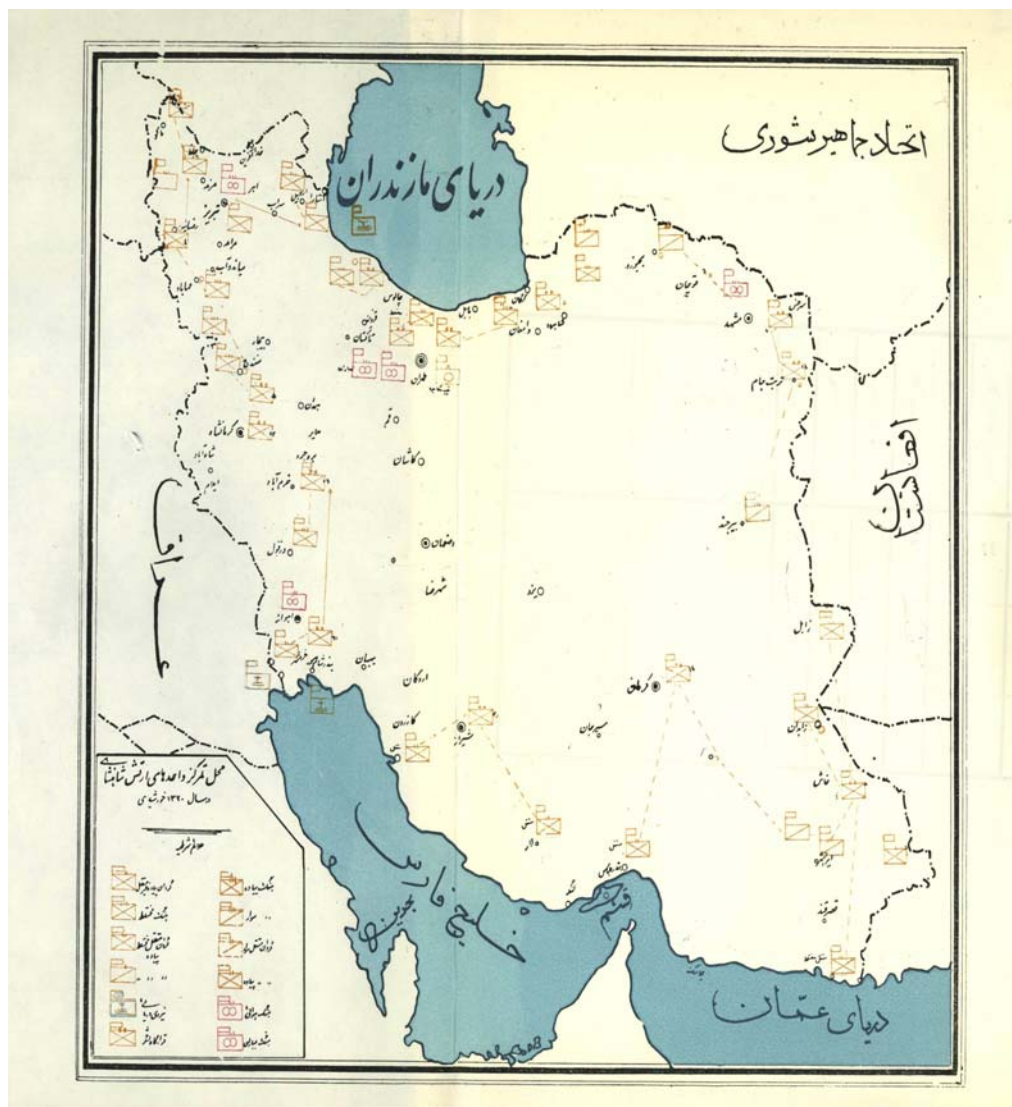
چون هستی من ز هستی اوست تا هستم و هست دارمش دوست

دی ماه ۱۳۴۰ - سرلشکر دکتر احمد میرافضلی

رئیس بهداری ژاندارمری کشور



قلمرو قدرتهای عشایری در ایران در سال ۱۲۹۹ ش، پایان دوران قاجاریه. نقل از کتاب بیگلرپور، سرتیپ علیقلی، تاریخ تشکیل ارتش نوین ایران، جلد یکم، چاپخانه ارتش، ۱۳۲۵، ص ۴۴



محل تمرکز واحدهای ارتش در سال ۱۳۲۰ ش

نقل از کتاب: بیگلرپور، سرتیپ علیقلی، تاریخ تشکیل ارتش نوین ایران، جلد یکم، چاپخانه ارتش، ۱۳۲۵، ص ۸۰

منابع:

منابع فارسی فصل یکم و دوم

۱. ابن ابی اصیبعه، ترجمه سید جعفر غضبان، دکتر محمود نجم آبادی، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، جلد اول، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ ش، ص ص ۵۴، ۳۲، ۶۲.
۲. احمدیه، دکتر آسیس، یادنامه حکیم دکتر عبدالله خان احمدیه، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، زمستان ۱۳۸۱، ص ص ۱۶، ۱۷.
۳. احمدیه، عبدالله، رازدرمان، تهران: اقبال، ص ۳۵.
۴. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، الماثر والاثار، جلد اول، تهران: ص ۳۴۹.
۵. افضل الملک، غلامحسین، افضل التواریخ، تهران: ص ۱۱۶.
۶. الگود، سیریل (طبيب سفارت انگلیس در ایران)، ترجمه محسن جاویدان، تاریخ پزشکی ایران، تهران ۱۳۵۲، ص ص ۶۲۸-۷۳۲ پراکنده.
۷. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، جلد ۴، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، ۱۳۲۴ ش، ص ۱۶۸.
۸. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، جلد ۵، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، ۱۳۲۴ ش، ص ۱۵۷.
۹. ب.ن، تاریخ جاوید، تهران: وزارت جنگ، ستاد ارتش، ۱۳۲۵ ش، تصاویر.
۱۰. بروگش، هنریش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، تهران: ب.ت، ص ۴۷۷.
۱۱. ب.ن، تاریخچه پزشکی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلام ایران، نشریه نهمین گردهمایی روسای بیمارستانها و درمانگاهها ومراكز درمانی نهجا، تهران: مردادماه ۱۳۸۵، ص ۴.
۱۲. بیگلرپور، سرتیپ علیقلی، تاریخ تشکیل ارتش نوین ایران، بخش نخست از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش، تهران: چاپخانه ارتش، ۱۳۲۵، ص ۳۸، تصاویر ص ص ۴۴، ۶۵، ۸۰.
۱۳. پژوهشگران ایران، کتاب گیلان (فصل بهداشت و درمان) جلد سوم، تهران: ۱۳۷۴، ص ۵۴۵.
۱۴. پولاک، یاکوب ادوارد، سفر نامه ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۲.

۱۵. تاج بخش، حسن، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران دوران اسلامی، جلد دوم، تهران: ۱۳۷۵، ص ۶۸۱.
۱۶. تاج بخش، حسن، تاریخ بیمارستانهای ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۴.
۱۷. چاوشی، معصومه، تاریخچه تشکیل سازمانهای امداد و نجات در جنگهای جهانی، روزنامه اعتماد، شماره ۹۷۸، تهران: دوشنبه ۲۳ آبانماه ۱۳۸۴، ص ۲.
۱۸. رایت، سردنیل، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انگلیسیان در ایران، تهران: نشر اختران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ص ۱۶۳- ۱۷۴ پراکنده.
۱۹. روستایی، محسن، تاریخ طب و طبابت در ایران، جلد دوم، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲، ص ص ۵- ۱۲۸ پراکنده.
۲۰. غفاری، ابوالحسن، تاریخ روابط ایران و فرانسه، تهران ب.ت، ص ۹۹.
۲۱. قائم مقامی، سرهنگ مهندس جهانگیر، تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمی ترین ایام تا عصر حاضر، تهران: ۱۳۵۵، ص ص ۶۸، ۵۹.
۲۲. قدرت، دکتر سید محمدحسین، باستان شناسی قرآن کریم، تهران: انتشارات بیان جوان، ۱۳۸۳، ص ۶۶.
۲۳. کاظمی، سپهبد محمد، تاریخ پنجاه ساله نیروی زمینی ایران، تهران: آبانماه ۱۳۵۵ ش، ص ۴۵.
۲۴. کرزن، جرج ن، ایران و قضیه ایران، جلد اول، تهران: ب.ت، ص ۷۶۹.
۲۵. گاردان، کنت آلفرد، خاطرات مأموریت در ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران: ۱۳۶۲، ص ص ۱۴۰، ۱۳۵، ۱۳۴.
۲۶. گروته، هوگو، ترجمه مجید جلیلوند، سفرنامه گروته، تهران: ب.ت، ص ۳۲۲.
۲۷. محقق، دکتر مهدی، تاریخ اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴، ص ۲۶.
۲۸. میراحمدی، دکتر مریم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی، چاپ اول، تهران: ۱۳۷۱، ص ۲۲۷.

منابع/۲۴۹

۲۹. میر، دکتر یوسف، زندگینامه و تاریخچه تحول طب و جراحی دکتر محمدعلی میر و دکتر علی محمد میر، چاپ اول، تهران: انتشارات طلایه، زمستان ۱۳۸۳، ص ۳۲.
۳۰. هدایت، رضاقلی خان، روضت الصفاى ناصرى، جلد ۹، تهران: ب.ت، ص ۲۹۱.
۳۱. یکرنگیان، سرتیپ میرحسین، سیری در تاریخ ارتش ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات خجسته، ۱۳۸۴، ص ص ۲۴۳، ۲۲۳.

منابع لاتین فصل یکم و دوم

- ۱- AMEDDREGIMENT. AMEDD. Army. Mil, Hilighlights
in Army Medical
- ۲ -Department history, ۴/۶/۲۰۰۶. U.S.A., Chicago: ۱۹۷۸, p. ۳۰۶
b-g Wiliam nault, Wh., World Book, Voll,

منابع فصل سوم و چهارم

- تراب زمزمی، عبدالحمید، ترجمه مژگان نژند، جنگ ایران و عراق، تهران : نشر سفید، ۱۳۶۸، ص ۲۲
- جعفری، مجتبی، اطلس نبردهای ماندگار (عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس شهریور ۱۳۵۹ - مرداد ماه ۱۳۶۷)، تهران، نودید طراحان، ۱۳۸۴، ص ۱۵
- سیف الله، سرتیپ دکتر غلامرضا (رئیس اداره بهداری نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس)، یادداشتهای شخصی و خاطرات چاپ نشده.
- نامجوی نیک، سرتیپ ۲ دکتر خسرو (معاون اداره بهداری نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس)، یادداشتهای شخصی و خاطرات چاپ نشده.
۳. گاه شمار سیاست خارجی ایران نوازی، بهرام، صفحه ۲۵۰ - ۲۵۳، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ۱۳۸۱
۴. جنگ ایران و عراق عبدالمجید تراب زمزمی. ترجمه مژگان نژند ص ۲۲، تهران - زمستان ۱۳۶۸ نشر سفید.
۵. اطلس نبردهای ماندگار، عملیات نیروی زمینی در هشت سال دفاع مقدس ص ۱۵، مجتبی جعفری. ارتش جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای دفاع مقدس، چاپ دوم زمستان ۱۳۸۴

نمایه

ارکان حرب کل قشون, ۹۲
 اسحاق: حنین بن, ۲۷
 اسرار الاطباء: کتاب, ۳۴
 اسقلیبوس: یونانی, طبیب, ۲۳, ۲۵
 اسکات: دکتر, ۴۳
 اسکندریه, ۲۶
 اسلستین: دکتر, ۸۳
 اسماعیل گرگانی: ابوالبراهیم, شرف الدین, ۲۷
 اشکانیان, ۲۴
 اصلانی: دکتر, سرتیپ, ۹۸
 اعتماد الاطباء: حاج میرزا, حسین خان, ۱۰۷
 اعظم: حکیم, دکتر, ۴۹
 اعلم: امیر, سردار, ۱۰۲, ۱۰۷
 اف: جعفر, دکتر, ۹۴
 افشار: حاجی بابا, ۳۹
 افغان: علیمراد بیک, ۷۵
 افیونیه, ۳۲
 اکباتان, ۲۵
 الابدان: تشریح, ۳۲
 الادویه: الابینه, عن حقائق, ۳۰
 الاسباب والعلامات, ۳۱
 الایلاقیه: الفصول, کتاب, ۳۰
 البقراطیه: المعالجات, ۲۹
 الحاوی, ۲۹
 الشافیه, ۳۲; المركبات, ۳۲
 الشکوک, ۲۹
 العبادی: حسین بن, اسحاق, ۲۷
 الغنی: و المنی, ۲۹

آ

آئین نامه, ۴۶, ۴۹, ۵۰
 آتابای: هادی خان, طبیب, سرهنگ, ۹۵, ۹۶
 آتن: دانشگاه, ۲۶
 آرامی: زبان, ۲۶
 آشتیانی: طبیب, میرزا محمد حسین, ۷۸
 آشوری: غلامحسین, دکتر, ۱۰۶
 آکوپانکچر, ۲۴
 آلپوی آلمانی: دکتر, ۴۱
 آمبرواز پاره: فرانسوی, دکتر, ۳۳
 آمریکایی: بیمارستان, ۸۱, ۸۲

ا

ابراهیمیان: دکتر, ۹۴
 ابن مقفع, ۲۸
 ابوعلی سینا: شیخ الرئيس, ۲۷, ۲۹, ۳۱
 اتر: دارو, ۹۶
 احسان طباطبایی: محمدعلی, سرتیپ, ۹۸
 احمد: میر نظام الدین, ۲۹, ۳۲, ۳۴, ۴۳, ۵۰, ۸۰
 ۸۷, ۹۴, ۱۰۱, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۱۲
 احمدی: مریشخانه, ۱۱۱
 احمدیه: دکتر, عبدالله, ۴۹, ۸۵, ۸۶, ۸۷, ۹۱, ۱۰۶
 ۱۱۱, ۱۱۳
 ادس, ۲۶
 ادیب الحکما: دکتر, ۱۱۳
 ارتودکس, ۲۶
 اردشیر, ۲۵

۲۵۲/ تاریخچه طب نظامی

بهداشت، ۲۷، ۳۷، ۳۸، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۴، ۸۱، ۸۳، ۹۲، ۹۶
 بهرامی: حسین، دکتر، ۴۷، ۴۹، ۱۰۶، ۱۱۰
 بهشتی: ملکزاده، دکتر، ۱۱۲
 بوسیر: دکتر، ۸۰
 بولوگنا: دانشگاه، ۳۰
 بونگران: دکتر، ۸۰
 بیرونی: ابوریحان، ۲۹
 بیطار: مدرسه، ۹۰، ۹۲، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۱
 بیوتروریسم، ۵۳

پ

پارسا: سرلشکر، ۹۸
 پاریس، ۳۰، ۳۷، ۴۰، ۵۰، ۸۰، ۸۸، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱
 پرکینز: دکتر، ۸۲
 پهلوی، ۲۶، ۲۸، ۷۵، ۹۱، ۱۰۱، ۱۰۸
 پولاک: اطریشی، دکتر، ۴۰، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۷۷، ۷۹، ۷۸
 پیامبراکرم اسلام (صلی الله علیه وآله)، ۲۶

ت

تبریزی: علاء الدین، پزشک، ۳۲
 تحفه سلیمانی: کتاب، ۳۴
 تحفه المؤمنین: کتاب، ۳۴
 تشریح الاعضاء، ۲۹
 تهرانی: آقاسیدعلی اکبر، مستشارالاطبا، ۱۱۳
 تیغوس: بیماری، ۶۳، ۸۳
 تیلتون: جیمز، دکتر، ۵۴

القمری: ابومنصور، حسن بن نوح، ۲۹
 المائه فی الصناعات الطبیه، ۲۹
 المنصوری، ۲۹
 امیرکبیر: میرزاتقی خان، ۴۴
 انوارناصری: کتاب، ۴۱
 انوشیروان، ۲۶
 اهوازی: علی بن، علی، ۲۹
 اهوم ستوت: ستناپور، ۲۵
 اوبرلین: پروفیسور، ۵۱
 اوستا، ۲۵
 ایکس: اشعه، ۳۸
 ایلاقی: شرف الزمان، محمد، ۳۰
 ایمهوتپ، ۲۴؛ مصری، ۲۵

ب

بارتون: کلارا، ۳۷
 بازیل: دکتر، ۴۷
 بختیشوع، ۲۶
 بدیعی: اختیارات، کتاب، ۳۱
 برزویه: طبیب، ۲۶
 بروس: رابرت، ۴۱، ۸۳
 بروگش: هنری، دکتر، ۸۰
 بریگز: جراح، ۳۵
 بغداد، ۲۹، ۳۰
 بقراط، ۲۳
 بگمز: دکتر، ۷۹
 بهتاش: دکتر، سرتیپ، ۹۸
 بهداری: رسته، ۲۱، ۴۶، ۵۳، ۶۰، ۷۸، ۷۹، ۸۷، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹
 ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۱

ث

ثرتیا: یونانی، طبیب، ۲۵

ج

جالینوس، ۲۸

جامع الجوامع: کتاب، ۳۳

جان مک نیل: دکتر، ۳۵، ۴۲

جذام: بیماری، ۲۴

جراح: سیدعباس، ۷۸؛ میرزااحسن، ۷۸

جراح نظام: محمدعلی، ۴۶

جرجانی: سیداسماعیل، پزشک، ۳۰

جندی شاپور: دانشگاه، ۲۶، ۲۸

جنگهای کریمه، ۳۶

جهان نمای جدید: کتاب، ۴۴

جواهراللغه: کتاب، ۳۲

جودیه: رساله، ۲۹

جوکس: اندرو، دکتر، ۴۲

جونز: جان، دکتر، ۳۵، ۳۹، ۴۲، ۵۴

جوهریه: رساله، ۴۱، ۴۸

جویه: ماسر، ۲۸

ح

حفظ الصحة: مجلس، ۴۷

حکیم الملک: میرزا علینقی، پزشک، ۴۶، ۷۸

حکیم با شی: سیدباقر، حاج میرزا، ۱۰۸

حکیم باشی: میرزا سیدرضی، ۱۰۹؛ میرزااحسن

خان، سرتیپ سوم، ۷۸

حکیم قلبی، ۴۰

حنین: اسحاق بن، ۲۸

خ

خوارزمشاهی: ذخیره، کتاب، ۲۷، ۳۰، ۳۳

د

دارالفنون: مدرسه، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۷۷، ۷۸، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳

داریوش، ۲۵

دامپزشکی: مدرسه، ۹۲

دزیره: ژوزف، ۴۷

دشتکی شیرازی: غیاث الدین منصور، حکیم، ۳۲

دک: هیوا، پزشک، ۴۳

دموکدس: یونانی، پزشک، ۲۵

دو وینچی: لئونارد، هنرمند، ۳۲

دواساز: میرزا بزرگ، ۷۸

دوافروشی: نظامنامه، ۵۰

دولتی: مطبخخانه، ۸۱

دیکسون: جوزف، ۴۲، ۴۳، ۴۷

ذ

ذوالفقاری: دکتر، سرتیپ، ۴۹

ر

رئیس الاطبا: میرزاعلی، ۱۰۹

رابرت کخ، ۳۶

رازدردمان: کتاب، ۸۶

رازی: ذکریا، محمدبن، ۲۷، ۲۸، ۲۹

ربن طبری: علی بن، ۲۷

رجایی: یحی، دکتر، ۱۰۹

رحمانی: دکتر، سرتیپ، ۹۸

۲۵۴/ تاریخچه طب نظامی

رنتگن: ویلهم، آلمانی، ۳۸
روم، ۲۱، ۲۴، ۵۳

ز

زادالمسافرین: کتاب، ۳۳
زرتشت، ۲۵
زرندی: طبیب، میرزا محمد حسین، ۷۸

ژ

ژرژ: دکتر، ۴۹، ۷۹

س

ساسانیان: زبان، ۲۴
سالرنو: ایتالیا، مدرسه پزشکی، ۳۰
سانسکریت: زبان، ۲۸
سپه: داروخانه، ۹۶؛ سردار، ۹۰
سریانی: زبان، ۲۷، ۲۸

سلطانی: غلامحسین، دکتر، سرگرد، ۱۰۷
سمرقندی: نجیب الدین، پزشک، ۳۱
سمناتی: سیدرضی، میرزا، ۷۸، ۱۰۹
سهل: شاپوربن، ۳۰
سورل: دکتر، ۸۰
سوریه، ۲۶، ۱۰۷
سولفرینو، ۳۷

سیاح: محسن، دکتر، ۵۱
سیفی: حسین خان، دکتر، ۹۴
سید علی: میرزا، ۴۶، ۷۷

ش

شاپوراوول، ۲۶

شروین: داروخانه، ۵۰
شلیمر: دکتر، هلندی، ۴۰، ۸۱
شمس: محمد قلی، پروفیسور، ۱۱۲
شنیدر: دکتر، ۴۷، ۷۹
شورای صحنه، ۴۷
شوروی: بیمارستان، ۸۲
شیخ: ابوطالب خان، دکتر، ۱۰۲، ۱۱۱
شیرازی: میرزا ابراهیم، ۴۰؛

ص

صاحب: دکتر تقی خان، ۴۹
صدیق: عیسی، دکتر، ۵۱
صفائی نیلی: دکتر، سرلشکر، ۹۸
صلیب سرخ، ۳۷، ۵۹
صیاد شیرازی: علی، سپهبد شهید، ۴؛

ط

طاعون: بیماری، ۴۸، ۵۳، ۵۸، ۶۰، ۸۳، ۱۰۲
طب الاکبر، ۳۴
طب الرضا، ۲۷
طب الصادق، ۲۷
طب النبی، ۲۷
طب رزمی، ۶۱
طب نظامی، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۸، ۴۵، ۵۳، ۵۴، ۷۶،
۷۹، ۸۷، ۱۰۶
طبرستان، ۲۹
طیب: ابوالفتح میرزای.

ک

- کامل علائی: کتاب، ۳۲
کرمانشاهی: محمد، دکتر، ۴۷
کزلانی: دکتر، ۴۷
کلام الله مجید، ۲۷
کلدانیان، ۲۳
کلده: حارث بن، پزشک، ۲۷
کلروفرم: دارو، ۳۷
کلوکه: فرانسوی، طبیب، ۴۸، ۴۷، ۳۵
کمپل: انگلیسی، جراح، ۳۵
کوپن: دکتر، ۸۰
کوچران: دکتر، ۸۲
کورمیک: چارلز، ۳۵
کیست: نورت، کاپیتان، ۱۰۲

گ

- گاشه: دکتر، ۸۰
گالن، ۳۲، ۲۴
گاله: دکتر، ۴۹
گران: دکتر، ۸۲
گرگان، ۲۹
گنابادی: سلطانعلی، دستورالعلاج، ۳۲
گوران: دکتر، سرتیپ، ۹۸
گوشه: دکتر، ۴۸
گیلانی: کمال الدین، ۳۳؛ میرزا ابراهیم خان، ضیاء
الاطباء، ۱۱۰

ل

- لابا: فرانسوی، دکتر، ۳۵
لسان الحكماء، ۱۱۲

طیبیان، ۲۱، ۲۵، ۳۱، ۳۴، ۴۷، ۷۷، ۷۸، ۸۱.

۱۰۸، ۱۰۹

طولوزان: دکتر، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۷۹، ۸۰

ع

- عبری، ۲۸
عربی، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲
عرفانی: دکتر، سرتیپ، ۹۸
علوم پزشکی، ۲۴، ۲۶، ۱۱۲
علی هروی: موفق بن، ابومنصور، ۳۰
علی آبادی: میرزا رضا خان، ۴۶
عین الحیوه، ۳۴

غ

غلامحسین خان: دکتر، سرتیپ، ۹۴

ف

- فاگرین: دکترسوئدی، ۸۰
فردوس الحکمه، ۲۷، ۲۸
فریم: دکتر، ۸۱
فکتی، ۴۵
فلمینگ: الکساندر، کاشف، ۳۸
فوریه: دکتر، ۴۵، ۴۶، ۸۰

ق

- قاجار آصف الدوله: میرزا علی خان، ۴۷
قانون، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۴۶، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۹، ۶۷، ۷۹، ۸۴، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۹
قرا با دین، ۳۰، ۳۲
قرشی: ابن نفیس، پزشک، ۳۱

لقمان ادهم: محمدحسین خان، دکتر، ۵۰
لوئی پاستور، ۳۶، ۵۶
لوکنت: گوستا، سرگرد، ۵۰، ۸۱
لیستر: ژوزف، ۳۶
لیندلی: لنوکس، دکتر، ۴۳
لیونهوک: آنتوان، وان، ۳۶

مذهب السلطنه: چشم پزشک، ۹۴
موجزالقانون: کتاب، ۳۱
مولر: دکتر، مولر، ۴۷
میرزا حسین: دکتر، ۴۶، ۸۱، ۱۰۷
میزان الطب، ۳۴

ن

نا یتینگل: فلورانس، ۳۶
ناظم الاطباء: میرزا علی اکبرخان، ۴۶، ۴۹، ۷۸؛
میرزا موسی خان، ۷۸
نبض: رساله، ۲۹
نردکیس: نیلس، سروان دکتر، ۱۰۱
نسطوری، ۲۶
نصر: سیدولی الله، سرتیپ دکتر، ۴۹
نظام: اداره صهی، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۵، ۶۰، ۷۷، ۷۸،
۸۰، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۶،
۱۰۰، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۳
نظام الحکما: میرزا محمد، ۷۸
نظامی: دواخانه، ۲۱، ۲۲، ۳۵، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۴۶،
۴۹، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۴،
۶۵، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۸،
۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۴،
۹۵، ۹۶، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰،
۱۱۲، ۱۱۳؛

نلیگان: دکتر، ۴۳
نو افلاطونی، ۲۶
نوبختی: خاندان، ۲۷

م

مؤتمن الاطباء: میرزاسین العابدین خان، ۴۹
مارولا: دکتردوشن، ۸۰
ماری کوری: پیرو، فرانسوی، فیزیكدان، ۳۸
ماسویه، ۲۶
مجاهدیه: کفایه، کتاب، ۳۲
مجمع الحکمتین و جامع الطیین: کتاب، ۴۰
مجوسی: علی بن عباس، ۲۹
محلانی: میرزا کاظم، ۴۶
محمد الطبری: ابوالحسن احمدین، ۲۹
مرزبان: بهمنیارین، ۳۰
مرسلین مسیحی: هیأت، ۴۱
مشیراعلم: ابوطالب خان، دکتر، ۱۱۱
مصاحب: دکترعلی محمد خان، ۹۵
مصریان، ۲۳، ۱۱۳
مضمار دانش، ۳۴
مظاهری: حسین، دکتر، ۱۱۲
معالم الشفاء: کتاب، ۳۲
معمد: دکترحسین خان، ۴۹، ۵۱، ۹۴، ۱۰۲، ۱۱۱،
۱۱۲
مفتاح الطب: کتاب، ۲۹
مقدم: حسین، سرتیپ دکتر، ۴۹
ملچارسکی: فالد کوش، دکتر، ۵۱
من لایحضره الطیب: کتاب، ۲۹

وبا: بیماری، ۴۱، ۵۳، ۵۸، ۶۰، ۸۳
وزارت جنگ، ۹۶
وزیری: بیمارستان، ۸۱، ۹۶، ۱۱۱
وسالیوس: پروفیسور، ۳۲
ویرشو: روداف آلمانی، پزشک، ۳۶

ی

یادگار: کتاب، ۳۰
یالمارسون: ژنرال، ۱۰۱
یحیی المسیحی: بوسهل عیسی بن، پزشک، ۲۹
ین ویانگ، ۲۴
یوسف، ۳۲
یوسفی، ۳۲
یونانی، ۱۰۷

ه

هادی خان: سرتیپ، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۵
هخامنشیان، ۲۴
هرمس، ۲۳
هلال احمر: سازمان، ۳۷
همدانی: رشیدالدین فضل الله، طبیب، ۳۱، ۷۸،
۱۰۹
هنجن، ۴۹
هندو: ابوالفرج علی بن الحسین بن، ۲۹
هندوستان، ۲۶
هورنل: دکتر، ۴۱، ۸۳
هیل: دکتر، ۱۰۱

و

والرین: امپراتورروم، ۲۶



Tarikhche Tebe Nezami

Dr. Khosrow Namjoounik

War Cognizance Committee Of

Martyr Lieutenant *General Ali Sayyad Shirazi*